

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ





دانشگاه بوعلی سینا

## فصلنامه پژوهشنامه نخب البلاغه

سال دهم / شماره سی و هشتم / تابستان ۱۴۰۱

شماره چاپی ۵۲۳۳-۲۳۴۵

شماره الکترونیکی ۵۲۴۱-۲۳۴۵

بر اساس رأی جلسه مورخ ۱۳۷۱/۷/۲۲ به شماره ۵۹۰۵۹/۱۸۱۸/۳ کمیسیون

بررسی اعتبار نشریات علمی - پژوهشی به فصلنامه پژوهشنامه نخب البلاغه

درجه علمی - پژوهشی اعطا گردید.

این نشریه در مرکز استادی علوم جهان اسلام (ISC)، کمپان [magiran.com](http://magiran.com)، نور مرکز [noormags.ir](http://noormags.ir) و در پایگاه

علمی جهاد دانشگاهی [www.sid.ir](http://www.sid.ir) نیز سازی شده است.

## فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه

(علمی)

سال دهم / شماره سی و هشتم / تابستان ۱۴۰۱

- ❖ صاحب امتیاز: دانشگاه بوعلی سینا
- ❖ زمینه انتشار: پژوهش‌های نهج البلاغه
- ❖ مدیر مسئول: مسیب یارمحمدی واصل
- ❖ سردبیر: سید مهدی مسبوق
- ❖ ویراستار انگلیسی: سجاد سپهری نیا
- ❖ مدیر داخلی: وحیده میرزاابراهیمی

### ❖ هیأت تحریریه: (به ترتیب حروف الفبا)

استاد دانشگاه اصفهان	سید محمدرضا ابن‌الرسول
استاد دانشگاه شهید چمران اهواز	حسن دادخواه تهرانی
استاد دانشگاه قم	محمدتقی دیاری بیدگلی
دانشیار دانشگاه بوعلی سینا	کرم سیاوشی
استاد دانشگاه فردوسی مشهد	سید حسین سیدی
استاد دانشگاه تهران	علی باقر طاهری نیا
دانشیار دانشگاه بوعلی سینا	صلاح‌الدین عبدی
استاد دانشگاه بوعلی سینا	مرتضی قائمی
استاد دانشگاه بوعلی سینا	سید مهدی مسبوق
استاد دانشگاه تهران	عزت ملاابراهیمی
استاد دانشگاه تربیت مدرس	فرامرز میرزائی
استاد دانشگاه لرستان	علی نظری
استاد دانشگاه بوعلی سینا	محمدرضا یوسف‌زاده چوسری
استاد دانشگاه بوعلی سینا	مسیب یارمحمدی واصل

### ❖ مشاوران علمی این شماره (به ترتیب حروف الفبا)

علیرضا اسلامبولچی، علی اصغری صارم، زهرا افضلی، افشین افضلی، مریم پورجمشیدی، فرشید ترکانوند، جهانبخش ثواب، حسین چراغی‌وش، محمد حکاک، علیرضا حیدری نسب، محمد رحمانی، شیرین رشیدی، اکبر صالحی، علی غفرانی، نقی غیائی، محمدرضا فریدونی، سیروس قنبری، سید منصور مرعشی، سید مهدی مسبوق، آیت مولائی، علی نجفی ایوکی، مسیب یارمحمدی واصل

### ❖ صفحه آرا: مژگان جمشیدی

### ❖ چاپ و صحافی: روشن

### ❖ شمارگان: ۱۰۰ نسخه

### ❖ قیمت: ۱۰۰۰۰۰ ریال

### ❖ نشانی: همدان، چهارباغ شهید احمدی‌روشن - دانشگاه بوعلی سینا - معاونت پژوهشی - دفتر نشریات دانشگاه

### ❖ تلفن: ۰۸۱-۳۸۳۸۰۶۹۸

### ❖ وب سایت سامانه نشریه: <http://nab.basu.ac.ir>

### ❖ پست الکترونیک: [journal.nahj@basu.ac.ir](mailto:journal.nahj@basu.ac.ir) و [journal.nahj@yahoo.com](mailto:journal.nahj@yahoo.com)



## شیوه‌نامه نگارش و ارسال مقالات فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه



### ۱. نحوه نگارش مقالات

زبان مجله فارسی است؛ از این رو دریافت مقالات در این مجله صرفاً به زبان فارسی می‌باشد.

- مقاله ارسالی باید تحلیلی و از روش پژوهشی و ساختار علمی مناسب برخوردار باشد. مقاله ارسالی باید واجد معیارهای علمی - پژوهشی همچون نظریه پردازی، نقد علمی، ابتکار و نوآوری و استفاده از منابع معتبر باشد.
- هیأت تحریریه مجله در تلخیص، اصلاح، ویرایش علمی و ادبی مقالات آزاد است.
- مجله فقط مقاله‌هایی را می‌پذیرد که در زمینه نهج البلاغه و حاصل پژوهش نویسنده یا نویسندگان باشد.
- مقالات مستخرج از پایان‌نامه باید تأیید استاد راهنما را به همراه داشته باشد و نام وی نیز در مقاله ذکر شود.
- مقاله ارسالی قبلاً در نشریات دیگر یا همایشی به صورت کامل چاپ نشده و هم‌زمان برای نشریه دیگری ارسال نشده باشد.
- مقالات به صورت تایپ شده در محیط WORD 2007 و بالاتر (حداکثر در ۷۵۰۰ کلمه) از طریق سامانه مجله ارسال شود.
- رعایت قواعد دستوری، آیین نگارش و علائم نشانه‌گذاری در نگارش مقاله الزامی است.
- در مقاله‌هایی که به تحلیل محتوای نهج البلاغه می‌پردازد نیازی به آوردن متن عربی نمی‌باشد و به ترجمه آن بسنده شود.
- آیات قرآن باید داخل پرانتز مخصوص آیات قرار گیرند؛ مانند: ﴿...﴾
- آدرس آیات قرآن بلافاصله پس از آیه و پیش از ترجمه آن، درون متن ذکر شود؛ مثال: ﴿تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾ (اعراف/۵۴)؛ مبارک است خداوندی که پروردگار همه جهانیان است.

- آدرس نهج البلاغه بلافاصله پس از متن عربی و پیش از ترجمه آن، درون متن ذکر شود؛ مثال: «کلُّ مُسَمَّى بِالْوَحْدَةِ غَيْرُهُ قَلِيلٌ» (خطبه/۶۵) هر واحد و تنهایی جز او اندک است.
- در ارجاع به نهج البلاغه نیازی به ذکر شماره صفحه نمی‌باشد و صرفاً شماره خطبه، نامه یا حکمت مشخص شود مثال: (خطبه/۲۶)، (نامه/۳۱) یا (حکمت/۱۲).

## ۲. ساختار و اجزاء مقالات

مقاله بدین ترتیب تنظیم شود:

- **عنوان مقاله**، کوتاه و گویای محتوای مقاله باشد.
- **نام نویسنده یا نویسندگان همراه با درجه علمی** (نشانی و شماره تلفن و آدرس پست الکترونیک و نویسنده مسئول مکاتبات) در یک برگ ضمیمه به دفتر فصلنامه ارسال شود، بدیهی است تعداد و ترتیب نویسندگان پس از ارسال و ثبت مقاله در سامانه به هیچ‌وجه قابل تغییر نمی‌باشد.
- **چکیده**: باید در صدوپنجاه تا دویست و پنجاه کلمه و به دو زبان فارسی و انگلیسی نوشته شود و شامل معرفی موضوع، ضرورت و اهمیت پژوهش، روش کار و یافته‌های پژوهش باشد. به عبارت دیگر، در چکیده باید بیان شود که چه گفته‌ایم، چگونه گفته‌ایم و چه یافته‌ایم.
- **واژه‌های کلیدی**: حداکثر تا ۶ واژه از میان کلماتی که نقش نمایه و فهرست را ایفا می‌کنند و کار جست و جوی الکترونیکی را آسان می‌سازند. در مقابل عنوان «واژه‌های کلیدی»، علامت (: ) گذاشته شود و بعد از آن، واژه‌های کلیدی مورد نظر با علامت ویرگول (،) از هم جدا شوند.
- **صفحات بعدی**: به ترتیب شامل: مقدمه، بحث، نتیجه‌گیری، پی‌نوشت‌ها و فهرست منابع است و در نگارش هر قسمت، موارد زیر رعایت شود:
- **مقدمه**: مقدمه، بستری است جهت آماده شدن ذهن مخاطب برای ورود به بحث اصلی. در مقدمه معمولاً موضوع از کل به جزء بیان می‌شود تا فضای روشنی از متن بحث برای خواننده حاصل شود. همچنین ضروری است که بیان هدف‌های پژوهشی در مقدمه مقاله مد نظر قرار گیرد. در نوشتن مقدمه، تقسیم‌بندی و شماره‌گذاری به ترتیب زیر ضروری است:

عنوان مقدمه با شماره گذاری (بدین صورت: ۱. مقدمه) به همراه توضیحات آورده شود.

### ۱-۱. بیان مسئله (همراه با توضیحات)

مسئله و پرسش‌های پژوهش مطرح می‌شود.

### ۱-۲. پیشینه پژوهش (همراه با توضیحات)

در این بخش نخست مطالب مقدماتی در خصوص موضوع پژوهش بیان می‌شود، و در ادامه پیشینه‌های پژوهشی مرور می‌گردند. سپس استنتاجی منطقی از مرور پیشینه‌ها صورت می‌گیرد، و خلاء(های) پژوهشی موجود نشان داده می‌شوند. بدیهی است بهترین روش مرور، روش تحلیلی و یا تحلیلی-انتقادی است که در آنها پیشینه‌ها صرف نظر از زمان و مکان انجام آنها، و بر مبنای شباهت‌های رویکردی گروه‌بندی می‌شوند و نظر و دیدگاه پژوهشگر(ان) نسبت به آنها بیان می‌شود.

### ۱-۳. ضرورت و اهمیت پژوهش (همراه با توضیحات)

• **بحث:** شامل تحلیل، تفسیر، استدلال‌ها و نتایج تحقیق است. بحث باید با شماره ۲ مشخص و عناوین فرعی بحث به صورت ۱-۲، ۲-۲، ۳-۲ و... تنظیم شود. (شماره‌گذاری‌ها باید از راست به چپ باشد).

• **نتیجه‌گیری:** شامل ذکر فشرده یافته‌ها و بحث است و با شماره ۳ مشخص می‌شود.

• **پی‌نوشت‌ها:** شامل پیوست‌ها و ضمایم و به طور کلی مطالبی است که جزو اصل مقاله نیست اما در تبیین موضوع نوشته، ضروری و مناسب به نظر می‌رسد.

• **فهرست منابع:** منابع به شکل الفبایی و به صورت زیر ارائه شوند:

#### - کتاب‌ها

- نام خانوادگی، نام نویسنده. (سال نشر). نام کتاب (پررنگ شود). نام مترجم یا مصحح. نوبت چاپ. محل انتشار: ناشر.

- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۲). *رحیق مختوم: شرح حکمت متعالیه*. تنظیم و تدوین: حمید پارسا نیا. قم: اسرا.

#### کتاب‌هایی که دو نویسنده دارند:

- نام خانوادگی، نام نویسنده اول و نام خانوادگی، نام نویسنده دوم. (سال نشر). نام کتاب (پررنگ شود). نام مترجم یا مصحح. نوبت چاپ. محل انتشار: ناشر.

### کتاب‌هایی که بیش از دو نویسنده دارند:

- نام خانوادگی، نام نویسنده اول؛ نام خانوادگی، نام نویسنده دوم و همکاران. (سال نشر). نام کتاب (پررنگ شود). نام مترجم یا مصحح. نوبت چاپ. محل انتشار: ناشر.
- ارجاع به کتاب‌های یک نویسنده در یک سال؛ مانند مثال زیر:
- کریمی، یوسف. (۱۳۸۷ الف). روان‌شناسی اجتماعی. تهران: رشد.
- کریمی، یوسف. (۱۳۸۷ ب). روان‌شناسی شخصیت. تهران: آگه.
- کتاب‌هایی که نام نویسنده آنها مشخص نیست، در پایان فهرست کتاب‌ها و بر اساس نام کتاب مرتب شوند:

- هزارویک شب (الف لیله و لیله). (۱۳۹۰). ترجمه محمد رضا مرعشی‌پور. تهران: نیلوفر.

### مقاله‌ها

- نام خانوادگی، نام نویسنده. (سال نشر). «عنوان مقاله». نام مجله. جلد، شماره، صفحه.
- مقاله‌هایی که بیش از یک نویسنده دارند:
- نام خانوادگی، نام نویسنده؛ نام خانوادگی، نام نویسنده و نام خانوادگی، نام نویسنده. (سال نشر). «عنوان مقاله». نام مجله. جلد، شماره، صفحه.

### مقاله مجموعه مقالات

- اطلاعات نویسنده یا نویسندگان. (سال انتشار). عنوان مقاله. {در} عنوان مجموعه مقالات. {ویراسته} نام ویراستار(ان). شماره صفحه ابتدا { - } انتهای مقاله. محل نشر: ناشر. مانند:
- فدوی، طیبیه. (۱۳۹۴). اعجاز بیانی قرآن کریم با تکیه بر تشبیه و تمثیل. در مجموعه مقالات دومین همایش ملی قرآن کریم و زبان و ادب عربی، ویراسته حسن سرباز و عبدالله رسول‌نژاد. ۲۷-۲۳. ۳۸. کردستان: دانشگاه کردستان.

### مقاله دانشنامه

- اطلاعات نویسنده. (سال انتشار). عنوان مقاله. {در} عنوان دانشنامه، {ویراسته} نام ویراستار(ان)، شماره صفحه ابتدا { - } انتهای مقاله. ناشر: محل نشر.
- حریری، نجلا. (۱۳۸۰). ربط. در دایره‌المعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی، ویراسته عباس حرّی، ج. ۱: ۸۷۰-۸۷۴.



### سایت‌های اینترنتی

اطلاعات نویسنده یا نویسندگان. (آخرین تاریخ و زمان)، «عنوان موضوع داخل گیومه» نام و نشانی اینترنتی به صورت ایتالیک.

### پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها

اطلاعات نویسنده. (سال دفاع). عنوان پایان‌نامه یا رساله. نام استاد راهنما. نام دانشگاه یا مؤسسه.

### ۳. راهنمای کلی نگارش

مقاله باید در ۲۰ صفحه تایپ شده در ابعاد قطع وزیری (حاشیه بالای صفحه ۵، پایین صفحه ۵ و حاشیه چپ و راست ۴/۲ سانتی‌متر) و با استفاده از برنامه Word 2007 و بالاتر و قلم B Mitra 12.5 برای متن و B Mitra 11 برای چکیده، تنظیم و تایپ شود و تورفتگی ابتدای پاراگراف‌ها، ۰/۵ سانتی‌متر باشد و متن‌های عربی هم با فونت Traditional Arabic 11.5 نوشته شوند.

ارجاعات در داخل متن به صورت (نام خانوادگی مؤلف، سال انتشار: شماره صفحه) و منابعی که بیش از یک مؤلف دارند، به صورت (نام خانوادگی مؤلف اول و دوم و همکاران، سال انتشار: شماره صفحه) آورده شود. در مورد منابع غیرفارسی، همانند منابع فارسی عمل شود. ارجاع تکراری به یک منبع، به جای نام نویسنده یا نویسندگان از واژه «همان» استفاده شود: (همان: ۵۰).

نقل قول‌های مستقیم، داخل گیومه فارسی «» قرار داده شوند و نقل قول‌های بیش از چهل واژه، به صورت جدا از متن با تورفتگی (نیم‌سانتی‌متر) از طرف راست و (با قلم شماره ۱۲) درج شود. نقل قول خلاصه یا استنباط شده، به شکل مثال نوشته شود: (ن.ک: کریمی، ۱۳۸۲: ۴۵-۵۰). نقل قول برگرفته از منبع واسطه، به شکل مثال نوشته شود: (پیاژه ۱۹۷۳، به نقل از منصور، ۱۳۷۶: ۵۰) اسامی خاص و اصطلاحات یا معادل‌های لاتین و ... بر حسب شماره و استفاده (به‌طور مستقل برای هر صفحه) برای اولین بار در پانویس آورده شوند.

عددنویسی فصول و بخش‌ها، از راست به چپ نوشته شود.

جدول‌ها، نمودارها و عکس‌ها، ترجیحاً در متن در کنار توضیحات مربوط قرار گیرند.

از گیومه فارسی «» استفاده شود، نه گیومه غیر فارسی "".

کاما، نقطه، دونقطه، نقطه ویرگول به کلمات پیش از خود چسبیده باشد و به واسطه یک Space از کلمات بعدی فاصله داشته باشد.

کلیه منابع درون متن، داخل پرانتز قرار داده شود و به صورت (مؤلف، سال: صفحه) آورده شوند. برای کلمات مختوم به های غیرملفوظ، در حالت مضاف و موصوف، از علامت «ه» استفاده شود: خانه من به جای خانه‌ی من / نامه او به جای نامه‌ی او / زندگی نامه خودنوشت به جای زندگی‌نامه‌ی خودنوشت و...

در موارد لازم و مواردی که موجب ابهام می‌شود، علامت تشدید گذاشته شود؛ مثال: علی، علی / مبین، مبین

«نیم فاصله» در تمام موارد لازم رعایت شود؛ مثال:

افعال استمراری: «می‌رود» به جای «می رود»، افعال اسنادی مانند «نوشته‌است» به جای «نوشته است»، افعال مرکب مانند «به‌کاربردن» به جای «به کار بردن» و کلمات مرکب مانند «باستان‌شناسی» به جای «باستان شناسی» و...

«ها»ی جمع، پسوند فعل‌ها، و کلمه‌هایی که از دو یا چند جزء تشکیل شده‌اند، با استفاده از نیم فاصله به صورت جدا نوشته شوند.

علامت نقطه، بعد از ارجاع منابع قرار داده‌شود مانند:

در بررسی داستان‌ها در کلام الهی نخستین نکته‌ای که جلب توجه می‌کند این است که «خداوند از کتاب‌های مقدسی چون انجیل و قرآن که سرشار از استعاره و حکایت و قصه‌های اقوام و مردمان مختلف است، برای آموزش شیوه‌های درست زندگی و کشف حقایق استفاده کرده است» (یوسفی لویه، ۱۳۸۶: ۱۸).

متن خالی از اشتباهات تایپی و املائی باشد.

رعایت نشانه گذاری صحیح متن الزامی است.

#### ۴. یادآوری مهم

مقاله از طریق ثبت نام در سامانه نشریه: nab.basu.ac.ir ارسال شود.

رسم‌الخط مورد قبول نشریه و اصول نگارش باید بر اساس آخرین شیوه‌نامه فرهنگستان زبان و ادب فارسی باشد.

چنانچه مقاله‌ای فاقد هر یک از موارد بالا باشد؛ از دستور کار خارج می‌شود.

حق چاپ هر مقاله، پس از پذیرش محفوظ است و نویسندگان در ابتدای ارسال مقاله متعهد می‌شوند تا مشخص شدن وضعیت مقاله، آن را به جای دیگر نفرستند. چنانچه این موضوع رعایت نشود، هیات تحریریه در اتخاذ تصمیم مقتضی مختار است.

مجله در اصلاح مقالاتی که نیاز به ویرایش داشته باشند آزاد است.

**گواهی پذیرش** مقاله پس از اتمام مراحل داوری و ویراستاری و تصویب نهایی هیات تحریریه توسط سردبیر مجله صادر و برای نویسنده مسئول ارسال خواهد شد.

**نشانی مجله:** همدان، چهار باغ شهید احمدی روشن، دانشگاه بوعلی سینا، معاونت پژوهشی، دفتر

نشریات دانشگاه. تلفن: ۰۸۱-۳۸۳۸۰۶۹۸

**نشانی پست الکترونیکی نشریه:** [journal.nahj@basu.ac.ir](mailto:journal.nahj@basu.ac.ir) و [journal.nahj@yahoo.com](mailto:journal.nahj@yahoo.com)





شیوه‌نامه تنظیم چکیده گسترده انگلیسی  
نشریه پژوهشنامه نهج البلاغه



### چکیده گسترده انگلیسی (Extended Abstract)

در صورت پذیرش مقاله برای چاپ در پژوهشنامه نهج البلاغه بایستی چکیده گسترده انگلیسی بین ۸۰۰ تا ۱۲۰۰ کلمه تنظیم و ارسال شود. لازم به ذکر است که حداکثر یک جدول و یا نمودار می‌تواند در قسمت چکیده مبسوط وجود داشته باشد.

هدف نشریه از انتشار چکیده گسترده مقالات، ایجاد زمینه برای گسترش تعاملات بین‌المللی پژوهشگران ایرانی و نیز اخذ نمایه‌های معتبر بین‌المللی است. چکیده گسترده بر اساس ساختار مقاله اصلی و به شکلی کوتاه‌تر تنظیم می‌شود و شامل بخش‌هایی چون عنوان، نویسنده(گان)، چکیده، کلیدواژه‌ها، مقدمه، روش‌شناسی، بحث، نتیجه‌گیری و منابع است. جداول و تصاویر متن اصلی باید برای مخاطب خارجی نیز قابل استفاده باشد؛ لذا گاهی لازم است برخی از جداولی که گویای کلیت و لب‌مطلب است به انگلیسی ترجمه شود در ضمن جداول، تصاویر و منابع در شمارش واژگان در نظر گرفته نمی‌شود.

### شیوه تنظیم اجزاء چکیده گسترده

۱. عنوان با فونت Times New Roman سایز ۱۴ و بولد و حرف اول کلمات اصلی آن بزرگ باشد. (style Title1)

۲. نام و نام خانوادگی نویسندگان در یک سطر به ترتیب چپ به راست و فونت ۱۲ فونت.

۳. چکیده دارای ۱۵۰ واژه با فونت Times New Roman، فاصله تک خط و سایز ۱۱ نوشته شود و در یک پاراگراف هدف، روش و مهمترین نتایج را در بر بگیرد و کلمات کلیدی با کاما جدا شود.

۴. کلمه مقدمه با فونت Times New Roman، اندازه فونت ۱۴، پر رنگ

### Introduction

۵. منابع مورد استفاده در چکیده مبسوط در فهرست منابع ذکر شود. در ضمن منابع فارسی و عربی بایستی به انگلیسی ترجمه شود و در قسمت منابع به صورت زیر به تفکیک بیاید:

- References [In Persian]. References (In Arabic). References (In English)

**نشانی مجله:** همدان، چهار باغ شهید احمدی روشن، دانشگاه بوعلی سینا، معاونت پژوهشی، دفتر نشریات دانشگاه. تلفن: ۰۸۱-۳۸۳۸۰۶۹۸

**نشانی پست الکترونیکی نشریه:** journal\_psy@basu.ac.ir و journal\_psy@yahoo.com

- گفتمان کاوی نامه‌های امام علی(ع) به معاویه بر اساس رویکرد وندایک.....۵
- زهرا افضلی / دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه بوعلی‌سینا، همدان، ایران  
مریم سادات غیثیان / دانشیار گروه زبان‌شناسی، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران
- تبیین جایگاه ارتباطات در ساختار نظریه انگیزه خدمت‌رسانی عمومی مبتنی بر نهج‌البلاغه.....۲۷
- علی‌نقی امیری / استاد گروه مدیریت دولتی، دانشکدگان فارابی، دانشگاه تهران، ایران  
محمدجواد معتمد / دکتری مدیریت دولتی گرایش رفتار سازمانی، دانشگاه تهران، ایران  
حسن زارعی متین / استاد گروه مدیریت دولتی، دانشکدگان فارابی، دانشگاه تهران، ایران
- بررسی عوامل مؤثر بر استقلال حسابرسی از منظر امام علی علیه‌السلام با تأکید بر نهج‌البلاغه.....۵۸
- علی‌اصغر گلستان‌فر / کارشناسی ارشد حسابداری، گرایش حسابرسی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران  
سید صمد هاشمی / مربی گروه حسابداری، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران  
آتنا بهادری / استادیار گروه معارف دانشگاه الزهراء، تهران، ایران  
مریم لشکربلوکی / کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قرآن و حدیث، تهران، ایران
- علم‌سنجی فصلنامه پژوهشنامه نهج‌البلاغه.....۹۳
- عسگر اکبری / استادیار گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران
- تبیین الگوی سخن نیک از منظر نهج‌البلاغه و کیفیت توجه به آن در برنامه درسی دوره دوم ابتدایی.....۱۱۷
- میترا زارعی / دانشجوی کارشناسی ارشد رشته تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش، دانشگاه بوعلی‌سینا، همدان، ایران  
معصومه کیانی / استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه بوعلی‌سینا، همدان، ایران
- واکاوی استراتژی توجیهی در گفتمان امام علی(ع) (مورد پژوهانه: نامه امام به عثمان بن حنیف).....۱۴۴
- خسرو جانقربان / دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه کاشان، ایران  
امیرحسین رسول‌نیا / دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه کاشان، ایران  
روح‌الله صیادی‌نژاد / دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه کاشان، ایران
- سنخ‌شناسی مواجهه با تهدیدات هویتی از منظر امیرمؤمنان علیه‌السلام با تأکید بر نهج‌البلاغه.....۱۶۸
- محسن فکری فلاح / کارشناسی ارشد مدرسی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران  
امیرمحسن عرفان / استادیار گروه تاریخ و تمدن اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران







(Research Article)

**Discourse Study of Written Letters of Imam Ali (as) to Mu'awiyah Based on Van Dijk's Approach**

Zahra Afzali<sup>1\*</sup>, Maryam Sadat Ghiasian<sup>2</sup>

**Submit Date:** 17 April 2022      **Revise Date:** 22 June 2022

**Accept Date:** 27 June 2022      **Publication Date:** 22 September 2022

(Page 1-21)

**Abstract**

Discourse analysis is an interdisciplinary study trend that emerged in 1960-70s following extensive scientific-epistemological changes in fields such as anthropology, ethnography, sociology, cognitive and social psychology, linguistics, semiotics, etc. This trend of study, which examines the language patterns within the text and the relationship between the language and the social and cultural contexts of the text, was applied in 1952 in an article by the famous English linguist Zellig Harris for the first time. Then, it found its way in Linguistics with three approaches, namely structural discourse analysis, functional discourse analysis and critical discourse analysis.

Among the three mentioned approaches, critical discourse analysis (CDA) analyzes meta-language factors such as power, history and ideology. This approach was formed in the second half of the 20th century following the efforts of some linguistic scholars and theorists. Teun Van Dijk is one of the prominent pioneers of study and research in CDA. According to him, ideology in the discourse can be represented through strategies called ideological square, which is based on bilateral contrasts between ingroup and outgroup. Imam Ali's letters to Muawiyah can be analyzed by a descriptive-analytical method based on Van Dijk's ideological square as his discourse aligns with this approach.

This research is important in terms of the fact that the ideology of two opposing thoughts during the history of Islam is elaborated to the audience through CDA. The findings indicate that the ideology of Imam Ali and Muawiyah has led to polarization between the two groups, i.e. the contrast between "us" and "them". In explaining the differences between the two groups in identity, members and actions, the status of the ingroup (us) has

1. Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Bu Ali Sina University, Hamadan, Iran

2. Associate Professor, Department of Linguistics, Payame Noor University, Tehran, Iran

\*: Corresponding Author:

**Email:** z.afzali@basu.ac.ir

**How to cite this article:** Afzali, Z., Ghiasian, M. S. (2022). Discourse Study of Written Letters of Imam Ali (as) to Mu'awiyah based on Van Dijk Approach, *Quarterly Journal of Nahj al-Balagha Research*, 10(38), 1-21. DOI: 10.22084/NAHJ.2022.26231.2811

been raised and the status of the outgroup (them) has been degraded. In addition, the nobility of ancestors, purity, believe in God, relation with goods and courage as the most important positive points of "us" and hypocrisy, disbelief, relation with evils and following the devil as the most important negative points of "them" are represented in Imam's discourse. Furthermore, it seems that "true belief in the religion of Islam" versus "deviation from the religion of Islam" are ideologies that can be achieved as a result of the contrast between Ali and Mu'awiyah.

**Keywords:** Critical Discourse Analysis, Teun Van Dijk, Ideological Square, Nahj ol-balaghe letters, Imam Ali, Muawiyah.

### 1. Research Theoretical framework

Teun Van Dijk is a linguist from Netherlands and one of the prominent scholars in CDA. Most of his works are based on the popular discourse of racism among Dutch and Californian whites towards racial minorities, and among the dominant approaches in CDA, his socio-cognitive model has a special place. Van Dijk's ideological square is one of the various methods proposed in the field of critical discourse analysis. Van Dijk believes that ideologies are the fundamental beliefs of each group and its members that cause polarization between groups and the social status of each group in relation to a group or other groups is the basis of this polarization.

The manifestation of ideology is in the form of self-schemas that give the audience information about identity, aims, group membership criteria, relationships with others and social group assets: who are we? who belongs to us? what behaviors are expected of us? what actions are acceptable and what actions are undesirable? what are the goals and ambitions of the group? who are our friends and enemies? and what capabilities and assets do we have?. Whether we are in a position of strength or weakness and whether we are marginalized or in center is determined by the following ideological strategies: Positive self-representation, negative others representation, not saying negative points about oneself and not saying positive points about others

These strategies are known as Van Dijk's ideological square. According to Van Dijk, ideology includes all levels of language, but style and meaning are more affected by it than morphology and syntax, because the former are context-dependent. According to him, the manifestation of ideology at the level of meaning has several subsections. Among them, only the cases that contain evidence in the written letters of Imam Ali (as) to Mu'awiyah are explained. These cases are as follows:

**Contrast:** According to Van Dijk, contrast occurs when there is a conflict of interests and competition between two groups or when one group dominates the other; thus, ideology is manifested in the discourse as a sign of polarization between us and them. In the discussion of ideological square, the various strategies through which the members of each group introduce themselves and the other side were mentioned previously.

**Level of description and degree of detail:** The level of description means the brief and vague expression of the negative points of the ingroup and the positive points of the outgroup, and the detailed and clear expression of the positive points of the ingroup and the negative points of the outgroup.

**Examples and Illustrations:** In the section of positive general statements that each group expresses about itself and negative general statements that they express about the other group, examples and illustrations in the form of events and stories that have happened before are applied in order for more emphasis on utterances and increasing the audience's beliefs. The noteworthy point in this section is the reference to the documents that legitimize discourse. In an objective and neutral definition of ideology, Van Dijk presents two negative and positive aspects of ideology, which is a tool for legitimizing domination in the negative state and a means of legitimizing resistance against domination and social inequalities.

## **2. Method**

This study was carried out using a descriptive-analytical method. First, the authors introduced Van Dijk's approach briefly, and, then, a number of its components, which include pieces of evidence in the letters of Imam Ali to Muawiyah were explained. Finally, the evidence related to those components was extracted from the letters and the most prominent ones were analyzed.

## **3. Conclusion**

The conclusions of the present research are as follows:

-The ideology of Imam Ali (a.s.) and Mu'awiyah has led to polarization between them as two groups and, in other words, a contrast between "us" and "them"; providing information about the identity of his group as Hashem's children and introduces the members of his group as the ones characterized by desirable traits whose actions are aligned with the religion of God, Imam (a.s.) has exalted the status of the ingroup. He also provides information about the identity of the outgroup as Umayyad children and introduces its members as the one characterized by

- unfavorable traits whose actions are not aligned with the religion of God as they defy it. In this way, he has degraded the status of the outgroup.
- The contrast between "us" and "them" is represented by the comparison of ancestors and lineages, desirable and unfavorable traits, friends and enemies, and the actions of the two groups
  - The level of description and the degree of detail are used to represent some of Muawiya's unfavourable traits.
  - Some of the positive points of "us" and some of the negative points of "them" have been represented by giving examples. This strategy increases the audience's belief.
  - It seems that as a result of the contrast between Imam (a.s.) and Mu'awiyah, two ideologies are manifested in the speech of the Imam (a.s.): "true belief in the religion of Islam" versus "deviation from the religion of Islam".
  - The nobility of ancestors, purity, belief in God, relation with good people and courage are the most important positive points of "us" and hypocrisy, disbelief, relation with evils, and following the devil are the most important negative points represented in the discourse of Imam.

#### References

##### [In Persian]

- Paltridge, B. (2021). **Discourse Analysis: An Introduction**. Translated by T. Hemati. Second Edition, Tehran: Nevisheh Farsi Publications.
- Bashir, H. (2021). **Practical Discourse Analysis Method**. First Edition. Tehran: Soroush publication.
- Ghiasian, M. S. (2007). "Representation of Us and Them: The Images of Muslims and White People in western Periodicals after 9/11 2011". **Rasaneh**, 4(72), 205-213.
- Ghiasian, M. S. (2007). **Representation of Islam in English and American Periodicals before and after 9/11 Based on Critical Discourse Analysis**. PhD Dissertation. Tarbiyat Modares University.
- Ghajari, H. A. and Nazari, J. (2013). **Using Discourse Analysis in Social Research**. First Edition. Tehran: Jame'eh Shenasan Publications.

##### [English]

- Van Dijk, T. (2000). **Ideology and discourse: A multidisciplinary Introduction**. Barcelona: Pompeu Fabra University.



(مقاله پژوهشی)

## گفتمان کاوی نامه‌های امام علی (ع) به معاویه بر اساس رویکرد وندایک

زهرا افزلی<sup>۱\*</sup>، مریم سادات غیاثیان<sup>۲</sup>

بازنگری مقاله: ۱۴۰۱/۰۳/۱۹

دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۱/۲۸

انتشار مقاله: ۱۴۰۱/۰۶/۳۱

پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۴/۰۶

(از ص ۵ تا ۲۱)

### چکیده

تحلیل گفتمان انتقادی (تگفا) یکی از رویکردهای جدید تحلیل گفتمان است که بر اساس آن عوامل فرازبانی همچون قدرت، تاریخ و ایدئولوژی مورد بررسی قرار می‌گیرد. این رویکرد در نیمه دوم قرن بیستم به همت برخی از اندیشمندان و نظریه‌پردازان علم زبان‌شناسی شکل گرفت. تئون وندایک از جمله افراد برجسته و از پیشگامان مطالعه و پژوهش در زمینه تگفاست. به عقیده او ایدئولوژی در گفتمان می‌تواند از طریق راهکارهایی به نام مربع ایدئولوژیکی بازنمایی شود که مبنای این راهکارها، وجود تقابل‌های دوگانه میان گروه خودی و غیرخودی است. گفتمان امام علی (ع) در نامه‌هایش خطاب به معاویه از چنین ویژگی برخوردار است که می‌توان آن را بر اساس رویکرد وندایک و با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی مورد کاوش قرار داد. این پژوهش از آن جهت حائز اهمیت است که در آن ایدئولوژی دو تفکر متقابل در تاریخ اسلام، از طریق روش تگفا برای مخاطب تشریح می‌گردد. یافته‌ها بیانگر آن است که ایدئولوژی امام علی (ع) و معاویه منجر به قطب‌بندی میان دو گروه و به عبارت دیگر تقابل «ما» و «آن‌ها» گردیده است این در حالی است که با تبیین وجوه اختلاف دو گروه در هویت، اعضا و اعمال جایگاه گروه خودی (ما) اعتلا و جایگاه گروه غیر خودی (آن‌ها) تنزل یافته است. علاوه بر این شرافت نسب، خلوص، ایمان به خدا، معاشرت با نیکان و شجاعت به عنوان مهمترین نکات مثبت «ما» و نفاق، کفر، معاشرت با بدان و پیروی از شیطان به عنوان مهمترین نکات منفی «آن‌ها» در گفتمان امام علی (ع) بازنمایی گردیده است. همچنین به نظر می‌رسد که ایدئولوژی امام علی (ع) یعنی «اعتقاد راستین به دین اسلام» و ایدئولوژی معاویه یعنی «انحراف از دین اسلام» در نتیجه تقابل آن دو متجلی شده است.

**کلید واژه‌ها:** تحلیل گفتمان انتقادی، تئون وندایک، مربع ایدئولوژیکی، نامه‌های نهج البلاغه، امام علی (ع)، معاویه.

۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه بوعلی‌سینا، همدان، ایران

۲. دانشیار گروه زبان‌شناسی، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران

\*: نویسنده مسئول

## ۱. مقدمه

اصطلاح گفت‌مان که در علوم مختلف کاربرد یافته «از واژه فرانسوی (dis- Koor) discourse و لاتین discurs-us به معنی گفتگو و محاوره، گفتار گرفته شده» (قجری و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۷) و به علت گستردگی کاربردش در بسیاری از حوزه‌ها تعاریف متفاوتی درباره آن و رویکردهای متعددی جهت تحلیل آن ارائه گردیده است که این امر مقدمات را برای پیدایش اصطلاحی به نام «تحلیل گفت‌مان» فراهم نموده است.

طبق گفته صاحب‌نظران «تحلیل گفت‌مان گرایش مطالعاتی بین‌رشته‌ای است» (بشیر، ۱۳۹۹: ۵۱) «که از اواسط دهه ۱۹۶۰ تا اواسط دهه ۱۹۷۰ در پی تغییرات گسترده علمی- معرفتی در رشته‌هایی چون انسان‌شناسی، قوم‌نگاری، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی ادراکی و اجتماعی، زبان‌شناسی، نشانه‌شناسی و سایر رشته‌های علوم اجتماعی و انسانی علاقمند به مطالعات نظام‌مند ساختار و کارکرد و فرآیند تولید گفتار و نوشتار ظهور کرده است.» (قجری و همکاران: ۳۵)

این گرایش مطالعاتی «که به بررسی الگوهای زبانی درون متن و ارتباط میان زبان و بافت‌های اجتماعی و فرهنگی متن می‌پردازد» (پالتریج، ۱۳۹۹: ۱۴) «نخستین بار در سال ۱۹۵۲ در مقاله‌ای از زبان‌شناس معروف انگلیسی زیگ هریس به کار رفته است» و پس از آن به علم زبان‌شناسی راه یافته است. تحلیل گفت‌مان در این علم دارای «سه رویکرد به نام‌های تحلیل گفت‌مان ساخت‌گرا، تحلیل گفت‌مان نقش‌گرا و تحلیل گفت‌مان انتقادی است.» (بشیر، ۱۳۹۹: ۵۵)

در میان سه رویکرد یاد شده، تحلیل گفت‌مان انتقادی «تلاش می‌کند الگوهای مبهم نابرابری‌های اجتماعی، ایدئولوژی‌ها و روابط قدرت را بین افراد و گروه‌ها روشن و آشکار نماید.» (فرکلاف، ۱۳۹۹: ۹) از این قول برمی‌آید که عوامل فرازبانی از قبیل ایدئولوژی، قدرت و ... در تحلیل گفت‌مان انتقادی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. عناوین آثار پیشگامان این رویکرد دلیلی برای این مدعا در قول ذیل است که در آن این‌گونه سخن به میان آمده «اگرچه به لحاظ پیشینه نظری مطالعات انجام شده، نقطه آغاز شاخه تحلیل گفت‌مان انتقادی را باید در آراء اندیشمندانی همچون میشل فوکو<sup>۱</sup> و مارکس<sup>۲</sup> جست‌وجو نمود، اما این شاخه از مطالعات زبان‌شناختی از سال ۱۹۸۹ در محتوای کتاب‌هایی با عناوین «زبان و قدرت» از نورمن<sup>۳</sup> فرکلاف (۱۹۸۹) «زبان، قدرت و ایدئولوژی» روث وداک<sup>۴</sup> (۱۹۸۹) و یا در کتاب تئون وندایک<sup>۵</sup> پیرامون نژادپرستی در محافل زبان‌شناسی به‌طور مجزا مطرح گردید.» (لاک، ۱۳۹۳: ۸)

باوجوداینکه هریک از افراد یادشده در رشد و اعتلای رویکرد تحلیل گفت‌مان انتقادی نقش خاصی دارند؛ اما طبق گفته برخی در میان آنان «تئون وندایک از ابتدای شکل‌گیری این گرایش جدید همواره

1. Michel Foucault

2. Marx

3. Norman

4. Ruth Waddock

5. Theon Wendike

یکی از چهره‌های شاخص و پیش‌رو بوده است» (سلطانی، ۱۳۹۷: ۵۷). مربع ایدئولوژیک او که بر تقابل دو گروه استوار است مبنای این پژوهش قرار گرفته که در بخش‌های بعدی توضیح داده خواهد شد.

### ۱-۱. بیان مسأله

گفتمان‌هایی که در آن‌ها میان گوینده و مخاطب قطب‌بندی وجود دارد جزء مناسب‌ترین گفتمان‌ها جهت تحلیل بر اساس نظریه وندایک به شمار می‌آیند. گفتمان امام علی(ع) در نامه‌هایش خطاب به معاویه در نهج‌البلاغه از آن جمله است. زیرا معاویه «از دشمنان امام (ع) [بود]» (جلیلیان و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۶) که «به بهانه خون‌خواهی عثمان به تقابل با [او] اقدام [کرد]» (اسماعیل‌زاده و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۲) و «با ایراد این شبهه که علی(ع) از یاری عثمان خودداری کرده تمام گناه آن را بر عهده آن حضرت گذاشت و کینه استوارتر شد» (بابایی آملی، بی‌تا: ۵۱۸).

امام(ع) شانزده نامه از نامه‌های نهج‌البلاغه را برای او نوشته و در لابه‌لای مطالب آن نامه‌ها موضع مخالف خود را نسبت به او و خاندانش اعلام کرده است، بنابراین نامه‌های مذکور بیان‌گر چگونگی رابطه امام(ع) و معاویه هستند که تحلیل گفتمان امام(ع) در آن‌ها بر اساس نظریه وندایک از آن رابطه پرده برمی‌دارد و این مسأله‌ای است که در پژوهش حاضر مورد توجه قرار می‌گیرد تا در این راستا به سؤالات ذیل پاسخ داده شود.

۱- گروه خودی و گروه غیرخودی چه جایگاهی دارند؟

۲- چه نکاتی از نکات مثبت «ما» و چه نکاتی از نکات منفی «آن‌ها» بازنمایی شده است؟

۳- باور بنیادین «ما» و «آن‌ها» چیست؟

به‌منظور پاسخ‌گویی به سؤالات یاد شده ابتدا پیشینه، ضرورت و اهمیت پژوهش و چارچوب نظری پژوهش تبیین و سپس گفتمان امام(ع) در نامه‌های مذکور تحلیل می‌گردد.

### ۱-۲. پیشینه پژوهش

با بررسی به‌عمل‌آمده مشخص شد که نامه‌های امام(ع) به معاویه از برخی جنبه‌ها و با برخی رویکردها واکاوی شده است. موارد ذیل از آن جمله‌اند:

- «تحلیل گفتمان انتقادی نامه امام علی(ع) به معاویه» (۱۳۹۵) (نوشته علی صفایی و بهروز سلطانی، مجله جستارهای زبانی، شماره ۳۵). در این پژوهش نامه ۲۸ نهج‌البلاغه که مخاطب آن معاویه است با به‌کارگیری گرامر هلیدی از نظر سه فرانش اندیشگانی، میان‌فردی و متنی بررسی گردیده است.

- «تحلیل گفتمان نامه دهم نهج‌البلاغه بر اساس الگوی فرکلاف» (۱۳۹۹) (نوشته عبدالحسین ذکایی و همکاران، مجله ادب عربی، شماره ۲). در این پژوهش نامه ۱۰ نهج‌البلاغه که مخاطب آن معاویه است بر مبنای الگوی گفتمان فرکلاف واکاوی شده است.

- «تحلیل گفتمانی بیعت در نامه‌های حضرت علی(ع) و معاویه بر پایه نظریه مدیریت هماهنگ معنا» (۱۳۹۸) (نوشته حسن بشیر، مجله پژوهش‌های نهج‌البلاغه، شماره ۶۲). در این پژوهش مفهوم

- «بیعت» با روش عملیاتی تحلیل گفتمان (پدام) بر پایه نظریه مدیریت هماهنگ معنا در نامه‌های رد و بدل شده میان حضرت علی (ع) و معاویه مورد تحلیل قرار گرفته است.
- «تحلیل مبانی سیاست‌ورزی امام علی (ع) در نامه ۶۴ نهج‌البلاغه با الگوگیری از روش فرکلاف (تحلیل گفتمان انتقادی) (۱۳۹۹) (نوشته سید محمد موسوی بفرولی و همکاران، مجله مطالعات فهم حدیث، شماره ۱۳) در این پژوهش مبانی سیاست‌ورزی امام علی (ع) در نامه ۶۴ نهج‌البلاغه که مخاطب آن معاویه است بر اساس نظریه فرکلاف در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین، مورد بررسی واقع شده است.
- «تحلیل محتوای نامه‌های امام علی (ع) به معاویه با محور واکاوی سهم اخلاق در مناسبات حکومتی» (۱۳۹۹) (نوشته علی‌رضا نوری و مهدی جامعی، مجله پژوهش‌های سیاست اسلامی، شماره ۱۸)، در این پژوهش اخلاق، در نامه‌های امام (ع) به معاویه تحلیل گردیده است.
- «بررسی و تحلیل نامه‌های امام علی (ع) به معاویه با تکیه بر نظریه ساختارگرایی» (۱۳۹۸) (مقاله سید ابوالفضل سجادی و زهرا کوچکی نیت، مجله مطالعات ادبی متون اسلامی، شماره ۱۵۵). در این پژوهش نامه‌های امام (ع) به معاویه بر پایه نظریه ساختارگرایی در سه سطح آوایی، ترکیبی و واژگانی مورد کاوش واقع شده است.
- با توجه به آنچه در پیشینه پژوهش از آن سخن به میان آمد این نتیجه حاصل می‌شود که نامه‌های امام (ع) به معاویه دربردارنده موضوعاتی هستند که موجب جلب توجه محققان شده و آن‌ها را به تحقیق درباره نامه‌های ایشان واداشته است. اما نکته قابل ذکر درباره سابقه پژوهش حاضر این است که با وجود این که در برخی پژوهش‌های مذکور به تحلیل گفتمان نامه‌های امام (ع) به معاویه پرداخته شده؛ اما رویکرد تحلیل گفتمان در آن‌ها با رویکرد تحلیل گفتمان در این مقاله متفاوت است؛ بنابراین پژوهشی نو و بدون سابقه به شمار می‌آید.

### ۳-۱. ضرورت و اهمیت پژوهش

اهمیت پژوهش حاضر در این است که از میان نامه‌های امام (ع) در نهج‌البلاغه نامه‌های او برای معاویه محور پژوهش قرار گرفته و این در حالی است که بیشترین نامه‌های امام (ع) در نهج‌البلاغه به معاویه اختصاص یافته است؛ بنابراین از گستره و تنوع خاصی نسبت به نامه‌های دیگر مخالفانش برخوردار است. نکته دیگری که درباره اهمیت پژوهش حاضر گفتنی به نظر می‌آید این است که نامه‌های مذکور مشتمل بر شواهدی درخور توجه و متناسب با مؤلفه‌های نظریه وندایک هستند که بررسی آن‌ها منجر به تجلی ایدئولوژی امام (ع) و معاویه خواهد شد.



## ۲. بحث

### ۲-۱. چارچوب نظری پژوهش

تئون ون دایک، زبان‌شناسی اهل هلند و یکی از افراد شاخص در حوزه تکفاست. اکثر آثار وی بر پایه گفتمان نژادپرستی رایج میان سفیدپوستان هلندی و کالیفرنایی نسبت به اقلیت‌های نژادی شکل گرفته و از میان رویکردهای غالب در تکفا، انگاره اجتماعی- شناختی وی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. (غیاثیان، ۱۳۸۶: ۲۷)

مربع ایدئولوژیکی ون دایک یکی از روش‌های مختلف مطرح شده در حوزه تحلیل گفتمان انتقادی است (ون دایک، ۲۰۰۰: ۴۴). وی معتقد است ایدئولوژی‌ها، باورهای بنیادین هر گروه و اعضای آن هستند (همان: ۷) که موجب قطب‌بندی میان گروه‌ها می‌شوند [درحالی‌که] جایگاه اجتماعی هر گروه نسبت به گروه یا گروه‌های دیگر اساس این قطب‌بندی است. (همان: ۴۳)

تجلی ایدئولوژی به صورت خود-طرح‌واره‌هایی<sup>۱</sup> است که اطلاعاتی درباره هویت، اهداف، ملاک‌های عضویت در گروه، روابط با سایرین و داشته‌های گروه‌های اجتماعی به مخاطب می‌دهد (همان: ۱۸) که هستیم؟ چه کسانی از ما هستند؟ چه رفتارهایی از ما انتظار می‌رود؟، چه اعمالی پسندیده و چه اعمالی ناپسند است؟، اهداف و آمال گروه چیست؟، دوستان و دشمنان ما چه کسانی هستند؟ و چه توانمندی‌ها و داشته‌هایی داریم؟. اینکه در جایگاه قدرت باشیم یا ضعف، در حاشیه باشیم یا در رأس، با راهکارهای ایدئولوژیکی زیر بیان می‌شود:

- بازنمایی مثبت خود
- بازنمایی منفی دیگران
- عدم بیان نکات منفی خود
- عدم بیان نکات مثبت دیگران

این راهکارها با عنوان مربع ایدئولوژیکی ون دایک شناخته می‌شوند. به باور ون دایک، ایدئولوژی کلیه سطوح زبان را دربر می‌گیرد، اما سبک و معنا بیشتر از صرف و نحو تحت تأثیر آن واقع می‌شوند، زیرا بافت‌وابسته‌اند (همان: ۴۳). از نظر او، تجلی ایدئولوژی در سطح معنا دارای زیربخش‌های متعددی است که از میان آن‌ها فقط مواردی تبیین می‌شوند که دربردارنده شواهدی در نامه‌های امام علی (ع) به معاویه هستند. آن موارد عبارتند از:

#### ۲-۱-۱. تقابل<sup>۲</sup>

از نظر ون دایک تقابل زمانی [به وجود می‌آید] که تضاد منافع و رقابت بین دو گروه در میان باشد یا یکی بر دیگری سیطره داشته باشد، بدین ترتیب ایدئولوژی در گفتمان تجلی می‌یابد و قطب‌بندی میان ما و

1. Self-schema

2. Contrast

آن‌ها شکل می‌گیرد که نشانه تقابل بین دو گروه است (همان: ۴۹). پیشتر در بحث مربع ایدئولوژیکی به انواع راهکارهایی که از طریق آن اعضای هر گروه به معرفی خود و طرف دیگر می‌پردازند اشاره شد.

### ۲-۱-۲. سطح توصیف و میزان جزئیات

منظور از سطح توصیف، بیان مختصر و مبهم نکات منفی گروه خودی و نکات مثبت گروه غیر خودی و بیان مفصل و روشن نکات مثبت گروه خودی و نکات منفی گروه غیر خودی است. در بازنمایی مثبت خود، بیان جزئیات و تفصیل موضوع، در راستای تأکید بیشتر صورت می‌گیرد و در مقابل، کلی‌گویی و بیان اجمالی مطلب زمانی است که نکات منفی خود یا نکات مثبت دیگران مدنظر گوینده/ نویسنده است. (همان: ۴۷).

### ۲-۱-۳. شاهد مثال

منظور از شاهد مثال، ارائه نمونه و اشاره به حوادث و داستان‌هایی است که پیشتر رخ داده است و در بخش کلیات مثبتی که هر گروه درباره خود و کلیات منفی که درباره گروه مقابل بیان می‌کند موجب تأکید بیشتر بر صحت گفته‌ها و افزایش باور مخاطب می‌شود (همان: ۴۹). نکته قابل توجه در این بخش، اشاره به مستندات است که موجب مشروعیت‌بخشی<sup>۱</sup> به گفتمان می‌شود. ون‌دایک (۲۰۰۲) به نقل از غیاثیان، (۱۳۸۶: ۲۰۷)، ون‌دایک در تعریفی بی‌طرفانه و خنثی از ایدئولوژی به ارائه دو جنبه منفی و مثبت ایدئولوژی می‌پردازد که در حالت منفی، ابزاری در جهت مشروعیت‌بخشی به سلطه و در حالت مثبت، ابزاری در راستای مشروعیت‌بخشی به مقاومت در برابر سلطه و نابرابری‌های اجتماعی است. (ون‌دایک، ۲۰۰۰: ۷-۸)

### ۲-۲. تحلیل گفتمان امام علی (ع) در نامه‌هایش به معاویه

در بخش چارچوب نظری، مؤلفه‌های تقابل، سطح توصیف و میزان جزئیات و شاهد مثال از مربع ایدئولوژیکی ون‌دایک در سطح معنا تشریح شد. این مؤلفه‌ها در نامه‌های امام (ع) به معاویه از شواهدی برخوردارند که در ادامه مورد تحلیل و واکاوی قرار می‌گیرند.

#### ۲-۲-۱. تقابل

بر اساس مطالب پیش گفته تضاد منافع و رقابت دو گروه، منجر به قطب‌بندی میان «ما» و «آن‌ها» و بروز تقابل و تجلی ایدئولوژی در گفتمان می‌گردد. طبق بررسی به‌عمل‌آمده در نامه‌های امام (ع) به معاویه با در نظر گرفتن این مسائل سه شاهد برای تقابل یافت شد که در هر سه شاهد امام (ع) و معاویه دو گروهی هستند که تضاد منافع آن‌ها سبب قطب‌بندی میان «ما» یعنی امام (ع) و «آن‌ها» یعنی معاویه و جلوه‌گر شدن ایدئولوژی امام (ع) در گفتمان او گردیده است.

اولین شاهد تقابل در نامه ۱۷ مشاهده می‌شود، آن‌جا که امام (ع) معاویه را مورد خطاب قرار داده و فرموده است: «وَأَمَّا قَوْلُكَ إِنَّا بَنُو عَبْدِ مَنَافٍ فَكَذَلِكَ نَحْنُ وَ لَكِنْ لَيْسَ أُمِّيَّةُ كَهَاشِمٍ وَ لَأَحْرَبُ كَعَبِدِ الْمُطَّلِبِ وَ لَا أَبُو سُفْيَانَ كَأَبِي طَالِبٍ وَ لَا الْمُهَاجِرُ كَالطَّلِيقِ وَ لَا الصَّرِيحُ كَالصَّبِيقِ وَ لَا الْمُحِقُّ كَالْمُبْطِلِ وَ لَا الْمُؤْمِنُ كَالْمُدْغِلِ وَ

لَيْسَ الْخُلْفُ خَلْفٌ يَتَّبِعُ سَلْفًا هُوَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ وَ فِي أَيْدِينَا بَعْدُ فَضْلُ التُّبُوَّةِ الَّتِي أَدَلَّلْنَا بِهَا الْعَزِيزَ وَ نَعَشْنَا بِهَا الدَّلِيلَ» (نامه/۱۷).

«و اما قول تو: همانا ما فرزندان عبدمناف هستیم» پس ما نیز [هستیم] و اما امیه مثل هاشم و حرب، مثل عبدالمطلب و ابوسفیان، مثل ابی طالب و مهاجر، مثل آزاد شده و خالص، مثل چسبیده و حق گو، مثل یاوه گو و مؤمن، مثل دغل باز نیست و چه جانشین بدی که مطیع نیاکانی باشد که در آتش جهنم سقوط کرد. و پس از آن فضل نبوتی که با آن عزیز را ذلیل کردیم و با آن ذلیل را توان بخشیدیم در دستان ماست». امام (ع) در این عبارت ابتدا از قول معاویه که خاندانش را فرزندان عبدمناف خوانده سخن به میان آورده، سپس خاندان خود را نیز فرزندان عبدمناف دانسته، این در حالی است که تعدادی از افراد این دو خاندان را نام برده و به عدم شباهت آن‌ها و نیز عدم شباهت مهاجر و آزاده، خالص و چسبیده، حق گو و یاوه گو، مؤمن و دغل باز اشاره کرده، ضمن این که جانشین پیرو پیشینیان بد را بد تلقی کرده است. علاوه بر این به وجود فضل نبوت در دست خاندان خود اذعان نموده است.

قول امام (ع) (فَكَذَلِكَ نُحْنُ) در واکنش به قول معاویه (إِنَّا بَنُو عَبْدِ مَنَافٍ) بیان گر این است که نسب آن دو به عبدمناف می‌رسد، زیرا امام (ع) فرزند «ابوطالب بن عبدالمطلب بن هاشم بن عبدمناف» (قائدان، ۱۳۷۶: ۲۱) و معاویه فرزند «صخر بن حرب بن امیه بن عبدشمس بن عبدمناف» (محلاتی، ۱۳۸۴: ۴) است. با وجود اشتراک امام (ع) و معاویه در رسیدن نسبشان به عبدمناف، آن‌ها طبق آن چه در شاهد مذکور به آن اشاره شده در پنج مسأله به شرح ذیل با یکدیگر فرق دارند:

اولین فرق در شرافت دو خاندان است و درباره آن‌ها چنین گفته شده که «شرف بنی هاشم به یکدیگر پیوسته است و از بزرگی به بزرگ دیگر رسیده است [درحالی که] بنی عبدشمس چنان نیستند.» (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۵: ۴۶۹/۶)

دومین فرق در عزت امام (ع) به دلیل مهاجرت و ذلت معاویه به علت آزادی از بند اسارت است، زیرا همان طور که نقل شده «امام علی (ع) با مسلمانان خارج شد درحالی که مکه را ترک و به سوی مدینه هجرت نمود و آن فضیلت بزرگی است که مهاجرین از جمله امام (ع) را ارجمند گردانید [و اما] معاویه در فتح مکه اسیر شد پس رسول خدا بر او منت نهاد و او را آزاد نمود.» (موسوی، ۱۴۱۸: ۱۸۳/۴)

سومین فرق در چگونگی اسلام آوردن آن دو است، زیرا بنا به عقیده برخی امام (ع) در عبارت «الصريح كاللصيق» (خالص مثل چسبیده) با ذکر واژه صريح «به خود اشاره می‌کند که مسلمانی خالص است درحالی که معاویه از روی عقیده به اسلام نگرود [بلکه] از ترس شمشیر مسلمان شد.» (موسوی، ۱۴۱۸: ۱۸۳/۴)

چهارمین فرق در راه و مسیر آن دو است چنانچه بر اساس نظرات ارائه شده «راه امام (ع) بر حق است و آن چه می‌گوید و باور دارد، درست و مطابق با واقع است و راه و عملکرد دشمنش [معاویه] راه باطل و نادرستی است.» (ابن میثم، ۱۳۷۵: ۶۷۴/۴)

پنجمین فرق در میزان اعتقاد آن دو به دین خداست، زیرا چنان‌که اشاره شده «بالاترین امتیاز امام، شرافت ایمانی اوست [درحالی‌که] دشمنش [معاویه] دارای باطنی خبیث همراه با نفاق است.» (همان: ۶۷۴)

در عبارات پیشین پنج فرق میان امام (ع) و معاویه با توجه به گفته‌های او و با استناد به دیگر منابع تبیین شد. پنج فرق مذکور نشان‌گر پنج تقابل در کلام امام (ع) است که در هر یک، او به‌عنوان «ما» در مقابل معاویه به‌عنوان «آن‌ها» قرار گرفته است. ضمن این‌که نکات مثبت «ما» از جهت نسب و فضیلت و نکات منفی «آن‌ها» نمایان شده است.

نامه ۲۸ دومین شاهی است که بر تقابل دلالت می‌کند، وقتی که امام (ع) معاویه را با عبارت ذیل مورد خطاب قرار داده است:

«فَإِنَّا صَنَعْنَا رَبَّنَا وَ النَّاسُ بَعْدُ صَنَعُوا لَنَا لَمْ يَمْنَعْنَا قَدِيمُ عِزَّنَا وَ لَا عَادِي طَوْلَنَا عَلَى قَوْلِكَ أَنْ خَلَطْنَاكُمْ بِأَنْفُسِنَا فَتَنَكَّحْنَا وَ أَنْكَحْنَا وَ لَسْتُمْ هُنَاكَ وَ أَنَّى يَكُونُ ذَلِكَ كَذَلِكَ وَ مِنَّا التَّيْبُ وَ مِنْكُمْ الْمُكَدِّبُ وَ مِنَّا أَسَدُ اللَّهِ وَ مِنْكُمْ أَسَدُ الْأَخْلَافِ وَ مِنَّا سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ مِنْكُمْ صَبِيَّةُ النَّارِ وَ مِنَّا خَيْرُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَ مِنْكُمْ حَمَّالَةُ الْحَطَبِ فِي كَثِيرٍ مِمَّا لَنَا وَ عَلَيْنَا» (نامه/۲۸).

«پس همانا ما دست پرورده خدایمان هستیم و مردم پس از آن دست‌پرورده ما هستند. عزت و قدرت دیرین ما در مقابل قوم تو مانع ما نشد که ما خودمان را با شما درآمیزیم، پس ازدواج کردیم و به عقد درآوردیم و شما نیستید و آن چه‌طور چنین است درحالی‌که پیامبر از ما و تکذیب‌کننده از شما و شیر خدا از ما و شیر هم‌پیمان‌ها از شما و دو سرور جوانان اهل بهشت از ما و کودکان آتش از شما و بهترین زنان جهانیان از ما و زن هیزم‌کش از شماست؟ در بسیاری از چیزهایی که به نفع ما و به ضرر شماست.»

امام (ع) در این عبارت به معرفی گروه خود یعنی «ما» پرداخته و تصریح نموده که گروهش دست پرورده خداوند و مردم نیز دست‌پرورده آن هستند. علاوه بر این از دیرینگی عزت و قدرت گروهش و درهم آمیختن آن با گروه معاویه در امر ازدواج سخن به میان آورده، سپس با بیان تقابل دوستان در برابر دشمنان، گروه خود را معرفی کرده است. بدین ترتیب که پیامبر، شیر خدا و دو سرور جوانان اهل بهشت و بهترین زنان جهانیان را در زمره دوستان «ما» و تکذیب‌کننده، شیر هم‌پیمان‌ها، کودکان آتش و زن هیزم‌کش را در ردیف دشمنان «ما» قرار داده است. برخی از شارحان نهج‌البلاغه به افرادی که در این قطب‌بندی در تقابل با یکدیگر هستند اشاره کرده‌اند. بنا به عقیده بعضی از آن‌ها، مراد از تکذیب‌کننده «ابوجهل بن هشام» است که قرآن نیز به او اشاره می‌فرماید: «و ذرني و المكذبين» (ابن‌میثم، ۱۳۷۵: ۷۶۰/۴).

و به‌نظر برخی دیگر تکذیب‌کننده «ابوسفیان بن حرب است که دشمن رسول خدا و جمع‌کننده لشگر برای جنگ با او بوده است» (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۷۵: ۴۶۱/۶). منظور از «أسدالله» (شیر خدا) «حمزه بن عبدالمطلب است که پیغمبر اکرم به‌علت دلیری و دفاع وی از دین خداوند، او را شیر خدا نامیده است» (ابن‌میثم، ۱۳۷۵: ۷۶۰/۴). مقصود از «أسدالاحلاف» (شیر هم‌پیمان‌ها) «أسد بن عبدالعزی است که با بنی

عبدمناف و بنی زهره و بنی اسد و تیم و بنی الحارث بن فهر بر جنگ بنی قصى هم سوگند شدند تا آن چه از ریاست کعبه معظمه در دست بنی عبدالدار است باز گیرند. [هم چنین گفته شده] أسد الاحلاف ابوسفیان است که در غزه خندق احزاب را گرد آورد و آنان را بر کشتن پیغمبر (ص) سوگند داد» (فیض الاسلام، ۱۳۶۸: ۸۹۷/۵). و اما [دو سرور جوانان اهل بهشت طبق قول رسول خدا (ص) امام حسن (ع) و امام حسین (ع) هستند. هنگامی که درباره آن ها فرمود:] «الحسن و الحسین سیدا شباب أهل الجنة» (ابن عساکر، ۱۹۹۵: ۱۳۱/۴).

منظور از «کودکان آتش، فرزندان عقبه بن ابی معیط است که پیامبر به او فرمود: سرانجام برای تو و آنان آتش است و برخی [گفته اند] فرزندان مروان بن حکم هستند که هنگام بلوغشان جهنمی شدند» (ابن میثم، ۱۳۷۵: ۷۶۰/۴)، و اما «بهترین زنان جهانیان حضرت فاطمه سلام الله علیها است» (القمی، ۱۴۰۱: ۳۷)، و زن هیزم کش «ام جمیل دختر حرب بن امیه است که خداوند متعال وی را حمالة الحطب نامید. این زن خارهای بیابان را جمع می کرد و در راه رسول خدا می انداخت تا به این طریق به او آزار برساند» (مقریزی، بی تا: ۷۱).

در عبارات پیشین با استناد به منابعی، کلام امام (ع) تشریح و تبیین گردید و با ارائه توضیحاتی روشن شد افرادی که امام (ع) بدون ذکر نام از آن ها سخن به میان آورده چه کسانی هستند و به چه دلیل و با توجه به چه ویژگی به آن القاب خاص ملقب شده اند. هم چنین روشن شد که آن افراد با قطب بندی در تقابل با یکدیگر قرار دارند و آن هایی که جزء گروه امام (ع) به عنوان «ما» هستند متصف به صفات پسندیده و آن هایی که جزء گروه معاویه به عنوان «آن ها» هستند متصف به صفات ناپسندند. بنابراین از طریق راهکار تقابل، معاشران «ما» (خوبان) و معاشران «آن ها» (بدان) مشخص شده است.

علاوه بر نامه های ۱۷ و ۲۸، نامه ۶۴ نیز در بردارنده شاهدی دال بر تقابل است. در این شاهد که نامه مذکور با آن آغاز شده، امام (ع) این گونه با معاویه سخن گفته است:

«أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّا كُنَّا نَحْنُ وَ أَنْتُمْ عَلَى مَا ذَكَرْتُمْ مِنَ الْأُلْفَةِ وَ الْجُمَاعَةِ فَفَرَّقَ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ أَمْسِ أَنَا أَمْنَا وَ كَفَرْتُمْ وَ الْيَوْمَ أَنَا اسْتَقَمْنَا وَ فُتِنْتُمْ وَ مَا أَسْلَمَ مُسْلِمُكُمْ إِلَّا كَرَاهَا» (نامه/۶۴).

«اما بعد پس همانا ما و شما بنا بر آن چه که بیان کردی در الفت و اتحاد بودیم، پس دیروز میان ما و شما جدایی افکند که ما ایمان آوردیم و شما کافر شدید و امروز که ما پایدار ماندیم و شما فریب داده شدید و مسلمان شما به اسلام نگرید مگر از روی بی میلی (با کراهت)» (نامه/۶۴).

امام (ع) در این عبارت ابتدا به رابطه حسنه خاندان خود و خاندان معاویه و سپس به جدایی آن ها و تفاوت اعمالشان اشاره کرده است. آن چه در این راستا ذکرش ضروری به نظر می رسد اشاره به مسائل مذکور در نامه ای است که آن نامه «از جمله نامه های امام (ع) در پاسخ به معاویه است.» (ابن میثم، ۱۳۷۵: ۳۴۶/۵)

معاویه در نامه‌اش «از الفت و اتحاد هاشمیان و امویان در ایام شرک و جاهلیت سخن گفته درحالی‌که امام(ع) انکار نکرده که آن دو اهل یک خاندان هستند و آن خاندان عبدمناف است، اما پس از آن به اموری اشاره کرده است که موجب جداییشان شد [که آنها عبارتند از]:

۱- اسلامی که به دست پیامبر(ص) ظهور کرد میان آن‌هایی جدایی افکند پس هنگامی که هاشمیان به رسول خدا ایمان آوردند، امویان به رسول خدا کفر ورزیدند.

۲- هاشمیان برخط خدا و پیامبر او پایدار ماندند و از سنت منحرف نشدند، درحالی‌که امویان منحرف شدند و برخط صداقت و تقوی باقی نماندند.

۳- امویان اسلام نیاوردند مگر با کراهت و اجبار از ترس کشته شدن (موسوی، ۱۴۱۸: ۱۴۵/۵).

مطالب فوق‌الذکر بیان‌گر این است که خاندان امام(ع) یعنی بنی‌هاشم و خاندان معاویه یعنی بنی‌امیه با وجود هم‌بستگی در دوره جاهلیت، پس از ظهور اسلام هر یک در تعامل با دین خدا و پیامبر او شیوه متفاوتی را برگزیدند و همین امر منجر به جدایی آن‌ها شد درحالی‌که بنی‌هاشم اسلام را با رضایت قلبی پذیرفتند، امویان اعلام مخالفت کرده و از پذیرش آن سرباز زدند.

با توجه به توضیحاتی که درباره شاهد مذکور ارائه شد می‌توان برداشت نمود که عکس‌العمل خاندان امام(ع) و خاندان معاویه در گرویدن به دین اسلام منشأ تقابل آن‌ها در ایمان و کفر است و این در حالی است که ایمان، بسیاری از فضائل و کفر، بسیاری از رذائل را در برمی‌گیرد. در نهایت می‌توان تقابل بالا را به صورت زیر خلاصه کرد: نکات مثبت متعددی مثل صداقت، عفت، عدالت و توکل برای «ما» و نکات منفی متعددی مثل خیانت، ظلم، نفاق و دروغ‌گویی برای «آن‌ها».

تاکنون سه شاهد مرتبط با تقابل تحلیل گردید. حال به سؤالاتی که قبلاً در نظریه وندایک از آن‌ها سخن به میان آمد پاسخ داده می‌شود:

۱- چه کسی هستیم؟ عبارت «فَكَذَلِكُمْ حُنٌّ» (پس ما نیز [هستیم]) در نامه ۱۷ که امام(ع) آن را در واکنش به قول معاویه یعنی عبارت «إِنَّا بَنُو عَبْدِ مَنَافٍ» (همانا ما فرزندان عبدمناف هستیم) به زبان آورده است، پاسخ این سؤال است. امام(ع) در عبارت مذکور با انتساب گروه خود به عبدمناف اطلاعاتی درباره هویت آن ارائه نموده است هر چند که پس از این عبارت با ذکر نام تعدادی از افراد خاندان خود مثل هاشم، عبدالمطلب و ابوطالب و نیز افرادی از خاندان معاویه همچون امیه، حرب و ابوسفیان به عدم شباهت افراد دو خاندان اذعان نموده و بدین ترتیب خاندان خود را برتر از خاندان معاویه و جایگاه گروهش را بالاتر از گروه او دانسته است.

علاوه بر این، قول امام(ع) در عبارتی از نامه ۲۸ یعنی «فَإِنَّا صَنَائِعُ رَبِّنَا» (پس همانا ما دست پرورده خدایمان هستیم) نیز پاسخی برای سؤال یاد شده است، زیرا امام(ع) در آن به معرفی گروه خود پرداخته و آن را تربیت یافته خداوند تلقی کرده و بالاترین جایگاه را برای آن در نظر گرفته است.

۲- چه کسانی از ما هستند؟ دوستان و دشمنان ما چه کسانی هستند؟

با توجه به این که دو سؤال بالا پاسخ یکسانی دارند، از همین رو با یکدیگر مطرح شده‌اند. عبارت «مِنَّا؟ النَّبِيُّ وَ مِنْكُمْ الْمُكَذِّبُ وَ مِنَّا أَسَدُ اللَّهِ وَ مِنْكُمْ أَسَدُ الْأَخْلَافِ وَ مِنَّا سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ مِنْكُمْ صَبِيَةُ النَّارِ وَ مِنَّا خَيْرُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَ مِنْكُمْ حَمَالَةُ الْحُطْبِ» از قول امام خطاب به معاویه در نامه ۲۸ پاسخ روشنی برای این دو سؤال است؛ زیرا در آن پیامبر، شیر خدا، دو سرور اهل بهشت و بهترین زنان جهانیان جزء گروه امام(ع) یعنی از «ما» و دوستان «ما» و تکذیب کننده و شیر هم‌پیمان‌ها و کودکان آتش و زن هیزم-کش جزء گروه معاویه و دشمنان «ما» هستند.

۳- چه رفتارهایی از ما انتظار می‌رود؟ چه اعمالی پسندیده و چه اعمالی ناپسند است؟ از آن جایی که این دو سؤال نیز تا حدی با هم شباهت دارند و یک عبارت دربردارنده پاسخ هر دو سؤال است با هم مطرح شده‌اند.

در عبارت «فَفَرَّقَ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ أَمْسِ أَنَا أَمْنَا وَ كَفَرْتُمْ وَ الْيَوْمَ أَنَا اسْتَقَمْنَا وَ فُتِنْتُمْ» (پس دیروز میان ما و شما جدایی افکند که ما ایمان آوردیم و شما کافر شدید و امروز که ما پایدار ماندیم و شما فریب داده شدید) از زبان امام(ع) در نامه ۶۴ به این دو سؤال پاسخ داده است.

پاسخ سؤال اول در این عبارت نهفته است؛ زیرا از «ما» یعنی گروه امام(ع) به‌عنوان دست‌پرورده خداوند انتظار می‌رود که رفتارش در راستای پیروی از دین خدا باشد. چنین امری درباره «ما» صادق است، زیرا دو واژه «أَمْنَا» و «اسْتَقَمْنَا» در عبارت یاد شده بیان‌گر اطاعت بی‌قید و شرط «ما» از خداوند متعال است.

علاوه بر این، عبارت مذکور دربردارنده پاسخ سؤال دوم نیز هست، زیرا «أَمْنَا» و «اسْتَقَمْنَا» بیان‌گر اعمال پسندیده «ما» و «كَفَرْتُمْ» و «فُتِنْتُمْ» نشان‌گر اعمال ناپسند «آن‌ها» است.

۴- چه توانمندی‌ها و داشته‌هایی داریم؟ در عبارت «وَ فِي أَيْدِينَا بَعْدَ فَضْلِ النَّبُوَّةِ الَّتِي أَدَلَّلْنَا بِهَا الْعَزِيزَ وَ نَعَشْنَا بِهَا الدَّلِيلَ» (و پس از آن فضل نبوتی که با آن عزیز را دلیل کردیم و با آن دلیل را توان بخشیدیم در دستان ماست) در نامه ۱۷ به این سؤال پاسخ داده است.

در عبارت فوق، «فضل نبوت» جزء داشته‌های «ما» به‌شمار می‌آید که سبب توانمندی «ما» در خوار کردن عزیز و توان بخشیدن به دلیل شده است.

۵- در جایگاه قدرت باشیم یا ضعف؟ عبارت «لَمْ يَمْتَعْنَا قَدِيمُ عَزَّتَا وَ لَا عَادِي طَوْلَنَا عَلَى قَوْمِكَ أَنْ خَلَطْنَاكُمْ بِأَنْفُسِنَا» (عزت و قدرت دیرین ما در مقابل قوم تو مانع ما نشد که ما خودمان را با شما درآمیزیم) نامه ۲۸ نمایان‌گر جایگاه «ما» است و چنان‌که ملاحظه می‌شود دو واژه «عَزَّتَا وَ طَوْلَنَا» به معنی «عزت ما و قدرت ما» بر جایگاه «ما» نسبت به آن‌ها دلالت می‌کنند.

۶- اهداف و آمال گروه چیست؟ عبارت مشخصی برای پاسخ به این سؤال وجود ندارد، اما بر اساس شواهد تحلیل شده می‌توان دریافت که اهداف و آمال گروه امام(ع) عملی کردن احکام و دستورات اسلام است.

## ۲-۲-۲. شاهد مثال

طبق آن چه پیشتر بیان شد شاهد مثال اشاره به حوادث به‌وقوع پیوسته در گذشته است که موجب تأکید بیشتر بر صحت گفته‌ها و افزایش باور مخاطب می‌گردد. این مؤلفه از رویکرد وندایک در چند موضع از کلام امام(ع) مصداق پیدا کرده است:

اولین عبارت در نامه ۱۰ است آن‌جا که امام(ع) خطاب به معاویه فرموده است:

«فَأَنَا أَبُو حَسَنِ قَاتِلُ جَدِّكَ وَ خَالِكَ وَ أَخِيكَ يَوْمَ بَدْرٍ وَ ذَلِكَ السَّيْفُ مَعِيَ وَ بِذَلِكَ الْقَلْبِ أَلْفَى عَدُوِّي» (نامه/۱۰).  
«پس منم ابوحسن قاتل جدت و دایی‌ات و برادرت در جنگ بدر و آن شمشیر با من است و با آن دل دشمنم را می‌افکنم» (نامه/۱۰).

امام(ع) در این عبارت خودش را قاتل جد، دایی و برادر معاویه دانسته و با کاربرد اسم اشاره «ذلک» به شمشیرش در نبرد با آنان اشاره کرده و یادآور شده که آن شمشیر با اوست و با آن دل، دشمنش را نقش زمین می‌کند.

مضمون این عبارت از سویی نمایان‌گر شجاعت امام(ع) و از سویی بیان‌گر تهدید معاویه است؛ زیرا امام(ع) با سخن گفتن از دل‌آوری‌اش در جنگ بدر و از پای افکندن سه نفر از نزدیکان معاویه به‌وسیله شمشیر و دل و جرأتی که با آنان به پیکار برخاسته او را ترسانده است.

مانند این شاهد مثال در نامه ۶۴ نیز به‌کار رفته است، هنگامی که امام(ع) با عبارت ذیل به معاویه گفته

است:

«عِنْدِي السَّيْفُ الَّذِي أَعْصَمْتُهُ بِجَدِّكَ وَ خَالِكَ وَ أَخِيكَ فِي مَقَامٍ وَاحِدٍ» (نامه/۶۴).

«من شمشیری دارم که با آن جدت و دایی‌ات و برادرت را در یکجا به دندان گزیدم».

مضمون این شاهد مثال نیز مثل شاهد مثال در نامه ۱۰ است هر چند در همه الفاظ با آن یکسان نیست اما امام(ع) در شاهد مثال یاد شده از شمشیرش که با آن سه تن از خویشاوندان معاویه را در یک مکان به خاک افکنده، سخن به میان آورده است و منظور وی، کشته شدن آن‌ها به‌وسیله او در جنگ بدر است. نکته قابل ذکر درباره دو شاهد مثال مذکور این است که اولاً امام(ع) به بازنمایی شجاعتش به‌عنوان یکی از نکات مثبت «ما» پرداخته است. این در حالی است که به یک واقعه تاریخی نیز اشاره کرده است؛ زیرا همان‌طور که گفته شده «جد مادری معاویه: عتبه بن ربیع و دایی‌اش ولید بن عتبه و برادرش حنظله بن اُبی‌سفیان در جنگ بدر به‌دست امام(ع) کشته شدند» (ابن‌میثم ۱۳۷۵: ۶۳۹/۴).

اشاره امام(ع) به این واقعه انکارناپذیر که خود معاویه نیز از آن آگاه است سبب تأکید بر کلام امام(ع) و اثبات منظورش یعنی اتصاف به صفت شجاعت و نیز افزایش یقین معاویه به آن است.

سومین عبارتی که بر شاهد مثال دلالت می‌کند قول امام(ع) در نامه ۱۷ است آن‌جا که فرموده است:

«وَ لَمَّا أَدْخَلَ اللَّهُ الْعَرَبَ فِي دِينِهِ أَفْوَاجاً وَ أَسْلَمَتْ لَهُ هَذِهِ الْأُمَّةُ طَوْعاً وَ كَرْهاً كُنْتُمْ مِمَّنْ دَخَلَ فِي الدِّينِ إِمَّا رَغْبَةً وَ إِمَّا رَهْبَةً» (نامه/۱۷).



«و هنگامی که خداوند عرب را گروه گروه در دینش وارد کرد و این امت با اختیار و کراهت برای او سر تسلیم فرود آورد شما از کسانی بودید که یا از روی میل و یا از روی ترس وارد دین شدند» (نامه/۱۷).

امام (ع) در این عبارت ابتدا از نحوه وارد شدن عرب‌ها و سپس خاندان معاویه به دین اسلام سخن به میان آورده و یکی از رذایل این خاندان یعنی پذیرش اسلام به شکل ظاهری را با استفاده از شاهد مثال و با تکیه بر حقایق تاریخی برای او بازگو نموده است، زیرا چنان که منقول است: «امویان به اسلام نگریدند مگر برای دو مساله یا از روی میل به غنیمت و منفعت و یا از ترس لبه شمشیر» (موسوی، ۱۴۱۸: ۱۸۴/۴).

با توجه به مطالب مذکور در این شاهد مثال یکی از نکات منفی «آن‌ها» بر پایه یک واقعیت تاریخی که باعث رفع شک و تردید و افزایش اطمینان مخاطب می‌شود، در کلام امام (ع) نمایان شده است. علاوه بر موارد یاد شده، نامه ۴۸ نیز دربردارنده عبارتی است که بیان‌گر شاهد مثال است. در آن عبارت معاویه با الفاظ ذیل از سوی امام (ع) مورد خطاب واقع شده است:

«و قَدْ دَعَوْتَنَا إِلَى حُكْمِ الْقُرْآنِ وَ لَسْتَ مِنْ أَهْلِهِ» (نامه/۴۸).

«و تو ما را به حکم قرآن فراخواندی درحالی که از اهل آن نیستی».

امام (ع) در این عبارت به عملکرد معاویه در فرا خواندن او به حکم قرآن اشاره نموده در حالی که او را پیرو قرآن ندانسته است.

این سخن امام (ع) یادآور «اقدام معاویه در جنگ صفین است که [دستور داد مصحف بزرگ دمشق را بر سر چند نیزه بستند] درحالی که [ندا می‌دادند ای مردم عراق میان ما و شما قرآن حاکم باشد] (ایزدی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۷). «[دستور مذکور از سوی معاویه در مشورت با عمروعاص صادر شد آن هنگام که] عمروعاص شکست لشکر شام را حتمی می‌دید و نقشه معاویه و عمروعاص در میان سپاه امام (ع) که در چند قدمی پیروزی نهایی بودند ایجاد تزلزل و شکاف کرد» (همان: ۱۷).

امام (ع) در این شرایط «عاملان فتنه را معرفی کردند و [خطاب به آن‌ها] چنین فرمودند: بندگان خدا من برای این که به کتاب خدا پاسخ گویم شایسته‌ترینم، اما معاویه و عمروعاص و ابن ابی معیط و حبیب بن مسلمه و ابن ابی سرح اصحاب دین و قرآن نیستند» (فرهمندپور، ۱۳۷۹: ۱۰۸).

بنابر آن چه درباره این شاهد مثال گفته شد، روشن می‌شود که امام (ع) یکی دیگر از نکات منفی معاویه یعنی عملی نکردن دستورات قرآن را با تکیه بر وقایع تاریخی نمایان ساخته است.

به‌طور کلی از مجموعه مطالبی که درباره شاهد مثال بیان شد این نتیجه به‌دست می‌آید که مؤلفه مذکور هم در بازنمایی نکات مثبت «ما» و هم در بازنمایی نکات منفی «آن‌ها» در کلام امام (ع) به کار رفته است.

### ۳-۲-۲. سطح توصیف و میزان جزئیات

پیشتر بیان شد که سطح توصیف و میزان جزئیات به‌منظور بازنمایی نکات مثبت «ما» و نکات منفی «آن‌ها» به کار می‌رود و موجب تأکید بیشتر می‌شود. این مؤلفه در دو شاهد جهت آشکار ساختن نکات منفی

معاویه به‌عنوان «آن‌ها» در نامه‌های امام (ع) کاربرد یافته است. عبارت ذیل در وصف فریب‌خوردگی معاویه به‌وسیله دنیا در نامه ۱۰ از آن جمله است؛ آن‌جا که امام (ع) خطاب به او این‌گونه فرموده است:

«وَكَيْفَ أَنْتَ صَانِعٌ إِذَا تَكَشَّفْتُ عَنْكَ جَلَابِيبُ مَا أَنْتَ فِيهِ مِنْ دُنْيَا قَدْ تَبَهَّجَتْ بِرَبِّتِهَا وَخَدَعَتْ بِلَدِّهَا دَعْتِكَ فَأَجَبْتَهَا وَفَادَتَكَ فَاتَّبَعْتَهَا وَآمَرْتَكَ فَأَطَعْتَهَا» (نامه/۱۰).

«و تو چه کار می‌کنی اگر جامه‌های چیززی از دنیا که تو در آنی کنار رود، دنیایی که با زینتش زیباتر شد و با لذتش فریفت، تو را فراخواند پس تو به آن پاسخ دادی، و تو را پیش برد پس تو از آن دنباله‌روی کردی و به تو فرمان داد و تو از آن اطاعت کردی».

امام (ع) در این عبارت معاویه را با حالت استفهام مورد خطاب قرار داده و درباره عملکرد او در صورت کنار رفتن پرده‌های دنیا سؤال کرده ضمن این‌که از عمل دنیا و عکس‌العمل معاویه که در نهایت منجر به فریب خوردن او شده سخن به میان آورده است.

با تأمل درباره قول امام (ع) در این عبارت می‌توان برداشت نمود که دنیا مرحله‌به‌مرحله معاویه را فریب داده است. بدین ترتیب که در مرحله اول با زینت و لذتش زمینه را برای جذب معاویه فراهم ساخته و در مرحله دوم او را بدون تحکم به‌سوی خود فراخوانده و معاویه نیز بدون اکراه دعوتش را اجابت نموده است. این امر بسترساز مرحله سوم یعنی پیش‌بردن معاویه به‌وسیله آن شده درحالی‌که او بدون مقاومت از آن دنباله‌روی کرده است. همین امر سبب شده که دنیا در آخرین مرحله با زور و تحکم به او دستور دهد و او نیز بدون مخالفت دستورش را اطاعت کند.

بر اساس آنچه بیان شد این نتیجه به‌دست می‌آید که یکی از رذائل معاویه یعنی فریفتگی او در کلام امام (ع) با ذکر جزئیات و مرحله‌به‌مرحله توصیف شده است که توصیفی این‌چنینی موجب جای گرفتن آن در ذهن مخاطب و رفع شک و تردید او می‌گردد.

وصف تسلط شیطان بر معاویه از دیگر شواهد سطح توصیف و میزان جزئیات است که در نامه ۱۰ به آن اشاره شده است، عبارت ذیل گواه این مدعاست:

«قَدْ أَخَذَ الشَّيْطَانُ مِنْكَ مَأْخَذَهُ وَ بَلَغَ فِيكَ أَمَلَهُ وَ جَرَى مِنْكَ مَجْرَى الرُّوحِ وَ الدَّمِ» (نامه/۱۰).

«شیطان جایگاهش را از تو گرفت و در تو به آرزویش رسید و مثل جاری شدن روح و خون در تو جاری شد (جزء روح و خون تو شد).

امام (ع) در این عبارت از نحوه نفوذ شیطان به درون معاویه و تسلطش بر او سخن به میان آورده است. از گفته امام (ع) برمی‌آید که تسلط شیطان بر معاویه در سه مرحله صورت گرفته است بدین ترتیب که شیطان در مرحله اول جایگاهی را برای خود در وجود معاویه برگرفته و در مرحله دوم در آن جایگاه آرزویش را محقق ساخته و در مرحله سوم وجود او را فراگرفته و جزئی از آن شده است. با این توضیحات تسلط شیطان بر معاویه به‌عنوان یکی از صفات ناپسند او در بیانات امام (ع) مرحله‌به‌مرحله به وصف کشیده شده است.

### نتیجه گیری

پژوهش حاضر نتایجی را دربرداشت که اهم آن‌ها عبارتند از:

- ایدئولوژی امام علی (ع) و معاویه منجر به قطب‌بندی میان آن دو به‌عنوان دو گروه و به‌عبارت دیگر تقابل «ما» و «آن‌ها» گردیده است این در حالی است که امام (ع) با ارائه اطلاعاتی درباره هویت گروه خود به‌عنوان فرزندان هاشم و معرفی اعضای گروهش که متصف به صفات پسندیده هستند و اعمال گروهش که در راستای پیروی از دین خداست، جایگاه گروه خودی را اعتلا بخشیده و نیز با ارائه اطلاعاتی درباره هویت گروه غیرخودی به‌عنوان فرزندان امیه و معرفی اعضای آن که متصف به صفات ناپسند هستند و اعمال آن که در راستای سرپیچی از دین خداست، جایگاه گروه غیرخودی را تنزل داده است.
- تقابل «ما» و «آن‌ها» در مقایسه اصل و نسب، صفات پسندیده و ناپسند، دوستان و دشمنان و اعمال آن دو گروه نمود یافته است.
- سطح توصیف و میزان جزئیات جهت بازنمایی برخی صفات ناپسند معاویه به کار رفته است.
- برخی از نکات مثبت «ما» و برخی از نکات منفی «آن‌ها» با به‌کارگیری شاهد مثال بازنمایی و سبب افزایش باور مخاطب شده است.
- به نظر می‌رسد که در نتیجه تقابل امام (ع) با معاویه «اعتقاد راستین به دین اسلام» در برابر «انحراف از دین اسلام» ایدئولوژی‌هایی هستند که در گفتمان امام (ع) متجلی شده‌اند.
- شرافت نسب، خلوص، ایمان به خدا، معاشرت با نیکان و شجاعت به‌عنوان مهم‌ترین نکات مثبت «ما» و نفاق، کفر، معاشرت با بدان، پیروی از شیطان به‌عنوان مهم‌ترین نکات منفی «آن‌ها» در گفتمان امام (ع) بازنمایی شده است.

## منابع

## - نهج البلاغه.

- ابن‌ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبه الله. (۱۳۷۵). **جلوه تاریخ در شرح نهج البلاغه ابن‌ابی‌الحدید**، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، بی‌چاپ، تهران: نشر نی.
- ابن‌عساکر، علی بن الحسن. (۱۹۹۵). **تاریخ مدینه دمشق**، بی‌چاپ، بیروت: دارالفکر.
- ابن‌میثم، میثم بن علی. (۱۳۷۵). **ترجمه شرح نهج البلاغه ابن‌میثم**، ترجمه قربان‌علی محمدی مقدم، علی اصغر ترابی یحیی‌زاده، محمد صادق عارف، حبیب‌الله روحانی، محمدرضا عطایی، بی‌چاپ، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- اسماعیل‌زاده، حسن، احمدزاده، پرویز و رحمانی، عاطفه. (۱۴۰۱). «بازتاب مؤلفه‌های حکمرانی امام علی (ع) در تقابل با سیاست‌های معاویه بر اساس روش عملیاتی تحلیل گفتمان (پدام)». **فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه**، دوره ۱۰، شماره ۳۷، ۷-۲۴.
- ایزدی، کامران و جانی‌پور، محمد. (۱۳۹۰). «تحلیل و نقد نامه‌های معاویه به امیرالمؤمنین (ع)». **مجله تحقیقات علوم قرآن و حدیث**، شماره ۱، ۵-۴۳.
- بابایی آملی، ابراهیم. (بی‌تا). **فرهنگ اعلام نهج البلاغه**، بی‌چاپ، قم: آئین دانش.
- بشیر، حسن. (۱۳۹۹). **روش عملیاتی تحلیل گفتمان**، چاپ اول، تهران: انتشارات سروش.
- پالتریج، برایان. (۱۳۹۹). **درآمدی بر تحلیل گفتمان**، ترجمه طاهره همتی، چاپ دوم، تهران: نشر نویسه پارسی.
- جلیلیان، مریم، خاقانی اصفهانی، محمد و زرکوب، منصوره. (۱۳۹۲). «بازتاب هنر تصویر بر سبک نامه‌های امام علی (ع) به معاویه»، **فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه**، شماره ۴، ۱-۱۸.
- سلطانی، سید علی‌اصغر. (۱۳۹۷). **قدرت، گفتمان و زبان**، چاپ ششم، تهران: نشر نی.
- غیایان، مریم‌سادات. (۱۳۸۶). «بازنمایی ما و آن‌ها: تصویر سفیدپوستان و مسلمانان در نشریات غرب پس از یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱»، **فصلنامه رسانه**، شماره ۴ (۷۲)، ۲۰۵-۲۱۳.
- غیایان، مریم‌سادات. (۱۳۸۶). **بازنمایی اسلام در نشریات آمریکا و انگلیس قبل و بعد از یازدهم سپتامبر بر پایه تحلیل گفتمان انتقادی**. رساله دکتری. دانشگاه تربیت مدرس.
- فرکلاف، نورمن. (۱۳۹۹). **تحلیل گفتمان انتقادی**، ترجمه روح‌الله قاسمی، چاپ دوم، تهران: انتشارات اندیشه احسان.
- فرهمندپور، فهیمه. (۱۳۷۹). **سیری در تطور خلافت اسلامی از آغاز تا پایان سفیانیان (۱۱-۶۴ق)**، چاپ اول، بی‌چاپ: انتشارات بضعه الرسول.
- فیض‌الاسلام اصفهانی، علی‌نقی. (۱۳۶۸). **ترجمه و شرح نهج البلاغه**، بی‌چاپ، تهران: سازمان چاپ و انتشارات فقیه.
- قاتدان، اصغر. (۱۳۷۶). **تحلیلی بر مواضع سیاسی علی‌بن‌ابی‌طالب پس از رحلت پیامبر (ص) تا قتل عثمان بن عفان**، چاپ دوم، تهران: انتشارات امیرکبیر.

- قجری، حسینعلی، نظری، جواد. (۱۳۹۲). کاربرد تحلیل گفتمان در تحقیقات اجتماعی، چاپ اول، تهران: انتشارات جامعه شناسان.
- القمی، الخزاز. (۱۴۰۱). کفایه الاثر، تحقیق عبداللطیف الحسینی، الکوهمری الخوئی، بی‌جا، بی‌جا: انتشارات بیدار.
- لاک، تری. (۱۳۹۳). تحلیل گفتمان انتقادی، ترجمه رضا خیرآبادی، سیما بهمنی، سمیرا بهمنی، چاپ اول، تهران: انتشارات خط سفید.
- محلاتی، ذبیح‌الله. (۱۳۸۴). کشف الهاویه در اعمال و زندگانی معاویه، بی‌جا، تهران: مرکز نشر کتاب.
- مقریزی، ... (بی‌تا). بنی‌هائیم و بنی‌امیه، ترجمه و شرح سید جعفر غضبان، بی‌جا، بی‌جا: بی‌نا.
- موسوی، عباس‌علی. (۱۴۱۸). شرح نهج‌البلاغه، بی‌جا، بیروت: دارالرسول الاکرم(ص).
- Van Dijk, T. (2000). **Ideology and discourse: A multidisciplinary Introduction**. Barcelona: Pompeu Fabra University





(Research Article)

**Expressing the position of communication in the structure of public service motivation theory based on Nahj al-Balagha**

Ali Naghi Amiri<sup>1</sup>, Mohammad Javad Motamed<sup>2\*</sup>, Hasan Zarei Matin<sup>3</sup>

**Submit Date:** 25 April 2022      **Revise Date:** 14 July 2022

**Accept Date:** 21 August 2022      **Publication Date:** 22 September 2022

(Page 23-52)

**Abstract**

Public service motivation is more of a technical term that is not known to researchers who are not familiar with public administration; Therefore, more care should be taken in conveying its concepts (Bozman and Su, 2015: 703). Perry and Wise (1996) considered public service motivation as a kind of individual tendency and desire to realize motives that are unique to public institutions and organizations. Based on this, public service motivation as an altruistic motivation has a positive effect on people's performance and is a type of individual behavior that ultimately leads to serving the society and its individuals (Anderson and Cerizlo, 2012: 20). As against this point of view, Perry and Handqom (2008) believed that although in popular language, the motivation of public service is used as equivalent to altruism, these two concepts are different from each other. Public service motivation is a specialized term that means nurturing people who do not participate in public administration, while altruism, from Baston and Shaw's (1991) point of view, is a motivational state whose ultimate goal is to increase people's well-being (Bozeman and Su, 2015: 706).

**Key words:** Communication, public service motivation Theory, Nahj al-Balagha.

1. Professor, Department of Public Administration, Farabi campus, University of Tehran, Iran

2. PhD in Public Administration, University of Tehran, Iran

3. Professor, Department of Public Administration, Farabi campus, University of Tehran, Iran

\*: Corresponding Author:

**Email:** m.j.motamed@ut.ac.ir

**How to cite this article:** Amiri, A. N., Motamed, M. J., Zarei matin, H. (2022). Expressing the position of communication in the structure of public service motivation theory based on Nahj al-Balagha, *Quarterly Journal of Nahj al-Balagha Research*, 10(38), 23-52. DOI: 10.22084/NAHJ.2022.26873.2857

### **1. Theoretical framework**

Research on public service motivation has grown dramatically over the past 25 years, and although it has been primarily concentrated in the United States and firmly in the public administration sector, it has become increasingly multinational in recent years (Papadopoulos and Dimitriatis, 2019: 112-135). Vandenabeel et al. (2014) reviewed the evolution of the understanding of public service motivation and noted that most articles indicate that the influence of the concept of public service motivation is expanding significantly. In the meantime, recently, some behavioral science researchers have investigated the role of employee motivation and intra-organizational communication in improving the quality of services, and have emphasized its importance, which should be scientifically measured and evaluated in different societies based on the prevailing value-oriented approaches. be placed (Chikaje and Nyakanova, 2022). Considering that the current research intends to examine the place of communication in the motivation of public services, from this point of view, studies that identify its dimensions are of double importance.

### **2. Method**

In this study, the mixed method research (qualitative-quantitative) design was used. The current study is a developmental in terms of its purpose, because it takes a step towards explaining the place of communication in the structure of the theory of public service motivation in the context of Islamic thought and values. The collection of data in this article was also done by reviewing library studies and interviewing experts, and in this way, qualitative data was collected. Also, in terms of the type of method, the present study is descriptive-exploratory. In addition, the method of conducting the present research is qualitative and thematic analysis technique with a combination of the proposed methods was used (Brown and Clark, 2006: 77-101), (Atride and Sterling, 2001: 385-405) and (King and Harrocks, 2010: 1 256-256) has been used. Also, by using the fuzzy Delphi technique and distributing questionnaires among experts and specialists in rhetoric, the obtained model was tested and evaluated and the suitability of the basic themes with the organizing themes was measured; Therefore, the statistical population of the research included 16 experts in rhetorical studies, due to their mastery over the subject under investigation; they were questioned using the fuzzy Delphi method.



### **3. Conclusion**

The public service motivation is one of the new theories of public administration and is a result of the schools of new public services and public value management. It has had a significant impact on structuring good governance in democratic societies. Therefore, after a detailed study of the theoretical foundations and literature of the subject in order to conceptualize this theory, the content of Nahj al-Balagha was examined in order to introduce this concept in the text of Nahj al-Balagha. The qualitative-quantitative research method and thematic analysis strategy in the form of three dimensions of basic themes (themes), organizing themes (categories) and comprehensive themes (components) were used to extract textual data and the fuzzy quantitative Delphi technique and distribution of the expert questionnaire among 16 experts were used to confirm the theme network. The results helped to identify three levels of: 1- communication with yourself, 2- communication with others, and 3- communication with God in the field of explaining the place of communication in the structure of this theory. The level of communication with yourself has three subcategories: self-control, thoughtfulness and professional ethics. The level of communication with others consists of the categories of effective organizational communication and empathic communication with people and effective cooperation with hierarchies and compassionate communication with subordinates, and the level of communication with God led to the identification of dimensions of pragmatic communication and epistemological communication.

### **References**

#### **[in Persian]**

- Ismailzadeh Bavani, H., Ahmadzadeh Hoch, P., & Rahmani, A. (1401). "Reflecting on the components of Imam Ali's governance in opposition to Mu'awiya's policies based on the operational method of critical discourse analysis (Padam)". **Quarterly Journal of Nahj al-Balagha Research**, 10(37), 1-24.
- Moin Abadi Bidgoli, H., & Pourahsan, S. (1401). "Constructing and examining the psychometric characteristics of the psycho-political security feeling scale based on the teachings of Nahj al-Balagha". **Quarterly Journal of Nahj al-Balagha Research**, 10(37), 95-114.
- Motamed, M. J. (1400) **Understanding the motivation of public service based on Nahj al-Balagheh**, PhD dissertation in the field of public administration, University of Tehran, Iran.

**[In English]**

- Robbins, S., Timothy, A. Judge (2019). **Organizational Behavior**, 18<sup>th</sup> edition. | New York, NY: Pearson Education.
- Ritz, Adrian, Brewer, Gene A. & Neumann, Oliver. (2016). "Public Service Motivation: A Systematic Literature Review and Outlook". **Public Administration Review**, 76(3), 414-426.
- Kim, S. (2018). "Public Service Motivation, Organizational Social Capital, and Knowledge Sharing in the Korean Public Sector", **Public Performance & Management Review**, 41(1), 130-151., DOI: 10.1080/15309576.2017.1358188.
- Tashakkori, A., and Teddlie, C. (1998). **Mixed Methodology: Combining the Qualitative and Quantitative Approaches**, Thousand Oaks, CA: Sage. P: 69.
- Tobin, IM & Hyunkuk, Lee (2012). **Can Public Service Motivation Reduce Corruption? Evidence from Korean Public Servants**, International Public Management Network Conference.
- Tullock, G. (1976). **The vote motive**. London: IEA.
- Ulrich Thy Jensen, Christian Fischer Vestergaard (2017). "Public Service Motivation and Public Service Behaviors: Testing the Moderating Effect of Tenure", **Journal of Public Administration Research and Theory**, 27(1), 52-67.
- van der Wal, Z. & Mussagulova, A. (2020). "Are Asian public affairs students different? Comparing job sector attitudes and sector preference between public affairs students at an Asian and Dutch University". **Journal of Public Affairs Education**, 26(2), 150-170.



(مقاله پژوهشی)

## تبیین جایگاه ارتباطات در ساختار نظریه انگیزه خدمت‌رسانی عمومی مبتنی بر نهج البلاغه

علی‌نقی امیری<sup>۱</sup>، محمدجواد معتمد<sup>۲\*</sup>، حسن زارعی متین<sup>۳</sup>

بازنگری مقاله: ۱۴۰۱/۰۴/۲۳

دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۲/۰۵

انتشار مقاله: ۱۴۰۱/۰۶/۳۱

پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۵/۳۰

(از ص ۲۷ تا ۵۲)

### چکیده

انگیزه خدمت‌رسانی عمومی از نظریه‌های نوین مدیریت دولتی و برخاسته از مکاتب خدمات دولتی نوین و مدیریت ارزش عمومی است که تأثیر به‌سزایی در ساختاردهی به حکمرانی خوب در جوامع مردم‌سالار داشته است که با توجه به اهمیت مضاعف مفهوم ارتباطات در ساختار این نظریه تا بحال پژوهشی در این زمینه در چارچوب اسلامی نگاشته نشده است؛ بنابراین پس از مطالعه دقیق مبانی نظری و ادبیات موضوع به‌منظور مفهوم‌شناسی این نظریه، به بررسی محتوای نهج‌البلاغه (نامه‌ها، خطبه‌ها و حکمت‌ها) به‌منظور شناساندن این مفهوم در متن این مصحف شریف پرداخته شده است. در ادامه از روش پژوهش کیفی-کمی و از استراتژی تحلیل مضمون در قالب سه محور مضامین پایه (تم‌ها)، مضامین سازمان دهنده (مقوله‌ها) و مضامین فراگیر (مؤلفه‌ها) جهت استخراج داده‌های متنی و از تکنیک کمی دلفی فازی و توزیع پرسشنامه خبرگی میان ۱۶ خبره به‌منظور تأیید شبکه مضامین بهره گرفته شده است. نتایج این پژوهش به شناسایی سه سطح ارتباط با خود، ارتباط با دیگران و ارتباط با خدا در حوزه تبیین جایگاه ارتباطات در ساختار این نظریه دست‌یافته است. سطح ارتباط با خود دارای سه زیرمجموعه خویش‌داری، اندیشه‌ورزی و اخلاق حرفه‌ای است. سطح ارتباط با دیگران از مقوله‌های ارتباطات سازمانی اثربخش، ارتباطات همدلانه با هم‌نوعان، همکاری مؤثر با سلسله‌مراتب و ارتباطات مشفقانه با زیردستان تشکیل می‌شود و سطح ارتباط با خدا به شناسایی ابعاد ارتباط عمل‌گرایانه و ارتباط معرفت‌شناسانه منجر شده است.

**کلید واژه‌ها:** ارتباطات، نظریه انگیزه خدمت‌رسانی عمومی، نهج‌البلاغه.

۱. استاد گروه مدیریت دولتی، دانشکده‌گان فارابی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۲. دکتری مدیریت دولتی گرایش رفتار سازمانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۳. استاد گروه مدیریت دولتی، دانشکده‌گان فارابی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

\* نویسنده مسئول

## ۱. مقدمه

انگیزه خدمات عمومی بیشتر به عنوان یک اصطلاح تخصصی است که برای محققانی که با مدیریت دولتی آشنایی ندارند شناخته شده نیست؛ بنابراین بایستی در انتقال مفاهیم آن دقت بیشتری صورت پذیرد (بوزمن و سو، ۲۰۱۵: ۷۰۳). پری و وایز (۱۹۹۶) انگیزه خدمت‌رسانی عمومی را به منزله نوعی گرایش و تمایل فردی برای تحقق انگیزه‌هایی دانسته‌اند که منحصر به نهادها و سازمان‌های عمومی هستند. بر این اساس، انگیزه خدمت عمومی به عنوان انگیزه‌ای نوع‌دوستانه تأثیر مثبتی بر عملکرد افراد دارد و نوعی رفتار فردی است که در نهایت موجب خدمت‌رسانی به جامعه و آحاد آن می‌شود (آندرسون و سریزلو، ۲۰۱۲: ۲۰). برخلاف این دیدگاه پری و هندقم (۲۰۰۸) معتقد بودند که اگرچه در زبان عامیانه انگیزه خدمت‌رسانی عمومی معادل نوع‌دوستی به کار می‌رود ولی این دو مفهوم متفاوت از هم هستند. انگیزه خدمت‌رسانی عمومی عبارتی تخصصی است که به معنای پرورش و تربیت افرادی که در مدیریت دولتی مشارکت ندارند، می‌باشد در حالی که نوع‌دوستی از دیدگاه باستون و شاو (۱۹۹۱) به حالت انگیزشی اطلاق می‌شود که هدف غایی آن افزایش رفاه مردم است (بوزمن و سو، ۲۰۱۵: ۷۰۶). در این پژوهش با عنایت به نقش سخنان معصومین(ع) به عنوان منبع لایتناهی از نمود درونی و بیرونی ارزش‌ها و هنجارهای جامعه اسلامی، به بررسی و تبیین جایگاه ارتباطات در ساختار نظریه انگیزه خدمت‌رسانی عمومی مبتنی بر مصحف شریف نهج‌البلاغه پرداخته می‌شود.

## ۱-۱. بیان مسأله

امروزه فعالیت‌های علمی در علوم اجتماعی به‌ویژه در مدیریت دولتی و امور مالی به‌طور چشمگیری افزایش یافته است (جولیان و اولیویرا، ۲۰۱۶: ۱۰۳۹). اولین مطالعه بصورت خاص در موضوع بخش عمومی با استفاده از مفهوم انگیزه خدمات عمومی<sup>۱</sup> تقریباً سه دهه پیش با تمرکز بر روی کارمندان دولتی ایالات متحده منتشر شد (پری و وایز، ۱۹۹۰: ۳۶۷-۳۷۳). از زمان مطالعه پری و وایز (۱۹۹۰)، پژوهش‌های زیادی در زمینه انگیزه خدمات عمومی در محدوده‌های بین‌المللی و بین‌فرهنگی منتشر شده است (ریتز و همکاران، ۲۰۱۶: ۴۱۴-۴۲۶)، بنابراین پژوهش‌های بین‌المللی در مورد انگیزه خدمات عمومی به سرعت در حال رشد است (کیم و همکاران، ۲۰۱۲). حدوداً ۳۰ سال پس از مطالعه پری و وایز (۱۹۹۰) در خصوص انگیزه خدمات عمومی، پژوهش‌های متعددی در میان کشورهای جهان و رشته‌های مختلف صورت پذیرفت (رایت و همکاران، ۲۰۰۸: ۵۰۲-۵۲۱). البته هنوز برخی از شکاف‌های علمی در مورد مفهوم انگیزه خدمات عمومی وجود دارد (جولیان و اولیویرا، ۲۰۱۶: ۱۰۳۸)؛ بنابراین انگیزه خدمت‌رسانی عمومی به یک مفهوم مهم برای موفقیت سازمان‌های عمومی تبدیل شده است. با این حال، بسیاری از مطالعات در مورد انگیزه خدمات عمومی نیز ممکن است نیاز به ارزیابی ساختاری داشته باشد (مارکوس، ۲۰۲۰: ۱۳) چراکه استفاده از مفاهیم غربی، در تبیین پویایی‌های انگیزشی و سازمانی در ساختارهای غیر غربی منجر به بروز مشکلات عدیده‌ای شده و بایستی در طراحی مدل انگیزه

خدمت‌رسانی عمومی در جوامع مختلف؛ ارزش‌های فرهنگی و تمایلات اجتماعی و ارتباط بین اخلاق خدمات عمومی و نهادها مورد توجه جدی قرار گیرد (وندروال، ۲۰۲۰: ۱۶۳). بعلاوه اندیشمندان شرقی نیز به نقش فرهنگ و ارزش‌های حاکم بر این جوامع بر شکل‌گیری مفهوم انگیزه خدمت‌رسانی عمومی پرداخته‌اند که خروجی‌های متفاوتی را در کشورهایی از جمله تایوان (چن و شی، ۲۰۱۵)، ژاپن (گائو، ۲۰۱۵)، کره (کیم، ۲۰۰۶؛ لی و همکاران، ۲۰۱۹)، چین (لی و همکاران، ۲۰۱۹؛ ژو و همکاران، ۲۰۱۴) به همراه داشته است و بیان می‌دارند که مفهوم انگیزه خدمت‌رسانی عمومی یک مفهوم عمومیت یافته است اما مؤلفه‌های آن و اولویت این مؤلفه‌ها در بسترهای فرهنگی جوامع مختلف الزاماً همسان نیست (کیم، ۲۰۰۶: ۷۳۵؛ وندنابیل و همکاران، ۲۰۰۷: ۳۳۶؛ گائو، ۲۰۱۵: ۷؛ مارکوس، ۲۰۲۰: ۱-۱۶). همچنین با توجه به جایگاه ارتباطات در تبیین ساختار مؤلفه‌های رفتار سازمانی و کنترل رفتارهای سازمانی به‌وسیله آن (رابینز، ۲۰۱۹: ۳۵۵) ارتباطات و نقش افراد در تبیین ساختار پویایی‌های انگیزه خدمت‌رسانی عمومی از اهمیت مضاعفی برخوردار بوده همان‌گونه که بسیاری از نظریه‌پردازان این حوزه نیز به پیوند مشترک مؤلفه‌های ارتباطات سازمانی با ابعاد انگیزه خدمت‌رسانی عمومی اذعان داشته‌اند که در این باره مؤلفه‌های مشارکت افراد در خط‌مشی‌گذاری (پری، ۲۰۱۰؛ وندنابیل، ۲۰۰۷؛ گیاکو، ۲۰۰۹؛ پتروفسکی و ریتز، ۲۰۱۴؛ بریخ و همکاران، ۲۰۱۷)، تکلیف مدنی (پری، ۲۰۱۰؛ وندنابیل، ۲۰۰۷؛ گیاکو، ۲۰۰۹؛ پتروفسکی و ریتز، ۲۰۱۴؛ موبینهان و همکاران، ۲۰۱۳)، دلسوزی (پری، ۲۰۱۰؛ وندنابیل، ۲۰۰۷؛ گیاکو، ۲۰۰۹؛ پتروفسکی و ریتز، ۲۰۱۴؛ برور، ۲۰۱۰؛ براندر و آندرسن، ۲۰۱۳؛ جنسن و رستگارد، ۲۰۱۷) و فداکاری و ایثار (پری، ۲۰۱۰؛ پتروفسکی و ریتز، ۲۰۱۳؛ برور، ۲۰۱۰؛ کورسی و همکاران، ۲۰۱۱؛ بریخ و همکاران، ۲۰۱۷) این موضوع را به‌وضوح نشان می‌دهد که متأسفانه ارتباطات و جایگاه آن در ساختار انگیزه خدمت‌رسانی عمومی در چهارچوب فرهنگی و اجتماعی ایران و از منظر جهان‌بینی اسلامی مورد غفلت واقع شده است. عدم توجه به مؤلفه‌های ارتباطی در ساختار انگیزه بخشی به کارگزاران در چهارچوب حکومت دینی منجر به شکاف میان نظریه و عمل گردیده و گویه‌های تئوری انگیزه خدمت‌رسانی عمومی در منظومه فکری اسلامی را در حاله‌ای از ابهام قرار داده است؛ بنابراین تلاش محقق بر آن بوده تا با بهره‌گیری از منبع ارزشمند دینی-مدیریتی نهج‌البلاغه به تبیین جایگاه ارتباطات در ساختار نظریه انگیزه خدمت‌رسانی عمومی بپردازد و به این سؤال اساسی در پارادایم فکری اسلامی پاسخ دهد.

## ۲-۱. پیشینه پژوهش

پژوهش‌ها در خصوص مفهوم انگیزه خدمات عمومی در ۱۵ تا ۲۰ سال گذشته در مدیریت عمومی به‌صورت گسترده‌ای رشد کرده است (پری و هاندقم، ۲۰۱۰: ۶۸۵) به‌ویژه از زمان ظهور مقاله پری (۱۹۹۶، ۱۹۹۷، ۲۰۰۰) که مقیاس‌ها و سنجه‌هایی را جهت شناخت انگیزه خدمت‌رسانی عمومی در پژوهش‌های مختلف فراهم نمود. مفهوم انگیزه خدمت‌رسانی عمومی که ابتدا در دهه ۱۹۷۰ پدیدار شد؛ دیدگاهی در تضاد با ادراکات بدبینانه بوروکرات‌های خودخواه و بانگیزه بیرونی ارائه کرد که توسط نظریه‌پردازان انتخاب عمومی به تصویر کشیده شده بود (تولاک، ۱۹۷۶: ۱-۱۴۱). پری و وایز (۱۹۹۰) با

تکیه بر کار رینی (۱۹۸۲) که نشان داد کارمندان بخش دولتی در جستجوی اهداف ایدئولوژیک یا نوع‌دوستانه تمایل بیشتری نسبت به هم‌تایان بخش خصوصی خود دارند، ایده انگیزه خدمت‌رسانی عمومی را توسعه دادند که آن را به‌عنوان استعداد فرد برای پاسخ به انگیزه‌هایی که اساساً یا منحصرأ در مؤسسات و سازمان‌های عمومی است تعریف نمودند. بروور و سلدن این سازه را به‌عنوان «نیروی انگیزشی که افراد را وادار به انجام خدمات عمومی معنادار می‌کند» تعریف کرده‌اند (برور و سلدن، ۱۹۹۸: ۴۱۷)، درحالی‌که رینی و باوئر آن را یک «نوع‌دوستی عمومی» می‌دانند (رینی و باوئر، ۱۹۹۹: ۲۳). پری و هاندقم تمایز واضحی بین انگیزه خدمات عمومی و انگیزه‌بخش عمومی قائل شدند که انگیزه‌بخش عمومی اغلب به انگیزه‌های بیرونی جهت اشتغال در بخش دولتی (مانند امنیت شغلی، تعادل بین کار و زندگی و سیستم‌های بازنشستگی) اشاره دارد (پری و هاندقم، ۲۰۰۸: ۳). واندنابیل با نارضایتی از تعاریف انگیزه خدمت‌رسانی عمومی که نقش نهادی ارزش‌ها و نگرش‌ها را در شکل‌دهی به انگیزه خدمات یک فرد در نظر نمی‌گیرند، آن را به‌عنوان «باورها، ارزش‌ها و نگرش‌هایی که فراتر از نفع شخصی است»، بازتعریف می‌نماید (واندنابیل، ۲۰۰۸: ۵۴۷). از نظر کیم نیز انگیزه خدمت‌رسانی عمومی به‌عنوان استعداد فرد جهت انجام خدمات معنی‌دار برای کشور و عموم مردم، در راستای ارزش‌های عمومی و منافع عمومی به‌جای منافع شخصی تعریف می‌شود (کیم، ۲۰۱۸: ۱۳۳) منافی که به منافع یک نهاد سیاسی بزرگتر مربوط می‌شود و افراد را برمی‌انگیزد تا بر این اساس عمل کنند (واندروال، ۲۰۱۵: ۷۰). بنابراین پژوهش‌ها در مورد انگیزه خدمات عمومی طی ۲۵ سال گذشته رشد چشم‌گیری داشته است و گرچه در درجه اول در ایالات متحده و بصورتی پایدار و محکم در بخش مدیریت دولتی متمرکز بوده است، در سال‌های اخیر به‌طور فزاینده‌ای چندملیتی شده است (پاپادوپولو و دیمیتریاتیس، ۲۰۱۹: ۱۱۲-۱۳۵). وندنابیل و همکاران (۲۰۱۴) تکامل درک انگیزه خدمات عمومی را مورد بررسی قرار دادند و خاطرنشان کردند که بیشتر مقالات نشان می‌دهد که تأثیر مفهوم انگیزه خدمات عمومی بطور قابل‌توجهی در حال گسترش است. در این بین اخیراً برخی از پژوهشگران علم رفتارشناسی به بررسی نقش انگیزه کارکنان و ارتباطات داخل سازمانی در ارتقای کیفیت خدمات پرداخته‌اند و اهمیت آن را مورد تأکید قرار داده‌اند که بایستی در جوامع مختلف و بر اساس رویکردهای ارزش مدارانه حاکم بر آن مورد سنجش و ارزیابی علمی قرار گیرد (چیکاژه و نیاکانوا، ۲۰۲۲). با توجه به اینکه پژوهش حاضر در نظر دارد جایگاه ارتباطات را در سازه انگیزه خدمت‌رسانی عمومی مورد بررسی قرار دهد، از این منظر پژوهش‌هایی که به شناسایی ابعاد و اجزای این سازه می‌پردازند از اهمیت مضاعفی برخوردار است که در ادامه مورد بررسی قرار گرفته است:

جدول شماره ۱. پیشینه مطالعات انگیزه خدمت‌رسانی عمومی

ردیف	نویسنده/سال	عنوان پژوهش	چکیده
۱	ژو، وو و یان (۲۰۱۴)	شواهد تجربی از انگیزه خدمات عمومی و رضایت شغلی کارمندان بخش عمومی در چین	نتایج این پژوهش روی نمونه‌ای جامع از کارکنان سازمان‌های دولتی چین صورت پذیرفت و نشان می‌دهد که عوامل جنسیت، سن، تحصیلات، سطح شغل، موقعیت شغلی و سایر عوامل شخصی به‌عنوان عوامل مؤثر بر PSM در بستر فرهنگی کشور چین مطرح می‌باشند. نتایج نشان می‌دهد

			<p>که در ساختارهای جدید، تعهد به منافع عمومی، خود فداکاری و جذابیت در سیاستگذاری تأثیرات مثبتی دارند.</p>
۲	<p>زبیر، صدرا عرفان، جبین و موزا (۲۰۱۸)</p>	<p>به سوی یک الگوی جامع از انگیزه خدمات عمومی: مروری بر ادبیات سیستماتیک</p>	<p>طی این پژوهش ۱۰۶ نشریه از سال ۲۰۰۶-۲۰۱۷ مورد بررسی قرار گرفت و مقالات انگیزه خدمت‌رسانی عمومی موجود در آن مستخرج گردید. در پایان با مرور سیستماتیک مقالات مدلی جامع طراحی گردید که عوامل مؤثر بر PSM را تحت سه عنوان فردی - سازمانی و اجتماعی تقسیم‌بندی می‌کند. در ادامه ابعاد انگیزه خدمت‌رسانی عمومی را در پنج بعد جذابیت در سیاست‌گذاری، تعهد به منافع عمومی، دلسوزی، ایثار و وظایف مدنی تقسیم‌بندی می‌نماید.</p>
۳	<p>توبین و لی (۲۰۱۲)</p>	<p>آیا انگیزه خدمت‌رسانی عمومی می‌تواند فساد را کاهش دهد؟ تجربه‌ای از کارمندان دولتی کشور کره</p>	<p>نتایج پژوهش نشان می‌دهد که عدالت سازمانی در کاهش سطح فساد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و این عدالت برای افرادی که سطح PSM بالایی دارند، از اهمیت بیشتری برخوردار است. در نتیجه، کارمندان دولتی که میزان PSM بالایی دارند، تعهد بالاتری به منافع عمومی و وظیفه مدنی دارند. منافع عمومی و وظیفه مدنی (از ابعاد انگیزه خدمت‌رسانی عمومی) با رفتار منصفانه در بین اعضای جامعه و سازمان ارتباط نزدیکی دارد. انصاف سازمانی می‌تواند احتمال بروز فساد را کاهش دهد، زیرا رفتار منصفانه برای کاهش فساد در بین کارمندان دولتی که دارای سطح بالایی از PSM هستند از اهمیت بیشتری برخوردار است چراکه نسبت به انصاف حساس‌تر هستند.</p>
۴	<p>چن و هسی (۲۰۱۵)</p>	<p>انگیزه اشتراک دانش در بخش عمومی: نقش انگیزه خدمات عمومی</p>	<p>این پژوهش مفهوم انگیزه خدمات عمومی را با مطالعه اشتراک دانش در بین کارمندان دولت تایوان بررسی می‌کند. بر اساس نتایج این مطالعه، علاقه مأمورین دولتی به سیاست‌گذاری، تعهد به منافع عمومی، دلسوزی و تمایل به ایثارگری می‌تواند آن‌ها را به سمت به اشتراک گذاشتن دانش به یک دلیل مقدس که همان خدمت به منافع عمومی است، سوق دهد.</p>
۵	<p>کیم (۲۰۱۷)</p>	<p>انگیزه خدمت‌رسانی عمومی، سرمایه اجتماعی و تسهیم دانش در بخش‌های عمومی کشور کره</p>	<p>در این مقاله این موضوع بررسی می‌گردد که آیا انگیزه خدمت‌رسانی عمومی و سرمایه اجتماعی منجر به اشتراک دانش در سازمان می‌شود؟ بنابراین نمونه‌گیری از ۵۰۶ کارمند از بخش عمومی کره انجام گردید. نتایج آزمون نشان می‌دهد که ابعاد مؤثر PSM در کشور کره (تمایل به خدمت عمومی و تعهد به ارزش‌های عمومی) و مؤلفه اعتماد سرمایه اجتماعی سازمانی هر دو با اشتراک دانش در بخش عمومی کره ارتباط مثبت دارند.</p>
۶	<p>ژو و همکاران (۲۰۱۴)</p>	<p>شواهد تجربی از انگیزه خدمات عمومی و رضایت شغلی کارمندان بخش عمومی در چین</p>	<p>نتایج پژوهش نشان می‌دهد که چهار بعد جذابیت در سیاست‌گذاری، تعهد به منافع عمومی، دلسوزی و ایثار، به‌عنوان ابعاد مؤثر در انگیزه خدمت‌رسانی عمومی در چین مطرح می‌باشند. نتایج نشان می‌دهد که در ساختار جدید، تعهد به منافع عمومی، از خودگذشتگی و جذابیت در سیاستگذاری تأثیرات مثبتی بر رضایت شغلی دارند.</p>
۷	<p>گانو (۲۰۱۵)</p>	<p>انگیزه خدمت‌رسانی عمومی: یک تجربه بین‌المللی از کشورهای شرق آسیا</p>	<p>جین گانو که یک محقق ژاپنی است در پایان‌نامه دکتری خویش بیان می‌دارد که ایالات‌متحده و ملل توسعه‌یافته اروپایی بر پژوهش‌ها در این زمینه مسلط شده‌اند، در حالی که مطالعات PSM در خارج از جوامع غربی کمتر مورد توجه قرار گرفته است و اکثر مطالعات بر اساس تجزیه و تحلیل یک کشور انجام می‌شود؛ بنابراین هدف از پژوهش را بررسی امکان‌پذیر بودن انگیزه خدمات عمومی در جوامع آسیای شرقی می‌داند. همچنین ایده کنفوسیوس‌سبم را به‌عنوان محور مطالعات PSM در آسیای شرقی مطرح می‌نماید.</p>

۸	کیم و کیم (۲۰۲۱)	همبستگی‌های نهادی انگیزه خدمات عمومی: خانواده، مذهب و تحصیلات	این مطالعه به میزان نقش نهادهای اجتماعی در توسعه انگیزه خدمات عمومی دانشجویان سال اول کارشناسی با تمرکز بر خانواده، مذهب و آموزش دبیرستان در کشور کره می‌پردازد. نتایج آزمون نشان می‌دهد که آموزش و مشارکت والدین در فعالیت‌های فوق‌برنامه (فعالیت‌های یادگیری تجربی خلاق) با ابعاد فردی آن ارتباط مثبت دارد و دین با بعد تعهد به ارزش‌های عمومی ارتباط مثبت دارد. این مطالعه از نظریه فرآیندی پشتیبانی می‌کند که معتقد است PSM تحت تأثیر نهادهای اجتماعی در طول دوران کودکی و نوجوانی فرد قرار دارد.
۹	بوید و نوول (۲۰۲۰)	حس جامعه‌پذیری، احساس مسئولیت اجتماعی، تعهد و هویت سازمانی و انگیزه خدمات عمومی: تأثیر حالات عاطفی بر رفاه کارکنان و مشارکت در خدمات	پژوهش حاضر با این هدف صورت پذیرفته که نخست بررسی احساس مسئولیت اجتماعی، تعهد و هویت سازمانی و PSM را در پیش‌بینی معیارهای مشارکت و رفاه کارکنان بررسی می‌نماید و دوم آیا PSM به‌عنوان پیش‌بینی کننده مستقیم یا غیرمستقیم اقدامات کارکنان عمل می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهند که تجربیات جامعه پیش‌بینی‌کننده‌های قدرتمندی هستند و نقش PSM بیشتر غیرمستقیم است تا مستقیم.
۱۰	چیکاژه و نیاکانوا (۲۰۲۲)	ارتقای کیفیت خدمات درک شده از طریق آموزش و توانمندسازی کارکنان: نقش میانجی انگیزه کارکنان و ارتباطات داخلی	این پژوهش به بررسی نقش میانجی انگیزه کارکنان و ارتباطات درونی بر تأثیر توانمندسازی کارکنان بر کیفیت خدمات ادراک شده پرداخته است. نتایج مطالعه نشان می‌دهد که ارتباطات داخلی و انگیزه کارکنان به‌طور مثبت بر کیفیت خدمات درک شده تأثیر می‌گذارد.

با بررسی‌های دقیق علمی در پژوهش‌های گذشته مشخص گردید که تابحال جایگاه ارتباطات در ساختار نظریه انگیزه خدمت‌رسانی عمومی مورد بررسی قرار نگرفته است، فلذا این پژوهش به دنبال پاسخ بدین سؤال است که جایگاه ارتباطات در نظریه انگیزه خدمت‌رسانی عمومی مبتنی بر نهج‌البلاغه چگونه می‌باشد؟

### ۳-۱. ضرورت و اهمیت پژوهش

هدف کلی و جامع از این مطالعه تبیین جایگاه ارتباطات در ساختار نظریه انگیزه خدمت عمومی مبتنی بر نهج‌البلاغه و یا عبارتی تبیین رویکرد نهج‌البلاغه نسبت به مقوله ارتباطات در تئوری انگیزه خدمت عمومی می‌باشد. با عنایت به این مهم که ارتباطات در دین اسلام جایگاه متفاوتی نسبت به دیدگاه غربی دارد و مولفه‌های سنجش آن نیز بالتبع حائز ویژگی‌های ماهوی منحصر بفرد خویش است از این نوشتار میتوان بعنوان الگویی در راستای بومی سازی سازه‌های مفهومی غربی با تاکید بر نواندیشی و پویایی فکری و اجتماعی در جامعه اسلامی ایران استفاده نمود و جایگاه تعاملات و ارتباطات در ساختار تئوری انگیزه خدمت عمومی (بعنوان یکی از تئوری‌های نوظهور برخاسته از دیدگاه‌های خدمات دولتی نوین و ارزش‌های عمومی نوین) درون سیستمی و برون سیستمی را با یک دیدگاه هولوگرافیک که بتوان آن را در عمل نیز توسط خبرگان مورد مصاحبه قرار داد؛ سنجید.



## ۲. روش‌شناسی پژوهش

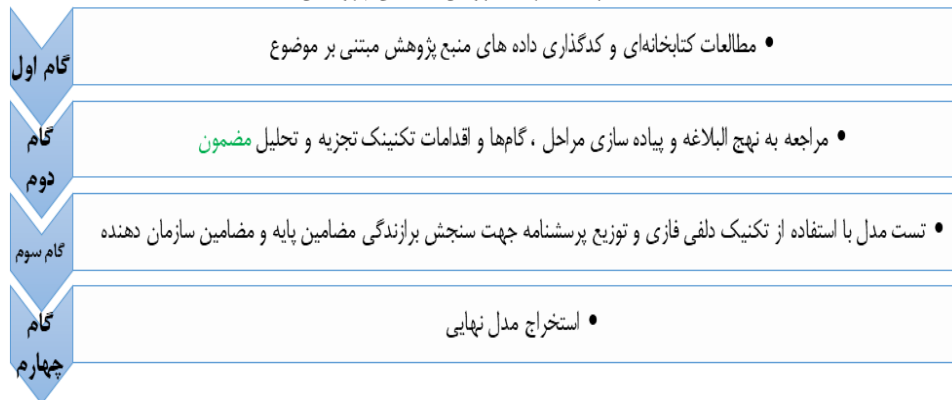
در این پژوهش به‌منظور دستیابی به هدف پژوهش از روش پژوهش آمیخته (کیفی-کمی) استفاده خواهد شد. پژوهش حاضر از لحاظ هدف، توسعه‌ای است چرا که در جهت تبیین جایگاه ارتباطات در ساختار نظریه انگیزه خدمت‌رسانی عمومی در بستر اندیشه و ارزش‌های اسلامی گام برمی‌دارد. گردآوری داده‌ها در این نوشتار نیز با استفاده از بررسی مطالعات کتابخانه‌ای و مصاحبه با خبرگان بوده و بدین‌صورت داده‌های کیفی مورد جمع‌آوری قرار خواهند گرفت. همچنین از حیث نوع روش، در دسته مطالعات توصیفی-اکتشافی قرار می‌گیرد؛ بعلاوه شیوه اجرای پژوهش حاضر به‌صورت کیفی بوده و از تکنیک تحلیل مضمون با تلفیقی از روش‌های پیشنهادی (براون و کلارک، ۲۰۰۶: ۷۷-۱۰۱)، (آتراید و استرلینگ، ۲۰۰۱: ۳۸۵-۴۰۵) و (کینگ و هاروکس، ۲۰۱۰: ۱-۲۵۶) که توسط عابدی جعفری و همکاران (۱۳۹۰) تدوین شده است جهت تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده استفاده شده است. همچنین با استفاده از تکنیک دلفی فازی و توزیع پرسشنامه در میان خبرگان و متخصصین نهج‌البلاغه‌شناسی مدل بدست آمده مورد آزمون و سنجش نهایی قرار گرفته و برازندگی مضامین پایه با مضامین سازمان دهنده سنجیده خواهد شد؛ بنابراین جامعه آماری پژوهش تعداد ۱۶ نفر از خبرگان نهج‌البلاغه‌شناسی به علت تسلط بر موضوع مورد بررسی مورد شناسایی قرار گرفته و با استفاده از روش دلفی فازی مورد پرسش واقع شدند. از آنجاکه تمرکز این نوشتار بر خبرگان حوزه‌ای خاص (شناخت نهج‌البلاغه) بوده است از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده است. در ادامه مشخصه‌های دموگرافیک خبرگان مشخص گردیده است.

جدول شماره ۲. خصیصه‌های دموگرافیک نمونه پژوهش

ردیف	خصیصه دموگرافیک	نوع خصیصه	تعداد
۱	جنسیت	مرد	۱۶
		زن	۰
۲	تحصیلات	کارشناسی ارشد	۱۰
		دکتری و بالاتر	۶
۳	سابقه فعالیت پژوهشی	کمتر از ۵ سال	۱۱
		بیشتر از ۵ سال	۵

در ادامه الگوریتم چهار مرحله‌ای روش پژوهش این پژوهش بدین‌صورت ترسیم می‌گردد:

شکل شماره ۱. مراحل روش‌شناسی پژوهش



همچنین جهت تعیین روایی پژوهش در بخش کیفی از روش ارزیابی لینکولن و گوبا (۱۹۸۹) استفاده می‌گردد. بدین ترتیب مؤلفه‌های باورپذیری، انتقال‌پذیری، اطمینان‌پذیری و تاییدپذیری به‌منظور ارزیابی در نظر گرفته می‌شود (کرسول، ۲۰۱۴: ۴۷).

۱- باورپذیری: عبارت است از استدلال‌ها و فرایندهای ضروری برای اعتماد به نتایج پژوهش (بريمن، ۱۹۸۸: ۲۰۸/۱ و ۲۰۰۴؛ بلشر ۱۹۹۱) طی این پژوهش جهت سنجش باورپذیری، نتایج به ۱۶ نفر از صاحب‌نظران ارسال و از نظرات آنان بهره گرفته شده است.

۲- اطمینان‌پذیری: عبارت است از توانایی شناسایی جایی که داده‌های یک مطالعه معین از آنجا آمده، چگونه گردآوری شده و چطور به کار رفته‌اند. محققان کیفی می‌توانند اطمینان‌پذیری نتایج را از طریق کنترل اعضاء افزایش دهند (کراتوول، ۲۰۰۴: ۲۷۱-۲۸۰؛ تشکری و تدلی، ۱۹۹۸: ۶۹). کنترل توسط اعضاء در این نوشتار در سرتاسر فرایند گردآوری داده‌ها جهت تأیید تفاسیر بکار رفته است.

۳- انتقال‌پذیری: درجه‌ای است که در آن نتایج یک مطالعه کیفی می‌تواند به یک محیط متفاوت دیگر نیز منتقل شده و برای یک جمعیت متفاوت دیگر بکار رود (محمدپور، ۱۳۸۸: ۸۳). برای سنجش انتقال‌پذیری چهار محقق دیگر انتخاب شدند که در پژوهش حضور نداشتند و سیر تطور پژوهش مرور گردید.

۴- تاییدپذیری: در این زمینه محقق باید نشان دهد که یافته‌های آن عملاً و واقعاً مبتنی بر داده‌ها هستند (محمدپور، ۱۳۸۸: ۸۲) جهت محاسبه میزان تاییدپذیری پژوهش از روش دو کدگذار استفاده گردید بدین ترتیب که از یک کارشناس خبره باسابقه پژوهشی در این زمینه، درخواست شد تا به‌عنوان کدگذار در پژوهش مشارکت کند و آموزش‌ها و فنون لازم جهت کدگذاری گزاره‌ها به وی انتقال داده شد و همان گزاره‌های قبلی به وی داده شد تا کدگذاری‌های مربوطه را صورت دهد و در نهایت درصد توافق درون موضوعی مورد محاسبه قرار گرفت. بدین ترتیب با تعداد کل کدها (۱۴۸)

مورد) و تعداد توافقات (۱۳۱ مورد) درصد توافق ۸۸٪ حاصل شد و از آنجایی که میزان پایایی بیشتر از ۶۰ درصد است، قابلیت اعتماد کدگذاری‌ها مورد تأیید قرار می‌گیرد.

### ۳. بحث

#### ۳-۱. گام اول: کدگذاری داده‌های منبعث از متن نهج البلاغه

به‌منظور کدگذاری داده‌ها در این مقاله، منبع پژوهش که کتاب شریف نهج البلاغه با ترجمه محمد دشتی است و دارای سه بخش عمده خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار می‌باشد بدین‌صورت کدگذاری می‌گردد که خطبه‌ها با کد A، نامه‌ها با کد B و سخنان قصار با کد C شناخته می‌شود. همچنین مضامین شناسایی شده در متن نهج البلاغه با کد مفهومی M nnn مورد شناسایی قرار گرفته است و به ترتیب ذیل فرآیند کدگذاری آن صورت گرفته است.

جدول شماره ۳. «کدگذاری داده‌های متنی و ارجاعات منبع»

ارجاعات به منبع پژوهش	فراوانی گزاره‌ها	عنوان مفهوم	کد
A1M1, C404M1	۲	تکلیف مداری	M1
A1M2, A3M2, B31M2, B53M2	۶	وظیفه‌شناسی	M2
A1M3, A3M3, A119M3, A169M3, B31M3, B53M3	۹	مسئولیت‌پذیری اجتماعی	M3
A3M4, A17M4, A162M4, A173M4, A216M4, B31M4, B38M4, B53M4	۸	شایسته‌سالاری	M4
A3M5, A126M5, A224M5, B5M5, B43M5	۷	عدم تساهل و تسامح در برخورد با بیت المال	M5
A3M6, A216M6	۲	روابط سالم سازمانی	M6
A3M7, A216M7, A224M7	۴	رعایت حق‌الناس توسط زامداران	M7
A34M8, B53M8	۲	وفاداری سازمانی	M8
A124 M9, A216 M9, B53M9	۳	همکاری و همیاری اجتماعی	M9
A136M10	۱	همیاری سیاسی	M10
A4M11, A16M11, A108M11, A166M11, A216 M11, B31 M11, B47 M11, BV50 M11, B53 M11, B66 M11, C22 M11, A131 M11	۱۷	حق مداری	M11
A4 M12, A37 M12, A131 M12, A216 M12, B26 M12, C23 M12, C274M12	۷	عملگرایی	M12
A4 M13, B26 M13, B53 M13, C276 M13, A216 M13	۵	پرهیز از دوگانگی‌های رفتاری	M13
A5 M14	۱	اشتیاق به شهادت در راه خدا	M14
A10 M15	۱	روشنگری همه‌جانبه	M15
A12 M16, C154 M16, C373 M16	۳	نیت محوری	M16
A16 M17, A76 M17	۲	تقوا و پرهیزگاری	M17
A24 M18, A66 M18, A156 M18, B25 M18, BV26 M18, B27 M18, B31 M18, B47 M18, B53 M18, C82 M18	۱۱	ترس از خدا	M18
B13 M19, B50 M19, A27 M19	۳	فرمانبرداری از سلسله مراتب	M19
A27 M20, B45 M20, B78 M20	۳	دلسوزی	M20
A28 M21, A34 M21, A41 M21, B22 M21, B31 M21	۷	آخرت‌گرایی	M21

A28 M22, A41 M22, A76 M22, A133 M22, B71 M22	۵	عدم تبعیت از هوای نفس	M22
A30 M23, A159 M23, B25 M23, B27 M23, B50 M23, B53 M23, B60 M23, C10 M23	۱۲	رافت و مهربانی (با زبردستان و مردم)	M23
A34M24, A192M24	۲	حفظ عزت و کرامت عمومی	M24
A34 M25, A105 M25, A136 M25, A224 M25, B31 M25, B38 M25, B45 M25, B53 M25	۹	خیرخواهی نسبت به زمامداران	M25
A34M26	۱	تعلیم و تربیت عمومی	M26
A37 M27, A146 M27, B31M27	۳	توکل بر خدا	M27
A40 M28, B53 M28	۵	تأمین آسایش و رفاه مادی و معنوی زبردستان	M28
B53 M29	۱	در نظر گرفتن خشنودی پروردگار در کارها	M29
A68 M30	۱	تشویق و تکریم کارگزاران شایسته	M30
A69M31, A131M31	۲	همسویی ذهنی و جسمی کارگزاران با رهبری	M31
A76M32	۱	یادگیرندگی	M32
A76 M33, B59 M33, B53 M33, B31 M33, B45 M33, B51 M33	۶	خودمراقبتی	M33
A76 M34, A169 M34, B31 M34	۳	اخلاص در کار	M34
A86 M35, A123 M35, A192 M35, B31 M35, B53 M35, C176 M35	۶	تاب‌آوری	M35
A86 M36, B31 M36, B53 M36, C73 M36, C359 M36	۵	خودسازی	M36
A105 M37, B31 M37	۲	خودباوری و اعتمادبه‌نفس	M37
A108 M38, B26 M38, B31 M38, B41M38	۴	صداقت سازمانی	M38
A120M39, A131M39, B31M39, B61M39	۴	تعقل‌گرایی (خردمندی) نیکو	M39
A123 M40, A159 M40, B26 M40, B53M40	۴	خدمت بی‌منت	M40
A27 M41, A123 M41, A166 M41, B31 M41, B61 M41, B53M41	۶	عدم سستی در انجام وظایف محوله	M41
A124 M42, A131 M42, A159 M42, B46 M42	۴	ارتباط اثربخش با زبردستان	M42
A130 M43, A146 M43, A147 M43, B46 M43, C82M43	۵	امید به یاری الهی	M43
A192 M44, A206 M44, B14 M44, B19 M44, B26 M44, B46 M44, B53 M44	۷	اخلاق‌مداری	M44
A133 M45, B45 M45	۲	ساده زیستی	M45
A136 M46, A169 M46, B31 M46, B53 M46	۴	اعتماد متقابل مردم و زمامداران به یکدیگر	M46
B35 M47	۱	پشتیبانی از زبردستان	M47
A159 M48, B31 M48, B53 M48	۳	خدمت صادقانه	M48
A161 M49, B27 M49, B47M49	۳	دوری از امیال و آرزوهای دنیایی	M49
A162 M50, A192 M50, B31 M50, B40 M50, B53M50	۷	تأمین منفعت عموم مردم	M50
A169 M51	۱	حفظ و تقویت سرمایه اجتماعی	M51
A173 M52	۱	داشتن جهان‌بینی الهی	M52
A192 M53	۱	داشتن اهداف متعالی	M53
A192 M54, B31M54	۲	رعایت حقوق شهروندی	M54
A192 M55, B26 M55, B41 M55, B46 M55, B51 M55, B53 M55, B67 M55, C24 M55, C304 M55, C406M55	۱۴	رسیدگی به امور طبقات محروم و نیازمند جامعه	M55
B53M56, C401M56	۲	تشکیل و تقویت فرهنگ برتر در جامعه	M56
A192 M57	۱	نوع دوستی و برادری در حق عموم	M57
A192 M58, B53 M58	۲	حفظ و تقویت ارزش‌های اساسی	M58

A206M59	۱	اهتمامات معنوی در حق دیگران	M59
A208 M60, B11 M60, B50 M60, B53 M60	۴	مشاوره با زبردستان	M60
A216M61	۱	رعایت حقوق اجتماعی در سلسله مراتب	M61
B12 M62, B53 M62	۲	زمانسنجی در انجام امور محوله	M62
B13 M63, B53 M63	۲	حسن تدبیر	M63
B13M64	۱	داشتن مهارت ادراکی	M64
B18 M65, B19 M65, B69 M65	۳	مدارا کردن با مردم	M65
BA53 M66, BA18 M66	۲	تأمین آرامش زبردستان	M66
B25 M167, B53 M67	۲	تسهیل‌گری	M67
B26 M68, B31 M68, C304 M68	۳	کار برای رضای الهی	M68
B36 M69, B53 M69	۲	داشتن تفکر سیستمی و کل‌نگر	M69
B38 M70	۱	همسویی استراتژیک اهداف زمامداران با کارگزاران	M70
B27 M71, B40 M71	۲	ایمان قلبی به ناظر بودن خداوند	M71
B27 M72	۱	تقدم رضایت الهی بر رضایت عمومی	M72
B31 M73, B51M73	۲	انصاف در برابر عموم	M73
B31M74	۱	انفاق و از خودگذشتگی	M74
B31M75, B53M75, C360M75	۴	داشتن حسن ظن نسبت به مردم	M75
B34M76, B71M76	۲	دلجویی از زبردستان	M76
B34 M77, B35 M77, B40 M77, B41 M77, B43 M77, B45 M77, B50 M77, B53M77	۱۳	مدیریت و اصلاح امور کارگزاران زیرمجموعه	M77
B45M78	۱	هم‌دردی با مردم	M78
B46M79, B53M79	۴	احترام به نیروهای شایسته زیرمجموعه	M79
B69M80, B47M80, B62M80	۴	مجاهدت (مالی، زبانی، جانی) در راه خدا	M80
B51M81, B59M81	۲	توجه به انگیزه‌های معنوی کار (تقویت معنویت در کار)	M81
B51M82	۱	در نظر گرفتن پاداش‌های معنوی خدمت به مردم	M82
B51M83	۱	اشاعه نگرش عمومی مثبت	M83
B53M84	۱	یاری خداوند (با دل و دست و زبان)	M84
B53M85	۲	در نظر گرفتن قدرت الهی به‌عنوان قدرت برتر	M85
B53M86, B59M86	۳	خدمت به مردم به‌منظور تقرب به خداوند	M86
B53M87	۲	تبعیت منافع فردی از منافع عمومی	M87
B53M88	۲	مشارکت عموم در اداره جامعه	M88
B53M89	۱	تقویت روحیه و نشاط کاری	M89
B53M90	۲	تقویت انگیزه کارکنان جهت انجام خدمات ارزنده	M90
B53M91	۱	اثربخشی در انجام مسئولیت‌های سازمانی	M91
B53M92	۱	ارتباط مداوم با عموم مردم	M92
B53M93	۱	شنود مؤثر درخواست‌های عمومی	M93
B53M94, B61M94, C159M94	۳	پاسخگویی در قبال وظایف محوله	M94
C89M95, C423M95	۲	تعمیق ارتباط با خداوند	M95

بنابراین در پایان این مرحله تعداد ۹۵ عنوان مفهوم از گزاره‌های نهج‌البلاغه استخراج گردید که دارای فراوانی ۳۲۹ گزاره در ارجاعات منبع بوده‌اند. در ادامه با پیاده‌سازی مراحل تجزیه و تحلیل مضمون مضامین پایه، سازمان دهنده و فراگیر مشخص گردیده و شبکه مضامین پدیدار می‌گردد.

### ۲-۳. گام دوم: استخراج مضامین پایه، سازمان دهنده و فراگیر مبتنی بر تکنیک تجزیه و تحلیل مضمون

مطابق با تکنیک تجزیه و تحلیل مضمون در این پژوهش که ترکیبی از روش‌های پیشنهادی (براون و کلارک، ۲۰۰۶)، (آتراید و استرلینگ، ۲۰۰۱) و (کینگ و هاروکس، ۲۰۱۰) است که توسط عابدی جعفری و همکاران (۱۳۹۰) تدوین شده است؛ ۳ مرحله، شش گام و ۲۰ اقدام در مصحف شریف نهج‌البلاغه جهت شناخت جایگاه ارتباطات در نظریه انگیزه خدمت‌رسانی عمومی مورد پیاده‌سازی واقع گردیده که نتایج آن تحت عنوان ۹۵ مضمون پایه، ۹ مضمون سازمان دهنده و ۳ مضمون فراگیر ظهور یافته است. در ادامه جدول شماره ۴ این ارتباط را نمایان می‌سازد.

جدول شماره ۴. مضامین پایه، سازمان دهنده و فراگیر جایگاه ارتباطات در انگیزه خدمت‌رسانی عمومی

#### مبتنی بر تحلیل مضمون

مضمون فراگیر	مضمون سازمان دهنده	مضامین پایه	
ارتباط با خود	اخلاق حرفه‌ای	تقویت حس وظیفه‌شناسی	
		مسئولیت‌پذیری اجتماعی	
		پرهیز از دوگانگی‌های رفتاری	
		دلسوزی	
		تاب‌آوری	
		خودباوری و اعتمادبه‌نفس	
		عدم سستی در انجام وظایف محوله	
		اخلاقی‌مداری	
		ساده زیستی	
		داشتن اهداف متعالی	
		زمانسنجی در انجام امور	
		داشتن مهارت ادراکی	
		تسهیل‌گری	
		انفاق و از خودگذشتگی	
		تبعیت منافع فردی از منافع عمومی	
	پاسخگویی در قبال وظایف محوله		
	اندیشه‌ورزی	روشنگری همه‌جانبه	
		یادگیرندگی	
		تعقل‌گرایی (خردمندی) نیکو	
		حسن تدبیر	
	خوبشنداری	داشتن تفکر سیستمی و کل‌نگر	
		تقوا و پرهیزگاری	
		عدم تبعیت از هوای نفس	
			خودمراقبتی

		خودسازی
		دوری از امیال و آرزوهای دنیایی
		تقویت روحیه و نشاط کاری
ارتباط با دیگران	ارتباطات سازمانی اثربخش	شایسته‌سالاری
		عدم تساهل و تسامح در برخورد با بیت‌المال
		روابط سالم سازمانی
		رعایت حق الناس
		وفاداری سازمانی
		همیاری سیاسی
		صداقت سازمانی
		حاکمیت اعتماد سازمانی
		تشکیل و تقویت فرهنگ برتر
		حفظ و تقویت ارزش‌های اساسی
		اشاعه نگرش عمومی مثبت
		اثربخشی در انجام مسئولیت‌های سازمانی
		ارتباطات همدلانه با هم‌نوعان
	رافت و مهربانی (با زیردستان و مردم)	
	حفظ عزت و کرامت عمومی	
	تعلیم و تربیت عمومی	
	تأمین منفعت عموم مردم	
	حفظ و تقویت سرمایه اجتماعی	
	رعایت حقوق شهروندی	
	رسیدگی به امور طبقات محروم و نیازمند جامعه	
	نوع دوستی و برادری در حق عموم	
	اهتمامات معنوی در حق دیگران	
	مدارا کردن با مردم	
	انصاف در برابر عموم	
	داشتن حسن ظن نسبت به مردم	
	هم دردی با مردم	
	مشارکت عموم در اداره جامعه	
	ارتباط مداوم با عموم مردم	
	شنود مؤثر درخواست‌های عمومی	
	همکاری مؤثر با سلسله‌مراتب	فرمانبرداری از سلسله‌مراتب
		خیرخواهی نسبت به زمامداران
		همسویی ذهنی و جسمی با رهبری
		رعایت حقوق اجتماعی در سلسله‌مراتب
	ارتباطات مشفقانه با زیردستان	همسویی استراتژیک اهداف زمامداران با کارگزاران
		تأمین آسایش و رفاه مادی و معنوی زیردستان
		تشویق و تکریم کارگزاران شایسته
		ارتباط اثربخش با زیردستان
		پشتیبانی از زیردستان
		تأمین آرامش زیردستان

		دلجویی از زبردستان
		مدیریت و اصلاح امور کارگزاران زیرمجموعه
		احترام به نیروهای شایسته زیرمجموعه
		تقویت انگیزه کارکنان جهت انجام خدمات ارزنده
ارتباط با خدا	ارتباط عمل‌گرایانه	تکلیف‌مداری
		عملگرایی
		در نظر گرفتن خشنودی پروردگار در کارها
		اخلاص در کار
		خدمت بی‌منت
		خدمت صادقانه
		کار برای رضای الهی
		مجاهدت (مالی، زبانی، جانی) در راه خدا
		توجه به انگیزه‌های معنوی کار (تقویت معنویت در کار)
		در نظر گرفتن پاداش‌های معنوی خدمت به مردم
	خدمت به مردم به‌منظور تقرب به خداوند	
	ارتباط معرفت‌شناسانه	حق‌مداری
		اشتیاق به شهادت در راه خدا
		خلوص نیت
		ترس از خدا
		آخرت‌گرایی
		توکل بر خدا
		امید به یاری الهی
		داشتن جهان‌بینی الهی
		ایمان قلبی به ناظر بودن خداوند
تقدم رضایت الهی بر رضایت عمومی		
یاری خداوند (با دل و دست و زبان)		
در نظر گرفتن قدرت الهی به‌عنوان قدرت برتر		
تعمیق ارتباط با خداوند		

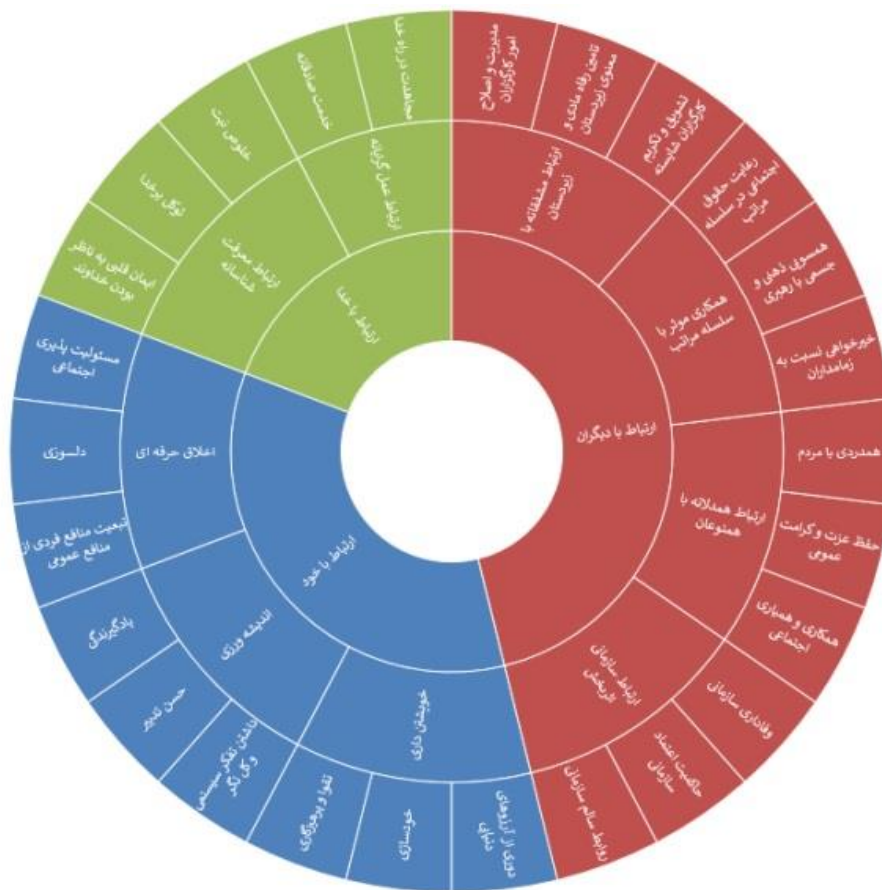
در پایان پس از پیاده‌سازی مراحل سه‌گانه، گام‌های شش‌گانه و ۲۰ اقدام تکنیک تجزیه‌وتحلیل مضمون، ۹۵ مضمون پایه در قالب ۹ مقوله اخلاق حرفه‌ای، اندیشه‌ورزی، خویش‌داری، ارتباطات سازمانی اثربخش، ارتباطات همدلانه با هم‌نوعان، همکاری مؤثر با سلسله‌مراتب، ارتباطات مشفقانه با زبردستان، ارتباط عمل‌گرایانه و ارتباط معرفت‌شناسانه در چهارچوب مؤلفه‌های سه‌گانه ارتباط با خود، ارتباط با دیگران و ارتباط با خدا کشف گردید. مضامین پیش‌گفته حاصل بررسی عمیق پژوهشگر در متن نهج‌البلاغه بوده است و از آنجایی که در پژوهش‌های کیفی این احتمال وجود دارد که پژوهشگر دچار خطای ادراکی شده و نتایج پژوهش دستخوش تغییرات غیرارادی گردد، در گام چهارم پژوهش مضامین پایه و سازمان دهنده و فراگیر به‌وسیله مجموعه‌ای از خبرگان (۱۶ خبره) مورد سنجش و برازندگی قرار گرفته است.



### ۳-۳. گام سوم: مدل‌سازی نهایی

در گام سوم پژوهش مدل‌سازی کلی و نهایی جایگاه ارتباطات در ساختار نظریه انگیزه خدمت‌رسانی عمومی مبتنی بر ایجاد یک ابزار جامع جهت شناخت جایگاه ارتباطات در نظریه انگیزه خدمت‌رسانی عمومی صورت پذیرفته است. لازم به ذکر است که به علت محدودیت فضا، از هرکدام از تم‌های شناسایی‌شده سه مورد که درصد توافق بیشتری در نظریات ۱۶ خبره داشته در مدل نهایی ذیل مقوله سازمان دهنده آورده شده است. بدین ترتیب مدل نهایی مشتمل بر سه سطح ارتباط با خود، ارتباط با دیگران و ارتباط با خداست. در این نوشتار ارتباط با خود به معنای رابطه معنوی سالم با خویشتن و خودسازی به‌منظور استفاده صحیح از نیروی تعقل در راستای بهبود مهارت‌ها و شایستگی‌های حرفه‌ای در جهت شناخت توانایی‌ها و ناتوانی‌های خود است. تعریف ماهوی ارتباط با دیگران در این پژوهش به معنای ارتباط اثربخش و مبتنی بر اخلاقیات با آحاد اجتماعات انسانی و سلسله‌مراتب سازمانی بر پایه رعایت حقوق شهروندی و حفظ عزت و کرامت عمومی و ایجاد حس همدلی مضاعف در جامعه در جهت تأمین منافع عموم مردم و تأمین رفاه مادی و معنوی امت است. در خصوص اهمیت این سطح نیز حضرت امیر (ع) در نامه ۳۱ نهج‌البلاغه خطاب به امام حسن(ع) بیان می‌دارند: «نفس خود را میزان میان خود و دیگران قرار ده، پس آنچه را که برای خود دوست داری برای دیگران نیز دوست بدار و آنچه را که برای خود نمی‌پسندی، برای دیگران می‌پسند، ستم روا مدار، آن‌گونه که دوست نداری به تو ستم شود، نیکوکار باش، آن‌گونه که دوست داری به تو نیکی کنند و آنچه را که برای دیگران زشت می‌داری برای خود نیز زشت بشمار و چیزی را برای مردم رضایت بده که برای خود می‌پسندی، آنچه نمی‌دانی نگو گر آنچه را میدانی اندکی است (نامه/۳۱)». ارتباط با خدا نیز به معنای ارتباط عملی و معرفتی به ناظر بودن خداوند و دست برتر الهی در همه امور و تلاش در جهت خدمت صادقانه و بی‌منت به مردم و توجه به انگیزه‌های معنوی در کارهاست. در این نوع ارتباط خدمت به مردم توسط آحاد کارگزاران حکومت اسلامی جهت خشنودی پروردگار و تقرب به خداوند متعال صورت می‌پذیرد.

شکل شماره ۲. مدل سازی نهایی جایگاه ارتباطات در ساختار نظریه انگیزه خدمت‌رسانی عمومی مبتنی بر نهج‌البلاغه



**گام چهارم: تست مدل با استفاده از تکنیک دلفی فازی**

در مرحله نهایی به منظور بررسی و ارزیابی ارتباط مفهومی مضامین پایه (تم‌ها) با مضامین سازمان دهنده و ارزیابی مدل به دست آمده از تکنیک تجزیه و تحلیل مضمون از روش دلفی فازی استفاده شده است. در این نوشتار تکنیک دلفی فازی در دو مرحله مورد استفاده واقع شده که طی مرحله نخست تکنیک دلفی فازی، پرسشنامه‌ای مشتمل بر ۹۵ مضمون مؤثر بر انگیزه خدمت‌رسانی عمومی که با استفاده از استراتژی تجزیه و تحلیل مضمون توسط محقق از متن نهج‌البلاغه استخراج شده بود؛ در اختیار اعضای گروه خبره (۱۶ خبره) قرار گرفت و از آن‌ها خواسته شد نظریات خود را در خصوص ارتباط مفهومی مضامین در قالب متغیرهای کلامی پنج‌گانه (خیلی کم-کم-متوسط-زیاد-خیلی زیاد) بیان نمایند؛ بنابراین پس از بررسی اخذ نظرات ۱۶ خبره در خصوص ارتباط مضامین پایه و سازمان دهنده و ارتباط آن‌ها با مفهوم انگیزه

خدمت‌رسانی عمومی، عبارات زبانی کیفی به اعداد فازی تبدیل می‌شوند. پس از فازی سازی عبارات، میانگین فازی از امتیازات اخذ شده و نهایتاً توسط رابطه Crisp به اعداد قطعی مبدل می‌گردند. نتایج این مرحله نشان از تأیید تمامی مضامین را دارد. در مرحله دوم دلفی فازی نیز پرسشنامه مرحله اول دلفی دوباره در اختیار خبرگان قرار داده شد با این تفاوت که میانگین قطعی مرحله اول دلفی به آن‌ها گفته شد تا خبرگان از میزان میانگین هر شاخص در مرحله قبل مطلع شوند. نتایج این مرحله نیز نشان از تأیید تمامی مضامین را دارد. براساس نظر لین و همکارانش (۲۰۰۲) چنانچه اختلاف بین دو مرحله نظرسنجی کمتر از حد آستانه خیلی کم (۰,۱) باشد، فرایند نظرسنجی متوقف می‌شود یعنی به اجماع رسیده‌ایم؛ بنابراین میزان اختلافات نمایانگر این موضوع است که در تمامی شاخص‌ها اختلاف میانگین کمتر از ۰,۱ می‌باشد پس اجماع حاصل شده و مراحل دلفی خاتمه پیدا می‌کند. طی این پژوهش عدد آستانه ۰,۷ در نظر گرفته می‌شود که نتایج نشان از تأیید تمامی مضامین مورد بررسی را دارد که در جدول ۵ مشهود است:

جدول شماره ۵. نتایج مراحل اول و دوم دلفی فازی

کد مضامین	وزن فازی مرحله اول	وزن غیر فازی ۱	وضعیت	وزن فازی مرحله دوم	وزن غیر فازی ۲	وضعیت	اختلاف
M1	(۰,۵۶۳,۰,۸۱۳,۰,۹۲۲)	۰,۷۶۶	تأیید	(۰,۵۷۸,۰,۸۲۸,۰,۹۵۳)	۰,۷۸۶	تأیید	۰,۰۲۰
M2	(۰,۵۱۶,۰,۷۶۶,۰,۹۵۳)	۰,۷۴۵	تأیید	(۰,۵۱۶,۰,۷۶۶,۰,۹۶۹)	۰,۷۵۰	تأیید	۰,۰۰۵
M3	(۰,۵۷۸,۰,۸۲۸,۰,۹۵۳)	۰,۷۸۶	تأیید	(۰,۶۲۵,۰,۸۷۵,۰,۹۶۹)	۰,۸۲۳	تأیید	۰,۰۳۷
M4	(۰,۵۰۰,۰,۷۵۰,۰,۹۳۸)	۰,۷۳۹	تأیید	(۰,۵۶۳,۰,۸۱۳,۰,۹۶۹)	۰,۷۸۱	تأیید	۰,۰۵۲
M5	(۰,۵۳۱,۰,۷۸۱,۰,۹۳۸)	۰,۷۵۰	تأیید	(۰,۵۳۱,۰,۷۸۱,۰,۹۳۸)	۰,۷۵۰	تأیید	۰,۰۰۰
M6	(۰,۵۱۶,۰,۷۶۶,۰,۹۳۸)	۰,۷۴۰	تأیید	(۰,۵۳۱,۰,۷۸۱,۰,۹۲۲)	۰,۷۴۵	تأیید	۰,۰۰۵
M7	(۰,۵۶۳,۰,۸۱۳,۰,۹۲۲)	۰,۷۶۶	تأیید	(۰,۵۴۷,۰,۷۹۷,۰,۹۳۸)	۰,۷۶۰	تأیید	۰,۰۰۶
M8	(۰,۴۸۴,۰,۷۳۴,۰,۹۲۲)	۰,۷۱۴	تأیید	(۰,۵۷۸,۰,۸۲۸,۰,۹۶۹)	۰,۷۹۲	تأیید	۰,۰۷۸
M9	(۰,۵۴۷,۰,۷۹۷,۰,۹۶۹)	۰,۷۷۱	تأیید	(۰,۵۶۳,۰,۸۱۳,۰,۹۶۹)	۰,۷۸۱	تأیید	۰,۰۱۰
M10	(۰,۵۱۶,۰,۷۶۶,۰,۹۰۶)	۰,۷۲۹	تأیید	(۰,۵۴۷,۰,۷۹۷,۰,۹۲۲)	۰,۷۵۵	تأیید	۰,۰۲۶
M11	(۰,۴۸۴,۰,۷۳۴,۰,۹۰۶)	۰,۷۰۸	تأیید	(۰,۵۰۰,۰,۷۵۰,۰,۹۲۲)	۰,۷۲۴	تأیید	۰,۰۱۶
M12	(۰,۵۷۸,۰,۸۲۸,۰,۹۵۳)	۰,۷۸۶	تأیید	(۰,۵۶۳,۰,۸۱۳,۰,۹۶۹)	۰,۷۸۱	تأیید	۰,۰۰۵
M13	(۰,۵۷۸,۰,۸۲۸,۰,۹۵۳)	۰,۷۸۶	تأیید	(۰,۵۶۳,۰,۸۱۳,۰,۹۶۹)	۰,۷۸۱	تأیید	۰,۰۰۵
M14	(۰,۵۰۰,۷۵۰,۹۰۶)	۰,۷۱۹	تأیید	(۰,۴۸۴,۰,۷۳۴,۰,۹۲۲)	۰,۷۱۴	تأیید	۰,۰۰۵
M15	(۰,۵۳۱,۰,۷۸۱,۰,۹۲۲)	۰,۷۴۵	تأیید	(۰,۵۱۶,۰,۷۶۶,۰,۹۳۸)	۰,۷۴۰	تأیید	۰,۰۰۵
M16	(۰,۵۹۴,۰,۸۴۴,۰,۹۶۹)	۰,۸۰۲	تأیید	(۰,۶۴۱,۰,۸۹۱,۰,۹۸۴)	۰,۸۳۹	تأیید	۰,۰۳۷
M17	(۰,۵۹۴,۰,۸۴۴,۰,۹۸۴)	۰,۸۰۷	تأیید	(۰,۵۹۴,۰,۸۴۴,۱)	۰,۸۱۳	تأیید	۰,۰۰۶
M18	(۰,۶۰۹,۰,۸۵۹,۰,۹۶۹)	۰,۸۱۳	تأیید	(۰,۵۹۴,۰,۸۴۴,۰,۹۸۴)	۰,۸۰۷	تأیید	۰,۰۰۶
M19	(۰,۵۳۱,۰,۷۸۱,۰,۹۵۳)	۰,۷۵۵	تأیید	(۰,۵۷۸,۰,۸۲۸,۰,۹۶۹)	۰,۷۹۲	تأیید	۰,۰۳۷
M20	(۰,۵۶۳,۰,۸۱۳,۰,۹۵۳)	۰,۷۷۶	تأیید	(۰,۵۶۳,۰,۸۱۳,۰,۹۵۳)	۰,۷۷۶	تأیید	۰,۰۰۰

کد مضامین	وزن فازی مرحله اول	وزن غیر فازی ۱	وضعیت	وزن فازی مرحله دوم	وزن غیر فازی ۲	وضعیت	اختلاف
M21	(۰,۵۰,۷۵,۰,۹۰۶)	۰,۷۱۹	تأیید	(۰,۴۸۴,۰,۷۳۴,۰,۹۰۶)	۰,۷۰۸	تأیید	۰,۰۱۱
M22	(۰,۵۰,۷۵,۰,۹۲۲)	۰,۷۲۴	تأیید	(۰,۵۳۱,۰,۷۸۱,۰,۹۳۸)	۰,۷۵۰	تأیید	۰,۰۲۶
M23	(۰,۵۳۱,۰,۷۸۱,۰,۹۰۶)	۰,۷۴۰	تأیید	(۰,۵۰۰,۰,۷۵۰,۰,۹۰۶)	۰,۷۱۹	تأیید	۰,۰۲۱
M24	(۰,۶۲۵,۰,۸۷۵,۱)	۰,۸۳۳	تأیید	(۰,۵۴۷,۰,۷۹۷,۹۸۴)	۰,۷۷۶	تأیید	۰,۰۵۷
M25	(۰,۵۱۶,۰,۷۶۶,۰,۹۳۸)	۰,۷۴۰	تأیید	(۰,۵۰۰,۰,۷۵۰,۰,۹۳۸)	۰,۷۲۹	تأیید	۰,۰۱۱
M26	(۰,۵۳۱,۰,۷۸۱,۰,۹۳۸)	۰,۷۵۰	تأیید	(۰,۴۸۴,۰,۷۳۴,۰,۹۳۸)	۰,۷۱۹	تأیید	۰,۰۳۱
M27	(۰,۵۴۷,۰,۷۹۷,۰,۹۲۲)	۰,۷۵۵	تأیید	(۰,۵۳۱,۰,۷۸۱,۰,۹۳۸)	۰,۷۵۰	تأیید	۰,۰۰۵
M28	(۰,۵۷۸,۰,۸۲۸,۰,۹۵۳)	۰,۷۸۶	تأیید	(۰,۶۰۹,۰,۸۵۹,۰,۹۶۹)	۰,۸۱۳	تأیید	۰,۰۲۷
M29	(۰,۵۷۸,۰,۸۲۸,۰,۹۵۳)	۰,۷۸۶	تأیید	(۰,۵۷۸,۰,۸۲۸,۰,۹۵۳)	۰,۷۸۶	تأیید	۰,۰۰
M30	(۰,۵۹۴,۰,۸۴۴,۰,۹۶۹)	۰,۸۰۲	تأیید	(۰,۵۹۴,۰,۸۴۴,۰,۹۶۹)	۰,۸۰۲	تأیید	۰,۰۰
M31	(۰,۵۰,۷۵,۰,۹۰۶)	۰,۷۱۹	تأیید	(۰,۵۱۶,۰,۷۶۶,۰,۹۰۶)	۰,۷۲۹	تأیید	۰,۰۱۰
M32	(۰,۵۳۱,۰,۷۸۱,۰,۹۲۲)	۰,۷۴۵	تأیید	(۰,۵۴۷,۰,۷۹۷,۰,۹۳۸)	۰,۷۶۰	تأیید	۰,۰۱۵
M33	(۰,۵۳۱,۰,۷۸۱,۰,۹۳۸)	۰,۷۵۰	تأیید	(۰,۵۴۷,۰,۷۹۷,۰,۹۵۳)	۰,۷۶۶	تأیید	۰,۰۱۶
M34	(۰,۵۱۶,۰,۷۶۶,۰,۹۰۶)	۰,۷۲۹	تأیید	(۰,۵۰۰,۰,۷۵۰,۰,۹۲۲)	۰,۷۲۴	تأیید	۰,۰۰۵
M35	(۰,۵۱۶,۰,۷۶۶,۰,۹۵۳)	۰,۷۴۵	تأیید	(۰,۵۱۶,۰,۷۶۶,۰,۹۵۳)	۰,۷۴۵	تأیید	۰,۰۰
M36	(۰,۵۱۶,۰,۷۶۶,۰,۹۵۳)	۰,۷۴۵	تأیید	(۰,۵۳۱,۰,۷۸۱,۰,۹۶۹)	۰,۷۶۰	تأیید	۰,۰۱۵
M37	(۰,۵۷۸,۰,۸۲۸,۰,۹۶۹)	۰,۷۹۲	تأیید	(۰,۵۶۳,۰,۸۱۳,۰,۹۶۹)	۰,۷۸۱	تأیید	۰,۰۱۱
M38	(۰,۵۱۶,۰,۷۶۶,۰,۹۳۸)	۰,۷۴۰	تأیید	(۰,۵۳۱,۰,۷۸۱,۰,۹۵۳)	۰,۷۵۵	تأیید	۰,۰۱۵
M39	(۰,۵۴۷,۰,۷۹۷,۰,۹۵۳)	۰,۷۶۶	تأیید	(۰,۶۰۹,۰,۸۵۹,۰,۹۸۴)	۰,۸۱۸	تأیید	۰,۰۵۲
M40	(۰,۵۰۰,۰,۷۵۰,۰,۸۹۱)	۰,۷۱۴	تأیید	(۰,۵۴۷,۰,۷۹۷,۰,۹۲۲)	۰,۷۵۵	تأیید	۰,۰۴۱
M41	(۰,۵۷۸,۰,۸۲۸,۰,۹۶۹)	۰,۷۹۲	تأیید	(۰,۵۷۸,۰,۸۲۸,۰,۹۶۹)	۰,۷۹۲	تأیید	۰,۰۰
M42	(۰,۶۰۹,۰,۸۵۹,۰,۹۶۹)	۰,۸۱۳	تأیید	(۰,۵۷۸,۰,۸۲۸,۰,۹۶۹)	۰,۷۹۲	تأیید	۰,۰۲۱
M43	(۰,۵۴۷,۰,۷۹۷,۰,۹۵۳)	۰,۷۶۶	تأیید	(۰,۵۳۱,۰,۷۸۱,۰,۹۵۳)	۰,۷۵۵	تأیید	۰,۰۱۱
M44	(۰,۵۰,۷۵,۰,۹۲۲)	۰,۷۲۴	تأیید	(۰,۵۱۶,۰,۷۶۶,۰,۹۳۸)	۰,۷۴۰	تأیید	۰,۰۱۶
M45	(۰,۵۹۴,۰,۸۴۴,۰,۹۶۹)	۰,۸۰۲	تأیید	(۰,۵۷۸,۰,۸۲۸,۰,۹۸۴)	۰,۷۹۷	تأیید	۰,۰۰۵
M46	(۰,۴۸۴,۰,۷۳۴,۰,۸۹۱)	۰,۷۰۳	تأیید	(۰,۵۳۱,۰,۷۸۱,۰,۹۲۲)	۰,۷۴۵	تأیید	۰,۰۴۲
M47	(۰,۴۸۴,۰,۷۳۴,۰,۹۰۶)	۰,۷۰۸	تأیید	(۰,۵۴۷,۰,۷۹۷,۰,۹۵۳)	۰,۷۶۶	تأیید	۰,۰۵۸
M48	(۰,۵۳۱,۰,۷۸۱,۰,۹۳۸)	۰,۷۵۰	تأیید	(۰,۵۷۸,۰,۸۲۸,۰,۹۶۹)	۰,۷۹۲	تأیید	۰,۰۴۲
M49	(۰,۵۱۶,۰,۷۶۶,۰,۹۲۲)	۰,۷۳۴	تأیید	(۰,۶۰۹,۰,۸۵۹,۰,۹۶۹)	۰,۸۱۳	تأیید	۰,۰۷۹
M50	(۰,۵۴۷,۰,۷۹۷,۰,۹۵۳)	۰,۷۶۶	تأیید	(۰,۵۴۷,۰,۷۹۷,۰,۹۸۴)	۰,۷۷۶	تأیید	۰,۰۱۰
M51	(۰,۵۳۱,۰,۷۸۱,۰,۹۲۲)	۰,۷۴۵	تأیید	(۰,۵۴۷,۰,۷۹۷,۰,۹۳۸)	۰,۷۶۰	تأیید	۰,۰۱۵
M52	(۰,۵۴۷,۰,۷۹۷,۰,۹۰۶)	۰,۷۵۰	تأیید	(۰,۵۳۱,۰,۷۸۱,۰,۹۳۸)	۰,۷۵۰	تأیید	۰,۰۰
M53	(۰,۵۱۶,۰,۷۶۶,۰,۹۲۲)	۰,۷۳۴	تأیید	(۰,۵۷۸,۰,۸۲۸,۰,۹۳۸)	۰,۷۸۱	تأیید	۰,۰۴۷

کد مضامین	وزن فازی مرحله اول	وزن غیر فازی ۱	وضعیت	وزن فازی مرحله دوم	وزن غیر فازی ۲	وضعیت	اختلاف
M54	(۰,۵۳۱۰,۷۸۱۰,۹۰۶)	۰,۷۴۰	تأیید	(۰,۵۱۶۰,۷۶۶۰,۹۲۲)	۰,۷۳۴	تأیید	۰,۰۰۶
M55	(۰,۵۰,۷۵۰,۸۹۱)	۰,۷۱۴	تأیید	(۰,۵۱۶۰,۷۶۶۰,۹۰۶)	۰,۷۲۹	تأیید	۰,۰۱۵
M56	(۰,۵۴۷۰,۷۹۷۰,۹۲۲)	۰,۷۵۵	تأیید	(۰,۵۶۳۰,۸۱۳۰,۹۲۲)	۰,۷۶۶	تأیید	۰,۰۱۱
M57	(۰,۵۳۱۰,۷۸۱۰,۹۰۶)	۰,۷۴۰	تأیید	(۰,۵۷۸۰,۸۲۸۰,۹۳۸)	۰,۷۸۱	تأیید	۰,۰۵۲
M58	(۰,۶۲۵۰,۸۷۵۰,۹۶۹)	۰,۸۲۳	تأیید	(۰,۶۵۶۰,۹۰۶۰,۹۸۴)	۰,۸۴۹	تأیید	۰,۰۲۶
M59	(۰,۵۴۷۰,۸۴۴۰,۹۶۹)	۰,۸۰۲	تأیید	(۰,۶۳۵۰,۸۷۵۰,۹۸۴)	۰,۸۲۸	تأیید	۰,۰۱۶
M60	(۰,۴۸۴۰,۷۳۴۰,۹۲۲)	۰,۷۱۴	تأیید	(۰,۵۳۱۰,۷۸۱۰,۹۶۹)	۰,۷۶۰	تأیید	۰,۰۴۶
M61	(۰,۵۱۶۰,۷۶۶۰,۹۲۲)	۰,۷۳۴	تأیید	(۰,۵۱۶۰,۷۶۶۰,۹۲۲)	۰,۷۳۴	تأیید	۰,۰۰
M62	(۰,۵۴۷۰,۷۹۷۰,۹۲۲)	۰,۷۵۵	تأیید	(۰,۵۹۴۰,۸۴۴۰,۹۳۸)	۰,۷۹۲	تأیید	۰,۰۳۷
M63	(۰,۵۹۴۰,۸۴۴۰,۹۳۸)	۰,۷۹۲	تأیید	(۰,۵۷۸۰,۸۲۸۰,۹۵۳)	۰,۷۸۶	تأیید	۰,۰۰۶
M64	(۰,۵۴۷۰,۷۹۷۰,۹۲۲)	۰,۷۵۵	تأیید	(۰,۵۷۸۰,۸۲۸۰,۹۲۲)	۰,۷۷۶	تأیید	۰,۰۲۱
M65	(۰,۵۳۱۰,۷۸۱۰,۹۰۶)	۰,۷۴۰	تأیید	(۰,۵۷۸۰,۸۲۸۰,۹۳۸)	۰,۷۸۱	تأیید	۰,۰۴۱
M66	(۰,۵۴۷۰,۷۹۷۰,۹۰۶)	۰,۷۵۰	تأیید	(۰,۵۱۶۰,۷۶۶۰,۹۰۶)	۰,۷۲۹	تأیید	۰,۰۲۱
M67	(۰,۵۳۱۰,۷۸۱۰,۹۳۸)	۰,۷۵۰	تأیید	(۰,۶۰۹۰,۸۵۹۰,۹۸۴)	۰,۸۱۸	تأیید	۰,۰۶۸
M68	(۰,۵۴۷۰,۷۹۷۰,۹۵۳)	۰,۷۶۶	تأیید	(۰,۵۷۸۰,۸۲۸۰,۹۵۳)	۰,۷۷۶	تأیید	۰,۰۰
M69	(۰,۵۶۳۰,۸۱۳۰,۹۲۲)	۰,۷۶۶	تأیید	(۰,۵۶۳۰,۸۱۳۰,۹۳۸)	۰,۷۷۱	تأیید	۰,۰۰۵
M70	(۰,۵۶۳۰,۸۱۳۰,۹۶۹)	۰,۷۸۱	تأیید	(۰,۵۹۴۰,۸۴۴۰,۹۸۴)	۰,۸۰۷	تأیید	۰,۰۲۶
M71	(۰,۶۲۵۰,۸۷۵۰,۹۶۹)	۰,۸۲۳	تأیید	(۰,۵۹۴۰,۸۴۴۰,۹۸۴)	۰,۸۰۷	تأیید	۰,۰۱۶
M72	(۰,۵۱۶۰,۷۶۶۰,۸۷۵)	۰,۷۱۹	تأیید	(۰,۵۱۶۰,۷۶۶۰,۸۷۵)	۰,۷۱۹	تأیید	۰,۰۰۰
M73	(۰,۵۴۷۰,۷۹۷۰,۹۳۸)	۰,۷۶۰	تأیید	(۰,۵۷۸۰,۸۲۸۰,۹۵۳)	۰,۷۸۶	تأیید	۰,۰۲۶
M74	(۰,۵۰,۷۵۰,۹۰۶)	۰,۷۱۹	تأیید	(۰,۴۸۴۰,۷۳۴۰,۹۰۶)	۰,۷۰۸	تأیید	۰,۰۱۱
M75	(۰,۵۱۶۰,۷۶۶۰,۹۰۶)	۰,۷۲۹	تأیید	(۰,۵۷۸۰,۸۲۸۰,۹۳۸)	۰,۷۸۱	تأیید	۰,۰۵۲
M76	(۰,۵۷۸۰,۸۲۸۰,۹۳۸)	۰,۷۸۱	تأیید	(۰,۶۰۹۰,۸۵۹۰,۹۳۸)	۰,۸۰۲	تأیید	۰,۰۲۱
M77	(۰,۵۶۳۰,۸۱۳۰,۹۳۸)	۰,۷۷۱	تأیید	(۰,۵۷۸۰,۸۲۸۰,۹۶۹)	۰,۷۹۲	تأیید	۰,۰۲۱
M78	(۰,۵۴۷۰,۷۹۷۰,۹۳۸)	۰,۷۶۰	تأیید	(۰,۵۷۸۰,۸۲۸۰,۹۶۹)	۰,۷۹۲	تأیید	۰,۰۳۲
M79	(۰,۵۴۷۰,۷۹۷۰,۹۲۲)	۰,۷۵۵	تأیید	(۰,۵۶۳۰,۸۱۳۰,۹۳۸)	۰,۷۷۱	تأیید	۰,۰۱۶
M80	(۰,۶۰۹۰,۸۵۹۰,۹۸۴)	۰,۸۱۸	تأیید	(۰,۶۲۵۰,۸۷۵۰,۹۸۴)	۰,۸۲۸	تأیید	۰,۰۱۰
M81	(۰,۵۱۶۰,۷۶۶۰,۹۰۶)	۰,۷۲۹	تأیید	(۰,۵۳۱۰,۷۸۱۰,۹۲۲)	۰,۷۴۵	تأیید	۰,۰۲۶
M82	(۰,۵۳۱۰,۷۸۱۰,۹۳۸)	۰,۷۵۰	تأیید	(۰,۵۷۸۰,۸۲۸۰,۹۶۹)	۰,۷۹۲	تأیید	۰,۰۴۲
M83	(۰,۵۷۸۰,۸۲۸۰,۹۳۸)	۰,۷۸۱	تأیید	(۰,۶۲۵۰,۸۷۵۰,۹۶۹)	۰,۸۲۳	تأیید	۰,۰۴۲
M84	(۰,۵۰,۷۵۰,۹۰۶)	۰,۷۱۹	تأیید	(۰,۵۳۱۰,۷۸۱۰,۹۲۲)	۰,۷۴۵	تأیید	۰,۰۲۶
M85	(۰,۵۹۴۰,۸۴۴۰,۹۶۹)	۰,۸۰۲	تأیید	(۰,۶۵۶۰,۹۰۶۰,۹۶۱)	۰,۸۵۴	تأیید	۰,۰۵۲
M86	(۰,۵۴۷۰,۷۹۷۰,۹۲۲)	۰,۷۵۵	تأیید	(۰,۵۴۷۰,۷۹۷۰,۹۲۲)	۰,۷۵۵	تأیید	۰,۰۰

کد مضامین	وزن فازی مرحله اول	وزن غیر فازی ۱	وضعیت	وزن فازی مرحله دوم	وزن غیر فازی ۲	وضعیت	اختلاف
M87	(۰,۵۷۸,۰,۸۲۸,۰,۹۲۲)	۰,۷۷۶	تأیید	(۰,۵۹۴,۰,۸۴۴,۰,۹۵۳)	۰,۷۹۷	تأیید	۰,۰۲۱
M88	(۰,۵۳۱,۰,۷۸۱,۰,۹۲۲)	۰,۷۴۵	تأیید	(۰,۵۱۶,۰,۷۶۶,۰,۹۲۲)	۰,۷۳۴	تأیید	۰,۰۱۱
M89	(۰,۵۱۶,۰,۷۶۶,۰,۸۹۱)	۰,۷۳۴	تأیید	(۰,۵۱۶,۰,۷۶۶,۰,۹۰۶)	۰,۷۳۹	تأیید	۰,۰۰۵
M90	(۰,۵۳۱,۰,۷۸۱,۰,۹۲۲)	۰,۷۴۵	تأیید	(۰,۵۳۱,۰,۷۸۱,۰,۹۲۲)	۰,۷۴۵	تأیید	۰,۰۰۰
M91	(۰,۵۴۷,۰,۷۹۷,۰,۹۵۳)	۰,۷۶۶	تأیید	(۰,۵۴۷,۰,۷۹۷,۰,۹۶۹)	۰,۷۷۱	تأیید	۰,۰۰۵
M92	(۰,۵۳۱,۰,۷۸۱,۰,۹۲۲)	۰,۷۴۵	تأیید	(۰,۴۸۴,۰,۷۳۴,۰,۹۲۲)	۰,۷۱۴	تأیید	۰,۰۳۱
M93	(۰,۵۶۳,۰,۸۱۳,۰,۹۵۳)	۰,۷۷۶	تأیید	(۰,۵۴۷,۰,۷۹۷,۰,۹۶۹)	۰,۷۷۱	تأیید	۰,۰۰۵
M94	(۰,۵۷۸,۰,۸۲۸,۰,۹۳۸)	۰,۷۸۱	تأیید	(۰,۵۷۸,۰,۸۲۸,۰,۹۳۸)	۰,۷۸۱	تأیید	۰,۰۰
M95	(۰,۵۷۸,۰,۸۲۸,۰,۹۵۳)	۰,۷۸۶	تأیید	(۰,۵۹۴,۰,۸۴۴,۰,۹۶۹)	۰,۸۰۲	تأیید	۰,۰۱۶

### نتیجه گیری

امروزه به علت اهمیت فوق العاده‌ای که بخش عمومی در خدمت‌رسانی به مردم ایفا می‌نماید و تأثیری که دولت‌ها (بطور خاص بخش عمومی) بر توسعه جوامع و بهبود سطح رفاه مادی و معنوی اجتماعات انسانی دارند شاهد آن هستیم که در پژوهش‌های بین‌المللی توجه فزاینده‌ای به بخش‌های عمومی و مناسبات حاکم بر آن می‌گردد به گونه‌ای که پارادایم‌های فکری که اخیراً در مدیریت دولتی (از جمله خدمات عمومی نوین و مدیریت ارزش عمومی) مطرح گردیده‌اند گویای این مطلب می‌باشند. بعلاوه با اهتمام به نقش اصیل ارتباطات به عنوان شاه‌راه پیوند دولت با اجتماعات انسانی جایگاه آن را در تعامل با نظریه انگیزه خدمت‌رسانی عمومی از منظر دیدگاه اسلامی مورد بررسی قرار دادیم. سطوح سه‌گانه شناسایی شده در پژوهش مؤید این مطلب است که ارتباطات در ساختار نظریه انگیزه خدمت‌رسانی عمومی می‌تواند در سه سطح ارتباط کارگزاران با خود، ارتباط آنان با خدا و ارتباط آنان با دیگران تقسیم‌بندی گردد. سطح ارتباط با خود مشتمل بر مضامینی از جمله دلسوزی (وندینابل ۲۰۰۷؛ گیاکو و همکاران ۲۰۰۹؛ پری ۲۰۱۰؛ براندر و آندرسن ۲۰۱۳؛ بریخ و همکاران ۲۰۱۷)، انفاق و از خودگذشتگی (پری ۲۰۰۶؛ پتروفسکی و ریتز ۲۰۱۴؛ کورسی و همکاران ۲۰۱۱؛ جنسن و رستگارد ۲۰۱۷)، تبعیت منافع فردی از منافع عمومی (پری ۲۰۱۰؛ گیاکو و همکاران ۲۰۰۹؛ کورسی و همکاران ۲۰۱۱؛ برور ۲۰۱۰) است که با تحقیقات محققان فوق در رهیافت‌های غربی و شرقی مشابهت دارد. امیرمومنان(ع) در باب مضمون دلسوزی کارگزاران بیان می‌دارند «بدان در امت اسلام هیچ‌کس همانند من وجود ندارد که به وحدت امت محمد و به انس گرفتن آنان به همدیگر، از من دلسوزتر باشد (نامه/۷۸)». سطح ارتباط با دیگران نیز مشتمل بر مضامینی مانند مشارکت عمومی (کورسی و پاندی ۲۰۰۷؛ گیاکو و همکاران ۲۰۰۹) و تأمین منافع عموم مردم (پری ۲۰۱۰؛ کورسی و همکاران ۲۰۱۱؛ برور ۲۰۱۰؛ براندر و آندرسن ۲۰۱۳؛ بریخ و همکاران ۲۰۱۷) است که با یافته‌های پژوهش‌های فوق‌الذکر مشابهت دارد. امیرمومنان در باب مشارکت عمومی نیز می‌فرمایند «در امور کارمندان بیندیش و پس از آزمایش به کارشان بگمار و با میل شخصی و بدون مشورت با دیگران

آنان را به کارهای مختلف وادار نکن (نامه/۵۳)». سطح ارتباط با خدا نیز مشتمل بر مضامین ارتباط عملی و معرفتی به ناظر بودن خداوند و دست برتر الهی در همه امور و تلاش در جهت خدمت صادقانه و بی منت به مردم و توجه به انگیزه‌های معنوی در کارهاست که در هیچ‌یک از تحقیقات غربی و شرقی پیشین بدان اشاره نشده و سطح بنیادین مغفول مانده این نظریه محسوب می‌گردد. حضرت امیر(ع) در خصوص خدمت صادقانه به آحاد اجتماعات انسانی بیان می‌دارند «با شما به نیکویی زندگی کردم و به قدر توان از هر سو نگرهبانی شما دادم و از بندهای بردگی و ذلت شما را نجات داده و از حلقه‌های ستم رهایی بخشیدم تا سپاسگزاری فراوان من برابر نیکی اندک شما باشد (خطبه/۱۵۹)» و در جهت تبیین مضمون خدمت بی منت می‌فرمایند «مبادا هرگز با خدمت‌هایی که انجام دادی بر مردم منت گذاری، یا آنچه را انجام داده‌ای بزرگ بشماری (نامه/۵۳)». تمایز مفهومی مدل اسلامی ارتباطات در انگیزه خدمت‌رسانی عمومی با الگوهای رایج در این است که سطوح پیش گفته این مدل دارای سلسله‌مراتب بوده به گونه‌ای که سطح ارتباط با خدا به عنوان مبنای این نظریه محسوب شده و نسبت به سطوح ارتباط با دیگران و ارتباط با خود شمولیت دارد؛ متقابلاً سطوح ارتباط با خود و ارتباط با دیگران به عنوان بناهای این مدل تلقی می‌شوند که زیربنای آن‌ها سطح ارتباط با خداست. بعلاوه وجه تمایز ساختاری این الگوریتم با مدل‌ها و الگوهای شرقی و غربی در ادبیات علمی جهان نیز در این است که هر یک از سطوح سه‌گانه آن دارای ابعاد و خصیصه‌هایی در همان سطح است که دارای ارتباط تنگاتنگ تعاملی با یکدیگر هستند و ارتباط مفهومی عمیقی با همدیگر دارند. بعلاوه مضامین فراگیر و انگیزه‌های محوری نیز دارای همین تعاملات و ارتباطات با یکدیگر هستند. در نهایت لازم است که تجزیه و تحلیل و بررسی جایگاه هریک از مؤلفه‌های ساختاری در درون چهارچوب فکری خودش سنجیده شود و تعمیم‌پذیری نظریه‌های منشعب از پارادایم‌های غربی و شرقی به دیدگاه اسلامی می‌تواند اثرات غیرقابل جبرانی داشته باشد که امروزه در برخی از شئون اجتماعی و سازمانی شاهد آن هستیم. در ادامه وجوه تمایز و تشابه نتایج پژوهش پیش‌رو با مجموعه تحقیقاتی که تاکنون در حوزه موضوعی در ادبیات علمی جهان صورت پذیرفته است با یکدیگر مقایسه شده‌اند که در جدول روبرو مشخص شده است.

جدول شماره ۶. ارتباطات در نظریه انگیزه خدمت عمومی مبتنی بر نهج البلاغه و نظریات پیشین

ردیف	مورد مقایسه	ارتباطات در نظریه انگیزه خدمت عمومی مبتنی بر نهج البلاغه	ارتباطات در نظریات انگیزه خدمت عمومی
۱	دیدگاه	دیدگاه اسلامی	دیدگاه غربی <sup>۱</sup> دیدگاه شرقی <sup>۲</sup>
۲	سطوح تحلیل	ارتباط با خود ارتباط با دیگران ارتباط با خدا	ارتباط با خود ارتباط با دیگران ارتباط با سازمان
۳	ارتباط سطوح با یکدیگر	سلسله مراتبی و وابستگی متقابل	یک‌سویه و چندسویه

1. western  
2. confucius

۴	ارتباط مضامین درون سطوح	ارتباط تعاملی و مفهومی	ارتباط در چهارچوب ساختار مربوطه
۵	روینا و زیرینا	سطح ارتباط با خدا به‌عنوان زیرینا و سطح ارتباط با خود و دیگران به‌عنوان روینا هستند	ندارد
۶	نگرش عناصر نسبت به جایگاه ارتباطات در نظریه	تقویت ارتباطات در ساختار نظریه به‌عنوان وظیفه همگانی	تقویت ارتباطات در ساختار نظریه به‌عنوان فعالیت خیرخواهانه
۷	جایگاه ارتباطات	منافع اخروی به‌عنوان اصل و منفعت عمومی و منافع فردی در خدمت آن قرار دارند و ارتباطات به‌مثابه ابزاری در خدمت منافع اخروی قرار دارد.	منافع فردی در خدمت منافع عمومی و ارتباطات به‌مثابه ابزاری در خدمت منافع عمومی قرار دارد.
۸	جهت‌گیری سطوح ارتباطی	همسویی سطوح سه‌گانه ارتباطات	تضاد منافع برخی از سطوح ارتباطی
۹	جایگاه ارزش‌ها	ارزش‌های دینی به‌عنوان پیشران و تقویت‌کننده ارتباطات در انگیزه خدمت عمومی هستند.	ارزش‌های اخلاقی تا آنجا به‌عنوان ارزش تلقی می‌شوند که در خدمت منافع و رضایت عامه مردم باشند.

### پیشنهادات پژوهشی

پیشنهادات پژوهش پیش‌رو در سه سطح ارتباط با خود، ارتباط با دیگران و ارتباط با خدا دسته‌بندی شده که در ذیل بدان اشاره شده است:

- توسعه شایستگی‌های مدیران و کارکنان و استقرار نظام شایستگی می‌تواند از مهمترین علل بهبود و ارتقای انگیزه خدمت‌رسانی عمومی باشد بدین ترتیب که تم‌های منبعث شده از سطح ارتباط با خود می‌تواند به‌عنوان الگوی جامع شایستگی‌های کلیدی مدیران دولتی مبدل گردد. همچنین سازمان‌ها بایستی در برنامه‌های جذب و استخدام، از مضامین این سطح به‌عنوان خصیصه‌های کارکنانی که دارای انگیزه خدمت عمومی بالایی هستند استفاده نموده و افرادی که دارای بیشترین تطابق با این ویژگی‌ها هستند مورد استخدام قرار گیرند.
- در سطح ارتباط با دیگران همه با یکدیگر برابر و برادرنند و احساس نوع‌دوستی و برادری در سراسر محیط اجتماعی حکم‌فرما بوده و کمک به هموعان نوعی ارزش محسوب می‌شود؛ بنابراین مدیران بایستی مکانیزم‌های فرهنگی جهت انتقال این حس به افراد طراحی نموده و برنامه‌ریزی نمایند.
- مبتنی بر سطح سوم پژوهش، مأموریت و چشم‌انداز سازمان دقیقاً برای کارگزاران مشخص گردد و در برنامه‌ریزی استراتژیک مورد لحاظ واقع شود و آن خدمت به مردم به‌منظور تقرب الهی است و از این منظر ارتباطات در ساختار تئوری انگیزه خدمت عمومی که با چهارچوب اسلامی پایه‌ریزی شده باشد می‌تواند سهم بزرگی در تحقق این امر مهم ایفا نماید.



## منابع

- شهیدی، سیدجعفر. (۱۳۷۶). ترجمه نهج البلاغه، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- محمدپور، احمد. (۱۳۸۸). «ارزیابی کیفیت در تحقیقات کیفی: اصول و راهبردهای اعتباریابی و تعمیم‌پذیری»، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۴۸، ۷۳-۱۰۷.
- عابدی جعفری، حسن؛ تسلیمی، محمد سعید؛ فقیهی، ابوالحسن و شیخزاده، محمد. (۱۳۹۰). «تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی»، نشریه اندیشه مدیریت راهبردی، سال پنجم، شماره دوم، ۱۵۱-۱۹۸.
- Andersen, Bøgh L. & Serritzlew, S. (2012). "Does public service motivation affect the behavior of professionals?". **International Journal of Public Administration**, 35(1), 19-29.
- Attride-Stirling, J. (2001), "Thematic Networks: An Analytic Tool for Qualitative Research", **Qualitative Research**, Vol. 1, No. 3, 385-405.
- Belcher, J. (1991). **Understanding the Process of Social Drift among the Homeless: A Qualitative Analysis**, In E. Sherman and W. J. Reid (Eds.), *Qualitative Research in Social Work*, New York: Columbia University Press.
- Bozeman, Barry & Su, Xuhong. (2015). "Public Service Motivation Concepts and Theory: A Critique". **Public Administration Review**, 75(5), 700-710.
- Boyd, Neil M. & Nowell, B. (2020). "Sense of community, sense of community responsibility, organizational commitment and identification, and public service motivation: a simultaneous test of affective states on employee well-being and engagement in a public service work context", **Public Management Review**, 22(7), 1024-1050.
- Brænder, M. & Andersen, L. B. (2013). "Does Deployment to War Affect Public Service Motivation? A Panel Study of Soldiers before and after Their Service in Afghanistan". **Public Administration Review**, 73(3), 466-477.
- Braun, V. & Clarke, V. (2006), "Using thematic analysis in psychology", **Qualitative Research in Psychology**, Vol. 3, No. 2, 77-101.
- Breugh, J., Ritz, A. and Alfes, K. (2017). "Work motivation and public service motivation: disentangling varieties of motivation and job satisfaction". **Public Management Review**, Vol. 20, Issue 10, 1423-1443.
- Brewer, G. (2010). **Public service motivation and performance; in Walker, R.M., Boyne, G.A. and Brewer, G.A. (Eds), Public Management and Performance: Research Directions**, Cambridge University Press, Cambridge and New York, NY, 152-177.
- Brewer, G. A., & Selden, S. C. (1998). "Whistle blowers in the federal civil service: New evidence of the public service ethic". **Journal of Public Administration Research and Theory**, 8, 413-440.
- Bryman, A. (1988). **Quantity and Quality in Social Research**, London: Unwin Hyman.
- Bryman, A. (2004). **Social Research Methods**, Second edition, Oxford: Oxford University Press.

- Chikazh, L. & Nyakunuwa, E. (2022). "Promotion of Perceived Service Quality Through Employee Training and Empowerment: The Mediating Role of Employee Motivation and Internal Communication", **Services Marketing Quarterly**, 43(3), 294-311.
- Chen, CA., Ch., Hsieh, CW. (2015). "Knowledge Sharing Motivation in the Public Sector: the Role of Public Service Motivation", **International Review of Administrative Sciences**, 81(4), 812-832.
- COURSEY, D., Jeffrey L. Brudney, Laura Littlepage, James L. Perry (2011). "Does Public Service Motivation Matter in Volunteering Domain Choices? A Test of Functional Theory", **Review of Public Personnel Administration**, Volume 31, Issue 1, 48-66.
- Creswell, J. (2014). **Research Design: Qualitative, Quantitative, and Mixed Methods Approaches**: 4th Edition, SAGE Publications Inc., London.
- Gao, J. (2015). **Public Service Motivation: A Cross-National Examination of East Asian Countries**. PhD diss., University of Tennessee, [https://trace.tennessee.edu/utk\\_graddiss/3580](https://trace.tennessee.edu/utk_graddiss/3580)
- Giauque, D., Adrian Ritz, Frédéric Varone, Simon Anderfuhren-Biget, and Christian Waldner. (2009). **Motivation of public employees at the municipal level in Switzerland**; Paper presented at International Public Service Motivation Research Conference, Bloomington, USA, 7-9 June 2009.
- Guba, E. G., Y. S. Lincoln (1989). **Fourth generation evaluation**, Newbury Park, CA: Sage.
- Juliani, F., De Oliveira, O. J. (2016). "State of research on public service management: Identifying scientific gaps from a bibliometric study". **International Journal of Information Management**, 36(6), 1033-1041. <https://doi.org/10.1016/j.ijinfomgt.2016.07.003>
- Kim, S. (2006). "Public service motivation and organizational citizenship behavior in Korea", **International Journal of Manpower**, Vol. 27, No. 8, 722-740. <https://doi.org/10.1108/01437720610713521>
- Kim, Sangmook. (2017). "Developing an item pool and testing measurement invariance for measuring public service motivation in Korea". **International Review of Public Administration**. 22, 1-14. DOI:10.1080/12294659.2017.1327113.
- King, N., & Horrocks, C. (2010). **Interviews in qualitative research**, London: Sage.
- Krathwohl, D. R. (2004). **Methods of Educational and Social Science Research: An Integrated Approach**, Second Edition, Long Grove, IL: Waveland Press. Pp: 271-280.
- Lee, Hyo Joo & Kim, Min Young & Sung, Min Park & Peter, J. Robertson (2019). "Public Service Motivation and Innovation in the Korean and Chinese Public Sectors: Exploring the Role of Confucian Values and Social Capital", **International Public Management Journal**, DOI: 10.1080/10967494.2019.1639570.

- Marques. Tânia M. G. (2020). “Research on Public Service Motivation and Leadership: A Bibliometric Study”, **International Journal of Public Administration**, DOI:10.1080/01900692.2020.1741615.
- Moynihan, Donald P., Vandenabeele, W., Blom-Hansen, J. (2013). “Debate: Advancing public service motivation research”, **Public Money & Management**, Vol. 33, Issue 4, 288-289.
- Papadopoulou, Martha I. & Dimitriadis, Efstathios D., (2019). “Factors Affecting Motivation in the Public Sector under the Context of Self-Determination Theory and Public Service Motivation: The Case of the Hellenic Agricultural Insurance Organization (H.A.I.O.),” **International Journal of Economics & Business Administration (IJEBA)**, **International Journal of Economics & Business Administration (IJEBA)**, Vol. 0(4), 112-135.
- Perry, J. L. and Hondeghem, A. (2008). **Motivation in Public Management: The Call of Public Service**; Oxford University Press, New York, NY, pp:1-14.
- Perry, J. L. (1996). “Measuring public service motivation: an assessment of construct reliability and validity”; **Journal of Public Administration Research and Theory**, Vol. 6, No. 1, 5-22.
- Perry, J. L., & Hondeghem, A. (Eds.). (2008). **Motivation in public management: The call of public service**. Oxford: Oxford University Press.
- Perry, J. L., & Wise, L. R. (1990). “The motivational bases of public service”. **Public Administration Review**, 50, 367-373.
- Perry, J. L., Hondeghem, A. and Wise, L.R. (2010). “Revisiting the motivational bases of public service: twenty years of research and an agenda for the future”; **Public Administration Review**, Vol. 70, No. 5, 681-690
- Perry, J. L., Hondeghem, A., & Wise, L. R. (2010). “Revisiting the motivational bases of public service: twenty years of research and an agenda for the future”. **Public Administration Review**, 68, 445-458.
- Petrovsky, Nicolai and Ritz, Adrian. (2014). “Public service motivation and performance: a critical perspective, Evidence-based HRM”; **A Global Forum for Empirical Scholarship**, Vol. 2, No. 1, 57-79
- Rainey, H. G. (1982). “Reward preferences among public and private managers: In search of the Service Ethic”. **American Review of Public Administration**, 16, 288-302.
- Rainey, H. G., & Steinbauer, P. (1999). “Gallopig elephants: Developing elements of a theory of effective government organizations”. **Journal of Public Administration Research and Theory**, 9, 1-32.
- Robbins, S., Timothy, A. Judge (2019). **Organizational Behavior**, Eighteenth edition. | New York, NY: Pearson Education.
- Ritz, Adrian, Brewer, Gene A. & Neumann, Oliver. (2016). “Public Service Motivation: A Systematic Literature Review and Outlook”. **Public Administration Review**, 76(3), 414-426.
- Kim, S. (2018). “Public Service Motivation, Organizational Social Capital, and Knowledge Sharing in the Korean Public Sector”, **Public Performance & Management Review**, Vol. 41, Issue 1, 130-151., DOI: 10.1080/15309576.2017.1358188.

- Tashakkori, A., and Teddlie, C. (1998). **Mixed Methodology: Combining the Qualitative and Quantitative Approaches**, Thousand Oaks, CA: Sage. P: 69.
- Tobin, IM & Hyunkuk, Lee (2012). **Can Public Service Motivation Reduce Corruption? Evidence from Korean Public Servants**, international public management network Conference.
- Tullock, G. (1976). **The vote motive**. London: IEA.
- Ulrich Thy Jensen, Christian Fischer Vestergaard (2017). "Public Service Motivation and Public Service Behaviors: Testing the Moderating Effect of Tenure", **Journal of Public Administration Research and Theory**, Volume 27, Issue 1, 52-67.
- van der Wal, Z. & Mussagulova, A. (2020). "Are Asian public affairs students different? Comparing job sector attitudes and sector preference between public affairs students at an Asian and Dutch University". **Journal of Public Affairs Education**, 26(2), 150-170.
- Vandenabeele, W. (2007). "Towards a public administration theory of public service motivation: an institutional approach", **Public Management Review**, Vol. 9, No. 4, 545-556.
- Vandenabeele, W. (2008). "Development of a public service motivation measurement scale: Corroborating and extending Perry's measurement instrument". **International Public Management Journal**, 11, 143-167.
- Vandenabeele, W. (2014). "Explaining Public Service Motivation: The Role of Leadership and Basic Needs Satisfaction". **Review of Public Personnel Administration**, 34. 10.1177/0734371X14521458.
- Wright, Bradley E. James L. Perry and Annie Hondeghem (2008). **Methodological Challenges Associated with Public Service Motivation Research. In Motivation in Public Management: The Call of Public Service**. Oxford, UK: Oxford University Press.
- Zeger Van der Wal (2015). "All quiet on the non-Western front?, A review of public service motivation scholarship in non-Western contexts", **Asia Pacific Journal of Public Administration**, 37:2, 69-86, DOI: 10.1080/23276665.2015.1041223
- Zhu, Ch. & Wu, Ch. and Yan, M. (2014). Evidence of Public Service Motivation and Job Satisfaction of Public Sector Employees in China, **Business and Public Administration Studies**, Vol. 8, No. 1, 34-47.
- Zubair, S. S., Salman, Y., Irfan, S., Jabeen, N., Moazza, A. (2018). "Towards a holistic model of Public Service Motivation: A Systematic Literature Review", **Journal of the Research Society of Pakistan**, Vol. 55, Issue No. 2, 179-192.



(Research Article)  
**Investigating the Factors Affecting the Independence of the Auditor  
from the Perspective of Imam Ali (pbuh) with Emphasis on  
Nahj al-Balaghah**

Aliasghar Golestanifar<sup>1</sup>, Sayyed Samad Hashemi<sup>2</sup>, Atena Bahadori<sup>3</sup>,  
Maryam Lashkarbolooki<sup>4\*</sup>

**Submit Date:** 26 January 2022      **Revise Date:** 28 April 2022  
**Accept Date:** 9 August 2022      **Publication Date:** 22 September 2022  
(Page 53-88)

**Abstract**

One of the most important issues in the field of accounting and financial auditing is the independence of the auditor. Sometimes, conflicts of personal and professional interests make it difficult for the auditor to provide services, and if s/he lacks religious and professional ethics, s/he will be pressured and threatened by managers and employers. This ultimately weakens the auditor's confidence and auditing activities. The current research in Nahj ul-Balaghah has found teachings that go beyond the executive standards of today's societies, and emphasizes the external and internal independence of the auditor. The present study is applied in terms of purpose and qualitative-quantitative in terms of method of implementation and the semantic units from the interviews were measured quantitatively. One-sample t-test using the SPSS software was used for data analysis after distribution of the questionnaires to the statistical community of the Tehran Auditing Organization. Imam Ali (A.S)'s reliable executive standard has two parts, individual-oriented and society-oriented, and in terms of influence on auditor independence, individual-oriented teachings have the highest influence. Among these teachings, "honesty and frankness" have the highest and "Piety and contentment" have the least influence. Furthermore, in general and community-oriented teachings, "absence of unconventional relationships" has the greatest influence and "existence of supervisory institutions" has the

1. Master of Accounting, Auditing, Khomein Branch, Islamic Azad University, Khomein, Iran

2. Instructor, Department of Accounting, Khomein Branch, Islamic Azad University, Khomein, Iran

3. Assistant Professor, Department of Education, Al-Zahra University, Tehran, Iran

5. Master of Quran and Hadith Sciences, University of Quran and Hadith, Tehran, Iran

\*: Corresponding Author: **Email:** maryam.lashkarbolooki@gmail.com

**How to cite this article:** Golestanifar, A. A., Hashemi, S. S., Bahadori, A., Lashkarbolooki, M. (2022). Investigating the Factors Affecting the Independence of the Auditor from the Perspective of Imam Ali (pbuh) with Emphasis on Nahj al-Balaghah, *Quarterly Journal of Nahj al-Balaghah Research*, 10(38), 53-88. DOI: 10.22084/NAHJ.2022.25636.2769

lowest.

**Keywords:** Nahj al-Balaghah, Religious and professional ethics, Auditing, Independence of the auditor.

## 1. Introduction

Today, on the one hand, with the increasing complexity of business units and financial institutions and their urgent need for accounting and auditing, and on the other hand, the conflict of professional and personal interests or threats and bribery by managers, may influence the auditors, and they may fabricate accounts.

Despite such risks, if the auditor does not have religious and professional ethics, his/her ability to perform his/her duties impartially and quickly will decrease and he/she will not be able to have a correct and clear report on the financial affairs of the relevant organization because the authoritarian atmosphere governing some organizations does not tolerate an open economic atmosphere and, far from any constructive criticism, confronts free-thinking and independence.

Amir al-Mu'minin Ali (A.S) points out the superiority of the arbitrator over the claimants such that the latter do not impose their judgment on the former by argument and stubbornness: "Choose the best people for the position of judgement, the one for whom the job is not difficult and on whom the disputants will not impose their opinion " (Nahj al-Balaghah, Letter/53).

The auditor's independence framework is formed according to the culture and ethics of the society. In the Islamic Iran, it is also necessary to define these limits based on the rich culture of Islam, which has guaranteed a good life in this world and the hereafter. The appropriateness of the auditing professional code of conduct and authentic Islamic sources should be measured, and the degree of harmony between religious teachings and the concepts used in the auditor's independence should be checked. Unfortunately, this issue, despite its special importance, does not have a significant research background. Except for one study entitled "Investigation of auditors' professional code of conduct from the perspective of the Qur'an", other studies on the auditor's independence did not have a religious view of the subject. Accordingly, this study finds a suitable, consistent and trial-and-error standard that can be extracted from the traditions of a great man such as Imam Ali (A.S); an innocent human being who at some point in time was the executor of divine view in the society and whose words and actions were beyond time and space.

## **2. Method**

The present study is applied in terms of purpose and qualitative and quantitative in terms of the implementation process, and it was introduced in a field-based form, and the semantic units from the interviews were measured quantitatively. The data collected from the questionnaires distributed among the statistical community of Tehran Auditing Organization was analyzed using one-sample t-test on the SPSS software version 18.

## **3. Discussion**

This article examines the behavioral and implemented principles related to maintaining and strengthening the auditor's independence and tries to investigate the community-oriented and individual-oriented teachings affecting the auditor's independence from the perspective of Imam Ali (a.s.). And quantitatively, and to examine what the outcome and function of each statement can be from the auditors' point of view.

### **4. Community-centered teachings effective in auditor's independence**

The community-oriented or general teachings affecting the auditor's independence in Nahj al-Balaghah are: monitoring (Letter/53; Ibn-Abil-Hadid, 1387: vol.17 p.69; Vafadar and Dadbeh, 1392: pp.108-107), ranking of audit institutions, and the auditors themselves. (Makarem Shirazi, 1375: vol.10 p.430; Mehrabi, 1394: p.41), encouragement and punishment (Letter/53), periodic changing of the auditor's place of work (Sajadi, 1397: vol.1 p.155; Pour Ezzat, 1388: p.62), lack of friendship and kinship with employer (Amedi, 1366: p.481; Khansari, 1408: vol.4 p.356), group and party affiliation, hindrance of free thinking (Sermon/170; Ibn-Shahr-ashoub: vol.1 p.324), the right to exercise professional judgment (Letter/31; See: Jordaq, 1373: p.217) and payment of appropriate remuneration (Letter/53; Khoei, 1400: vol.20 p.240; Behzadiyan and Izadinia, 1397: pp.33 & 39).

#### **4-1. Individual-centered teachings effective in auditor's independence**

Individual-centered or internal teachings affecting the auditor's independence in Nahj ul-Balaghah are: piety (Sermon/83 & 230; Makarem Shirazi, 1375: vol.3 p.377), honesty and openness (Laithi, 1376: p.404), faithfulness and truth (Sermon/41; Amedi, 1366: p.251; Jordaq, 1373: p.215), lack of greed and monopolization combined with complacency and contentment (Laithi, 1376: p.439; Makarem Shirazi, 1375: vol.3 p.311), lack of laxity and compromise (Sermon/24; Makarem Shirazi, 1375: vol.1 p.490), determination to eliminate rent seeking

(Letter/53), determination to eliminate bribery (Hejazi, Kanaani & Farajzadeh, 1396: p.8; Jordaq, 1384: vol.2 p.1036), determination against flatterers (Letter/53; Speech/462), and decisiveness in disclosure (Laithi, 1376: p.404) and secrecy (Speech/162).

Behavioral and personality characteristics of people are more important and valid than the external factors. In fact, the character a developed person who is taking steps towards self-improvement, is formed in such a way that s/he does not deviate from the right path and truth in relation to the society around him/her. This result was confirmed by testing the research hypothesis among a group of auditors in the society.

## **5. Conclusion**

The present article is a synthesis and matching of the teachings of Imam Ali (A.S.) with today's auditing issues in relation to the auditor's independence. The findings of the research come from the teachings of a perfect human being, which are implemented in the auditing laws, and even in individual-oriented teachings, they go beyond today's auditing laws. The analysis of the data and the main and sub-hypotheses of the study are as follows:

- There are teachings (community-centered and individual-centered) in Nahj ul-Balaghah that emphasize the external and internal independence of the auditor.
- Individual-centered teachings have the greatest effect on the auditor's independence. "Honesty and openness" have the highest and "asceticism and contentment" have the lowest effect
- In the community-oriented teachings, "absence of non-conventional relationships" has the highest and "existence of regulatory institutions" the lowest influence.
- All these factors that constitute the independent variable of the study will provide for the dependent variable or the internal and external independence, and it will not only affect the independence of the auditor, but will work for all guilds and groups associated with the issue of judgment and supervision.

## **References**

### **[In Arabic]**

- **The Holy Quran**
- Amedi, Abd al-Wahed ibn Muhammad. (1987). **Tasnif Ghorar ul Hekam and Dorarul Kelam, Researcher: Mustafa Derayati**, Qom: Maktab al-Aelam al-Islami.
- Ibn Abi al-Hadid, Izz al-Din Abu Hamed. (1959). **Description of Nahj al-Balaghah. Researcher: Mohammad Abolfazl Ibrahim**. Beirut: Dar Ihya Al-Kitab al-Arabiyah.



- Ibn Shahr Ashoub, Mohammad ibn Ali. (1957). **Manaqib Aali Abi Talib**. Najaf: Al-Maktaba Al-Haydariyyah.
- Khansari, J. M. (1988). **Description of Ghorarul Hekam and Dorarul Kelam**. Tehran: Tehran University Publishing.
- Khoii, H. (1980). **Minhajul Baraat fi Sharhi Nahj al-Balaghah**. Tehran: Maktabatul Islamiyyah.

**[In Persian]**

- **Nahj al-Balaghah**. (2000). Editor: Seyed Razi, translator: Mohammad Dashti. Qom: Mash'hoor Publications.
- Behzadian, F.; Iizadiniya, N. (2017). "Investigating factors affecting audit quality from the perspective of independent auditors and financial managers of companies admitted to the stock exchange". **Accounting Advances Journal of Shiraz University**. No.1, 28-60.
- Pour Ezzat, A. A. (2009). **The Coordinates of the Righteous Government in the Light of Imam Ali's Nahj al-Balaghah**. Tehran: Scientific and Cultural Publications.
- Jordagh, G. (1994). **Part of the beauty of Nahj al-Balaghah**. Researcher and translator: Mohammad Reza Ansari Mahallati, Tehran: Mohammadi Publications Center.
- Jordagh, G. (2005). **The Voice of Human Justice**. **Translator: Mohammad Salehi and Mahmoud Thabit Nejad**. Tehran: Mohammad Publications.
- Hijazi, R.; Kanaani, A. & Faraj zadeh, A. A. (2016). "Examination of the code of professional conduct of auditors from the perspective of the Qur'an". **Journal of Accounting and auditing Studies**, No. 29, 4-13.
- Sajjadi, Seyyed Hossein. (2018). **A review of audit research**. Vol.1, Tehran: Termeh Publishing.
- Mehrabi, Anina. (2015). "Audit independence and factors influencing it". **Journal of Economy: Market and Capital**, No. 65 & 66, 41-43.
- Makarem Shirazi, Naser. (1996). **Imam's message, a new and comprehensive commentary on Nahj ul-Balaghah**. Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyyah.
- Vafadar, Abbas & Dadbeh, Fatemeh (2013). **Auditing based on Iranian auditing standards**. First edition, Tehran: Kiyomarth Publications.



(مقاله پژوهشی)

## بررسی عوامل مؤثر بر استقلال حسابرسی از منظر امام علی علیه السلام با تأکید بر نهج البلاغه

علی اصغر گلستانی فر<sup>۱</sup>، سید صمد هاشمی<sup>۲</sup>، آتنا بهادری<sup>۳</sup>، مریم لشکرپلوکی<sup>۴\*</sup>

بازنگری مقاله: ۱۴۰۱/۰۲/۰۸

دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۱/۰۶

انتشار مقاله: ۱۴۰۱/۰۶/۳۱

پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۵/۱۸

(از ص ۵۸ تا ۸۸)

### چکیده

یکی از امور با اهمیت در حسابداری و حسابرسی‌های مالی، استقلال حسابرس است. برخی اوقات، تضاد منافع شخصی و حرفه‌ای، حسابرس را در ارائه خدمات با مشکل مواجه می‌سازد و در صورتی که اخلاق دینی و حرفه‌ای در او کم‌رنگ باشد، تحت تأثیر فشارها و تهدید و تطمیع مدیران و کارفرمایان قرار می‌گیرد. این امر در نهایت اعتماد به حسابرس و فعالیت‌های حسابرسی را ضعیف می‌کند. پژوهش حاضر در کتاب نهج البلاغه، آموزه‌هایی فراتر از استانداردهای اجرایی امروز جوامع یافته است که بر استقلال ظاهری و باطنی حسابرس تأکید دارد. روش کار بر مبنای هدف، از نوع تحقیقات کاربردی و از نظر فرآیند اجراء، در زمره پژوهش‌های آمیخته بوده و ترکیبی از پژوهش کیفی و کمی است که به شکل میدانی معرفی شده و بسامد سنجش واحدهای معنایی از مصاحبه‌ها به صورت کمی انجام شده است. مدل آزمون به روش t تک نمونه‌ای، با توزیع پرسشنامه در جامعه آماری سازمان حسابرسی تهران است و در قالب نرم‌افزار SPSS انجام شده است. استاندارد اجرایی اطمینان بخش امیرمؤمنان علی(ع)، دو بخش فردمحور و جامعه‌محور دارد که از نظر تأثیر بر استقلال حسابرس، آموزه‌های فردمحورانه بیشترین تأثیر را دارند. در بین این آموزه‌ها، «صداقت و صراحت» بیشترین و «زهدورزی و قناعت» کمترین تأثیر و در آموزه‌های عمومی و جامعه‌محور، «عدم وجود روابط غیرمعارف» بیشترین و «وجود نهادهای نظارتی» کمترین تأثیر را دارند.

**کلید واژه‌ها:** نهج البلاغه، اخلاق دینی و حرفه‌ای، حسابرسی، استقلال حسابرس.

۱. کارشناسی ارشد حسابداری، گرایش حسابرسی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران

۲. مربی گروه حسابداری، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران

۳. استادیار گروه معارف دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

۴. کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قرآن و حدیث، تهران، ایران

\* نویسنده مسئول

## ۱. مقدمه

امروزه با گسترش و پیچیدگی روزافزون واحدهای تجاری، شرکتها و مؤسسات مالی و نیاز مبرمشان به فرآیند حسابداری و حسابرسی، تضاد منافع، منجر به دستکاری و تقلب از سوی برخی از دفاتر حسابداری و حسابسازی‌هایی شده است. وجود چنین مخاطراتی حساب‌برسان را در فرایند ارائه خدمات حرفه‌ای با مشکل مواجه کرده و توانایی آنها را در اجرای بی‌طرفانه و سریع وظایف و مسئولیت‌ها کاهش داده است؛ به طوری که اعتماد به حسابرس و فعالیت‌های حسابرسی یکی از دغدغه‌های نهادهای سازمان‌ها شده است. برای تقویت استقلال حسابرس و ارتقاء سطح گزارشگری وی، نیاز به تعریف یک استاندارد اجرایی اطمینان‌بخش است؛ استاندارد که چارچوبی از باورهای اعتقادی، فرهنگی و حرفه‌ای را تشکیل دهد و کاربردی باشد.

### ۱-۱. بیان مسأله

حسابرسی، جمع‌آوری و ارزیابی بی‌طرفانه شواهد در جهت انطباق ادعاهای مدیریت با معیارهای از پیش تعیین‌شده و تأیید صحت صورت‌های مالی مؤسسه و یا واحد تجاری است که با مراجعه و رسیدگی دقیق به اسناد و مدارک و دفاتر حسابداری انجام گرفته و در نهایت با گزارش درست نتایج پایان می‌پذیرد (مرادی و بیات، ۱۳۹۵: ۷؛ ویسی، ۱۳۹۳: ۳). آنچه که بیش از هر چیز در حرفه حسابرسی مهم است، ارزیابی بی‌طرفانه‌ای است که منجر به گزارش‌دهی درست شده و از آن تعبیر به استقلال می‌شود. ارزش حسابرسی به میزان زیادی بستگی به برداشت مردم از استقلال حساب‌برسان دارد. اگر داور و حسابرس، استقلال رأی نداشته باشد، مردم درباره نظر او تردید خواهند داشت و همین امر سبب می‌شود تا جامعه حرفه‌ای حسابرسی، استقلال را به‌عنوان هسته فرایند حسابرسی مورد توجه قرار دهد و انتظار دارد تا حساب‌برسان در جهت دستیابی به آن، خود را ملزم به رعایت حد و مرزها و اخلاق حرفه‌ای نمایند.

اگر حسابرس به درجه‌ای از اخلاق فردی برسد، مدیران شرکتها و صاحبکاران وقتی منافع خویش را در خطر می‌بینند، نمی‌توانند با اعمال قدرت استقلال وی را به‌خطر اندازند و او را تحت فشار، تهدید یا تطمیع قرار دهند تا قادر به ابراز نظر واقعی خویش نباشد. برعکس حساب‌برسانی که آزادی و استقلال‌شان تحت‌الشعاع سلطه دیگران قرار می‌گیرد، هیچگاه نمی‌توانند گزارشی صحیح و صریح از امور مالی اداره و سازمان مربوطه داشته باشند؛ چراکه فضای استبدادی حاکم بر آن سازمان، فضای باز اقتصادی را برنمی‌تابد و به‌دور از هرگونه نقد سازنده، با آزاداندیشی و استقلال‌طلبی مقابله می‌کند.

حد و مرزهای استقلال حسابرس متناسب با فرهنگ و اخلاق جوامع شکل می‌گیرد. در کشور اسلامی ما نیز ضروری است که این حدود بر اساس فرهنگ غنی اسلام تعریف شود؛ چراکه دین اسلام زندگی مطلوب انسان را در دنیا و آخرت تضمین کرده و این مسأله یکی از امور مهم در حوزه مسائل اقتصادی است. باید تناسب لازم بین آیین رفتار حرفه‌ای حسابرسی و منابع معتبر اسلامی سنجیده شود و روشن گردد که چه اندازه بین اقوال دینی و مفاهیم به‌کار رفته در استقلال حسابرس همخوانی وجود دارد. متأسفانه تاکنون در پژوهش‌های صورت‌گرفته درباره استقلال حسابرس، توجه به منابع اسلامی ناچیز بوده

و تنها یک پژوهش با عنوان «بررسی آیین رفتار حرفه‌ای حساب‌برسان از دیدگاه قرآن» به استقلال حسابرس، نگاه دینی داشته است. از سوی دیگر، ارتباط و تناسب بحث «استقلال حسابرس» با «اخلاق دینی-حرفه‌ای» از دو جهت عوامل درونی و بیرونی، موضوعی است که تاکنون بررسی نشده است. در آیات قرآن کریم و روایات حضرات معصومین (علیهم‌السلام)، آموزه‌های مهمی دربارهٔ داوری و حسابرسی وارد شده است. چنانکه خداوند متعال در آیه ۴۹ سورهٔ مائده به عدم پیروی از هوا و هوس اشاره می‌فرماید: «وَ أَنْ اخْكُم بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَ لَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ» (و میان آنان به موجب آنچه خدا نازل کرده، داوری کن و از هواهایشان پیروی مکن) و پیامبر اکرم (ص) به بی‌نیازی از مردم سفارش می‌کند، حتی اگر در طلبِ چوب مسواکی بی‌مقدار باشد: «اسْتَعْنُوا عَنِ النَّاسِ وَلَوْ بِشَوْصِ السِّوَاكِ» (صدوق، بی‌تا: ۷۱/۲) و امیرمؤمنان علی(ع) به برتری داور از دیگران، به طوری که مدعیان نتوانند با ستیزه و لجاجت، رأی خود را بر او تحمیل کنند، اشاره می‌فرماید: «تَمَّ اخْتَرْتُ لَلْحُكْمِ بَيْنَ النَّاسِ أَفْضَلَ رِعِيَّتِكَ فِي نَفْسِكَ، مِنْ لَا تَضِيْقُ بِهِ الْأُمُورُ، وَلَا تُمَحِّكُهُ الْخُصُومُ» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳).

در این نصوص دینی تأکید خاصی بر «استقلال رأی و تصمیم حسابرس» شده است و برای حصول آن، رعایت اخلاق حرفه‌ای و حدودمرزهای درونی و برونی لازم است، از جمله صداقت و صراحت؛ چنانکه حضرت علی(ع) ملاک اعتماد به افراد را راستگویی‌شان می‌داند: «لِيَكُنْ أَوْثَقُ النَّاسِ لَدَيْكَ أَنْطَقَهُمْ بِالصِّدْقِ» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۴۰۴). پژوهش حاضر استانداردی مناسب، منسجم و بدون آزمون و خطا را از منابع اسلامی، به خصوص روایات بزرگمردی همچون امیرمؤمنان علی(ع) قابل استخراج می‌داند؛ معصومی که در برهه‌ای از زمان مجری بینش الهی در جامعه بوده است و کلام و عملش فرازمانی و فرامکانی است و تربیت فردی و اجتماعی‌اش برخاسته از کلام وحی و تعالیم نبوی، جامعیت و شمول دارد و در مدت حکومت پنج سالهٔ خویش بر امت اسلام، آنها را تشریح و تبیین نموده است.

در پژوهش وسیعی، چهارچوب اخلاقی و حرفه‌ای «عوامل تأثیرگذار بر استقلال حسابرس» در قالب «اصول بنیادی» و «احکام» از روایات شریف نهج‌البلاغه استخراج و تبیین شد. نوشتار حاضر، ناظر به بخش احکام است که شکل رفتاری و پیاده‌سازی شدهٔ مبانی و اصول حفظ و تقویت استقلال حسابرس را بررسی می‌نماید و درصدد پاسخ به این سؤال است که «عوامل بیرونی (آموزه‌های عمومی و جامعه‌محور) و عوامل درونی (آموزه‌های فردمحورانه) تأثیرگذار بر استقلال حسابرس کدام‌اند؟» و از نظر کمی، «بسامد، اهمیت و کارکرد هر یک از گزاره‌های حاصل از کمیت کیفی از منظر حساب‌برسان چگونه است؟» البته باید در نظر داشت، حسابرسی در زمان حضرت علی(ع) به شکل امروزی وجود نداشت، لذا به جای استفاده از تربیت خاص که اشاره مستقیم به موضوع دارد، باید از تربیت صحیح عمومی آن حضرت بهره جست و در لوازم و امکانات دستیابی به استقلال، از عوامل درونی همچون خودشناسی، انسداد راه‌های ویژه‌خواری و رشوه‌خواری، وابسته نبودن به گروه یا حزب خاص و... و عوامل بیرونی همچون حدودمرز اعمال قدرت مدیران، گزینش و نظارت حساب‌برسان و... که در دستگاه هدایتی امیرمؤمنان علی(ع) به‌وفور یافت می‌شود.

## ۲-۱. پیشینه پژوهش

استقلال حسابرِس و چگونگی تأمین و حفظ آن، موضوعی است که رشته‌های مالی و حسابداری با آن سروکار دارند و محققان این رشته‌ها آثار پژوهشی و آماری قابل توجهی به رشته تحریر در آورده‌اند؛ لکن این مسأله به صورت میان رشته‌ای به مباحث دینی نیز پیوند خورده است که البته جستجوی نگارندگان، اثر در خور توجهی را در پیوند استقلال حسابرِس با مباحث دینی و به طور ویژه از منظر امیرمؤمنان علی(ع) به دست نداد. با توجه به اهمیت موضوع باید تلاش بیشتری در این حیطه صورت بگیرد. فارغ از نگاه دینی، پژوهش‌های متعدّد داخلی و خارجی درباره استقلال حسابرِس صورت گرفته است که در ادامه به آنها اشاره می‌شود.

## ۲-۱-۱. پژوهش‌های داخلی

### الف) کتاب‌ها

- فتحی (۱۳۹۷) معتقد است که روابط طولانی‌مدت حسابرِس و صاحب‌کار، توان نظارتی حسابرِس و استقلالش را می‌کاهد و کاهش کیفیت حسابرِس را در برخواهد داشت. همچنین ذی‌نفع نبودن حسابرِس و نداشتن سمت مدیریتی در واحد مورد رسیدگی، یکی از مهمترین الزامات قانونی حسابرِس است. همچنین در این مقاله بر نقش مهم کمیته حسابرِس در استقلال حسابرِس با ذکر جزئیات تأکید دارد.

- حجازی و همکاران (۱۳۹۶)، در بررسی آیین رفتار حرفه‌ای حسابرسان از دیدگاه قرآن معتقدند که دریافت رشوه، پاداش و نظایر آن تحت عنوان هدیه، پذیرایی یا حق الزحمه می‌تواند تهدید جدی برای استقلال حسابرِس باشد و بر رازداری و عدم افشای اطلاعات در جریان ارائه خدمات حرفه‌ای تأکید می‌ورزند.

- جعفری (۱۳۹۶) معتقد است که ارتباطات شخصی و خانوادگی، داشتن روابط مالی و شغلی با صاحب‌کار و یا از شرکای سابق بودن هم - مگر اینکه سه سال از انقضای دوران مشارکت گذشته باشد - ارتباط طولانی‌مدت با یک صاحب‌کار، ارائه خدمات تخصصی حرفه‌ای به صاحب‌کاران، حق الزحمه یا حق الزحمه مشروطی که مبلغ آن به واسطه قوانین و مقررات تعیین نشده باشد و همچنین دعاوی حقوقی می‌توانند بر استقلال حسابرِس تأثیر منفی داشته باشند.

- ابراهیم‌زاده و همکاران (۱۳۹۵)، داشتن منافع مالی غیرمستقیم با اهمیت یا منافع مالی مستقیم در واحد مورد رسیدگی، سرمایه‌گذاری مشترک با صاحب‌کار، داشتن رابطه استخدام قبلی با صاحب‌کار، داشتن روابط شخصی و خانوادگی با صاحب‌کار، بحث حق الزحمه‌ها و دریافت هدیه‌های گران‌قیمت، دعاوی حقوقی با صاحب‌کار و همچنین ارتباط طولانی‌مدت کارکنان ارشد مؤسسه حسابرِس با یک صاحب‌کار را ناقض استقلال می‌دانند.

- مرادی و بیات (۱۳۹۵)، بر حق اعمال آزادانه قضاوت حرفه‌ای تأکید دارند و منافع مالی مستقیم و یا منافع مالی غیرمستقیم با اهمیت را ناقض استقلال حسابرِس می‌دانند و وضع قوانین و چرخش اجباری حسابرِس و تغییر ادواری مؤسسات حسابرِس را راهکار مؤثری می‌دانند. ایشان در این رابطه با چرخش

اجباری (تغییر اجباری) مؤسسات حسابرسی موافقت و افزایش دوره تصدی حسابرس و ایجاد رابطه بلندمدت میان صاحبکار و حسابرس را موجب نزدیکی بیش از حد آنان می‌دانند که بر استقلال حسابرس تأثیر می‌گذارد. در نقطه مقابل، عده‌ای که مخالف تغییر اجباری حسابرسان هستند، حضور طولانی مدت حسابرس در یک شرکت را موجب شناخت بیشتر فعالیت‌های صاحبکار و افزایش کیفیت حسابرسی می‌دانند. نویسندگان با بیان نظر عده‌ای که اعطای حق الزحمه بالا به حسابرس را عامل وابستگی مالی وی به صاحبکار می‌دانند، دغدغه از دست رفتن استقلال حسابرس را مطرح می‌کنند و تشکیل کمیته حسابرسی و رسیدگی به اختلاف نظر حسابرسان با مدیران را عامل بهبود نظارت بر شایستگی و استقلال حسابرس می‌دانند و رعایت اصول اخلاقی از جمله درستکاری، بی‌طرفی، صلاحیت و مراقبت حرفه‌ای، رفتار حرفه‌ای و رازداری را متضمن بقای حرفه و افزایش استقلال حسابرس می‌دانند.

- شورورزی و زنده‌دل (۱۳۹۱)، تأثیر تصدی طولانی مدت حسابرس بر استقلال او را مورد بررسی قرار می‌دهند و معتقدند که نگرانی پیرامون این امر، موجب تدوین قوانین محدودکننده این روابط شده است. با این حال، اگرچه چرخش اجباری حسابرس به عنوان ابزاری برای افزایش استقلال، توجه قانون‌گذاران را به خود جلب کرده است، ولی شواهد متناقضی در حمایت از آن وجود دارد که در این مقاله به آن تأکید شده است.

- سجادی و ابراهیمی‌مند (۱۳۸۸)، عوامل کاهنده استقلال حسابرس را برمی‌شمارند. از آن جمله: تداوم انتخاب حسابرس برای مدت طولانی، تداوم همکاری طولانی مدت کارکنان ارشد یک مؤسسه حسابرسی با یک صاحبکار، رد و بدل شدن هدایا مگر با ارزش کم، تأثیرگذاری مدیریت بر انتخاب یا تعویض حسابرس مستقل و تعیین حق الزحمه او. همچنین نویسندگان معتقدند که حق انتخاب، تغییر و تعیین حق الزحمه حسابرسان به یک گروه مستقل از مدیریت شرکت‌ها محول شود و این کمیته می‌تواند شامل مدیران غیرموظف و یا گروهی از سهام‌داران باشد.

- نیکبخت و مهربانی (۱۳۸۵)، به اثر کاهنده خدمات غیرحسابرسی مؤسسات حسابرسی و میزان حق الزحمه‌ها بر استقلال حسابرس می‌پردازند و آن را عامل وابستگی برای مؤسسات حسابرسی و خدشه به استقلال حسابرس می‌دانند، مگر اینکه مقدار این خدمات ناچیز باشد. ایشان پیشنهادی هم برای کم اثر کردن این وابستگی دارند.

- سجادی و ابراهیمی‌مند (۱۳۸۴)، در مقاله دیگری تأثیر رقابت مؤسسات حسابرسی بر افزایش کیفیت حسابرسی را عامل افزایش استقلال حسابرس می‌دانند و بر وجود کمیته حسابرسی و استقلال آن از مدیریت تأکید دارند.

- حساس‌یگانه و رجبی (۱۳۸۳)، عوامل مؤثر بر قدرت حرفه‌ای حسابرسی مستقل را بررسی می‌کنند و بر قدرت و وابستگی اقتصادی تأکید دارند. ایشان در این راستا به چرخش دوره‌ای حسابرس، توانایی در مذاکره بر سر حق الزحمه حسابرسی، ممنوعیت ارائه مستقیم خدماتی غیر از خدمات اطمینان‌بخشی به صاحبکاران خدمات اطمینان‌بخشی توسط شرکای مؤسسه حسابرسی، اندازه مؤسسات حسابرسی و وجود

مؤسسات حسابرسی رقیب می‌پردازند، ولی عواملی همچون تعیین فرجه زمانی برای ارائه گزارشات را کم- اثر می‌دانند. همچنین بحث قدرت تنبیه را از عوامل بازدارنده حسابرسی مستقل در سیستم اجتماعی حرفه حسابرسی مطرح می‌کنند.

علاوه بر منابع فوق، وفادار و دادبه (۱۳۹۲) و ابراهیم‌زاده خراسانی و اعتبار (۱۳۹۵)، مباحثی از جمله «استقلال» را در بعد واقعی و ظاهری حائز اهمیت می‌دانند و به آیین رفتار حرفه‌ای و اخلاقی و زیر مجموعه آن‌ها نظیر مباحث بی‌طرفی و تضاد منافع به‌عنوان اصول بنیادین در گزارش‌دهی بهینه در حرفه حسابرسی و کسب اعتماد عمومی اشاره می‌نمایند.

### ب) مقالات

- قدرتی زوارم، عباس؛ نوروزی، محمد و دهقان، مهدی. (۱۴۰۰)، اخلاق و رفتار حرفه‌ای حسابداران را به‌عنوان یکی از مباحث مورد اهمیت در حرفه حسابداری شمرده‌اند؛ چراکه معتقدند، اخلاق حرفه‌ای در زندگی اجتماعی انسان‌ها بسیار بااهمیت است و بدون پذیرش و جلب اعتماد استفاده‌کنندگان ارائه خدمات از سوی حسابداران و حسابرسان امری بیهوده است. عامل دیگری که بررسی این امر را حائز اهمیت می‌داند، رسوایی‌های مالی بوده که رعایت اخلاق حرفه‌ای در حرفه حسابرسی را مورد تردید قرار داده و باعث شده حسابرسان، حسابرسی را با تردید حرفه‌ای انجام دهند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که تمایل حسابداران به رفتارهای اخلاقی بر نگرش حرفه‌ای حسابرسان در انجام رسیدگی به صورت‌های مالی و استقلال حسابرس بر نگرش حرفه‌ای حسابرسان تأثیرگذار است.

- بحری ثالث، جمال؛ جبارزاده کنگرلویی، سعید و بهرامی، تورج و حق‌ویردی‌زاده، محسن. (۱۴۰۰)، فقط عامل استرس را بر استقلال حرفه‌ای حسابرسان مورد بررسی قرار داده‌اند. یافته‌ها حاکی از آن است که تخصص در صنعت و تجربه حسابرسان باعث تأثیر بر رابطه بین استرس و استقلال باطنی می‌شود و بر رابطه بین استرس و استقلال ظاهری تأثیری ندارد.

- محمدی، منصور؛ کاشانی‌پور، محمد و رحیمیان، نظام‌الملک و رحمتی، محمدحسین. (۱۳۹۹)، هدف پژوهش را بر مبنای شناسایی عوامل بالقوه تهدیدکننده استقلال حسابرسان بر یک ارگان خاص -دیوان محاسبات کشور- قرار داده‌اند. یافته‌ها بیانگر شناسایی چهار تم اصلی تهدیدکننده استقلال حسابرسان دیوان محاسبات کشور شامل تهدیدهای فردی، سازمانی، فراسازمانی و محیطی است. ضمن این‌که هر یک از این تم‌های اصلی دارای تم‌های فرعی و دسته‌های مفهومی مشخصی نیز می‌باشند.

- زارع‌پور و فرهادی اندرابی (۱۳۹۷) و سلیمانی و همکاران (۱۳۹۷)، بر استقلال حسابرس تأکید دارند و آن را جهت ارائه بهینه خدمات حسابرسی و گزارشگری درست و در نهایت کسب اعتماد مردم لازم می‌دانند.

- نیکبخت، زهرا؛ خلیفه سلطانی، سید احمد؛ حسینی، سید علی؛ مداحی، آزاده و ودادهیر، ابوعلی. (۱۳۹۷)، طی پژوهشی به روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، به تدوین مدلی برای استقلال حسابرس پرداختند. برای گردآوری داده‌های پژوهش نیز از ۲۲ مصاحبه نیمه ساختاریافته از طریق خبرگان حرفه حسابرسی استفاده

کردند و بر دانش و درک این مسأله تمرکز داشتند که احساس و تجارب واقعی حسابرسان درباره استقلال در چارچوب گسترده‌تری مورد بررسی قرار بگیرد. نتایج پژوهش هم بیانگر کیفیت منابع انسانی، عدم نفوذ صاحب‌کار بر حسابرسان، عدم وابستگی مالی به صاحب‌کار، کیفیت توزیع کار حسابرسان، چرخش صحیح مؤسسات حسابرسان، کیفیت حق‌الزحمه حسابرسان، میزان فضای رقابتی در حرفه حسابرسان، رعایت مقررات حرفه‌ای و کفایت نظارت حرفه‌ای از شرایط علی مؤثر بر استقلال حسابرسان بوده است. ایشان شرایط مداخله‌گر را صلاحیت حرفه‌ای مؤسسات حسابرسان، کیفیت تقاضای صاحب‌کار برای خدمات حسابرسان و میزان آگاهی ذی‌نفعان از حرفه حسابرسان و شرایط زمینه‌ای را ویژگی‌های قانون‌گذاری، اجرایی و نظارتی، ویژگی‌های اقتصادی و ویژگی‌های فرهنگی در جامعه و حرفه حسابرسان در نظر گرفتند.

- تحریری و پیری سقرلو (۱۳۹۷)، به‌دنبال مدل یک پژوهش پیمایشی، با استفاده از تکنیک تحلیل عاملی اکتشافی به بررسی شاخص‌های تأثیرگذار بر استقلال حسابرسان از دید مدیران مالی و تأثیر ویژگی‌های مدیران بر این دیدگاه پرداخته‌اند. برای بررسی دیدگاه مدیران مالی از این مفهوم کیفی نیز، با در نظر گرفتن هفت شاخص مرتبط با استقلال حسابرسان مانند ویژگی‌های حسابرسان، محیط حسابرسان، حق‌الزحمه و شهرت و اعتبار حسابرسان، از تأثیر دو عامل اصلی (سابقه‌کاری و میزان تحصیلات) بر استقلال حسابرسان صحبت کرده‌اند که در نهایت حکایت از نظر متفاوت مدیران مالی با سوابق کاری و تحصیلات مختلف در عوامل مؤثر بر استقلال حسابرسان دارد.

- صیادی و عزیززی (۱۳۹۶)، در پژوهشی با مرور ادبیات و نظرخواهی از هفت حسابرسان خبره و استفاده از رویکرد TOPSIS فازی، ۱۵ ارزش اخلاقی در حسابرسان را از دیدگاه اسلام شناسایی و رتبه‌بندی کرده‌اند، نظیر صداقت، عدالت و انصاف، اعتماد، رازداری و استقلال، و اهمیت آنها را مقایسه نمودند. «استقلال» به‌عنوان یکی از پانزده ارزش اخلاقی نام برده شده و با توضیح مختصری از آن گذشته‌اند و از این جهت رویکردش با پژوهش حاضر متفاوت است.

- حجازی و همکاران (۱۳۹۶) و خدامرادی و حاجیها (۱۳۹۵)، صرفاً بر آیین رفتار حرفه‌ای و فرهنگ اخلاقی در حرفه مزبور اشاره دارند، لیکن در مورد ارتباط آن با استقلال و تأثیر آن بر افزایش استقلال حسابرسان بحثی به میان نیاورده‌اند.

## ۲-۱-۲. پژوهش‌های خارجی

- کانگ و همکاران (۲۰۱۸)، طی پژوهشی تأثیر هزینه‌های غیرحسابرسی بر استقلال حسابرسان را در کشور کره بر اساس عملکرد مشتری حسابرسان شناسایی کرده‌اند. آن‌ها تشخیص دادند که مشتری حسابرسان با عملکرد پایین، انگیزه‌ای برای خرید خدمات غیرحسابرسی از حسابرسان فعلی برای تسهیل مدیریت سود و هدایت روش‌های حسابداری در جهت دلخواه دارد. پس با افزایش هزینه‌های غیرحسابرسی، استقلال حسابرسان فقط برای مشتریان حسابرسان با عملکرد پایین کاهش می‌یابد. بنابراین منع بی‌قید و شرط NAS غیرضروری به نظر می‌رسد.



- رینر و وارمینگ راسموسن (۲۰۱۵)، بیان می‌کنند که ارائه خدمات غیرحسابرسی توسط حسابرس قانونی ممکن است تأثیر منفی بر استقلال حسابرس داشته باشد؛ لذا اتحادیه اروپا مانع از ارائه خدمات غیرحسابرسی به مشتریان حسابرسی شده است. در صورتی که آنها معتقدند خدمات مشاوره‌ای مختلف، تأثیرات متفاوتی بر استقلال حسابرس داشته که ناشی از اختلاف در تعداد و شدت تهدیدهای استقلال طلبی همچون منافع شخصی، آشنایی و خودبازنگری است و ممکن است استقلال حسابرس را در ظاهر مختل کند؛ اما یافته‌ها حاکی از آن است که تأثیر منفی بعضی از این تهدیدها مستقیماً تأیید نشده و همچنین تأثیر قابل توجهی از این تهدیدها بر اعتماد سرمایه‌گذاران به استقلال حسابرس دیده نمی‌شود. با این حال، با وجود تهدید خودبازنگری که با تهدید منافع شخصی در تعامل است، ارائه خدمات زمانی به طور بالقوه بر استقلال درک‌شده حسابرس تأثیر منفی می‌گذارد که حق الزحمه غیرحسابرسی بالا باشد. بنابراین بر اساس این یافته‌ها اگر سقف هزینه‌های غیرحسابرسی معقول باشد، دیگر ممنوعیت کلی خدمات غیرحسابرسی ضروری به نظر نمی‌رسد.

- کاشولی و دیگران (۲۰۱۴)، ارائه خدمات غیرحسابرسی به صاحبکار و ارتباطش با استقلال حسابرس را مورد بررسی قرار می‌دهد. او از یک سو این امر را عامل وابستگی اقتصادی و خدشه به استقلال حسابرس و از سوی دیگر افزایش آگاهی حسابرس نسبت به حرفه صاحبکار و انجام حسابرسی مؤثرتر می‌داند. نویسنده معتقد است که حق الزحمه دریافتی از صاحبکاران، از سوی مؤسسه تهدیدی برای خدمات غیرحسابرسی تلقی نمی‌شود، بلکه امکان کسب درآمد در آینده و امید به ایجاد قراردادی بزرگ در زمینه خدمات غیرحسابرسی است که موجب می‌شود حسابرس در معرض از دست دادن بی‌طرفی قرار گیرد.

- الینر (۲۰۱۱)، فرضیه‌ای را مرتبط با قواعد و قوانین استقلال حسابرس مبتنی بر پرسشنامه بررسی کرده است. وی چگونگی خدشه‌دار شدن استقلال حسابرس را در طی خدمات غیرحسابرسی، وابستگی اقتصادی، روابط بلندمدت بین حسابرس و مشتری و ... نشان می‌دهد و بر این امر تأکید دارد که با وجود عوامل مذکور، صورت‌های مالی هم اعتبار خویش را از دست می‌دهند.

- اسکات (۲۰۱۰)، استقلال واقعی و ظاهری را با اهمیت می‌داند و به لزوم جلب اعتماد عمومی و بی‌طرفی از اصول اساسی گزارش‌دهی حسابرس توجه می‌نماید.

- اتین و کارلسون (۲۰۱۰)، یک نمونه ۱۲۵۰ نفری از حسابرسان سوئدی را در شرایط مشابه در دو دوره تصدی حسابرسی کوتاه‌مدت و طولانی‌مدت مقایسه کردند تا وجود یا عدم ارتباط استقلال حسابرس با طول دوره تصدی حسابرسی را بررسی نمایند. از یافته‌های تحقیق، هیچ ارتباط قوی‌ای بین طرفداری و تهدیدهای آشنایی و تأثیری که دوره تصدی حسابرسی بر آنها دارد، به دست نیامد و فرضیه‌ها در ابتدای امر رد شد، لکن اگرچه رابطه هنوز قوی نبود، در مقایسه با سطح معناداری تعیین شده برای تهدیدهای منافع شخصی، خودبازنگری و ارباب، سطح معناداری واقعی پایین‌تر بود و پذیرش فرضیه‌های مربوط به این تهدیدها را امکان‌پذیر ساخت.

- ویون و همکاران (۱۹۹۹)، نقش واقعیت و درک استقلال حسابرسان برای اطمینان عمومی در گزارشگری مالی را اساسی دانستند و به سیاستگذاری‌ها و پتانسیل اصلاحات نظارتی اخیر در کشور انگلستان پرداختند و تأکید نمودند که سیاستگذاران باید به‌طور مداوم کار به‌منظور ارزیابی عوامل خطر بحرانی و توسعه اصول استقلال مناسب را در رأس برنامه‌های خویش قرار دهند. ایشان از بین عوامل تأثیرگذار بر استقلال حسابرسان، مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی و نظارتی را بررسی کردند که وابستگی اقتصادی و ارائه خدمات غیرحسابرسی بیشترین نقش را داشتند و تغییرات نظارتی جهت بهبود این امر معرفی شد.

- رابرت و پیتز جاکسن (۱۹۹۸) در اثر خود از ارزش استقلال حسابرسان و اطلاعات معتبر سخن گفتند که به بهبود کیفیت حسابرسان، افزایش بهره‌وری در بازارهای سرمایه و کارایی بیشتر آنها می‌انجامد و قیمت سهام را بالا می‌برد. همچنین به اهمیت نوع ارتباط مالی و غیرمالی حسابرسان با مدیریت شرکت اشاره نمودند.

پژوهش‌هایی نیز در رابطه با عوامل مؤثر بر استقلال حسابرسان مربوط به کشورهای خاص در چند سال اخیر انجام گرفته که به قرار ذیل است:

- الباقلی و کوکرجا (۲۰۱۷) این تحقیق عوامل تأثیرگذار هوش مصنوعی در زمینه استقلال حسابرسان بحرین را ارزیابی کرده و یافته‌ها حاکی از نقش اساسی مقررات حسابرسان و مقررات مربوطه در تقویت هوش مصنوعی و بی‌طرفی در مقایسه با سایر عوامل مفروض را نشان می‌دهد. همچنین در زمینه افزایش کیفیت حسابرسان مستقل، بر اهمیت نظارت بر مؤسسات حسابرسان و متخصصان امر از طریق تشکیل هیئت مدیره تأکید دارد.

- لوکمن و محد باکری (۲۰۲۰) یکی از مسئولیت‌های حیاتی حسابرسان، شکل دادن یک دیدگاه مستقل از عملکرد مالی شرکت در بیانیه حسابرسان است. این مطالعه بر تعیین عواملی که استقلال حسابرسان را در شرکت‌های سهامی عام مالزی به خطر می‌اندازد، تمرکز داشته و چهار عامل اصلی حق‌الزحمه حسابرسان، دوره تصدی حسابرسان، رقابت بازار حسابرسان و خدمات غیرحسابرسی را مورد بررسی قرار می‌دهد. یافته‌ها در این زمینه نشان می‌دهد که دوره تصدی حسابرسان برعکس سایر عوامل تأثیر مثبت و معناداری بر استقلال حسابرسان داشته است.

- داک و همکاران (۲۰۲۰) این مطالعه از یک چارچوب موضوعی برای بررسی عواملی که بر استقلال حسابرسان در حسابرسانی صورت‌های مالی در ویتنام تأثیر می‌گذارد، استفاده کرده است. یافته‌های تحقیق نشان داد که عوامل اصلی مؤثر بر استقلال حسابرسان، ویژگی‌های شخصی حسابرسان، محیط مؤسسه حسابرسان و محیط قانونی در حسابرسانی بوده و علاوه بر آن، چند عامل جدید دیگر، مانند آگاهی اخلاقی حسابرسان، یادگیری و آموزش، مهارت‌های خاص صنعت و ... هم کشف شد. این یافته‌ها می‌تواند به مدیریت فرآیند حسابرسانی صورت‌های مالی و در عین حال پایبندی به چارچوب اخلاقی حسابرسان در آن کشور کمک کند.

### ۳-۱. ضرورت و اهمیت پژوهش

امروزه گسترش و پیچیدگی فعالیت واحدهای تجاری، شرکتها و مؤسسات مالی، از یک سو نیاز مبرم به فرآیند حسابرسی را دوجندان کرده و از سوی دیگر، کارهای غیراخلاقی و غیرقانونی و تلاش‌های پشت پرده و فریبکارانه در دستکاری متقلبانه دفاتر حسابداری و حساب‌سازی‌ها افزایش یافته است، لذا حسابرسی به حرفه‌ای ضروری در جامعه بدل شده و سازمان مجزایی به نام سازمان حسابرسی شکل گرفته است.

وجود مخاطراتی از قبیل تضاد منافع در زمینه‌های مالی، اداری و خدماتی که هدف‌ها و سیاست‌های سازمانی آن‌ها را از درون و بیرون به شدت تهدید می‌کند، حساب‌رسان را در فرآیند ارائه خدمات حرفه‌ای خویش با مشکل مواجه می‌سازد. در چنین شرایطی توانایی حساب‌رسان برای اجرای بی‌طرفانه و سریع وظایف و مسئولیت‌ها نقض می‌شود و در نهایت، اعتماد به او و فعالیت‌های حسابرسی ضعیف می‌شود؛ به ویژه اگر حساب‌رسان از جهت درونی و ویژگی‌های فردی از سلاح اخلاق دینی و حرفه‌ای برخوردار نباشد، به شدت تحت تأثیر تهدید، فشار و تطمیع مدیران قرار می‌گیرد. آنچه در این موقعیت می‌تواند سطح گزارشگری مناسب حسابرسی را افزایش دهد، تقویت استقلال حساب‌رسان است. از طرفی، برای رسیدن به استقلال لازم جهت اجرای اثربخش مسئولیت‌های حساب‌رسان، بدون هرگونه مداخله‌جویی، نیاز به تعریف یک استاندارد اجرایی اطمینان‌بخشی است که فارغ از آزمون و خطاهای بشری، با آشنایی کامل از تمام ابعاد وجودی انسان، متضمن وضع یک قانون همه‌جانبه در این راستا شود. در این خصوص باید به سراغ قوانین توحیدی و فرستادگان الهی رفت و از منظر یک معصوم این امر را بررسی نمود. کتاب شریف نهج البلاغه تبلور استانداردسازی در مقام حکومت اسلامی است و در وضع آیین رفتار دینی-حرفه‌ای از درجه اعتبار بالایی برخوردار است و یافته‌های آن برای سازمان‌هایی نظیر «سازمان حسابرسی» به‌عنوان نهاد استانداردگذار و ناظر بر فعالیت‌های حساب‌رسان و «جامعه حسابداران رسمی ایران» به‌عنوان نهاد ناظر بر فعالیت‌های حساب‌رسان، اثرگذار خواهد بود. همچنین اساتید و دانشجویان رشته‌های حسابداری و حسابرسی به‌عنوان فراگیران علم و اشاعه‌دهندگان فرهنگ حفظ استقلال واقعی، تحت این توصیه‌های امیرمؤمنان علی(ع) بهتر می‌توانند حافظ و امانتدار اموال مردم باشند و با گام‌های مستحکم‌تری در این عرصه قدم بگذارند.

### ۴-۱. روش پژوهش

جهت شناسایی هرچه بهتر روش تحقیق، ابتدا باید نوع، ماهیت، اهداف تحقیق و دامنه آن معین شود تا بتوان با استفاده از قواعد، ابزار و راه‌های معتبر به واقعیت دست یافت. پژوهش حاضر، بر مبنای هدف، از نوع تحقیقات کاربردی و در زمره پژوهش‌های میدانی با مجموعه‌ای از مطالبی است که بر اساس مشاهده‌ها، فیش‌برداری و مصاحبه‌های پژوهشگر درباره متغیرها یا موضوعات موردنظر بدین شکل صورت می‌پذیرد. اطلاعات مربوط به مبانی نظری و تئوریک تحقیق، به صورت کتابخانه‌ای و با فیش‌برداری از منابع مکتوب، اعم از کتب، مقالات و همچنین منابع نرم‌افزاری انجام پذیرفته است. داده‌های پژوهش با

استفاده از ابزار پرسشنامه جمع‌آوری شده و به صورت مؤلفه‌ها و شاخص‌ها به زبان روز و متناسب با ادبیات پژوهش و حرفه حسابرسی مطرح شده است. بنابراین این پژوهش از نظر فرایند اجرا در زمره پژوهش‌های کیفی قرار می‌گیرد و از نظر زمان اجرا در دسته پژوهش‌های مقطعی است. از نظر منطق اجرا در مرحله و فرایند انجام کار از منطق استقرایی و در زمان جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از منطق قیاسی بهره می‌برد. جامعه آماری و نمونه‌گیری آن بر اساس قلمرو پژوهش، کتاب شریف نهج البلاغه است. برای انتخاب نمونه نیز از روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده شده که از بین حسابرسین سازمان حسابرسی انتخاب شده‌اند. برای تعیین حجم نمونه نیز از فرمول کوکران استفاده شده است:

$$n = \frac{z^2 pq}{d^2 \left( 1 + \frac{z^2 pq}{N} \right)}$$

$n =$  حجم نمونه  
 $N =$  حجم جامعه آماری  
 $t$  یا  $Z =$  درصد خطای معیار ضریب اطمینان قابل قبول  
 $P =$  نسبتی از جمعیت فاقد صفت معین  
 $q = (1-p)$  نسبتی از جمعیت فاقد صفت معین  
 $d =$  اشتباه مجاز

معمولاً  $p$  و  $q$  را ۰,۵ در نظر می‌گیریم. مقدار  $Z$  معمولاً ۱,۹۶ است و  $D$  می‌تواند ۰,۰۱ یا ۰,۰۵ باشد. فرمولی که حجم جامعه آماری آن ۷۰ نفر حسابرس می‌باشد و مقدار خطای مجاز ۰,۰۵ در نظر گرفته شده است؛  $P=q=0.5$ ،  $Z=1.96$ ، حجم نمونه ۵۹,۳۳ خواهد بود.

در این پژوهش از روایی صوری یا همان روایی محتوایی استفاده شد و پرسشنامه‌ای تنظیم گردید. برای بررسی سؤالات نظرسنجی و لیکرتی با فواصل یکسان، بیشتر از روش آلفای کرونباخ استفاده شد. بنابراین برای بررسی پایایی این پرسشنامه هم از این روش استفاده شد. بررسی مقادیر پایایی متغیرها و پایایی ابعاد نشان داد که مقدار آلفای کرونباخ متغیرهای پرسشنامه ۰,۸۳۲ است که نشان از بالا بودن پایایی پرسشنامه و قابلیت اعتماد پژوهش دارد.

جدول ۱. آزمون روایی و پایایی پرسشنامه

تعداد سوال	ضریب آلفای کرونباخ
۲۲	۰,۸۳۲

برای تنظیم جدول متغیرها، از روایات گهربار امام علی(ع) به متغیرهای «آموزه‌های جامعه‌محور» و «آموزه‌های فردمحور» دست یافتیم. بر اساس همین متغیرها، پرسشنامه‌ای با ادبیات روز جامعه حسابرسی تنظیم شد و در اختیار حسابرسین قرار گرفت و از نظراتشان جهت تکمیل پژوهش استفاده شد.

جدول ۲. متغیرها

شماره سوالها	مقیاس	نحوه اندازه گیری	نوع متغیر	متغیرها	نقش متغیر	عنوان متغیر					
-	اسمی	بر اساس آموزه‌های مندرج در کتاب نهج البلاغه	کیفی/اسمی	- استقلال ظاهری - استقلال باطنی یا واقعی	وابسته	استقلال حسابرس					
۱	اسمی	واکاوی مطالب نهج البلاغه و کشف آموزه‌های عمومی و جامعه‌محور که تداعی‌کننده مفهوم واقعی استقلال حسابرس هستند	کیفی/اسمی	- وضع استانداردها	مستقل	آموزه‌های عمومی و جامعه‌محور نهج البلاغه					
۲				- وجود نهادهای نظارتی							
۳-۴				- رتبه‌بندی مؤسسه‌های حسابرسی و حسابرسین							
۵				- وجود سیستم‌های تشویقی و تنبیهی							
۶				- چرخش دوره‌ای حسابرس							
۷-۹				- عدم وجود روابط غیرمتعارف							
۱۰				- حق اعمال قضاوت حرفه‌ای							
۱۱				- حق الزحمه متناسب							
۱۲				اسمی			واکاوی مطالب نهج البلاغه و کشف آموزه‌های شخصی و فردمحور که تداعی‌کننده مفهوم واقعی استقلال حسابرس هستند	کیفی/اسمی	- تقوی	مستقل	آموزه‌های فردمحور نهج البلاغه
۱۳									- صداقت و صراحت		
۱۴	- وفا و راستی										
۱۵	- زهدورزی و قناعت										
۱۶	- عدم سستی و سازش										
۱۷	- عدم تکاثر و انحصارطلبی										
۱۸	- قاطعیت در حذف ویژه-خواری										
۱۹	- قاطعیت در حذف رشوه-خواری										
۲۰	- قاطعیت در مقابل متملقان و چاپلوسان										
۲۱	- قاطعیت در افشاگری اسناد گزارش										
۲۲	- رازداری										

## ۲. بحث

برای درک بهتر هر مسأله، شناخت مفاهیم کلیدی و مبانی نظری آن، لازم و ضروری است که در ابتدای بحث مورد بررسی قرار می‌گیرد:

### ۲-۱. مفاهیم

در هر پژوهش برای آنکه چهارچوب مفهومی تعیین شود، مفاهیم و تئوری‌های مدنظر ساماندهی می‌شود. در تحقیق پیش‌رو نیز مفاهیم حسابرسی، استقلال و آیین رفتار حرفه‌ای نیازمند بحث است.

### ۱-۲-۱. حسابرسی

حسابرسی در لغت به معنای محاسبه، بررسی و واری حساب خود یا دیگری است (حسینی دشتی، ۱۳۸۵: ۹۲۰/۱). در زبان عربی ریشه «ح س ب» اشراف و اطلاع به قصد آزمون و نظر و دقتی که به قصد اندازه گیری و طلب باشد، است. «حساب» و «حُسابان» هر دو مصدرند و دومی دقت و شدت بیشتری دارد. گاهی نیز در معنای حسابی که منتهی به بازخواست و عذاب می‌شود، به کار می‌رود (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۲۱۲/۲). «أن بحاسب» نیز از ریشه این واژه به معنای حساب کشیدن (سیاح، ۱۳۸۱: ۱۲۸) و «الاحتساب» برگرفته از این واژه به معنای کسی است که در حکومت‌های اسلامی وظیفه کنترل نرخ‌ها و رعایت شئون را برعهده داشته است (انیس و همکاران، ۱۳۸۲: ۳۵۹).

«حسابرسی» در اصطلاح، فرآیند منظم و سیستماتیک جهت جمع‌آوری و ارزیابی بی‌طرفانه شواهد و قضاوت درباره ادعاهای مدیریت است که در ارتباط با فعالیت‌ها و وقایع اقتصادی به منظور تعیین درجه انطباق این ادعاها با معیارهای از پیش تعیین شده انجام می‌گیرد و در نهایت گزارش نتایج به افراد ذی‌نفع است (مرادی و بیات، ۱۳۹۵: ۷؛ ویسی، ۱۳۹۳: ۳) و تابع عوامل متعددی از قبیل توانایی‌های حسابرسان شامل دانش، تجربه، قدرت تطبیق و کارایی فنی و اجرای حرفه‌ای شامل استقلال، مراقبت حرفه‌ای، تضاد منافع و قضاوت است (سجادی، ۱۳۹۷: ۱۵۹). در واقع حسابرسان به‌عنوان یک فرد صلاحیت‌دار و مستقل، اسناد و مدارک مربوط به صورت‌های مالی بین دو گروه افراد که تضاد منافع دارند را جمع‌آوری، ارزیابی و در نهایت قضاوت می‌کند. او ملزم به قضاوت و اظهارنظر حرفه‌ای درباره ارائه منصفانه صورت‌های مالی است و به‌یقین موقعیت حرفه‌ای حسابرسان در گروه همین مسئولیتی است که در قبال این اظهارنظر می‌پذیرد (وفادار و دادبه، ۱۳۹۲: ۴).

طبق مطالب بیان‌شده، قضاوت‌های حسابرسان زمانی معتبر است که بر اساس یک نگرش ذهنی مستقل و بی‌طرفانه صورت بپذیرد. در هریک از این مدل‌های حسابرسان، داشتن ویژگی «استقلال» بیش از هر چیزی حائز اهمیت است.

### ۱-۲-۲. استقلال

از نظر لغوی، استقلال به معنای کوچ کردن، رخت بر گرفتن، اندک شمردن، برداشتن، برداشتن و بلند کردن، بلند برآمدن، ضابط امر خویش بودن، به خودی خود به کاری ایستادن و بی‌شراکت غیر است (معین، ۱۳۸۱: ۹۲). استقلال، جوهره و روح حسابرسان است که حسابرسان بدون آن ارزش و معنایی نخواهد داشت؛ اما علیرغم اهمیتی که استقلال برای حرفه حسابرسان دارد، تعریفی جامع و پذیرفته شده از آن تاکنون ارائه نشده است؛ چراکه «استقلال مفهومی انتزاعی است و قابل مشاهده مستقیم نیست و اغلب آن را به‌عنوان حالتی ذهنی توصیف کرده‌اند که با مفاهیمی همچون بی‌طرفی، صداقت، امانت و شخصیت ارتباط دارد» (نیکبخت و مهربانی، ۱۳۸۵: ۱۳۳).

امام علی(ع) درباره استقلال کسی که در منصب داوری و قضاوت بین مردم قرار دارد، به والی خویش مالک اشتر می‌فرماید: «برترین فرد نزد خود را برای قضاوت انتخاب کن، کسی که مراجعه فراوان، او را به ستوه نیاورد و برخورد مخالفان با یکدیگر او را خشمناک نسازد» (نهج البلاغه، نامه/۵۳).  
در بیشتر تعریف‌های موجود، به دو بعد باطنی و ظاهری استقلال اشاره شده که به شرح ذیل است:

### ۱-۲-۲-۱. استقلال باطنی (واقعی)

استقلال باطنی، وضعیتی ذهنی است که در آن رأی شخص درباره یک موضوع منحصرأ بر مبنای قضاوت حرفه‌ای اظهار شود، بدون آنکه از عوامل بیرونی تأثیر پذیرد یا سازشی صورت گیرد (حجازی و کنعانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۴). استقلال واقعی هنگامی وجود دارد که حسابرس واقعاً فاقد هرگونه نفع و علاقه‌ای باشد و بی‌طرفی فکری (ویسی، ۱۳۹۳: ۹۰) خود را در اجرای خدمات حرفه‌ای حفظ کند (وفادار و دادبه، ۱۳۹۲: ۱۰۹)؛ بدین معنی که حسابرسان نباید تحت تأثیر اظهارات و القائات دیگران قرار بگیرند. در مجموع، بعد باطنی یا فکری به خود حسابرس بستگی دارد و قابل اندازه‌گیری یا مشاهده مستقیم نیست و از این جهت که یک خصوصیت فردی است، نمی‌تواند مستقیماً توسط سرمایه‌گذاران و سایرین ارزیابی شود.

### ۱-۲-۲-۲. استقلال ظاهری

استقلال ظاهری، توانایی حسابرس در حفظ جنبه بی‌طرفی از دید دیگران و نتیجه تفسیرهای آنان از این استقلال است (همان). استقلال ظاهری یا استقلال از منظر دیگران، به معنای پرهیز از هرگونه وابستگی یا رابطه با اهمیتی است که باعث می‌شود، هر شخص ثالث ذی‌صلاح و مطلع به این نتیجه برسد که آن وابستگی یا ارتباط ممکن است بر درست‌کاری و واقع‌بینی حسابدار یا مؤسسه حسابرسی خدشه وارد کند (حجازی و همکاران، ۱۳۹۶: ۴) پس رابطه حسابرس با صاحب کار باید به گونه‌ای باشد که از دید اشخاص ثالث مستقل به نظر برسد (ویسی، ۱۳۹۳: ۹۰).  
با توجه به مباحث فوق، استقلال یک مفهوم اساسی در ساختار حسابرسی و از استانداردهای ضروری است که وجود آن، تعیین چارچوب و آیین‌نامه رفتار حرفه‌ای را لازم می‌سازد.

### ۲-۲. آیین‌نامه رفتار حرفه‌ای

تعیین چارچوبی که در قالب وضع اصول اخلاقی و آیین رفتار حرفه‌ای مؤسسات نمود می‌یابد، متناسب با دین و فرهنگ جوامع شکل می‌گیرد. آیین رفتار حرفه‌ای و اخلاقی از دو قسم «اصول بنیادی» و «احکام قابل اجرا توسط اعضاء» تشکیل شده است. اصول بنیادی، اخلاق حرفه‌ای را برای حسابدار تبیین و مبانی و چارچوب نظری لازم را تعیین می‌کند. این اصول جنبه کلی دارد و در کلام امیرمؤمنان علی(ع) محورهای خداشناسی، دین‌مداری، قانون‌مداری و حق‌مداری و... را شامل می‌شود و ناظر بر موارد خاص نیست. احکام نیز شامل رهنمودهایی درباره نحوه کاربرد اصول بنیادی برای موقعیتهایی است که حسابرسان در حین اجرای کار ممکن است با آن مواجه شوند (ویسی، ۱۳۹۳: ۸۲؛ ابراهیم‌زاده خراسانی و

اعتبار، ۱۳۹۵: ۳۲) و در قالب آموزه‌های جامعه‌محور و فردمحور مؤثر بر استقلال حسابرسان، در این تحقیق شکل گرفته است.

### ۱-۲-۲. آموزه‌های جامعه‌محور مؤثر بر استقلال حسابرسان

در این مفهوم استقلال مورد انتظار حسابرسان را می‌توان نه تنها به‌عنوان حالتی از ذهن، بلکه حالتی از اطمینان تصور کرد که مربوط به رفتار یک فرد حرفه‌ای مواجه با فشارهای مختلف است؛ در نتیجه ضروری است که با معرفی و تبیین «آموزه‌های جامعه‌محور» در جهت حفظ استقلال ظاهری حسابرسان کوشید:

#### ۱-۲-۱-۱. اجرای نظارت

بدون نظارت و بازرسی دقیق هیچ سیاست اقتصادی نمی‌تواند در اجراء و عمل موفق باشد. حضرت علی(ع) در حکومت خویش علاوه بر نظارت مستقیم بر نظارت غیرمستقیم نیز تأکید داشتند: «مَنْ تَفَقَّدَ أَعْمَالَهُمْ، وَابْعَثَ الْعِيُونَ مِنْ أَهْلِ الصِّدْقِ وَالْوَفَاءِ عَلَيْهِمْ، فَإِنَّ تَعَاهُذَكَ فِي السِّرِّ لِأُمُورِهِمْ حُدُوءٌ لِمَنْ عَلَى اسْتِعْمَالِ الْأَمَانَةِ، وَالرِّفْقِ بِالرَّعِيَّةِ...» (سپس رفتار کارگزاران را بررسی کن و جاسوسانی راستگو و وفاپیشه بر آنان بگمار که مراقبت و بازرسی پنهانی تو از کار آنان، سبب امانتداری و مهربانی با رعیت خواهد بود) (نهج البلاغه، نامه/۵۳؛ ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۸۷: ۶۹/۱۷).

چنین اقدامات نظارتی و انضباطی ضمانت اجرایی احکام آیین رفتار حرفه‌ای است تا از یک‌طرف حسابرسان خود را در معرض نظارت و مراقبت از سوی نهادهای نظارتی ببینند و از طرف دیگر جامعه مطمئن باشد که قصور در آیین رفتار حرفه‌ای، مورد رسیدگی قرار می‌گیرد و اقدام انضباطی لازم صورت می‌پذیرد (وفادار و دادبه، ۱۳۹۲: ۱۰۸-۱۰۷).

#### ۱-۲-۱-۲. رتبه‌بندی نهادها و مؤسسه‌های حسابرسان و حسابرسی

همانگونه که «امام [علی(ع)] بعد از ذکر مسأله حسن سابقه وزراء و کارگزاران به رتبه‌بندی میان آنها پرداخته و صفاتی را برای برترین‌ها می‌شمرد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ۴۳۰/۱۰)، اگر رتبه‌بندی لازم در مؤسسات به‌صورت چندگانه اعم از تعداد حسابرسان، تعداد مشتری، تعداد گزارشات، گردش مالی مؤسسه و... و در شخص حسابرسان با شایسته‌گزینی و شایسته‌سالاری شکل بگیرد، نهادها و مؤسسات و حسابرسان شاغل در آن با رتبه‌بندی بالا بیشتر مراقب شهرت حرفه‌ای خود هستند و مسلماً کاری نمی‌کنند که به استقلال و اعتبارشان صدمه‌ای وارد شود (محرابی، ۱۳۹۴: ۴۱).

#### ۱-۲-۱-۳. تشویق و تنبیه

نظارت و تقدیر دائم از تلاش‌های کارگزاران و مسئولین در حیطه مدیریتی امام علی (ع) جایگاه محوری داشت و می‌فرمودند: «وَلَا يَكُونَنَّ الْمُحْسِنُ وَالْمُسِيءُ عِنْدَكَ بِمَنْزِلَةِ سُوءٍ، فَإِنَّ فِي ذَلِكَ تَرْهِيْدًا لِأَهْلِ الْإِحْسَانِ فِي الْإِحْسَانِ، وَتَدْرِيْبًا لِأَهْلِ الْإِسَاءَةِ عَلَى الْإِسَاءَةِ وَالْأَلْمُ كَلًّا مِنْهُمْ مَا أَلَزَمَ نَفْسَهُ» (هرگز نیکوکار و بدکار در نظرت یکسان نباشند، زیرا نیکوکاران در نیکوکاری بی‌رغبت و بدکاران در بدکاری تشویق می‌گردند، پس هر کدام از آنان را بر اساس کردارشان پاداش ده).



بنابراین با ارزشیابی دقیق تلاش‌ها و رتبه‌بندی آن‌ها، نیکان در حرفه به جایگاه اصلی خویش دست‌یافته و متقابلاً بیشتر درصد انجام وظیفه حرفه‌ای خویش برمی‌آیند و در دستیابی به حفظ استقلال خویش و جلب اعتماد مردم کوشاتر خواهند بود.

#### ۴-۱-۲-۲. چرخش دوره‌ای حسابرس

حضور طولانی‌مدت حسابرس در کنار صاحب‌کار موجب ایجاد تمایلاتی برای حفظ و رعایت نظر مدیریت صاحب‌کار می‌شود؛ وضعیتی که استقلال و بی‌طرفی او را مخدوش می‌سازد (سجادی، ۱۳۹۷: ۱۵۵/۱). توزیع عادلانه قدرت و مناصب از جمله مسائل مدنظر حضرت علی(ع) بود و ایشان معتقد بودند که با اجرای آن، «همه افراد فرصت مشارکت در این امر را دارند و مناصب براساس سلسله مراتب بسیار کوتاه در اختیار همگان قرار می‌گیرد» (پورعزت، ۱۳۸۸: ۶۲) و در نتیجه امکان تجمیع قدرت در دست اطرافیان و خویشاوندان حاکمان و مدیران کاهش می‌یابد و فقط شایستگی افراد ملاک توزیع منصب‌های اجتماعی قرار می‌گیرد.

#### ۵-۱-۲-۲. عدم ارتباط دوستی و خویشاوندی با صاحبکار

حسابرس و مدیر نباید رابطه دوستی و خویشاوندی داشته باشند؛ چراکه با وجود این دوستی و وابستگی عمیق، استقلال حسابرس سلب خواهد شد و اختلال در ارائه گزارش پیش آمده و نواقص و کاستی‌ها مورد غفلت واقع شده و در گزارش مورد اغماض قرار می‌گیرند (خوانساری، ۱۴۰۸: ۳۵۶/۴)؛ به طوری که امیرمؤمنان علی(ع) می‌فرماید: «عَيْنُ الْمُحِبِّ عَمِيَّةٌ عَنِ الْمَحْبُوبِ وَ أُذُنُهُ صَمَاءٌ عَنِ قُبْحِ مَسَاوِيهِ» (آمدی، ۱۳۶۶: ۴۸۱) (چشم محب و عاشق، از دیدن عیوب محبوب نابینا و گوشش از شنیدن کاستی‌های او ناشنواست).

#### ۶-۱-۲-۲. وابستگی گروهی و حزبی، مانع آزاداندیشی

حسابرس باید از وابستگی به حزب و گروه خودداری نماید، در غیر این صورت، منافع آنها را منافع خود انگاشته و از ارائه گزارش موجود که قابل استناد و صحیح باشد، استنکاف می‌کند. در سال ۳۶ هجری در جریان جنگ جمل، گروهی از اعراب، کلیب جرمی را جهت آگاهی از حقیقت و دانستن علت مبارزه امام علی(ع) با ناکثین، نزد آن حضرت فرستادند. امام به گونه‌ای با او صحبت کرد که حقیقت را دریافت ولی از آنجاکه خود را نماینده گروهی می‌دانست، بیعتش را منوط به مراجعه نزد آنان کرد. امیرمؤمنان(ع) وی را متقاعد فرمود که اخذ تصمیم خویش را موقوف به حقانیت مطلب کند نه به همراهی با گروه و حذب خویش (نهج البلاغه، خطبه/۱۷۰؛ ابن شهر آشوب: ۳۲۴/۱).

#### ۷-۱-۲-۲. حق اعمال قضاوت حرفه‌ای

احترام به حق آزادی و حق اعمال قضاوت حرفه‌ای، در کردار و گفتار حضرت علی(ع) کاملاً مشهود است. آن حضرت در وصیت خویش به فرزندش امام حسن(ع) بر این امر تأکید می‌فرماید که انسان موجودی آزاد آفریده شده است و نباید بنده هیچ فردی باشد: «وَلَا تَكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ وَ قَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا» (نهج البلاغه،

نامه ۳۱) و این فرمایش حضرت را هر آنکس که جویای عدالت و آزادی است، خوب درک می‌کند (برای نمونه رک: جرداق، ۱۳۷۳: بخش «تو و برادر انسانیت»، ۲۱۷).

#### ۸-۱-۲-۲. پرداخت حق الزحمه مناسب

هرچه حق الزحمه بیشتر برای حسابرسان منظور شود، نیاز به دریافت رشوه را در آنان کم‌رنگ می‌سازد و در نهایت کیفیت حسابرسی را افزایش می‌دهد (بهزادیان و ایزدی‌نیا، ۱۳۹۷: ۳۹ و ۳۳). حضرت علی(ع) در رابطه با حقوق قاضی می‌فرماید: «و افسح له فی البذل ما یُرِیلُ عِلَّتُهُ، وَتَقِلُّ مَعَهُ حَاجَتُهُ إِلَى النَّاسِ» (نهج البلاغه، نامه ۵۳) (آنقدر به او ببخش که نیازهای او برطرف گردد و به مردم نیازمند نباشد). در شرح این فراز از سیاستنامه علوی، میرزا حبیب‌الله خوبی می‌نویسد: «امیرمؤمنان(ع) بر سخاوتمندی در دستمزد قضاات سفارش می‌فرماید، به گونه‌ای که معیشت آنها را تأمین کند و نیازهایشان را رفع نماید تا تنگدستی ایشان را به رشوه‌خواری و انحراف از حق وادار نکند» (خوبی، ۱۴۰۰: ۲۰/۲۴۰).

#### ۲-۲-۲. آموزه‌های فردمحورانه مؤثر بر استقلال حسابرس

از دیگر تعالیم علوی جهت پرورش استقلال حسابرسین، توجه به ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری ایشان است تا از هرگونه موقعیت احتمالی که بی‌طرفی آنان را مخدوش می‌سازد، کناره‌گیری کنند. خصوصیات از قبیل:

#### ۱-۲-۲-۲. تقوی

با توجه به خطبه ۸۳ نهج البلاغه «آراء عازمه» اشاره به تصمیم‌های محکم در اثر اراده قوی دارد که با توجه به تقوی حاصل می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ج ۳ ص ۳۷۷). آنچه که تقوی را به بحث استقلال مرتبط می‌سازد، همین شخصیت محکم و با اراده‌ای است که تصمیم‌های قاطعانه می‌گیرد. مؤید آن نیز این کلام حضرت علی(ع) است که می‌فرماید: «فَإِنَّ تَقْوَى اللَّهِ مِفْتَاحُ سَدَادٍ وَ ذَخِيرَةُ مَعَادٍ، وَ عِتْقٌ مِنْ كُلِّ مَلَكَةٍ وَ نَجَاةٌ مِنْ كُلِّ هَلَكَةٍ» (نهج البلاغه، خطبه/۲۳۰) (همانا ترس از خدا کلید هر در بسته و ذخیره رستخیز و عامل آزادی از هرگونه بردگی و نجات از هرگونه هلاکت است).

#### ۲-۲-۲-۲. صداقت و صراحت

در حرفه حسابرسی، اصل بر اعتماد مردم است. رعایت این نکته یکی از توصیه‌های مهم امیرمؤمنان(ع) به اطرافیان بوده است و ملاک اعتماد و اعتبار افراد را رعایت آن می‌دانستند: «لِيَكُنْ أَوْثَقَ النَّاسِ لَدَيْكَ أَنْطَقَهُمْ بِالصِّدْقِ» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۴۰۴) (معمدترین مردم نزد تو باید گویاترین ایشان به صداقت باشد).

#### ۳-۲-۲-۲. وفا و راستی

در کنار اصل صداقت و صراحت در کلام حضرت علی(ع) از اصل وفا به عهد و پیمان‌ها نیز یاد شده است: «إِنَّ الْوَفَاءَ تَوْأَمُ الصِّدْقِ وَ لَا أَعْلَمُ جُنَّةً أَوْفَى مِنْهُ وَ مَا يَغْدِرُ مِنْ عِلْمٍ كَيْفَ الْمَرْجِعِ» (نهج البلاغه، خطبه/۴۱: آمدی، ۱۳۶۶: ۲۵۱) (وفا با راستی همراه است و من هیچ سپری را نگهدارنده‌تر از آن نمی‌دانم. کسی که می‌داند بازگشتش چگونه است، مکر نمی‌کند) (جرداق، ۱۳۷۳: ۲۱۵).

#### ۴-۲-۲-۲-۴. عدم تکاثر و انحصارطلبی توأم با زهد و قناعت

بهره‌مندی از مسائل مالی، به‌طور محدود و در حد نیاز، شایسته است. در این رابطه امیرمؤمنان(ع) افراد را به میانه‌روی و اعتدال و زهد و قناعت سفارش می‌فرماید: «مَنْ أَقْتَنَعَ بِالْكَفَافِ أَذَاهُ إِلَى الْعَفَافِ» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۴۳۹). در مقابل، دوری از تکاثر و انحصارطلبی و توجه به زهد و قناعت، از آنجا که نیازها را کم می‌کند، آدمی را از قید اسارت در برابر اشخاص و اشیاء رها می‌سازد و می‌توان گفت گرایش انسان آگاه به زهد، ریشه در آزادمنشی او دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ۳۱۱/۳) و صفت آزادگی و آزادمنشی در استقلال شخصیتی حسابرس بسیار اثرگذار است.

#### ۴-۲-۲-۲-۵. عدم سستی و سازش

زندگی یک حسابرس رشدیافته و مستقل، هم بر مبنا و اصولی نهاده شده و هم پابندی به اصول آن هم از نوع الهی‌اش، به او شجاعت لازم در کار را می‌دهد. حسابرس شجاع، قادر به ایستادگی در برابر شرایط سخت و پرفشار و حفظ استقلال خویش است؛ همچون امام علی(ع) که سازشکاری را نمی‌پذیرند و می‌فرمایند: «وَلَعُمْرِي مَا عَلَيَّ مِنْ قِتَالٍ مِنْ خَالَفَ الْحَقَّ وَ حَابَطَ الْعَيَّ مِنْ إِذْهَانٍ وَ لَا إِلَهَانَ» (نهج‌البلاغه، خطبه/۲۴) (سوگند به جان خودم، در مبارزه با مخالفان حق، و آنان که در گمراهی و فساد غوطه‌ورند، یک لحظه مدارا و سستی نمی‌کنم). همچنین آن حضرت می‌فرماید: «الْمُؤْمِنُ كَالْجَبَلِ الرَّاسِخِ لَا تُحَرِّكُهُ الْعَوَاصِفُ» (فرد با ایمان همچون کوه پا برجاست که طوفان‌ها و تندبادها آن را تکان نمی‌دهد) (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ۴۹۰/۱).

#### ۴-۲-۲-۲-۶. قاطعیت در حذف ویژه‌خواری

یکی از اموری که استقلال حسابرس را به‌مخاطره می‌اندازد، اطرافیانی هستند که از رهگذر صاحب سر او بودن، موقعیت‌های ویژه‌ای را به‌دست آوردند. امام علی(ع) در بخشی از فرمان خود به والی مصر، مالک اشتر، بزرگ‌ترین خطر حاکم را نزدیکانی برمی‌شمارد که استفاده خاص از منافع عمومی و موقعیت‌های ویژه اقتصادی دارند و او باید دست آنان را از چپاول کوتاه کند: «كَمْ إِنَّ لِلْوَالِي خَاصَّةً وَيَطَانَةً، فِيهِمْ اسْتِثْنَاءٌ وَتَطَاوُلٌ، وَقَلَّةٌ إِنْصَافٍ فِي مُعَامَلَةٍ؛ فَاحْسِبْ مَا دَاةٌ أَوْلَيْكَ بِقَطْعِ أَسْبَابِ تَلْكَ الْأَحْوَالِ» (نهج‌البلاغه، نامه/۵۳) (همانا زمامداران را خواص و نزدیکانی است که خودخواه و چپاولگرند، و در معاملات انصاف ندارند، ریشه ستمکاریشان را با بریدن اسباب آن بخشکان). بنابراین حسابرس نیز باید راه نفوذ نزدیکانی را که از قربانشان با او و جایگاهش سوء استفاده می‌کنند، ببندد.

#### ۴-۲-۲-۲-۷. قاطعیت در حذف رشوه‌خواری

یکی از مصداق‌های خیانت که به‌شدت استقلال حسابرس را تهدید و اعتبار حرفه‌ای آن‌ها را خدشه‌دار می‌کند، دریافت رشوه است که در رشته حسابرسی با عنوان حق‌الزحمه‌های مشروط، هدیه و پذیرایی از آن یاد می‌شود (حجازی و همکاران، ۱۳۹۶: ۸). امام علی(ع) رشوه‌خواران را چنین توصیف می‌کند: «کسانی هستند که خیانتکاران و فاسقان را با اموال مردم می‌خرند (که خود نوعی حس و ابستگی و عدم

استقلال را در پی خواهد داشت)، کسانی که اگر بر مردم مسلط شوند، خشم، فخر، قدرت‌طلبی، خودخواهی و فساد را در زمین آشکار می‌سازند» (جرdaq، ۱۳۸۴: ۱۰۳۶/۲).

#### ۸-۲-۲-۲. قاطعیت در برابر متملقان و چاپلوسان

آنچه که در صورت عدم تربیت درونی می‌تواند به شدت برای حسابرس و استقلال وی آسیب‌زا باشد و اراده و اختیارش را تحت‌الشعاع قرار دهد، تملق و چاپلوسی اطرافیان است؛ از این رو حضرت علی(ع) به کارگزاران خود توصیه می‌فرماید که افرادی را در مجموعه خویش به کار گیرند که صراحت بیشتری داشته باشند و اهل تملق و چاپلوسی نباشند: «وَالصَّقُّ بِأَهْلِ الْوَرَعِ وَالصِّدْقِ، ثُمَّ رُضُّهُمْ عَلَيَّ أَلَّا يُطْرُوكَ وَلَا يَبْجَحُوكَ بِبَاطِلٍ لَمْ تَفْعَلْهُ، فَإِنَّ كَثْرَةَ الْإِطْرَاءِ تُحْدِثُ الزُّهْوُ، وَتُنْذِرُنِي مِنَ الْعِزَّةِ» (نهج‌البلاغه، نامه/۵۳) (تا می‌توانی با پرهیزکاران و راستگویان بیبوند و آنان را چنان پرورش ده که تو را فراوان نستانند و برای اعمال زشتی که انجام نداده‌ای تشویق نکنند که ستایش بی‌اندازه، خودپسندی می‌آورد و انسان را به سرکشی وا می‌دارد).

بسیاری از فریبکاران، اهداف شوم خویش را به واسطه مدح و تمجیدها محقق می‌سازند. امیرمؤمنان علی(ع) کارگزاران خویش را از این خطر چنین برحذر می‌داشتند: «رُبَّ مُقْتُونٍ يُحْسِنُ الْقَوْلَ فِيهِ» (نهج‌البلاغه، حکمت/۴۶۲) (چه بسا کسانی که با ستایش دیگران فریب خوردند). حسابرس نیز فردی است که در معرض این خطر قرار دارد و آثار تملق در مورد او می‌تواند تمایل وی به سمت مادحان و منافع آنان باشد.

#### ۹-۲-۲-۲. قاطعیت در افشاگری

اگر در گزارش حسابرسین، خائنین برملا شوند و در این امر سستی و مسامحه صورت نگیرد، بین خائن و خادم تمایز خواهد بود و از ذینفعان سلب اعتماد نمی‌شود. امیرمؤمنان(ع) آن کس را بیشتر مورد اعتماد می‌داند که از همه راستگوتر باشد و در انتخاب افراد نیز به کارگزاران خویش چنین توصیه می‌فرماید: «لِيَكُنْ أَوْثَقَ النَّاسِ لَدَيْكَ أَنْتَقَهُمْ بِالصِّدْقِ» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۴۰۴).

بنابراین حسابرس در حیطة وظایف خویش از یک سو نباید با پنهانکاری در افشای خطا کار، به استقلال ظاهری خویش آسیب بزند و از سوی دیگر در مقابله با مؤدیان خاطی، قاطعیت و شجاعت لازم که از عوامل استقلال درونی است را ایجاد نماید.

#### ۱۰-۲-۲-۲. رازداری

رازداری در استفاده و حفاظت اطلاعات به‌عنوان اصلی مهم در حرفه حسابرسی است که می‌تواند در امر افزایش استقلال حسابرس مؤثر باشد. حضرت علی(ع) در باب ارتباط رازداری و حفظ استقلال می‌فرماید: «مَنْ كَتَمَ سِرَّهُ، كَانَتْ الْحَيْرَةُ بِيَدِهِ» (نهج‌البلاغه، حکمت/۱۶۲) (آن کس که راز خود را پنهان دارد، اختیار آن در دست اوست). لذا اگر حسابرس امانتدار اطلاعات مجموعه مورد حسابرسی‌اش نباشد، تبعات سوء افشای راز گریبان وی را خواهد گرفت که یکی از آنها سلب اعتماد دیگر کارفرمایان از وی است. موارد ذکر شده از مجموعه آموزه‌های جامعه‌محور و فردمحور برگرفته از سخنان گهربار امام علی(ع) ضمانتی قوی برای بقای حرفه حسابرسی و افزایش استقلال حسابرس است که تاکنون به آن پرداخته نشده است.

در ادامه ذکر پیشینه‌هایی در رابطه با عوامل موثر بر استقلال حسابرس با توجه به مباحث روز مطرح گردیده است.

### ۲-۳. یافته‌های پژوهش

در پژوهش حاضر متناسب با عنوان، کلیدواژه‌های مرتبط از کتاب فرهنگ آفتاب استخراج شد. سپس فیش‌برداری و کدگذاری فیش‌ها از نهج البلاغه و شرح‌های مختلف آن صورت گرفت. روابط مفهومی و پنهان بین هریک از نمایه‌ها یا همان کدها کشف و هر دسته از نمایه‌های مرتبط تحت محورهای سازمان‌دهنده قرار گرفت. در مرحله بعد، از دل ارتباط بین کدهای محوری به مفاهیم کلان یا همان معقولات دست یافتیم. در مرحله آخر، این مقوله‌ها به صورت سؤالات، مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی را به زبان روز جامعه حسابرسی و متناسب با ادبیات پژوهش و حرفه حسابرسی در اختیار مخاطبین حسابرسی قرار داد. برای ورود اطلاعات پرسشنامه و طبقه‌بندی اطلاعات و محاسبه متغیرها از نرم‌افزار Spss18 استفاده شد. در بخش یافته‌های توصیفی، مقادیر فراوانی و درصد فراوانی جهت توصیف متغیرها به کار رفت. در نهایت، اطلاعات حاصل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در این مرحله با استفاده از آزمون (k-S) نرمال‌سازی داده‌ها انجام شد و تجزیه و تحلیل فرضیات تحقیق، بر اساس نتایج حاصله از مرحله اول یا همان یافته‌های استنباطی به شرح زیر صورت گرفت:

هنگامی که توده‌ای از اطلاعات کمی برای تحقیق گردآوری می‌شود، ابتدا سازمان‌بندی و خلاصه کردن آن‌ها به طریقی که به صورت معناداری قابل درک و ارتباط باشند، ضروری است. روش‌های آمار توصیفی به همین منظور به کار برده می‌شوند. به منظور شناخت بهتر ماهیت جامعه‌ای که در پژوهش مورد مطالعه قرار گرفته است و آشنایی بیشتر با متغیرها، قبل از تجزیه و تحلیل آماری داده‌ها، لازم است این داده‌ها توصیف شود. همچنین توصیف آماری داده‌ها، گامی در جهت تشخیص الگوی حاکم بر آنها و پایه‌ای برای تبیین روابط بین متغیرهایی است که در پژوهش به کار می‌رود. بنابراین، قبل از اینکه به آزمون فرضیه‌های پژوهش پرداخته شود، متغیرهای پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد. این جدول حاوی شاخص‌هایی برای توصیف متغیرهای تحقیق است. این شاخص‌ها شامل شاخص‌های مرکزی، شاخص‌های پراکندگی و شاخص‌های شکل توزیع، مانند میانگین، میانه، مد، چولگی، کشیدگی، ماکسیمم، مینیمم، انحراف استاندارد و واریانس است.

جدول ۳. آمار توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش

متغیر	آموزه‌های فردمحورانه	آموزه‌های جامعه‌محورانه	آموزه‌های نهج‌البلاغه
تعداد	۱۱	۱۱	۲۲
میانگین	۳,۸۳۱	۳,۷۴۳	۳,۷۸۷
میانه	۳,۸۱۸	۳,۷۲۷	۳,۷۸۷
مد	۴	۳,۸۲	۳,۵۰
حداقل	۳	۲,۶۴	۲,۸۲
حداکثر	۴,۹۱	۴,۹۱	۴,۸۲

۰,۳۹۴	۰,۴۱۷	۰,۴۸۹	انحراف استاندارد
۰,۱۵۶	۰,۱۷۵	۰,۲۳۹	واریانس
۰,۲۹۱	۰,۲۴۳	۰,۱۰۱	چولگی
۰,۳۱۱	۰,۳۱۱	۰,۳۱۱	انحراف چولگی
۰,۶۱۶	۰,۶۳۶	-۰,۳۰۳	کشیدگی
۰,۶۱۳	۰,۶۱۳	۰,۶۱۳	انحراف کشیدگی

جدول بالا نشان دهنده تحلیل توصیفی داده‌های مربوط به متغیرهای آموزه‌های فردمحورانه، آموزه‌های جامعه‌محورانه و آموزه‌های نهج‌البلاغه است. همانگونه که ملاحظه می‌شود مقادیر میانگین، میانه، مد، چولگی، کشیدگی، ماکسیمم، مینیمم، انحراف استاندارد و واریانس متغیرهای تحقیق با استفاده از نرم‌افزار محاسبه شده است.

در ادامه آزمون نرمال بودن متغیرها انجام خواهد گرفت؛ با این توصیف که در انتخاب یک آزمون آماری برای تحقیق، باید تصمیم بگیریم که آیا از آزمون‌های پارامتریک استفاده کنیم یا آزمون‌های ناپارامتریک. یکی از اصلی‌ترین ملاک‌ها برای این انتخاب، انجام آزمون کولموگراف-اسمیرنوف است. آزمون کولموگراف-اسمیرنوف، نرمال نبودن توزیع داده‌ها را نشان می‌دهد. اگر تست کولموگراف-اسمیرنوف رد شود، داده‌ها دارای توزیع نرمال می‌باشند و امکان استفاده از آزمون‌های پارامتریک وجود دارد. بالعکس، اگر تست کولموگراف-اسمیرنوف تأیید شود، یعنی داده‌ها دارای توزیع نرمال نیستند، بنابراین باید از آزمون‌های ناپارامتریک استفاده کنیم. لازم است قبل از برآزش مدل، نرمال بودن آن کنترل شود. فرض صفر و فرض مقابل آزمون نرمالیتی به صورت زیر است:

$$\left\{ \begin{array}{l} \text{جهت آزمون فرضیه‌ها از آزمون کولموگراف-اسمیرنوف استفاده} \\ \text{شده است. در این آزمون هرگاه سطح معناداری کمتر از ۵\%} \\ \text{باشد فرض صفر در سطح ۹۵\% اطمینان رد می‌شود.} \\ H_0: \text{توزیع داده‌ها نرمال است;} \\ H_1: \text{توزیع داده‌ها نرمال نیست;} \end{array} \right.$$

جدول ۴. آزمون کولموگراف-اسمیرنوف ( $k-s$ ) برای آموزه‌های فردمحور و جامعه‌محور

متغیر	آموزه فردمحورانه	آموزه جامعه‌محور	آموزه‌های نهج‌البلاغه
تعداد	۱۱	۱۱	۲۲
میانگین	۳,۸۳۱	۳,۷۴۳	۳,۷۸۷۴
انحراف معیار	۰,۴۸۹	۰,۴۱۷	۰,۳۹۴۸۰
قدر مطلق انحراف معیار	۰,۱۲۸	۰,۱۲۵	۰,۱۳۵
بیشترین انحراف معیار مثبت	۰,۱۲۸	۰,۱۲۵	۰,۱۳۵
بیشترین انحراف معیار منفی	-۰,۱۰۸	-۰,۰۶	-۰,۰۹۸
کولموگروف اسمیرنوف	۰,۹۸۴	۰,۹۶۲	۱,۰۳۹
سطح معناداری	۰,۲۸۸	۰,۳۱۳	۰,۲۳۰

بر اساس مقادیر ارائه شده در جدول بالا از آنجایی که مقادیر سطح معناداری، برای آموزه‌های فردمحور و آموزه‌های جامعه‌محور و آموزه‌های نهج‌البلاغه به ترتیب برابر ۰,۲۸۸ و ۰,۳۱۳ و ۰,۲۳۰ است.

می‌باشد و بیشتر از ۵٪ است. بنابراین فرض صفر مبنی بر نرمال بودن متغیرها تأیید و داده‌های این پژوهش از توزیع نرمال برخوردارند.

#### ۲-۴. یافته‌های استنباطی (بررسی فرضیه‌های پژوهش)

جهت آزمون فرضیه‌های پژوهش از آزمون  $t$  تک نمونه‌ای استفاده شده است. شرایط و فرضیاتی که در آزمون  $t$  تک نمونه باید باشد، چنین است:

داده‌ها کمی (عددی) هستند.

توزیع جامعه آماری نرمال است.

واریانس جامعه آماری ثابت ولی نامعلوم است.

در داده‌های کمی، برای آزمون این فرضیه که آیا میانگین یک نمونه با میانگین جامعه - که فرض بر این است دارای توزیع نرمال باشد - یکسان است، از آزمون  $t$  تک نمونه‌ای استفاده می‌شود. فرض‌های صفر و یک به صورت زیر مطرح‌اند:

در این آزمون از شاخصی موسوم به  $t$  که به صورت زیر است، استفاده می‌شود:

$$t = \frac{\bar{x} - \mu}{s/\sqrt{n}}$$

یکی از مشخصه‌های این شاخص، درجه آزادی آن است که با  $n-1$  مشخص می‌شود. ویژگی‌ای که توزیع  $t$  دارد این است که وقتی تعداد نمونه‌ها از ۳۰ بیشتر شود، با توزیع نرمال مطابقت پیدا می‌کند. میانگین نمونه نیز با مقدار ۳ که مقدار متوسط بوده، مورد مقایسه قرار داده شده است. چنانچه مقدار هر کدام از متغیرها بیشتر از ۳ باشد و دارای اختلاف معناداری با این مقدار مفروض باشد، نشان از وجود رابطه بین دو متغیر دارد و در نتیجه فرضیه پژوهش مورد تأیید قرار می‌گیرد.

#### ۱-۲-۴. آزمون فرضیه فرعی اول

فرضیه اول: در نهج البلاغه آموزه‌های فردمحورانه‌ای وجود دارد که بر استقلال حسابرس تأکید دارد. نتایج گویای این است که در نهج البلاغه آموزه‌های فردمحورانه‌ای وجود دارد که بر استقلال حسابرس تأکید دارد ( $p < 0,00$ ). سطح معناداری به دست آمده کمتر از مقدار ۰,۰۵ و بدین معناست که از جنبه آماری در نهج البلاغه آموزه‌های فردمحورانه‌ای وجود دارد که بر استقلال حسابرس تأکید دارد. در نتیجه فرضیه پژوهش مورد تأیید قرار می‌گیرد و فرضیه صفر رد می‌شود. میانگین بدست آمده برابر با ۳,۸۳ است که دارای تفاوت معناداری با عدد ۳ است. همچنین از بین آموزه‌های فردمحورانه، آموزه «صداقت و صراحت» با میانگین ۴,۱۰۳۴ و مقدار  $t$  ۱۴,۴۱۲ بیشترین تأثیر و آموزه «زهدورزی و قناعت» با میانگین ۳,۳۶۲۱ و مقدار  $t$  ۲,۴۳۰ کمترین تأثیر را بر روی استقلال حسابرس دارد.

جدول ۵. آزمون  $t$  تک نمونه‌ای جهت مقایسه میانگین متغیر پژوهش با مقدار تعیین شده

متغیر	میانگین	تفاوت میانگین	درجه آزادی	مقدار $t$	سطح معناداری
فرضیه اول	۳۸۳	۰٫۸۳	۵۸	۱۳٫۰۵	$p < 0.00$

جدول ۶. آزمون  $t$  تک نمونه‌ای جهت مقایسه میانگین متغیر پژوهش با مقدار تعیین شده

(مصادیق جدول ۵)

متغیر	میانگین	تفاوت میانگین	درجه آزادی	مقدار $t$	سطح معناداری
تقوی	۳٫۷۶۲۷	۰٫۷۶۲۷	۵۸	۵٫۴۶۴	$p < ۰٫۰۰۰$
صداقت و صراحت	۴٫۱۰۳۴	۱٫۱۰۳۴	۵۷	۱۴٫۴۱۲	$p < ۰٫۰۰۰$
وفا و راستی	۳٫۹۸۲۸	۰٫۹۸۲۷	۵۷	۹٫۵۵۴	$p < ۰٫۰۰۰$
زهدورزی و قناعت	۳٫۳۶۲۱	۰٫۳۶۲۰	۵۷	۲٫۴۳۰	$p < ۰٫۰۰۰$
عدم سستی و سازش	۳٫۹۴۹۲	۰٫۹۴۹۱	۵۸	۹٫۶۸۸	$p < ۰٫۰۰۰$
عدم تکاثر و انحصارطلبی	۳٫۵۰۸۵	۰٫۵۰۸۴	۵۸	۴٫۲۶۰	$p < ۰٫۰۰۰$
قاطعیت در حذف ویژه‌خواری	۳٫۷۴۵۸	۰٫۷۴۵۷	۵۸	۶٫۶۳۸	$p < ۰٫۰۰۰$
قاطعیت در حذف رشوه‌خواری	۳٫۹۶۶۱	۰٫۹۶۶۱	۵۸	۹٫۴۲۸	$p < ۰٫۰۰۰$
قاطعیت در مقابل متملقان و چاپلوسان	۳٫۹۱۵۳	۰٫۹۱۵۲	۵۸	۹٫۶۸۳	$p < ۰٫۰۰۰$
قاطعیت در افشاگری اسناد گزارش	۳٫۹۶۵۵	۰٫۹۶۵۵	۵۷	۱۱٫۳۴۸	$p < ۰٫۰۰۰$
رازداری	۳٫۹۱۵۳	۰٫۹۱۵۲	۵۸	۸٫۸۵۳	$p < ۰٫۰۰۰$

## ۲-۲-۴. آزمون فرضیه فرعی دوم

فرضیه دوم: در نهج‌البلاغه آموزه‌های عمومی و جامعه‌محوری وجود دارد که بر استقلال حسابرس تأکید دارند.

نتایج گویای این است که در نهج‌البلاغه آموزه‌های عمومی و جامعه‌محوری وجود دارد که بر استقلال حسابرس تأکید دارند ( $p < ۰٫۰۰$ ). سطح معنادار به‌دست آمده کمتر از مقدار  $۰٫۰۵$  و بدین معناست که از جنبه آماری در نهج‌البلاغه آموزه‌های عمومی و جامعه‌محوری وجود دارد که بر استقلال حسابرس تأکید دارد. در نتیجه فرضیه پژوهش مورد تأیید قرار می‌گیرد و فرضیه صفر رد می‌شود. میانگین به‌دست آمده برابر با  $۳٫۶۸$  است که دارای تفاوت معناداری با عدد  $۳$  است. همچنین از بین آموزه‌های عمومی و جامعه‌محور، آموزه «عدم وجود روابط غیر متعارف» با میانگین  $۴٫۲۴۵۸$  و مقدار  $t$   $۱۵٫۰۴۴$  بیشترین تأثیر و آموزه «وجود نهادهای نظارتی» با میانگین  $۲٫۸۴۷۵$  و مقدار  $t$   $-۱٫۱۹۶$  کمترین تأثیر را بر استقلال حسابرس دارند.

جدول ۷. آزمون  $t$  تک نمونه‌ای جهت مقایسه میانگین متغیر پژوهش با مقدار تعیین شده

متغیر	میانگین	تفاوت میانگین	درجه آزادی	مقدار $t$	سطح معناداری
فرضیه دوم	۳۶۸	۰٫۶۸۶۴	۵۸	۱۳٫۰۵	$p < ۰٫۰۰$



جدول ۸. آزمون  $t$  تک نمونه‌ای جهت مقایسه میانگین متغیر پژوهش با مقدار تعیین شده (مصادیق جدول ۷)

متغیر	میانگین	تفاوت میانگین	درجه آزادی	مقدار $t$	سطح معناداری
وضع استانداردها	۳,۶۱۰۲	۰,۶۱۰۱۷	۵۸	۶,۵۱۳	$p < ۰,۰۰۰$
وجود نهادهای نظارتی	۲,۸۴۷۵	-۰,۱۵۲۵۴	۵۸	-۱,۱۹۶	$p < ۰,۰۰۰$
رتبه‌بندی کیفی مؤسسه حسابرسی و حسابرس	۳,۱۹۴۹	۰,۱۹۴۹۲	۵۸	۱,۷۳۹	$p < ۰,۰۰۰$
وجود سیستم‌های تشویقی و تنبیهی	۳,۷۹۶۶	۰,۷۹۶۶۱	۵۸	۸,۰۴۴	$p < ۰,۰۰۰$
چرخش دوره‌ای حسابرس	۴	۱	۵۸	۱۳,۷۸۸	$p < ۰,۰۰۰$
عدم وجود روابط غیر متعارف	۴,۲۴۵۸	۱,۲۴۵۷۶	۵۸	۱۵,۰۴۴	$p < ۰,۰۰۰$
حق اعمال قضاوت حرفه‌ای	۳,۸۱۱۳	۰,۸۱۱۳۶	۵۸	۱۰,۴۸۷	$p < ۰,۰۰۰$
میزان حق الزحمه	۳,۹۱۵۳	۰,۹۱۵۲۵	۵۸	۸,۴۰۵	$p < ۰,۰۰۰$

### ۳-۲-۴. آزمون فرضیه اصلی

فرضیه سوم: در نهج البلاغه آموزه‌هایی وجود دارد که بر استقلال حسابرس تأکید دارند. نتایج گویای این است که در نهج البلاغه آموزه‌هایی وجود دارد که بر استقلال حسابرس تأکید دارند ( $p < ۰,۰۰۰$ ). سطح معناداری به دست آمده کمتر از مقدار  $۰,۰۵$  و بدین معناست که از جنبه آماری در نهج البلاغه آموزه‌هایی وجود دارد که بر استقلال حسابرس تأکید دارد. در نتیجه فرضیه پژوهش مورد تأیید قرار می‌گیرد و فرضیه صفر رد می‌شود. میانگین به دست آمده برابر با  $۳,۷۵$  است که دارای تفاوت معناداری با عدد  $۳$  است. آموزه «فردمحورانه» با میانگین  $۳,۸۳$  بیشترین تأثیر را بین آموزه‌های نهج البلاغه دارد. همچنین از بین آموزه‌های نهج البلاغه آموزه «عدم وجود روابط غیر متعارف» با میانگین  $۴,۲۴۵۸$  و مقدار  $t$   $۱۵,۰۴۴$  بیشترین تأثیر و «وجود نهادهای نظارتی» با میانگین  $۲,۸۴۷۵$  و مقدار  $t$   $-۱,۱۹۶$  کمترین تأثیر را بر استقلال حسابرس دارند.

جدول ۹. آزمون  $t$  تک نمونه‌ای جهت مقایسه میانگین متغیر پژوهش با مقدار تعیین شده

متغیر	میانگین	تفاوت میانگین	درجه آزادی	مقدار $t$	سطح معناداری
فرضیه سوم	۵۳,۷	۰,۷۵	۵۸	۱۵,۰۱	$p < ۰,۰۰$

جدول ۱۰. آزمون  $t$  تک نمونه‌ای جهت مقایسه میانگین متغیر پژوهش با مقدار تعیین شده

### فرضیه اول و دوم

متغیر	میانگین	تفاوت میانگین	درجه آزادی	مقدار $t$	سطح معناداری
آموزه‌های عمومی و جامعه‌محور	۳,۶۸	۰,۶۸۶۴	۵۸	۱۳,۰۵	$p < ۰,۰۰$
آموزه‌های فردمحورانه	۳,۸۳	۰,۸۳	۵۸	۱۳,۰۵	$p < ۰,۰۰$

جدول ۱۱. آزمون t تک نمونه‌ای جهت مقایسه میانگین متغیر پژوهش با مقدار تعیین شده مصادیق فرضیه اول و دوم

متغیر	میانگین	تفاوت میانگین	درجه آزادی	مقدار t	سطح معناداری
وضع استانداردها	۳,۶۱۰۲	۰,۶۱۰۱۷	۵۸	۶,۵۱۳	$p < ۰,۰۰۰$
وجود نهادهای نظارتی	۲,۸۴۷۵	-۰,۱۵۲۵۴	۵۸	-۱,۱۹۶	$p < ۰,۰۰۰$
رتبه‌بندی کیفی مؤسسه حسابرسی و حسابرسان	۳,۱۹۴۹	۰,۱۹۴۹۲	۵۸	۱,۷۳۹	$p < ۰,۰۰۰$
وجود سیستمهای تشویقی و تنبیهی	۳,۷۹۶۶	۰,۷۹۶۶۱	۵۸	۸,۰۴۴	$p < ۰,۰۰۰$
چرخش دوره‌ای حسابرسان	۴	۱	۵۸	۱۳,۷۸۸	$p < ۰,۰۰۰$
عدم وجود روابط غیر متعارف	۴,۲۴۵۸	۱,۲۴۵۷۶	۵۸	۱۵,۰۴۴	$p < ۰,۰۰۰$
حق اعمال قضاوت حرفه‌ای	۳,۸۸۱۴	۰,۸۸۱۳۶	۵۸	۱۰,۴۸۷	$p < ۰,۰۰۰$
میزان حق الزحمه	۳,۹۱۵۳	۰,۹۱۵۲۵	۵۸	۸,۴۰۵	$p < ۰,۰۰۰$
تقوی	۳,۷۶۲۷	۰,۷۶۲۷	۵۸	۵,۴۶۴	$p < ۰,۰۰۰$
صداقت و صراحت	۳,۱۰۳۴	۱,۱۰۳۴	۵۷	۱۴,۴۱۲	$p < ۰,۰۰۰$
وفا و راستی	۳,۹۸۲۸	۰,۹۸۲۷	۵۷	۹,۵۵۴	$p < ۰,۰۰۰$
زهدورزی و قناعت	۳,۳۶۲۱	۰,۳۶۲۰	۵۷	۲,۴۳۰	$p < ۰,۰۰۰$
عدم سستی و سازش	۳,۹۴۹۲	۰,۹۴۹۱	۵۸	۹,۶۸۸	$p < ۰,۰۰۰$
عدم تکاثر و انحصار طلبی	۳,۵۰۸۵	۰,۵۰۸۴	۵۸	۴,۲۶۰	$p < ۰,۰۰۰$
قاطعیت در حذف ویژه‌خواری	۳,۷۴۵۸	۰,۷۴۵۷	۵۸	۶,۶۳۸	$p < ۰,۰۰۰$
قاطعیت در حذف رشوه‌خواری	۳,۹۶۶۱	۰,۹۶۶۱	۵۸	۹,۴۲۸	$p < ۰,۰۰۰$
قاطعیت در مقابل متملقان و چاپلوسان	۳,۹۱۵۳	۰,۹۱۵۲	۵۸	۹,۶۸۳	$p < ۰,۰۰۰$
قاطعیت در افشاکری اسناد گزارش	۳,۹۶۵۵	۰,۹۶۵۵	۵۷	۱۱,۳۸۴	$p < ۰,۰۰۰$
رازداری	۳,۹۱۵۳	۰,۹۱۵۲	۵۸	۸,۸۵۳	$p < ۰,۰۰۰$

### ۳. نتیجه‌گیری

حرفه حسابرسی مانند دیگر مشاغل نیاز به آیین‌نامه و قوانینی دارد تا شاغلین وظائف خویش را با داشتن نقشه راه، ضابطه‌مند و با صحت و اطمینان طی کنند. این آیین‌نامه حرفه‌ای در هر کشور و ملیتی، با توجه به دین، فرهنگ و سنت‌ها تنظیم می‌شود. در کشور ما نیز بهتر است این آیین‌نامه با توجه به دین اسلام و کلام حضرات معصومین (علیهم السلام) در اختیار ادارات و سازمان‌ها برای اجرا قرار بگیرد. نوشتار حاضر به صورت میان‌رشته‌ای، موضوع «استقلال در حسابرسی» را به «مباحث دینی» پیوند زده است و با تلفیق و تطبیق آموزه‌های امیرمؤمنان علی (ع) در کتاب شریف نهج‌البلاغه با مسائل حسابرسی روز درصدد است تا در مسیر اسلامی نمودن علوم انسانی، قدمی بر دارد.

آزمون فرضیه‌های پژوهش که از طریق آزمون t تک نمونه‌ای انجام گرفته است، درصدد اثبات یک فرضیه اصلی و دو فرضیه فرعی برگرفته از کلام امیرالمؤمنین علی (ع) است که به جهت صدور از سوی

یک معصوم، فرضیه‌ای ثابت شده می‌باشد؛ لیکن پژوهش پیش‌رو با تنظیم پرسشنامه و استفاده از نظرات حسابرسین توانست میزان پذیرش افراد حسابرس را نسبت به آموزه‌های دینی برگرفته از کلام آن حضرت بسنجد و در واقع میزان تأثیرگذاری این آموزه‌ها را نسبت به استقلال حسابرسین، از نگاه خود حسابرسین مورد توجه قرار دهد. نتایج به‌دست آمده از قرار ذیل است:

- در نهج‌البلاغه آموزه‌های فردمحورانه‌ای وجود دارد که بر استقلال حسابرس تأکید دارد. از بین این آموزه‌ها، صداقت و صراحت بیشترین تأثیر و زهدورزی و قناعت کمترین تأثیر را بر استقلال حسابرس دارد.

- در نهج‌البلاغه آموزه‌های عمومی و جامعه‌محوری وجود دارد که بر استقلال حسابرس تأکید دارد. از بین آنها آموزه‌ی عدم وجود روابط غیرمتعارف بیشترین تأثیر و آموزه‌ی وجود نهادهای نظارتی کمترین تأثیر را بر استقلال حسابرس دارد.

- از میان دو دسته آموزه‌های فردمحور و جامعه‌محور در نهج‌البلاغه، مورد اول که امروز در سطح دنیا کمتر از آن با عنوان عامل مؤثر بر استقلال حسابرس یاد می‌شود، بیشترین تأثیر را بر استقلال حسابرس دارد.

- از مجموع آموزه‌های نهج‌البلاغه، «عدم وجود روابط غیرمتعارف» بیشترین تأثیر و «وجود نهادهای نظارتی» کمترین تأثیر را بر استقلال حسابرس دارد.

بنابراین مجموعه، برآیند پژوهش، آموزه‌های نهج‌البلاغه بوده است که امروزه به‌عینه در قوانین حسابرسی جاری مشهود است؛ حتی از آموزه‌هایی با عنوان عوامل بیرونی و درونی، به‌ویژه عوامل درونی می‌توان یاد کرد که فراتر از قوانین امروز جامعه‌ی حسابرسی است و از جمله ارزش‌های افزوده و سهم‌یاری یافته‌های این پژوهش برای ادبیات پژوهش و حرفه‌ی حسابرسی محسوب می‌شود.

در نهایت بر اساس توصیه‌های حضرت علی(ع) به این نتایج می‌توان دست یافت:

- مؤسسات استخدام حسابرسان باید شایسته‌گزینی-سالاری را در انتخاب خود حائز اهمیت دانند.

- در حیطة نظارت، باید نهادی مستقل از دو گروه مدیران و حسابرسان، عملکرد ایشان را بررسی نماید.

- حسابرسان در ارائه گزارش خویش باید به مدیران ارشد دسترسی مستقیم داشته باشند.

- در مورد استقلال باطنی می‌توان افراد توانمند و اخلاق‌مدار به‌کار گرفته‌شده را با آموزش‌های ضمن خدمت (با توجه به نگاه حضرت علی(ع) در هر دو بعد دینی و اقتصادی) در کنار امر نظارت، از لغزش‌های احتمالی مخل استقلال بازداشت و آنان را در حین تلاشی که بر مسأله اخلاق و تهذیب نفس دارند، در امر استقلال باطنی تقویت نمود.

#### ۴. محدودیت پژوهش

در انجام پژوهش پیش‌رو، از یک‌طرف عدم وجود پژوهش‌های مشابه و منابع در رابطه با موضوع و از طرف دیگر عدم اشاره مستقیم حضرت علی(ع) به مبحث حسابرسی، نیاز مراجعه به هدایت عام آن حضرت

را در رابطه با استقلال حسابرس می‌طلبید که طبیعتاً باید زمان بیشتری صرف مطالعه و تحلیل شرح‌های مختلف نهج‌البلاغه در کنار منابع و مطالب روز جامعه حسابرسی می‌شد؛ لیکن شیوایی سخنان گهربار امیرمؤمنان علی(ع) و افتخار روزافزون پژوهشگران به شناختن و شناساندن بُعدی جدید از ابعاد وجود آن حضرت به جامعه حسابرسین، سبب می‌شد که سختی راه هموار گردد.

## ۵. پیشنهادات علمی و عملی

### ۵-۱. پیشنهادات علمی

از آن‌جا که پژوهش حاضر، از منظر یک معصوم موضوع را مورد بررسی قرار داده است، در وضع آیین رفتار دینی-حرفه‌ای از درجه اعتبار بالایی برخوردار است و یافته‌های آن برای سازمان‌هایی نظیر «سازمان حسابرسی» به‌عنوان نهاد استانداردگذار و ناظر بر فعالیت‌های حسابرسان و «جامعه حسابداران رسمی ایران» به‌عنوان نهاد ناظر بر فعالیت‌های حسابرسان و کلیه «حسابرسان» به‌عنوان مجریان امر حسابرسی اثرگذار بوده و تحت توصیه‌های امیرمؤمنان علی(ع) بهتر می‌توانند حافظ و امانتدار اموال مردم باشند و با گام‌های مستحکم‌تری در این عرصه قدم بگذارند. همچنین اساتید و دانشجویان رشته‌های حسابداری و حسابرسی به‌عنوان فراگیران علم و اشاعه‌دهندگان فرهنگ حفظ استقلال واقعی می‌توانند در این زمینه‌ها کوشا باشند: الف) استخراج مطالب به‌صورت میان‌رشته‌ای و ب) قرار دادن نتیجه چنین تحقیقاتی به‌عنوان ماده اولیه در اختیار کارگروه‌هایی از نیروهای محقق و پژوهشگر سازمان‌های حسابرسی برای تنظیم آیین‌نامه اخلاق دینی-حرفه‌ای.

### ۵-۲. پیشنهادات کاربردی به نهادهای ذی‌ربط

- ۱- وضع آیین رفتار دینی-حرفه‌ای برگرفته از کلام امیرمؤمنان علی(ع)
- ۲- طراحی الگوی عملی جهت تقویت و افزایش استقلال برای کلیه حسابرسان به‌عنوان مجریان امر حسابرسی
- ۳- اختصاص واحد درسی دانشگاهی به این امر
- ۴- استخدام حسابرسین لایق و توانمند و اخلاق‌مدار و توجه به امر شایسته‌گزینی-سالاری بر طبق توصیه آن حضرت
- ۵- تشکیل نهاد نظارتی به‌عنوان نهادی مستقل از هر دو گروه مدیران و حسابرسین
- ۶- ایجاد شرایط دسترسی مستقیم حسابرسین به مدیران ارشد جهت ارائه گزارش‌ها
- ۷- آموزش‌های ضمن خدمت (با توجه به نگاه آن حضرت در هر دو بعد دینی و اقتصادی)

## منابع

- قرآن کریم.
- دشتی، محمد. (۱۳۷۹). ترجمه نهج البلاغه. قم: مشهور.
- آمدی، عبدالواحد بن محمد. (۱۳۶۶). تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، محقق: مصطفی درایتی، قم: مکتب الأعلام الإسلامی.
- ابراهیم زاده خراسانی، مژگان و اعتبار، شکوفه. (۱۳۹۵). اصول حسابرسی ۱. کرج: آوای ویانا.
- ابن ابی الحدید، عزالدین ابوحامد. (۱۳۷۸ق). شرح نهج البلاغه. محقق: محمد ابوالفضل ابراهیم. بیروت: دار إحياء الكتب العربية.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی. (۱۳۷۶ق). مناقب آل ابی طالب (ع). نجف: المکتبۃ الحیدریه.
- اسکات، فیل. (۱۳۹۱). نقش حسابرسی داخلی در: راهبری شرکتی، ریسک و کنترل، ج ۱، مترجمان: امیر پوریان سب و شاهین احمدی. تهران: کیومرث.
- انیس، ابراهیم؛ منتصر، عبدالحلیم و صوالحی، عطیه و خلف احمد، محمد. (۱۳۸۲). فرهنگ المعجم الوسیط (عربی-فارسی)، مترجم: محمد بندرریگی. تهران: اسلامی.
- بحری ثالث، جمال؛ جبارزاده کنگرلویی، سعید و بهرامی، تورج و حق ویردی زاده، محسن. (۱۴۰۰). «تأثیر استرس بر استقلال حرفه‌ای حسابرسان». پژوهش‌های حسابرسی حرفه‌ای. شماره ۲، ۸۷-۱۰۸.
- بهزادیان، فتاح؛ ایزدی‌نیا، ناصر. (۱۳۹۷). «بررسی عوامل موثر بر کیفیت حسابرسی از دیدگاه حسابرسان مستقل و مدیران مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار». پیشرفت‌های حسابداری دانشگاه شیراز. شماره ۱، ۲۸-۶۰.
- پورعزت، علی اصغر. (۱۳۸۸). مختصات حکومت حق مدار در پرتو نهج البلاغه امام علی علیه السلام. تهران: علمی و فرهنگی.
- تحریری، آرش؛ پیری سقرلو، مهدی. (۱۳۹۷). «مدیران مالی و استقلال حسابرس». پژوهش‌های نوین در حسابداری و حسابرسی. دوره دوم. شماره ۳، ۹-۳۲.
- جرداق، جورج. (۱۳۷۳). بخشی از زیبایی‌های نهج البلاغه. محقق و مترجم: محمدرضا انصاری محلاتی، تهران: کانون انتشارات محمدی.
- ----- (۱۳۸۴). صدای عدالت انسانیت. مترجم: محمد صالحی و محمود ثابت نژاد. تهران: محمد.
- جعفری، علی. (۱۳۹۶). اصول حسابرسی بر اساس استانداردهای حسابرسی ایران: آیین رفتار حرفه‌ای جامعه حسابداران رسمی ایران. تهران: کیومرث.
- حجازی، رضوان؛ کنعانی، اکبر و فرج‌زاده، علی اصغر. (۱۳۹۶). «بررسی آیین رفتار حرفه‌ای حسابرسان از دیدگاه قرآن». مطالعات حسابداری و حسابرسی. شماره ۲۹، ۱۳-۴.
- حساس یگانه، یحیی و رجبی، روح‌الله. (۱۳۸۳). «عوامل موثر بر قدرت حرفه‌ای حسابرسی مستقل». حسابداری: مطالعات تجربی حسابداری مالی. شماره ۸، ۸۶-۵۵.
- حسینی دشتی، مصطفی. (۱۳۸۵). دائره‌المعارف جامع اسلامی. تهران: مؤسسه فرهنگی آرایه.

- خوانساری، جمال‌الدین محمد. (۱۴۰۸ق). شرح غررالحکم و درر الکلم. تهران: جامعه تهران.
- خوبی، حبیب‌الله. (۱۴۰۰ق). منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه. تهران: مکتبه الاسلامیه.
- زارع‌پور، سینا و فرهادی اندرابی، سویل. (۱۳۹۷). «تأثیر ارتباطات سیاسی بر حق الزحمه حسابرسی و انتخاب حسابرس مستقل». چشم‌انداز حسابداری و مدیریت. دوره اول، شماره ۳، ۲۸-۴۲.
- سجادی، سید حسین. (۱۳۹۷). مروری بر پژوهش‌های حسابرسی. ج ۱. تهران: ترمه.
- سجادی، سید حسین و ابراهیمی‌مند، مهدی. (۱۳۸۴). «عوامل افزایشدهنده استقلال حسابرس». بررسی‌های حسابداری و حسابرسی. شماره ۴۰، ۸۰-۶۱.
- ----- (۱۳۸۸). «عوامل کاهنده استقلال حسابرس مستقل».
- پیشرفت‌های حسابداری دانشگاه شیراز. دوره اول، شماره اول، ۹۵-۱۱۲.
- سلیمانی، سمیه؛ شوروزی، محمدرضا؛ نوری توپکانلو، زهرا. (۱۳۹۷). «تأثیر تهدیدها بر استقلال حسابرسان». دانش حسابداری مالی. شماره ۲۹، ۶۹-۸۰.
- سیاح، احمد. (۱۳۸۱). فرهنگ دانشگاهی. تهران: فرحان.
- شوروزی، محمدرضا؛ زنده‌دل، احمد. (۱۳۹۱). «تأثیر تصدی طولانی بر استقلال حسابرس». پژوهش‌های تجربی حسابداری مالی. سال دوم، شماره ۴، ۱۶۲-۱۳۴.
- صدوق، محمدبن‌علی‌بن‌حسین. (بی‌تا). من لایحضره الفقیه. تصحیح: علی‌اکبر غفاری. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- صیادی تورانلو، حسین؛ عزیزی، پدram. (۱۳۹۶). «شناسایی و رتبه‌بندی ارزش‌های اخلاقی در حسابرسی از دیدگاه اسلام با رویکرد Topsis فازی». اخلاق. سال هفتم، شماره ۲۶، ۱۷۹-۲۰۸.
- فتحی، میثم. (۱۳۹۷). «بررسی استقلال حسابرس بر کیفیت حسابرسی». حسابداری: پژوهش‌های جدید در مدیریت و حسابداری. شماره ۳۶، ۹۴-۸۵.
- قدرتی زوارم، عباس؛ نوروزی، محمد و دهقان، مهدی. (۱۴۰۰). «بررسی نقش تمایلات رفتارهای اخلاقی حسابرسان، استقلال حسابرس بر نگرش حرفه‌ای حسابرسان». مطالعات مدیریت و حسابداری. شماره ۱، ۳۳-۴۶.
- کاشولی، ام؛ چمبرز، دی.جی و پین، جی.ال. (۱۳۹۵). «آیا ارائه خدمات غیرحسابرسی استقلال حسابرس را آسیب میرساند؟». حسابرس. مترجم: احمد حاتمی. شماره ۸۴، ۱۴۱-۱۳۶.
- لیثی واسطی، علی‌بن‌محمد. (۱۳۷۶). عیون الحکم و المواعظ. قم: دارالحدیث.
- محرابی، آئینا. (۱۳۹۴). «استقلال حسابرسی و عوامل مؤثر در آن». اقتصاد: بازار و سرمایه. شماره ۶۵ و ۶۶، ۴۱-۴۳.
- محمدی، منصور؛ کاشانی‌پور، محمد و رحیمیان، نظام‌الملک و رحمتی، محمدحسین. (۱۳۹۹). «شناسایی عوامل تهدیدکننده استقلال حسابرسان دیوان محاسبات کشور». دانش حسابرسی. شماره ۸۱، ۵۷-۸۵.
- مرادی، مهدی و بیات، نعیمه. (۱۳۹۵). حسابرسی پیشرفته. مشهد: مرن‌دیز.
- معین، محمد. (۱۳۸۱). فرهنگ فارسی. تهران: ندا.

- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۵). پیام امام شرح تازه و جامعی بر نهج البلاغه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مصطفوی، حسن. (۱۳۶۸). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- نیکبخت، زهرا؛ خلیفه سلطانی، سید احمد؛ حسینی، سید علی؛ مداحی، آزاده و ودادهیر، ابوعلی. (۱۳۹۷). «تدوین مدل استقلال حسابرس». حسابداری مالی، شماره ۳۸، ۹۰-۱۱۲.
- نیکبخت، محمدرضا؛ مهربانی، حسین. (۱۳۸۵). «بررسی اثر خدمات و میزان حق الزحمه‌های غیر حسابرسی مؤسسات حسابرسی بر استقلال حسابرس». بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۴۴، ۴۴-۱۴۷-۱۲۹.
- وفادار، عباس و دادبه، فاطمه. (۱۳۹۲). حسابرسی بر اساس استانداردهای حسابرسی ایران. ج ۱. تهران: کیومرث.
- ویسی، فریدون. (۱۳۹۳). حسابرسی. تهران: ترمه.
- Albaqali, Q. and Kukreja, G. (2017). "The factors influencing auditor independence: the perceptions of auditors in Bahrain", **Corporate ownership and control**, vol 14, issue 2, <https://doi.org/10.22495/cocv14i2c2p10>.
- Eleanor, D. (2011). "UK investors' perceptions of auditor independence", **The British Accounting Review**, Elsevier, vol. 43(3), 173-185.
- Etienne, Ch. and Karlsson, J. (2010). The impact of extended audit tenure on auditor independence: Auditors perspective, <https://www.diva-portal.org>
- Min Kang, S. and Hwang, K. S. H. (2018). "Non-audit Services and Auditor Independence Depending on Client Performance", **Australian Accounting Review**, V. 29, Issue 3, 485-501. <https://doi.org/10.1111/auar.12243>
- Lokman, N. and Mohad Bakri, N. (2020). "Factors compromising the auditor independence: a study on the perception of Malaysian publicly listed companies", **Journal of administrative science**, vol. 17, Issue 2, 01-19, <https://ssrn.com/abstract=3740408>
- Minh Duc, L., Hoang Yen, N., Thuy, V. H. N., Hung, N., Thanh Vu, N. (2020). "Factors Affecting the Auditor Independence: Approach of the Subject and Framework in Financial Statement Auditing in Vietnam", **Journal of south west Jiaotong university**, vol 55, No 4, <https://doi.org/10.35741/issn.0258-2724.55.4.23>
- Reiner, Q and Warming-Rasmussen, B. (2015). "An Experimental Analysis of the Effects of Non-audit Services on Auditor Independence in Appearance in the European Union: Evidence from Germany", **Journal of International Financial Management & Accounting**, Vol. 26, Issue 2, 150-187. <https://doi.org/10.1111/jifm.12026>

- 
- Robert, K. Elliott and Peter D. Jacobson. (1998). Audit independence concepts, **The CPA Journal**, no 12, 30-4.
  - Vivien, B., Brandt, R., Fearnley, S. (1999). Perceptions of auditor independence: U.K. evidence, **Journal of International Accounting Auditing and Taxation**, 8(1), 67-107.





(Research Article)  
**Scientometrics of Quarterly Research Journal of Nahj al-Balagheh**

Asgar Akbari<sup>1\*</sup>

**Submit Date:** 10 May 2022      **Revise Date:** 30 July 2022

**Accept Date:** 9 September 2022      **Publication Date:** 22 September 2022

(Page 89-111)

**Abstract**

The present study was conducted to identify the status of the articles published in the Nahj al-Balagheh Research Quarterly. This is a quantitative study with a content analysis method. The statistical population of the study included all articles from the journal in nine years, which were received from the journal system. The findings showed that 73.3% of the writers were men. The share of prolific authors is 45.6%. Authors with the scientific rank of assistant professor wrote one-third of the articles. Bu Ali Sina, Tehran, Ferdowsi Mashhad, Lorestan, and Isfahan universities make up about one-third of the authors' organizational affiliations. The field of language and literature constitutes 40.9% of the the authors' field of study. 52.4% of the topics of the journal are literary or related to psychology, law, linguistics, ethics, and poetry. Most of the articles are descriptive-analytical. In general, the publication has a good status in terms of the studied components.

**Keywords:** Nahj al- Balagha research, content analysis, Scientometrics

---

1. Assistant Professor, Department of Knowledge and Information Science, Branch Arak, Islamic Azad University, Arak, Iran

\*: Corresponding Author:

**Email:** akbari1149@gmail.com

---

**How to cite this article:** akbari, A. (2022). Scientometrics of Quarterly Research Journal of Nahj al-Balagheh, *Quarterly Journal of Nahj al-Balagha Research*, 10(38), 89-111. DOI: 10.22084/NAHJ.2023.26592.2833

### **1. Introduction**

Journals are one of the contexts for the presentation of scientific findings. With the increasing growth of scientific publications in recent decades, the number of scientific productions in various fields of science has been measured and "scientometrics" has attracted the attention of researchers. Scientometrics is the review of studies and researches on a topic or publication, which is done through statistical and quantitative analysis techniques using bibliometric methods and is based on citation analysis. By using the scientometric approach in reviewing a publication, it is possible to identify and analyze the changes of that publication over time, based on the researchers in that field, the relationship with other sciences, and researched subjects, to understand the current situation and future management. Therefore, the analysis of the Quarterly Journal of Nahj al-Balagha Research, which is one of the most influential and specialized publications in the field of humanities and Islamic sciences, will help to better understand the quality of the content of the publication and help to make better decisions for the future.

### **2. Method**

The current research is of an applied type with a scientific approach. The statistical population of the study is 255 articles from No. 1-36 of the Quarterly Journal of Nahj al-Balagha Research. To collect the components, the number, subject, academic rank, field of study, organizational affiliation, keywords, and methodology of the articles were obtained from the journal's web system. After downloading each article, the required components were extracted and entered in the special tables related to each group of components. Then, the qualitative information received from the articles was converted into quantitative data and analyzed.

### **3. Conclusion**

The results show that the Quarterly Journal of Nahj al-Balagha Research is one of the main journals in the field of Nahj al-Balagha, which is in good publishing conditions and is published professionally. The analysis of the articles published in a certain period shows the compatibility of the articles with the goals and specialized perspective of the publication.

The journal has a good variety of topics and can present social issues and current world issues. The limitation in the number of scientific disciplines of the authors shows that the specialized topic of the journal is not well defined among the experts of other disciplines. Nahj al-Balagha

has the subject inclusion of most scientific fields and the authors of other scientific fields can contribute to the publication of the journal.

The cooperation of two or more authors in editing the articles of the journal is commendable and it is a sign of empathy and favorable cooperation in editing the articles. Today, multi-authorship of articles has become common to increase their quality and interdisciplinary understanding, and to use the expertise and skills of the co-author's ideas, increase scientific publications and create knowledge. What is obvious is that the cooperation of authors in writing scientific articles will most likely improve the quality of the articles.

The gender combination of male and female authors and the weak role of women in cooperation with the journal, requires more contribution by women in increasing the quantity and quality of the scientific articles of the journal, which is in line with the goals and vision of the journal, and leads to promotion of the rich Islamic culture. The organizational affiliation of the majority of authors from Bu-Ali Sina University compared to other centers, although it is not a problem in terms of evaluation and the regulations for determining the validity of publications, shows the weak cooperation of other scientific and research centers with the journal in the field of Nahj al-Balagha and rich Islamic culture, which deserves to be comprehensive in its geographical scope.

The research methodology of most of the articles is descriptive-analytical while the variety of other analytical scientific methods should be receive attention by the reviewers and contributors of the journal so that more theoretical and practical discussion opportunities become available to the researchers. Attracting the contribution of authors from domestic and foreign scientific centers and related organizations in the field of Nahjal al-Balagha will contribute to the enrichment of the journal and the expansion of the rich Islamic culture at the global level. Therefore, the authorities of the journal are expected to bring the issue of the journal to the attention of researchers in various ways, for instance by calling for articles and indexing the journal in domestic and foreign scientific databases.

## **References**

### **[In Persian]**

- Razaghi, N. and Qaidi, M. (2015). "Explaining the factors affecting scientific production". **Research Journal of Management**. No. 16, 63-86.

- 
- Zandirvan, N., Davarpanah, M. R. and Fatahi, R. (2013). "Map of Iran's science production based on articles indexed in SCI-E". **Theoretical and Applied Research in Knowledge and Information Science**, No. 7, 5-26.

**[In English]**

- Macfarlane, B. (2017). "The ethics of multiple authorship: power, performativity and the gift economy". **Studies in Higher Education**, Vol. 42, No. 7, 1194-1210. DOI: 10.1080/03075079.2015.1085009.
- Ni, C., Sugimoto, C.R. & Robbin, A. (2017). "Examining the evolution of the field of public administration through a bibliometric analysis of public administration review". **Public Administration Review**, Vol. 77, No. 4, 496-509.
- Sugimoto, CR. & Weingart, S. (2015). "The kaleidoscope of disciplinarity". **Journal of Documentation**, Vol. 71, No. 4, 775-794.
- Vinkler, P. (2010). **The Evaluation of Research by Scientometric Indicators**. Oxford: Chandos.



(مقاله پژوهشی)

## علم‌سنجی فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه

عسگر اکبری<sup>\*۱</sup>

بازنگری مقاله: ۱۴۰۱/۰۵/۰۸

دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۲/۲۰

انتشار مقاله: ۱۴۰۱/۰۶/۳۱

پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۶/۱۸

(از ص ۹۳ تا ۱۱۱)

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف شناسایی وضعیت مقاله‌های منتشرشده فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه انجام شد. رویکرد پژوهش، کمی و روش تحلیل محتوا و علم‌سنجی است. جامعه آماری پژوهش کلیه ۲۵۵ مقاله منتشرشده از اولین شماره در بهار سال ۱۳۹۲ تا شماره ۳۶ در زمستان سال ۱۴۰۰ (۹ سال گذشته) پژوهشنامه نهج البلاغه بود. گردآوری و شناسایی مقاله‌ها با مراجعه مستقیم از سامانه وب نشریه انجام شد. در گردآوری اطلاعات به شماره عنوان، تعداد، رتبه علمی، رشته تحصیلی، وابستگی سازمانی نویسندگان، روش‌شناسی و موضوع مقاله‌ها پرداخته شد. یافته‌ها نشان داد که ۵۳۱ نویسنده با نشریه همکاری داشته‌اند که ۷۳/۳ درصد مرد و ۲۶/۷ درصد زن بودند. ۷۴/۱ درصد مقاله‌ها توسط یک نویسنده تألیف شده‌است. سهم مقاله‌های نویسندگان پرکار با مشارکت ۲ نفره و بیشتر ۴۵/۶ درصد بود. سهم مؤلفان رتبه علمی استادیاری بیش از یک سوم (۳۷/۷ درصد) مقاله‌ها است. از ۱۱۲ دانشگاه و مؤسسه پژوهشی که نام آنها در نشریه ذکر شده، دانشگاه بوعلی سینا، دانشگاه تهران، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشگاه لرستان و دانشگاه اصفهان حدود یک سوم (۳۳/۶ درصد) وابستگی سازمانی مؤلفان را تشکیل می‌دهند. نویسندگان رشته زبان و ادبیات از سهم ۴۰/۹ درصد مؤلفان نشریه برخوردار هستند. ۵۲/۴ درصد مطالب نشریه به موضوعات ادبی، روانشناسی، حقوق، زبان‌شناسی، اخلاق و شعر اختصاص دارد. ۴۸/۳ درصد نوع روش پژوهشی مقاله‌های منتشرشده از نوع توصیفی تحلیلی می‌باشد. به‌طور کلی می‌توان اذعان داشت که شرایط نشریه از حیث مؤلفه‌های مطالعه‌شده در مقایسه با نشریات مشابه از وضعیت مناسبی برخوردار است.

**کلید واژه‌ها:** پژوهشنامه نهج البلاغه، تحلیل محتوا، علم‌سنجی.

۱. استادیار گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران

## ۱. مقدمه

توجه به فرهنگ اسلامی یکی از مهمترین ارزش‌های جوامع مسلمان امروزی است که در رسیدن به بالندگی و توسعه علمی مؤثر است و منجر به بهبود سرمایه‌های فرهنگی غنی اسلامی و کاهش ناهنجاری‌های اجتماعی در آنها می‌شود. برای ارتقای جایگاه تمدن اسلامی و غنی‌سازی فرهنگ نوین اسلام، همه مسلمانان جهان باید به توسعه و پیشرفت علمی خود توجه نمایند تا در مقایسه با فرهنگ‌های جوامع دیگر، عقب نمانند (شرفی، شقاقی و پاشنگ، ۱۳۹۸: ۳۴).

بی‌تردید نهج‌البلاغه پس از قرآن کریم گرانبه‌ترین و ارزشمندترین میراث فرهنگی جهان اسلام است که می‌تواند پرکننده خلأهای عمیق فکری، اجتماعی، سیاسی و پاسخگوی مسائل و مشکلات گوناگون مسلمانان و جوامع بشری در همه زمان‌ها و مکان‌ها باشد (دلشادتهرانی، ۱۳۹۴). نهج‌البلاغه به ژرفای دانش بشری از مفاهیم اخلاق فردی تا علوم و فنون را شامل می‌شود و مملو از دانش، حکمت و آموزه‌ها است. مطالعه پژوهش‌های منتشرشده در این حوزه می‌تواند امکان بهره‌مندی از یافته‌های علمی فرهنگ غنی اسلامی را در جهان ارتقا بخشد. چراکه امروزه میزان انتشارات علمی در هر حوزه‌ای، معیاری از بازتاب توان علمی و بالندگی آن حوزه می‌باشد.

یکی از عناصر اصلی و زیربنایی تولید علمی در نظام نهادی و سازمانی علم، مفهوم اجتماع علمی و وجود روابط و تعاملات فکری و تخصصی در بین اعضای آن است. نشریات معتبر داخلی و خارجی به‌عنوان یک نظام، یکی از عرصه‌های بیان تحقیقات و نتایج اجتماع علمی هستند (رازقی و قانعی، ۱۳۹۵: ۶۳). نشریات علاوه بر این که استانداردهای کیفی وضع می‌کنند، با نمایش محورها و موضوع‌های پژوهشی، ماهیت و محدوده ایده‌ها را در جوامع علمی و تخصصی نیز مشخص می‌سازند (سوگیموتو و وینگارت، ۲۰۱۵: ۱۳). با رشد روزافزون نشریات علمی در دهه‌های اخیر، بالطبع انتظار تولید کیفی به‌موازات آن افزایش یافت و فنون و رویکردهای ارزیابی روند رشد و توسعه علمی اجتناب‌ناپذیر شد. از این رو، سنجش میزان تولیدات علمی در حیطه‌های گوناگون علم مطرح و «علم‌سنجی» مورد توجه پژوهشگران قرار گرفت (زندى‌روان، داورپناه و فتاحی، ۱۳۹۳: ۶).

علم‌سنجی یکی از رایج‌ترین روش‌های ارزیابی فعالیت‌های علمی است که با هدف آشکارکردن خصیصه‌ها و ویژگی‌های سنجش علم و فرایند تحقیقات علمی به‌منظور مدیریت مؤثر علم و دانش پدید آمد (وینکر، ۲۰۱۰: ۱۸). علم‌سنجی حوزه‌ای میان رشته‌ای است که به‌دلیل گستردگی دامنه خود، طیف وسیعی از موضوعات را بررسی می‌کند و به‌عنوان یکی از کارآمدترین روش‌های بررسی کلی پژوهش‌های علمی مطرح است (حمدی‌پور و سعادت‌راد، ۱۳۹۷: ۵) و می‌توان با کمک آن معیارهای رشد و توسعه علوم و تأثیرات اثرگذار آنها را تعیین نمود. اساس کار علم‌سنجی، بررسی مطالعات و پژوهش‌های یک موضوع یا نشریه است که با فن تجزیه و تحلیل آماری و کمی با استفاده از روش‌های کتاب‌سنجی انجام

می‌شود و مبتنی بر تحلیل استنادی می‌باشد (کریمی، ۱۳۸۹: ۹۴) اگرچه علم‌سنجی و کتابسنجی دو مقوله جدا از هم می‌باشند.

از این رو، با استفاده از رویکرد علم‌شناسی در بررسی و مطالعه یک نشریه، می‌توان تغییرات آن نشریه را در گذر زمان، براساس پژوهشگران آن حوزه، ارتباط با سایر علوم و موضوعات و محورهای پژوهش شده، شناسایی و تحلیل کرد. ارزش روش یادشده در این است که بدون سوگیری می‌توان موضوع و نویسندگان هر مقاله را با استفاده از آن بررسی نمود (نی، سوگیموتو و رابین<sup>۱</sup>، ۲۰۱۷: ۷). از این رو، تحلیل نشریات یک موضوع خاص علمی، می‌تواند عنصری مفید و کارآمد برای فهم وضعیت موجود و مدیریت آن در آینده باشد.

در این میان، یکی از نشریات تخصصی و تأثیرگذار حوزه علوم انسانی و اسلامی فصلنامه علمی پژوهشنامه نهج البلاغه است که در حوزه موضوعی نهج البلاغه فعالیت می‌کند. این فصلنامه یکی از نشریات مشترک دانشگاه بوعلی‌سینا و دانشگاه‌های همکار است که از سال ۱۳۹۲ با اخذ مجوز علمی-پژوهشی از وزارت علوم تحقیقات و فناوری شروع به فعالیت نموده و به صورت الکترونیکی منتشر می‌شود. این فصلنامه براساس گزارش پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC)<sup>۲</sup> در زمره ضریب تأثیر (Q1)، جزء ۲۵ درصدی مجلات برتر و ضریب تأثیر ۰/۴۶۴ در سال ۱۳۹۸ در حوزه موضوعی می‌باشد (پایگاه استنادی علوم جهان اسلام).

پژوهش حاضر با معیار قراردادن آیین‌نامه تعیین اعتبار نشریات علمی کشور (۱۳۹۸) و شیوه‌نامه نشریه نهج البلاغه به بررسی شاخص‌های ماده ۱۰ آیین‌نامه تعیین اعتبار نشریات؛ میزان رعایت شاخص‌های نشر استاندارد برحسب دستورالعمل شیوه‌نامه نشریه، رعایت روش شناختی پژوهش و استنادهای معتبر منابع و رعایت قالب و فرم زیباساختی، هماهنگی فونت‌های متن و پانویس‌ها و یکدستی نگارش مقالات، استفاده از روش مشخص فهرست‌نویسی مراجع در فصلنامه نهج البلاغه پرداخته است.

## ۱-۱. بیان مسأله

امروزه آثار و تولیدات علمی منتشرشده آینه تمام‌نمای دانش، اطلاعات و قدرت علمی جوامع محسوب می‌شود. از آنجایی که در اسلام علم و دانش از جایگاه بالایی برخوردار است، توجه به سیاست‌گذاری مسائل علمی نیز اهمیت می‌یابد. یکی از روش‌های علمی برای تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری، سنجش میزان تولیدات علمی در حوزه‌های مختلف علوم است.

آثار علمی به‌خصوص مجلات علمی مرکز ثقل دانش هستند. آنها علاوه بر این که نتایج آخرین دستاوردهای علمی را نشر می‌دهند، نقش اساسی در پویایی جامعه علمی نیز دارند. یکی از راه‌های دستیابی به ماهیت و کیفیت نشریات، «تحلیل محتوا» روش علمی مناسبی تشخیص داده شده است. با تحلیل محتوای مقاله‌ها اعم از موضوع، روش‌شناسی پژوهش، وضعیت نویسندگان از نظر جنسیت، مشارکت و

1. Ni, Sugimoto & Robbin  
2. Islamic World Science Citation Center

گرایش موضوعی می‌توان به ظهور و تداوم موضوعات و الگوهای به‌کار گرفته‌شده و موضوعات مجهول دست یافت و توجه دست‌اندرکاران و نویسندگان را به رعایت شاخص‌ها و شیوه‌نامه‌های نشریات جلب نمود. انتظار است نشریات حتی‌الامکان فرمتی را که خود برای راهنمای نگارش مقالات تدوین و ارائه می‌دهند، به‌منظور یک‌دستی در چاپ و نشر رعایت نمایند و در مسیر معینی حرکت نمایند.

از این‌رو تحلیل و علم‌سنجی فصلنامه پژوهشنامه نهج‌البلاغه کمک خواهد نمود تا درک بهتری نسبت به وضعیت نشر محتوای نشریه صورت‌گرفته و تصمیم‌گیری برای آینده آسانتر شود. بنابراین هدف اصلی پژوهش حاضر، ارزیابی محتوای مقاله‌های منتشرشده فصلنامه پژوهشنامه نهج‌البلاغه با روش علم‌سنجی است که در قالب اهداف فرعی: شناسایی موضوعات به‌کاررفته؛ شناسایی نویسندگان پرکار؛ شناسایی وابستگی نویسندگان دانشگاهها و مؤسسات علمی؛ شناسایی رتبه علمی نویسندگان؛ توزیع فراوانی جنسیت نویسندگان؛ ترسیم و تحلیل میزان همکاری نویسندگان؛ رشته‌های علمی نویسندگان و روش شناسی پژوهش‌های مقاله‌های منتشرشده می‌باشد که در نهایت بتواند به این سؤال اساسی پاسخگو باشد که رعایت شاخص‌های تعریف‌شده آیین‌نامه تعیین اعتبار نشریات علمی کشور و شیوه‌نامه مجله در فصلنامه نهج‌البلاغه چه میزان است؟

## ۲-۱. پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش‌های متعددی با روش تحلیل محتوا و علم‌سنجی در حوزه‌های مختلف علم انجام شده است. با وجود این، تعداد پژوهش‌هایی که با رویکرد تحلیل محتوا و علم‌سنجی در حوزه علوم اسلامی و به‌ویژه نشریات اسلامی صورت گرفته بسیار محدود است.

علی‌پورحافظی و مطلبی (۱۴۰۱) در پژوهشی «تحلیل محتوای فصلنامه فرهنگ رضوی» نشان دادند که ۲۹۱ نویسنده با نشریه همکاری داشته‌اند. از این بین تنها ۱۰ درصد از نویسندگان دارای ۵ مقاله منتشرشده در ۳۲ شماره نشریه بودند. همچنین پنج دانشگاه امام صادق (ع)، فردوسی مشهد، علامه طباطبایی، علوم سیاسی رضوی و الزهرا (س) بیش از ۶۰ درصد وابستگی سازمانی پژوهشگران را تشکیل دادند. بین دانشگاهیان، اعضای هیأت علمی با رتبه استادیار بیشترین همکاری را با نشریه داشتند. یافته‌ها حاکی از همکاری کمتر از ۲۵ درصد خانم‌ها در انتشار مقاله‌ها داشته و پژوهشگرانی از رشته علوم قرآن و حدیث به تنهایی با ۱۰۳ عنوان مقاله، رتبه نخست را کسب نموده‌اند.

شرفی، شقاقی و پاشنگ (۱۳۹۸) در پژوهش «تحلیل علم‌سنجی تولیدات علمی در حوزه تمدن اسلامی» دریافتند که روند انتشار مقاله‌ها با کمی نوسان در سال‌های مختلف صعودی بوده و بیشترین موضوع مقاله‌ها به‌ترتیب در حوزه‌های علوم سیاسی، مذهب و جامعه‌شناسی است و جانانان فاکس بیشترین انتشار مقاله را در بین نویسندگان داشته ولی همکاری استنادی نویسندگان کشورها و سازمان‌ها در کل کمتر است و شبکه هم‌رخدادی کلیدواژه‌ها نیز پراکندگی بیشتری داشته و کلیدواژه‌های اسلام و تمدن اسلامی بیشترین هم‌رخدادی را به خود اختصاص داده‌اند.



آخوندی (۱۳۹۸) در پژوهش «تحلیل محتوای مقالات فصلنامه راهبرد» مقاله‌ها را در ۱۱ حوزه اصلی و ۴۰ موضوع جزء دسته‌بندی نمود که در این میان، موضوع علوم سیاسی با ۱۷ درصد، بیشترین مبحث مقاله‌ها بوده‌اند. بیشترین فراوانی در زیرموضوعات به سیاست‌های خارجی با ۷ درصد است. میزان مشارکت پژوهشگران، خوب ارزیابی شد، به گونه‌ای که ۸۰۰ نفر محقق در نگارش ۳۸۸ مقاله مشارکت داشته‌اند و در این بین، مشارکت دانشگاه‌های تهرانی بیشتر بود. بررسی مؤلفان مقاله‌ها نیز نشان داد مؤلفان با رتبه علمی دکتری، دانشجوی دکتری و استادیار بیشترین تعداد از نویسندگان را به خود اختصاص داده‌اند. بررسی روش‌های پژوهشی نشان داد مقاله‌های توصیفی-تحلیلی، روش تحقیق مطالعات کتابخانه‌ای، بررسی منابع و ابزار بررسی اسناد و تحلیل محتوا از فنون پراستقبال پژوهشگران این حوزه بوده است.

محمدی، حسن‌خانی و امید (۱۳۹۶) در پژوهش «تحلیل محتوای مقاله‌های دوفصلنامه تربیت اسلامی در سال‌های ۱۳۹۴-۱۳۸۴» دریافتند که ۸۰/۸ درصد مقاله‌های نشریه با روش کتابخانه‌ای نوشته شده‌اند. ۷۷/۳ درصد مقاله‌ها را نویسندگان مرد نوشته‌اند. بیش از ۵۸ درصد از نویسندگان مقاله‌ها دارای مدرک دکتری و ۴۱/۷ درصد مقاله‌ها تک مؤلف بودند. دانشگاه اصفهان با ۴۰ مقاله، پژوهشگاه حوزه دانشگاه با ۳۰ مقاله و دانشگاه تهران با ۲۳ مقاله بیشترین سهم در انتشارات مقاله‌های نشریه را دارند. همچنین از نظر موضوعی ۲۲ درصد مقاله‌های منتشرشده در حیطه تعلیم و تربیت اسلامی نوشته شده‌اند.

قبادی، محمداسماعیل و میرحسینی (۱۳۹۵) در پژوهش خود «تحلیل محتوای مقالات فصلنامه علمی-پژوهشی نهج طی سال‌های ۱۳۹۴-۱۳۸۹» نشان دادند که مقاله‌ها به نسبت بالایی دارای شباهت موضوعی و محتوایی هستند و بیشترین پوشش موضوعی به الهیات اختصاص دارد. بیشترین مقاله‌ها دارای ساحت تحلیلی و دارای موضوع‌بندی علوم انسانی بوده، بیشترین استنادهای ابراز شده در مقاله‌های مورد بررسی (۷۱/۶ درصد) مربوط به محققان و پژوهشگران علمی است. مخاطب (۵۱/۶ درصد) مقاله‌ها عموم افراد جامعه و مخاطب (۳۰/۹ درصد) از مقاله‌ها مدیران و مسئولان حکومتی هستند. بیشترین روش تحقیق مقاله‌ها روش سندی و بنیادی بود. (۷۹/۴ درصد) نویسندگان مقاله‌ها مرد و (۳۰/۶ درصد) زن بودند. بیشترین مرتبه علمی نویسندگان در مقاله‌ها استاد (۲۶/۵ درصد)، دانشجوی دکتری (۱۹/۴ درصد) و استادیار (۱۸/۸ درصد) می‌باشد. همچنین (۷۲/۵ درصد) مقاله‌ها بین‌رشته‌ای و (۷۵/۸ درصد) مقاله‌ها دارای منابع ردیف اول بودند.

محمدی‌پویا، صالحی و مومیوند (۱۳۹۴) در پژوهش «تحلیل محتوای نهج البلاغه براساس ساحت‌های شش‌گانه تربیتی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» نشان دادند که برای ساحت تربیت اعتقادی و عبادی ۷۴ مؤلفه، برای ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی ۲۲ مؤلفه، برای ساحت تربیت زیستی و بدنی ۸ مؤلفه، برای ساحت تربیت زیبایی‌شناختی و هنری ۱۲ مؤلفه، برای ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای ۸ مؤلفه، برای ساحت تربیت علمی و فناوری ۱۱ مؤلفه و سپس برای هر یک از مؤلفه‌ها، مصادیقی از نهج البلاغه استخراج نمودند. آنها نتیجه گرفتند که ارتباط زیادی بین ساحت‌های تربیتی سند تحول بنیادین

آموزش و پرورش و نهج‌البلاغه به‌عنوان یکی از متون اسلامی ارزشمند وجود دارد و پژوهش‌هایی از این دست می‌تواند به غنی ساختن اسناد تعلیم و تربیت توسط متون دینی و اسلامی کمک نماید.

وایشیا، گوپتا، کاپی و وایش<sup>۱</sup> (۲۰۲۲) در پژوهش «تجزیه و تحلیل علم‌سنجی انتشارات هند در زمینه آرتروپلاستی در دو دهه گذشته از پایگاه داده‌های اسکاپوس<sup>۲</sup>» دریافتند که در دو دهه گذشته ۸۷۲ مقاله در زمینه تحقیقات آرتروپلاستی منتشر شده‌است که سهم ۱,۳۶ درصدی از تولید جهانی را تشکیل می‌دهد. آرتروپلاستی زانو بیشترین سهم (۵۲,۴ درصد) و پس از آن مفصل ران (۳۵,۷ درصد) قرار دارد. ۸۴۱ نویسنده از ۴۱۳ سازمان به‌طور نابرابر در تحقیق در مورد این موضوع پژوهش نمودند، مؤسسه دانش هند با بیشترین تعداد انتشارات (۹۷) و پس از آن بیمارستان‌های آپولو ایندراپراستا (۴۶)، بیمارستان بریج کندی بمبئی (۴۰) و مؤسسه تحصیلات تکمیلی آموزش و تحقیقات پزشکی چانديگار (۳۸) و مالتهورا بیشترین تعداد انتشارات (۵۵) و پس از آن، وایشیا (۳۵) و شتی (۲۳) ثبت نمودند. همچنین مجله آرتروپلاستی (۱۲۳) و پس از آن مجله ارتوپدی بالینی و تروما (۵۰) و ارتوپدی بین‌المللی (۳۲) مقاله چاپ نمودند.

پژوهش کوریان، گاندی<sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۲۱) با عنوان «تجزیه و تحلیل مجلات پایه علمی پروتزدرمانی براساس رتبه‌بندی سایمگو و شاخص‌های کشوری از سال ۲۰۱۹-۲۰۱۰» دریافتند که رتبه علمی مطلق نشریات سایمگو<sup>۴</sup>، در دوره‌های زمانی مختلف برای مجله علمی پروتزدرمانی، مجله بین‌المللی پروتزدرمانی و مجله تحقیقات پروتزدرمانی بالاترین نمره نشریات سایمگو را نسبت به سایر نشریات در این دوره کسب نمودند و دارای بیشترین اعتبار می‌باشد.

حسین، ظفر و اولته<sup>۵</sup> (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان «رمضان و سلامت عمومی: تحلیل کتاب سنجی مقالات پر استناد از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۹» انجام دادند. آنها دریافتند که پرتکرارترین کلمات کلیدی شامل رمضان، روزه‌داری، ورزش، روزه‌داری در ماه رمضان و عملکرد جسمانی می‌باشد.

از جستاری در پژوهش‌های گذشته می‌توان چنین نتیجه گرفت که جای تحلیل محتوا و علم‌سنجی فصلنامه پژوهشنامه نهج‌البلاغه در بین پژوهش‌های حوزه اسلامی خالی است و همچنین تحلیل محتوا و علم‌سنجی شیوه مناسبی برای ارزیابی نشریات، به‌ویژه علوم انسانی و علوم اسلامی است.

### ۳-۱. اهمیت و ضرورت پژوهش

از امام علی (ع) نقل است که فرمودند «در این سینه‌ام دانش بسیاری است که پیغمبر (ص) به من آموخته و اگر دانش پژوهانی می‌یافتم که حق دانش را ادا کنند و چنان که از من می‌شنوند به دیگران باز گویند بخشی از آن را به آنان تعلیم می‌کردم که از آن بخش، علوم بدست آید که دانش کلید هر دری است» (شخصیت امام علی (ع)، ۱۳۸۵). اگرچه جهان از وجود مبارک امام (ع) محروم است اما نهج‌البلاغه یادگار

1. Vaishya, Gupta, Kappi, & Vaish

2. SCOPUS

3. Kuria & Gandhi

4. SJR

5. Husain, Zafar & Ullah

و در گوهربار ایشان حاضر است. خوشبختانه بهره‌مندی از نهج‌البلاغه روزبه‌روز روبه فزونی دارد و فصلنامه پژوهشنامه نهج‌البلاغه نیز با چشم‌انداز شناخت هرچه بهتر شخصیت اهل بیت (ع)، در مسیر کمک به تحول بنیادین و اجرای آموزه‌های نهج‌البلاغه در تمام زوایا و ابعاد زندگی فردی و اجتماعی منتشر می‌شود.

آنچه مسلم است مقاله‌ها و پژوهش‌های منتشرشده پیرامون نهج‌البلاغه در فصلنامه تخصصی پژوهشنامه می‌تواند ما را با کم‌وکیف فهم کلام امام (ع) آشنا سازد. امروزه تولید نظرات علمی مبتنی بر علوم و حیانی و بسط و گسترش علوم دینی جایگاه ویژه‌ای در مسائل پژوهشی یافته و احادیث و روایات مأثور از اولیای دین به‌عنوان سرمایه‌های اصیل تولید علوم دینی محسوب می‌شود (مدیرشانه‌چی، ۱۳۸۴). نشریات علمی به‌منزله مجرای ارتباط اهل دانش و پژوهش، همواره در کانون توجه مراکز پژوهش، مجامع علمی و علاقه‌مندان علم و تحقیق قرار داشته است (نوبخت، ۱۳۹۸). اما حفظ کم‌وکیف نشریات برای سیاست‌گذاری مسئولین نشریات همواره چالش اساسی است، چراکه نشریات در سطح دنیا از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردارند و یکی از مهمترین عوامل تعیین‌کننده رتبه علمی کشورها و جوامع می‌باشند. علم‌سنجی تجزیه و تحلیل کمی و کیفی تولیدات نشریات را مورد ارزیابی علمی قرار می‌دهد و نتایج و یافته‌هایش را در جهت ارتقا و تولید محتوای بهتر مقاله‌ها در اختیار دست‌اندرکاران نشریات قرار می‌دهد. از این‌رو به‌نظر می‌رسد آگاهی از نقاط قوت و ضعف محتوای فصلنامه پژوهشنامه نهج‌البلاغه که یکی از نشریات ارزشی نیز است، می‌تواند نقشه‌راهی برای مدیران در کیفی‌سازی و نویسندگان را در انتخاب موضوع مقالات کاربردی یاری رساند.

#### ۴-۱. روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نوع کاربردی با رویکرد تحلیل محتوا و علم‌سنجی است. جامعه آماری پژوهش شامل ۲۵۵ مقاله منتشرشده در ۹ سال گذشته از اولین شماره (بهار ۱۳۹۲) تا شماره ۳۶ (زمستان ۱۴۰۰) فصلنامه پژوهشنامه نهج‌البلاغه می‌باشد که به‌منظور توصیف عینی و کیفی محتوای مفاهیم انجام شده است.

گردآوری و شناسایی مقاله‌ها با مراجعه مستقیم به سامانه وب نشریه انجام شد. برای گردآوری اطلاعات شماره مقاله‌ها، موضوع مقاله‌ها، نویسندگان مقاله‌ها، رتبه علمی نویسندگان، رشته تحصیلی نویسندگان، وابستگی سازمانی نویسندگان، واژگان کلیدی و روش‌شناسی مقاله‌ها مورد بررسی قرار گرفت. روش کار برای گردآوری اطلاعات بدین‌صورت بود که بعد از دانلود هر مقاله، مقاله مورد بررسی قرار می‌گرفت و تمام اطلاعات مورد نیاز از آن استخراج و در جداول مخصوصی که برای هر گروه از مؤلفه‌ها طراحی شده‌بود ثبت می‌شد. در مرحله بعد، اطلاعات کیفی دریافتی مقاله‌ها به داده‌های کمی تبدیل و سپس با نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل شدند.

### ۵-۱. یافته‌های پژوهش

در این بخش باتوجه به اطلاعات موجود که شامل ۲۵۵ عنوان مقاله، ۵۳۱ نویسنده، ۶۱ رشته گرایش تحصیلی و ۱۸۴ موضوع می‌باشد به بررسی یافته‌ها پرداخته شده‌است.

#### ۱-۵-۱. جنسیت نویسندگان

در تدوین مقاله‌های فصلنامه پژوهشنامه نهج‌البلاغه ۵۳۱ نویسنده مشارکت و همکاری داشته‌اند که در جدول شماره ۱ سهم نویسندگان از نظر جنسیت ارائه شده‌است.

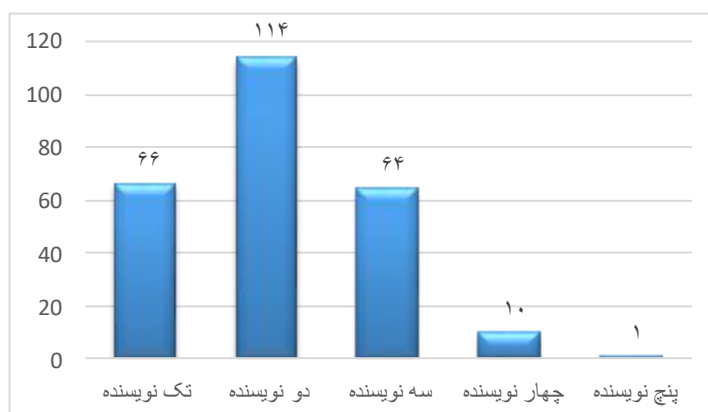
جدول ۱. سهم نویسندگان از نظر جنسیت

جنسیت	مرد	زن	جمع
فراوانی	۳۸۹	۱۴۲	۵۳۱
درصد فراوانی	۷۳/۳	۲۶/۷	۱۰۰

همانگونه که جدول فوق نشان می‌دهد سهم مردان در تدوین مقاله‌های فصلنامه پژوهشنامه نهج‌البلاغه ۷۳/۳ درصد و سهم زنان ۲۶/۷ درصد می‌باشد که نشان از سهم سه برابری نوشتن مردان نسبت به نگارش زنان در مقاله‌های نشریه است.

#### ۲-۵-۱. همکاری و مشارکت نویسندگان

بررسی وضعیت مقاله‌های منتشرشده از نظر مشارکت و همکاری نویسندگان در مقاله‌های فصلنامه پژوهشنامه نهج‌البلاغه در نمودار شماره ۱ آمده‌است.



نمودار ۱. توزیع فراوانی مشارکت نویسندگان

براساس نمودار فوق از ۲۵۵ مقاله منتشرشده در فصلنامه پژوهشنامه نهج‌البلاغه، ۲۵/۹ درصد مقاله‌ها دارای یک نویسنده هستند. ۴۴/۷ درصد مقاله‌ها دارای دو نویسنده می‌باشند. ۲۵/۱ درصد مقاله‌ها با مشارکت سه نویسنده نوشته شده‌اند. ۳/۹ درصد مقاله‌ها توسط چهار نویسنده همکار نوشته شده و ۰/۴ درصد مقاله‌ها توسط پنج نویسنده نوشته شده‌است.

### ۳-۵-۱. نویسندگان پرکار

تعداد سهم هر نویسنده پرکار فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه در نگارش مقاله‌های منتشرشده در جدول شماره ۲ ارائه شده‌است. در این پژوهش نویسندگانی که ۲ مقاله و بیشتر در نشریه به‌چاپ رسانده‌اند به عنوان «نویسنده پرکار» محسوب شده‌اند.

جدول ۲. توزیع فراوانی نویسندگان پرکار

نویسنده	۱	۱	۳	۲	۱۸۹
تعداد مقاله‌ها	۷	۶	۴	۱۰	۵۰
فراوانی نویسندگان	۷	۶	۱۶	۳۰	۱۰۰
درصد فراوانی نویسندگان	۲	۱/۷	۴/۶	۸/۶	۲۸/۷

بر اساس جدول ۲، نام یک نویسنده در ۷ مقاله (۲ درصد)، نام یک نویسنده در ۶ مقاله (۱/۷ درصد)، نام چهار نویسنده در ۴ مقاله (۴/۶ درصد)، نام سه نویسنده در ۱۰ مقاله (۸/۶ درصد)، نام دو نویسنده در ۵۰ مقاله (۲۸/۷ درصد) و نام ۱۸۹ نویسنده در ۱ مقاله (۵۴/۳ درصد) ثبت شده‌است. نویسندگانی (نویسندگان پرکار) که در نشریه ۲ مقاله و بیشتر به چاپ رسانده‌اند از سهم ۴۵/۶ درصدی برخوردار می‌باشند.

### ۴-۵-۱. رتبه علمی نویسندگان

بررسی وضعیت رتبه علمی نویسندگان مقاله‌های فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه در جدول شماره ۳ ارائه شده‌است.

جدول ۳. توزیع فراوانی رتبه علمی نویسندگان مقاله‌ها

رتبه علمی	استاد	دانشیار	استادیار	دکتری	ارشد کارشناس	دکتری دانشجوی	ارشد دانشجوی	مدرس علمی	هیئت علمی	سایر	جمع
فراوانی	۳۰	۹۶	۲۰۰	۱۹	۵۳	۹۲	۱۸	۶	۶	۱۱	۵۳۱
درصد	۵/۶	۱۸/۱	۳۷/۷	۳/۶	۱۰	۱۷/۳	۳/۴	۱/۱	۱/۱	۲/۱	۱۰۰

همانگونه که در جدول فوق مشاهده می‌شود ۳۷/۷ درصد مقاله‌های نشریه توسط نویسندگان رتبه علمی استادیاری نوشته شده‌است. رتبه علمی دانشیاری با ۱۸/۱ درصد و دانشجوی دکتری با ۱۷/۳ درصد در رتبه‌های دوم و سوم قرار گرفته‌اند. نویسندگان رتبه هیأت علمی و مدرس هر کدام با ۱/۱ درصد در رتبه‌های آخر قرار گرفته‌اند.

۱. کارشناس ۴ مقاله، مربی ۳ مقاله، حوزوی ۲ مقاله، دانشجوی کارشناسی ۱ مقاله و پسادکتر ۱ مقاله می‌باشد.

### ۵-۵-۱. وابستگی سازمانی نویسندگان

بررسی وابستگی سازمانی نویسندگان مقاله‌های فصلنامه پژوهشنامه نهج‌البلاغه حاکی از این است که ۱۱۲ دانشگاه، مراکز علمی، پژوهشگاه و مؤسسات تحقیقاتی در تدوین مقاله‌های نشریه همکاری داشته‌اند. طبق بند ۴-۴ آیین‌نامه تعیین اعتبار نشریات علمی کشور (۱۳۹۰) حداقل ۵۰ درصد مقاله‌های هر شماره از نشریه باید از نویسندگان خارج از نهاد صاحب امتیاز باشد. در جدول ۴ وابستگی سازمانی نویسندگان مقاله‌ها ارائه شده‌است. بدلیل محدودیت فضای مقاله از ذکر نام مستقیم مراکزی که فراوانی آنها کمتر از ۴ می‌باشد خودداری شده و تحت عنوان «کمتر از ۴ فراوانی» در جدول آمده است.

جدول ۴. دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی

نام دانشگاه	فراوانی	درصد	نام دانشگاه	فراوانی	درصد	نام دانشگاه	فراوانی	درصد
بوعلی	۸۵	۱۶	شیراز	۱۰	۱/۹	دبیری شهیدرجایی	۶	۱/۱
تهران	۳۹	۵/۵	مازندران	۱۰	۱/۹	مفید	۵	۰/۹
فردوسی	۲۲	۴/۱	تربیت مدرس	۱۰	۱/۹	سمنان	۵	۰/۹
لرستان	۲۱	۴	آزاد اصفهان	۹	۱/۷	فرهنگیان	۵	۰/۹
اصفهان	۲۱	۴	قرآن و حدیث	۸	۱/۵	تبریز	۴	۰/۸
کاشان	۱۹	۳/۶	علامه طباطبائی	۷	۱/۳	امام حسین (ع)	۴	۰/۸
شهیدچمران	۱۵	۲/۱	الزهرا	۷	۱/۳	آزاد علوم و تحقیقات	۴	۰/۸
قم	۱۴	۲/۴	ایلام	۷	۱/۳	شهید بهشتی	۴	۰/۸
رازی	۱۴	۲/۶	شهید مدنی	۶	۱/۱	آزاد اسلامی خلخال	۴	۰/۸
اراک	۱۳	۲/۴	گیلان	۶	۱/۱	کمتر از ۴ فراوانی	۱۱۴	۲۱/۵
محقق‌ادبیلی	۱۱	۲/۱	بین‌المللی امام	۶	۱/۱	بدون ذکر نام محل	۱۰	۱/۹
خوارزمی	۱۰	۱/۹	آزاد اراک	۶	۱/۱	جمع	۵۳۱	۱۰۰

جدول فوق نشان می‌دهد که وابستگی سازمانی نویسندگان به دانشگاه بوعلی سینا ۱۶ درصد می‌باشد و نویسندگان دانشگاه تهران ۵/۵ درصد، نویسندگان دانشگاه فردوسی مشهد ۴/۱ درصد، لرستان و اصفهان هر کدام ۴ درصد در رتبه دوم تا پنجم قرار دارند. مجموع پنج دانشگاه اول وابستگی ۳۳/۶ درصد نویسندگان را تشکیل می‌دهند. همچنین ۲۱/۵ درصد از مقاله‌ها با وابستگی کمتر از ۴ مقاله در دانشگاه‌ها و مراکز علمی ثبت شده‌است و ۱/۹ درصد از نویسندگان وابستگی سازمانی خود را در نگارش مقاله‌ها بیان نکرده‌اند.

### ۶-۵-۱. رشته و گرایش نویسندگان

در نگارش مقاله‌های فصلنامه پژوهشنامه نهج‌البلاغه نویسندگان با ۱۷ رشته اصلی و ۶۱ گرایش در تدوین مقاله‌های نشریه مشارکت داشته‌اند. در جدول ۵ رشته و گرایش موضوعی نویسندگان مقاله‌های نشریه ارائه شده‌است. بدلیل طولانی شدن جدول فراوانی از ذکر نام کلیه رشته‌ها و گرایش‌ها خودداری شده و

فقط رشته‌هایی که ۸ فراوانی و بیشتر داشتند ذکر شده و مابقی تحت عنوان موضوعات متفرقه آورده شده است.

جدول ۵. رشته و گرایش نویسندگان مقاله‌ها

رشته	گرایش	فراوانی	درصد	رشته	گرایش	فراوانی	درصد	
اسلامی الهیات و عقاید	معارف اسلامی	۳۰	۵/۶	زبان و ادبیات	زبان‌شناسی همگانی	۶	۱/۲	
	معارف الهیات	۴	۱/۸		زبان و ادبیات عربی	۱۶۴	۳۰/۹	
	قرآن و مستشرقین	۱	۱/۲		زبان و ادبیات فارسی	۴۵	۸/۵	
	الهیات	۱۳	۲/۴		مترجمی زبان عربی	۲	۱/۴	
علوم قرآنی	الهیات و ادیان	۱	۱/۲	دین	شیعه‌شناسی	۱	۱/۲	
	تفسیر علوم قرآنی	۲	۱/۴		عرفان اسلامی	۱	۱/۲	
	علوم قرآن و فقه	۱	۱/۲		ادیان و عرفان	۳	۱/۶	
	علوم قرآن و حدیث	۶۷	۱۲/۶		علوم اجتماعی	۲	۱/۴	
-	نهج البلاغه	۱۹	۳/۶	علوم اجتماعی	جامعه‌شناسی	۲	۱/۴	
-	مهندسی صنایع	۲	۱/۴		مطالعات فرهنگی	۱	۱/۲	
تاریخ	تاریخ اسلام	۱	۱/۲	سیاسی	علوم سیاسی	۱۰	۱/۹	
	تاریخ و تمدت ملل	۴	۱/۸		جغرافیا سیاسی	۳	۱/۶	
	تاریخ	۳	۱/۶		حقوق	فقه و مبانی حقوق	۷	۱/۳
علوم تربیتی	تاریخ و فلسفه آموز	۱	۱/۲	حقوق		۱۲	۲/۳	
	مدیریت آموزشی	۵	۱/۹	حقوق بین‌الملل		۳	۱/۶	
	علوم تربیتی	۱۳	۲/۴	حقوق جزا		۳	۱/۶	
	مدیریت برنامه ریزی	۳	۱/۶	نظامی	لجستیک زنجیره تامین	۱	۱/۲	
تعلیم و تربیت اسلامی	۱	۱/۲	فرماندهی و ستاد		۱	۱/۲		
فلسفه و اخلاق	فلسفه تعلیم و تربیت	۱۲	۲/۳	اقتصاد	علوم اقتصادی	۹	۱/۷	
	فلسفه و کلام	۱	۱/۲		اقتصاد اسلامی	۳	۱/۶	
	فلسفه و اخلاق	اخلاق	۱	۱/۲	مدیریت	مدیریت دولتی	۱۰	۱/۹
		فلسفه اسلامی	۳	۱/۶		مدیریت	۴	۱/۸
فلسفه هنر		۱	۱/۲	مدیریت منابع انسانی		۲	۱/۴	
تربیت اخلاقی		۱	۱/۲	مدیریت اجرایی		۱	۱/۲	
روانشناسی	روانشناسی تربیتی	۵	۱/۹	مدیریت	مدیریت جهانگردی	۱	۱/۲	
	روانشناسی	۱۲	۲/۳		مدیریت بازرگانی	۱۱	۲	
	روانشناسی بالینی	۱	۱/۲		مدیریت کارآفرینی	۱	۱/۲	
	پویاشناسی سیستمها	۱	۱/۲		مدیریت صنعتی	۳	۱/۶	
	بدون مشخصات	۱۰	۱/۹	جمع	۵۳۱	۱۰۰		

طبق جدول فوق نویسندگان رشته زبان و ادبیات ۴۰/۹ درصد، علوم و قرآن حدیث ۱۳/۲ درصد، الهیات و معارف اسلامی ۹/۲ درصد، علوم تربیتی ۶/۶ درصد، مدیریت ۶/۲ درصد و حقوق ۴/۷ درصد، ۸۰/۸ درصد مطالب نشریه را نوشته‌اند. ۱/۹ درصد رشته و گرایش نویسندگان مشخص نیست.

۷-۵-۱. موضوعات مقاله‌ها

در بررسی پراکندگی موضوعات به کار گرفته شده در فصلنامه پژوهشنامه نهج‌البلاغه، موضوعات از مقاله‌ها استخراج و سپس ۱۸۴ موضوع با بانک مستندات سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران منطبق شد. موضوعات در جدول شماره ۶ براساس حروف الفبایی مرتب شده‌اند.

جدول ۶. لیست موضوعات مقاله‌ها

اخلاق اسلامی	تشبیه	رهبری معنوی	قانون اساسی جمهوری...
اخلاق سازمانی	تصحیف متون	زبان‌شناسی - ادوات	کارآفرینی اجتماعی
اخلاق سیاسی <sup>۲*</sup>	تصمیم‌گیری - اخلاقی	زنان ۲	کنش‌های گفتاری ۲
اخلاق کسب و کار	تعلیم و تربیت	زندگی معنوی	گزینش واژگان
ادراک اجتماعی	تعلیم و تربیت	زیبایی‌شناسی	گفتمان ادبی ۴
ارزیابی عملکرد ۲	التفات (معانی و بیان)	ساختارگرایی ۳	گفتمان انتقادی
ازلیت و ابدیت	تفسیر(زبان‌شناسی) ۲	سبک زندگی	گفتمان علوی
اسباب صدور	تقوا	سبک‌های شناختی ۹	گونه‌های زبانی
استعاره ۳	توزیع درآمد	سجع متوازی	مبارزه با مفاسد اقتصادی
اسناد و مدارک	جدایی‌طلبی	سخنوری ۲	مخاطب‌شناسی ۲
اشتباه‌ها (فقه) ۲	جرم - محاربه	سرمایه روان‌شناختی	مدیریت جهادی
اقناع - روان‌شناسی	جرم‌شناسی	سعادت	مدیریت دانش
امت اسلامی	جنگ‌روانی ۲	سلامت انتخاب حاکم	مدیریت راهبردی
امنیت انسانی	الحداد	سلامت معنوی	مدیریت نیروی انسانی
امنیت ملی	حسن و قبح	سنت نبوی ۲	مردم‌شناسی
اندیشه‌های سیاسی	حقوق بشر ۲	سند تحول آموزش و پرورش	مشاوره
انسجام	حقوق بین‌الملل	سیاست عمومی	مشروعیت حکومت ۳
انعطاف‌پذیری	حقوق حیوان‌ها	شایستگی (اسلام)	معادشناسی
انگیزش ۲	حقوق خانواده ۲	شعر پارسی	معانی و بیان ۳
انگیزش اخلاقی	حقوق عمومی ۲	شعر - ستایش‌نامه‌ها	معاهدات امام با مالک
اهداف سازمانی	حکمت عملی	شعر - عدل محور	معرفت‌شناسی ۲
آداب طریقت	حکمت نظری	شعر کلاسیک ۲	معناشناسی شناختی قالبی
آسیب‌شناسی اخلاقی ۲	حکومت دینی ۴	شعر - مدح علوی	معناشناسی واژه امر
آسیب‌شناسی تاریخی	خاندان نبوت	شعر معاصر	معناشناسی واژه ذلت
آسیب‌های اجتماعی	خدانشناسی ۲	شعر نیمایی	معناشناسی واژه صدق
آسیب‌های سیاسی	خردگرایی	شفافیت در دولت	مقاومت مدنی
آشنایی‌زدایی ۲	خشونت (فقه)	شک - فلسفی	مهارت‌های زندگی ۲
آموزه‌های اخلاقی	خوش‌بینی	شکل‌گرایی ۲	نزاهت در کلام
بلاغت شعر	خویش‌داری	شیطان	نظام‌های مالیاتی
بوم‌شناسی انسانی	دانشمندان اسلامی	صنایع ادبی	نقد - اسناد و مدارک

\*. شماره‌های مقابل موضوع بیانگر تعداد فراوانی آنها در فصلنامه پژوهشنامه نهج‌البلاغه می‌باشد.



بهداشت روانی	درون‌نگری	عدالت اجتماعی ۳	نقد تاریخی
بهبودی روان‌شناختی	دعا- فلسفه	عدالت توزیعی	نقد تأویلی
بی‌معنا بودن (فلسفه)	دموکراسی ۲	عدالت کیفری	نقد- تصاویر تجسمی
بینامتنیت ۲	دنیاطلبی	عقل‌گرایی- فلسفه	نقد- روش‌شناسی
پایان‌بندی	دینامیک	علم حصولی	نقد- مجاز
پدیده‌شناختی	دینداری ۲	علم حضوری	نقش‌گرای ۲
پرورش کودک	رذایل اخلاقی ۲	علم معانی	واژگان متفرد
پیشگیری از جرم ۲	رشد اخلاقی ۳	علوم نظامی	واژه‌گزینی
تاریخ و نقد	روابط اجتماعی ۲	فرزاندگی	ویژگی‌های رهبری
تأمین اجتماعی ۲	روابط بین‌المللی ۲	فرزندپروری	هرمنوتیک
تأویل	روان‌شناسی اجتماعی	فضای صدور ۲	هستی‌شناسی ۳
تحلیل تطبیقی	روانشناسی اقتصادی	فضایل اخلاقی ۲	همپایگی (زبان‌شناسی)
تحلیل گفتمان	روان‌شناسی رشد ۲	فقه- رانت‌جویی	هنر مینیمال
تربیت اخلاقی	روانشناسی یأس	فقه سیاسی	هوش اخلاقی ۲
ترجمه- تاریخ و نقد	روش‌شناسی	فلسفه اخلاق	هوش معنوی
ترجمه- روش‌شناسی	روش‌های تربیتی	فلسفه ۳	هیجان‌ها

جدول ۷ تعداد موضوعات به‌کاررفته شده و فراوانی موضوعات در فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه را نشان می‌دهد.

جدول ۷. توزیع فراوانی موضوع مقاله‌ها

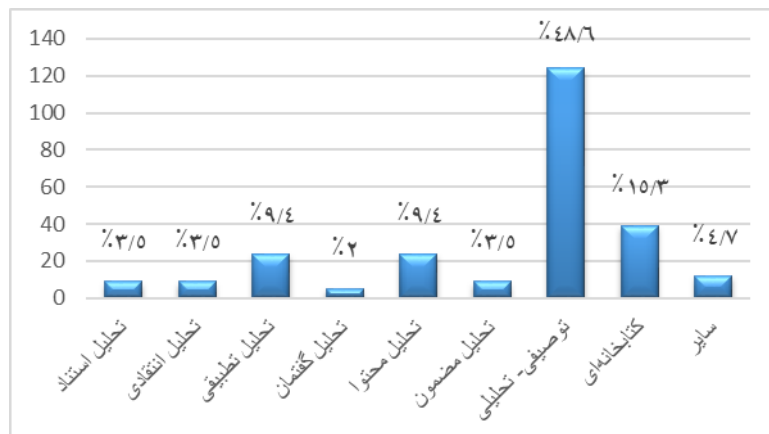
موضوع مقاله‌ها	ادبیات	روانشناسی	حقوق	زبان‌شناسی	اخلاق	شعر	سایر
فراوانی	۲۶	۱۷	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۸۸
درصد فراوانی	۱۴	۹/۲	۸/۱	۷/۶	۷	۶/۵	۴۷/۶

بر اساس جدول فوق در مجموع ۱۸۴ موضوع در فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه مورد استفاده قرار گرفته‌است که به‌ترتیب، موضوع ادبی ۱۴ درصد، روانشناسی ۹/۲ درصد، حقوق ۸/۱ درصد، زبان‌شناسی ۷/۶ درصد، اخلاق ۷ درصد و شعر ۶/۵ درصد رتبه اول تا ششم مطالب نشریه را تشکیل دادند. سهم شش موضوع ۵۲/۵۴ درصد از کل مطالب نشریه می‌باشد.

### ۸-۵-۱. مطالعه روش‌شناسی مقاله‌ها

بررسی وضعیت روش‌شناسی مقاله‌های منتشرشده فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه در نمودار شماره ۲ ارائه شده‌است. سایر روش‌هایی هستند که فراوانی کمتر از ۵ دارند.

۱. تحلیل گفتمانی با ۳ فراوانی؛ اکتشافی، داده‌بنیاد و پیمایش هر کدام ۲ فراوانی؛ آزمایشی، اعتبارسنجی، پویاشناسی، تاریخی و مطالعه موردی هر کدام با ۱ فراوانی.



نمودار ۲. توزیع فراوانی روش‌شناسی مقاله‌ها

همانگونه که در نمودار فوق مشاهده می‌شود روش توصیفی-تحلیلی با ۴۸/۳ درصد در رتبه اول، روش کتابخانه‌ای با ۱۵/۲ درصد در رتبه دوم و روش تحلیل محتوا با ۹/۳ درصد در رتبه سوم روش‌های به‌کاررفته در پژوهش مقاله‌های نشریه قرار گرفته‌اند. ۴/۷ درصد مربوط به سایر روش‌های پژوهشی می‌باشد.

## ۲. بحث

نتایج یافته‌های پژوهش از منظر جنسیت نشان داد از مجموع ۵۳۱ نویسنده ۲۵۵ عنوان مقاله در فصلنامه پژوهشنامه نهج‌البلاغه، سهم همکاری مردان ۷۳/۳ درصد و سهم مشارکت زنان ۲۶/۷ درصد می‌باشد. این مطلب گویای این است که مردان نسبت به زنان حدود ۲/۷ برابر در نشریه بیشتر فعال هستند. به‌نظر می‌رسد با توجه به این که زنان سهم برابری در دین اسلام با مردان دارند و از سویی در سیستم آموزش عالی از سهم قابل توجهی برخوردارند، در این حوزه کم‌کاری داشته‌اند. دگرگونی‌های شتابنده دانش و فناوری در سده‌های اخیر و افزایش نقش زنان در توسعه اقتصادی و اجتماعی موجب شده‌است کشورهای پیشرفته جهان دریابند که توسعه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشورشان بدون توجه به زنان امکان‌پذیر نیست (پیران، ۱۳۸۳). از این‌رو، توجه به مشارکت زنان متخصص و ایفای نقش پررنگ آنان در نگارش مقاله‌های علمی در این حوزه ضروری است. این یافته‌ها با پژوهش‌های قبادی، محمداسماعیل و میرحسینی (۱۳۹۵)، محمدی، حسن‌خانی و امید (۱۳۹۶) و علیپورحافظی و مطلبی (۱۴۰۱) مطابقت دارد. نتایج پژوهش از منظر مشارکت و همکاری نویسندگان حاکی از این است که از ۲۵۵ مقاله بررسی‌شده، ۴۴/۷ درصد مقاله‌ها با همکاری و مشارکت دو نویسنده نوشته شده‌است. آنچه که از یافته‌ها برمی‌آید نویسندگان مقاله‌های ۲ نفره نزدیک به ۵۰ درصد نوشته‌های نشریه را تشکیل می‌دهند که نشان از همدلی و همکاری مطلوب نویسندگان در انتشار مقاله‌های نشریه می‌باشد. به‌نظر می‌رسد اگر نویسندگان با رعایت حفظ حق و حقوق هم‌دیگر در نوشتن مقاله‌های مشترک بیشتر تلاش نمایند به احتمال زیاد

کیفیت مقاله‌های علمی بهبود چشم‌گیری خواهند یافت. یافته این بخش از پژوهش با یافته‌های پژوهش‌های محمدی، حسن‌خانی و امید (۱۳۹۶) و (علیپورحافظی و مطلبی، ۱۴۰۱) همسو می‌باشد.

نتایج بررسی سهم نویسندگان پرکار نشان داد که نویسندگانی که در نگارش نشریه ۲ مقاله و بیشتر ارائه نمودند ۴۵/۶ درصد می‌باشد. به‌نظر می‌رسد آنچه که باعث تکرار نام مؤلفین به‌عنوان نویسندگان پرکار آمده‌است بخاطر نقش استاد راهنما و مشاور در پایان‌نامه‌های دانشجویی می‌باشد. همچنین مشارکت و همکاری زنان در نوشتن مقاله‌ها، در حد دو نویسنده پرکار بوده و خیلی محدود جزء سه نویسنده پرکار می‌باشند. در مجموع به‌نظر می‌رسد میزان مشارکت و همکاری نویسندگان در نشریه چندان مطلوب نبوده، اگرچه شواهدی نشان می‌دهد که در سال‌های اخیر روند روبه‌رشد نویسندگان پرکار در حال فزونی است. یافته‌های این بخش با یافته‌های پژوهش‌های محمدی، حسن‌خانی و امید (۱۳۹۶)، (آخوندی، ۱۳۹۸) و (علیپورحافظی و مطلبی، ۱۴۰۱) همسو است.

نتایج رتبه علمی نویسندگان حاکی از این است که نویسندگان با عناوین استاد، دانشیار، استادیار، عضو هیأت علمی، دکتر، مدرس، مربی، کارشناس ارشد، دانشجوی دکترا، دانشجوی کارشناسی ارشد، کارشناس و دانشجوی کارشناسی در نگارش مقاله‌های نشریه نقش داشتند. نویسندگان رتبه علمی استادیاری با نگارش ۳۷/۷ درصد مقاله، سهم تولید بیش از یک سوم مقاله‌های نشریه را به خود اختصاص داده‌اند. آنچه که در این جا مشاهده می‌شود سهم دیگر رتبه‌های علمی از جمله سهم حوزه بسیار ناچیز است در صورتی که انتظار می‌رود اساتید حوزه باید مشارکت بیشتری در تدوین مقاله‌های نشریه نهج البلاغه داشته باشند. یافته‌های این بخش با یافته‌های پژوهش‌های (آخوندی، ۱۳۹۸)، (علیپورحافظی و مطلبی، ۱۴۰۱) همسو و با پژوهش‌های (قبادی، محمداسماعیل و میرحسینی، ۱۳۹۵) ناهمسو می‌باشد.

نتایج وابستگی سازمانی نویسندگان نشان داد که دانشگاه بوعلی سینا از بیشترین سهم (۱۶ درصد) در بین نویسندگان دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی برخوردارند. نویسندگان دانشگاه‌های تهران، فردوسی مشهد، لرستان و اصفهان که در رده‌های دوم تا پنجم قرار دارند جمعاً (۱۷/۶ درصد) به‌اندازه دانشگاه بوعلی‌سینا مقاله در نشریه منتشر نموده‌اند. در واقع از مجموع ۱۱۲ دانشگاه و مؤسسه، سهم نویسندگان پنج دانشگاه اول ۳۳/۶ درصد و سهم نویسندگان ۱۰۷ دانشگاه و مؤسسه دیگر هر کدام میانگین ۰/۶۲ درصد مقاله‌ها است. این نشان می‌دهد که اگرچه نویسندگان نهاد صاحب امتیاز می‌توانند تا حدود ۵۰ درصد از مقاله‌های هر شماره را به خود اختصاص دهند ولی باوجود دانشگاه‌ها و مراکز علمی و مذهبی فراوان در کشور توزیع مشارکت نویسندگان با نشریه نامتعادل است و حتی می‌توان گفت که نقش دانشگاه‌هایی که رسالت مذهبی دارند بسیار کم‌رنگ می‌باشد. انتظار می‌رود مسئولین نشریه تدابیری اتخاذ نمایند تا سهم نویسندگان دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی دیگر در تدوین مقاله‌های نشریه افزایش یابد. یافته‌های این بخش با یافته‌های پژوهش (وایشیا، گوپتا، کاپی و وایش، ۲۰۲۲) همسو می‌باشد.

نتایج مطالعه رشته نویسندگان حاکی از این است که حدود ۸۰/۸ درصد مقاله‌ها به نویسندگان رشته زبان و ادبیات، علوم و قرآن و حدیث، الهیات و معارف اسلامی، علوم تربیتی، مدیریت و حقوق اختصاص

یافته‌است. این نتایج نشان می‌دهد که نویسندگان رشته‌های زبان و ادبیات به‌تنهایی به‌اندازه کل نویسندگان پنج رشته اول مقاله داشته‌اند. به‌نظر می‌رسد باوجود مشارکت ۱۷ رشته در نوشتن مقاله‌های نشریه، فقط ۶ رشته توانسته حدود ۸۰ درصد نویسندگان نشریه را پوشش دهند که این امر معمول و متعارفی نیست. با توجه به این که موضوع نهج‌البلاغه موضوعی همه‌شمول است، جای نویسندگان رشته‌های دیگر در این حوزه خالی است و باید مسئولین تدابیری مناسب جهت فعال نمودن دیگر رشته‌ها اتخاذ نمایند. البته این دسته از نویسندگان نیز باید جدیت بیشتری برای نوشتن مقاله‌های علمی پژوهشی در این حوزه از خود نشان دهند.

نتایج مطالعه موضوعات نشان داد که حدود ۱۸۴ موضوع و زیرموضوع طبق مستندات سازمان اسناد و کتابخانه ملی در تدوین مقاله‌ها به‌کار گرفته شده که نشان از گستردگی و تنوع موضوعی مقاله‌ها در نشریه می‌باشد. ولی موضوع ادبیات با سهم ۱۴ درصدی با فاصله نسبتاً زیادی از دیگر موضوعات قرار گرفته است. به‌نظر می‌رسد توزیع و گستردگی موضوعی مقاله‌های نشریه با توجه به اهداف و چشم‌انداز نشریه مناسب نباشد، چراکه در اهداف نشریه بیشتر به مسائل روز اشاره شده‌است. بنابراین انتظار می‌رود مسئولین نشریه با توجه به نتایج این پژوهش، شماره‌های آتی نشریه را به سمت موضوعاتی از قبیل؛ سعادت و پیشرفت مبتنی بر دین، مسائل اجتماعی، فرهنگی و سیاسی یا به‌طور کلی‌تر مسایل روز جامعه سوق دهند.

نتایج یافته‌های مطالعه روش‌شناسی مقاله‌ها بیانگر این است که پژوهشگران و نویسندگان مقاله‌های نشریه روش توصیفی-تحلیلی (۴۸/۶ درصد) را به دیگر روش‌های پژوهش ترجیح دادند و کمتر از روش‌های پژوهش تحلیل محتوا، تحلیل تطبیقی، تحلیل استنادی، روش کتابخانه‌ای و تحلیل گفتمان استفاده نموده‌اند. به‌نظر می‌رسد روش‌های غیر از توصیفی-تحلیلی در این حوزه می‌تواند نقش مؤثری در شناسایی و بازشناسی مفاهیم نهج‌البلاغه داشته باشند. بنابراین انتظار می‌رود مسئولین نشریه نویسندگان را در پژوهش‌های آتی به سمت روش‌های تحلیل و نقد سوق دهند. یافته‌های این پژوهش با یافته‌های (آخوندی، ۱۳۹۸) و (علیپورحافظی و مطلبی، ۱۴۰۱) همسو است.

### ۳. نتیجه‌گیری

نتایج بررسی فصلنامه نهج‌البلاغه نشان می‌دهد که فصلنامه پژوهشنامه نهج‌البلاغه یکی از مجلات هسته‌ای در حوزه نهج‌البلاغه است که در شرایط مناسب انتشاراتی قرار دارد و به‌طور تخصصی منتشر می‌شود. تحلیل مقالات منتشرشده در قلمروی زمانی معین‌شده در پژوهش، بیانگر سازگاری مقالات با اهداف و چشم‌انداز تخصصی نشریه می‌باشد.

نشریه اگرچه از تنوع موضوعی مختلف برخوردار است و از نظر تعداد موضوعات دارای فراوانی مناسب می‌باشد اما در آن بیشتر به رویه ساختارگرایی و سبک‌های ادبی نهج‌البلاغه توجه شده‌است. این درحالی است که نهج‌البلاغه به‌عنوان کتاب هدایت به‌سوی کمال و سعادت دنیوی و اخروی، قابلیت طرح

موضوعات اجتماعی و مسائل روز دنیا را دارد و نویسندگان لازم است در آنها ورود نمایند. همچنین محدود بودن تعداد رشته‌های علمی نویسندگان که در نگارش مقالات، بیانگر این واقعیت است که هنوز موضوع تخصصی نشریه در بین متخصصین دیگر رشته‌های علمی یا به‌خوبی تبیین نشده و یا به‌دلیل عدم اطلاع‌رسانی ناشناخته‌است. از آنجایی که نهج‌البلاغه شمولیت موضوعی بر بیشتر رشته‌های علمی را دارد، روا نیست نویسندگان دیگر رشته‌های علمی از همکاری و مشارکت با نشریه محروم باشند.

همکاری و مشارکت دو یا چند نفره نویسندگان در تدوین مقاله‌های نشریه ستودنی است و نشان از همدلی و همکاری مطلوب نویسندگان در انتشار مقاله‌های نشریه دارد. امروزه در جهان چندنویسندگی مقاله‌ها به‌منظور افزایش کیفیت، درک بین‌رشته‌ای، استفاده از تخصص و مهارت ایده‌های نویسنده همکار، افزایش انتشارات علمی و خلق دانش رایج شده‌است (مک‌فارلن<sup>۱</sup>، ۲۰۱۷: ۲۵). آنچه مسلم است همکاری نویسندگان در نوشتن مقاله‌های علمی، به احتمال زیاد کیفیت مقاله‌ها را بهبود خواهد بخشید.

ترکیب نامناسب جنسیت بین مؤلفان مرد و زن و نقش کم‌رنگ زنان در همکاری با فصلنامه نهج‌البلاغه، ضروری است مسئولین نشریه در راستای اهداف و چشم‌انداز نشریه از مشارکت بانوان که نیمی از جمعیت جامعه را تشکیل می‌دهند در افزایش کمی و کیفی مقالات علمی نشریه و ترویج فرهنگ غنی اسلامی بیشتر بهره‌مند شوند. همچنین وابستگی سازمانی بیشتر نویسندگان از دانشگاه بوعلی‌سینا اگرچه از نظر ارزیابانه و قانون آیین‌نامه تعیین اعتبار نشریات علمی اشکالی متوجه آن نیست ولی نشان از ضعف همکاری بسیاری از مراکز علمی و پژوهشی با نشریه دارد. نشریه‌ای که به‌عنوان مجله هسته در حوزه نهج‌البلاغه و فرهنگ غنی اسلامی فعالیت می‌کند شایسته است گستره جغرافیایی آن فراگیر باشد.

مطالعه روش‌شناسی پژوهش مقالات منتشرشده نشان می‌دهد که در بیشتر مقالات از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده‌است. به‌نظر می‌رسد تنوع روش‌های علمی تحلیلی؛ تحلیل گفتمان، تحلیل محتوای کمی و کیفی باید بیشتر مورد توجه داوران و دست‌اندرکاران نشریه قرار گیرد تا فرصت‌های طرح مباحث تئوری و کاربردی بیشتری در اختیار پژوهشگران قرار گیرد. جلب مشارکت و همکاری نویسندگان مراکز علمی داخلی-خارجی و سازمان‌های مربوط در حوزه نهج‌البلاغه به‌غناي نشریه و به‌گسترش فرهنگ غنی اسلامی در سطح جهان کمک خواهد نمود. بنابراین از مسئولین نشریه انتظار می‌رود موضوع نشریه را به‌انحای مختلف از قبیل فراخوان مقاله و نمایه نشریه در پایگاه‌های علمی داخلی و خارجی به‌سمع و نظر پژوهشگران برسانند.

1. Macfarlane

## منابع

- آخوندی، عباس. (۱۳۹۸). «تحلیل محتوای مقالات فصلنامه راهبرد». **فصلنامه راهبرد**. سال ۲۸، شماره ۲، ۱۶۷-۱۹۶.
- «پایگاه استنادی علوم جهان اسلام». بازیابی شده در ۲۵ مهر ۱۴۰۱ از: <https://jcr.isc.ac/main.aspx>
- پیران، صدیقه. (۱۳۸۳). «زنان در آموزش عالی کشور؛ حضور کمی یا کیفی؟». **زن، خانواده و سبک زندگی**، شماره ۱۵۶، ۹۱-۱۰۲.
- حمدی‌پور، افشین و سعادت‌راد، افسانه. (۱۳۹۷). مطالعه علم‌سنجی تولیدات علمی حوزه کارآفرینی و ترسیم ساختار علمی آن در پایگاه Web of science طی سال‌های ۲۰۰۰-۲۰۱۷. **دومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت و کسب‌وکار**، تبریز، ۱-۲۰.
- دبیرخانه کمیسیون نشریات علمی. (۱۳۹۸). آیین‌نامه تعیین اعتبار نشریات علمی کشور. در وزارت علوم تحقیقات و فناوری، معاونت پژوهشی. بازیابی شده در ۲۰ شهریور ۱۴۰۱ از <https://www.msrt.ir/fa/regulation?RegulationSearch>
- دلشادتهرانی، مصطفی. (۱۳۷۹). **ارباب امانت: اخلاق اداری در نهج‌البلاغه**. تهران: دریا.
- رازقی، نادر و قائدی، مریم. (۱۳۹۵). «تیین عوامل مؤثر بر تولید علمی». **پژوهشنامه مدیریت اجرایی**، شماره ۱۶، ۶۳-۸۶.
- زندی‌روان، نرگس؛ داوریانه، محمدرضا و فتاحی، رحمت‌الله. (۱۳۹۳). «نقشه تولید علم ایران براساس مقاله‌های نمایه‌شده در SCI-E». **پژوهش‌های نظری و کاربردی در علم اطلاعات و دانش‌شناسی**، شماره ۷، ۵-۲۶.
- «شخصیت امام علی (ع)». (۱۳۸۵). دریافت شده در تاریخ ۱۴۰۱/۴/۲۰ از: <https://hawzah.net/fa/Question/View/11982>
- شرفی، علی؛ شقاقی، علی و پاشنگ، محمدرضا. (۱۳۹۸). «تحلیل علم‌سنجی تولیدات علمی در حوزه تمدن اسلامی». **علوم و فنون مدیریت اطلاعات**، سال ۵، شماره ۳، ۳۳-۶۵.
- علیپورحافظی، مهدی و مطلبی، داریوش. (۱۴۰۱). «تحلیل محتوای فصلنامه فرهنگ رضوی». **فصلنامه فرهنگ رضوی**، سال ۱۰، شماره ۱، ۵۷-۹۲.
- قبادی، مریم؛ محمداسماعیل، صدیقه و میرحسینی، زهره. (۱۳۹۵). «تحلیل محتوای مقالات فصلنامه علمی-پژوهشی النهج طی سال‌های ۱۳۹۴-۱۳۸۹». **فصلنامه النهج**، سال ۱۵، شماره ۲، ۸۵-۱۰۴.
- کریمی، مهشید. (۱۳۸۹). «علم‌سنجی در نشریات داخلی و خارجی». **کتاب ماه کلیات**، سال ۱۳، شماره ۱۰، ۹۴-۹۹.
- محمدی، مهدی؛ حسن‌خانی معصومه و امید، معصومه. (۱۳۹۶). «تحلیل محتوای مقاله‌های دو فصلنامه تربیت اسلامی در سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۹۴». **تربیت اسلامی**، سال ۱۲، شماره ۲۴، ۱۵۱-۱۶۷.
- محمدی‌پویا، فرامرز؛ صالحی، اکبر و مومیوند، فاطمه. (۱۳۹۴). «تحلیل محتوای نهج‌البلاغه بر اساس ساحت‌های شش‌گانه‌ی تربیتی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش». **پژوهشنامه نهج‌البلاغه**، سال ۳، شماره ۱۰، ۶۳-۸۱.

- مدیرشانهچی، کاظم. (۱۳۸۴). درایه‌الحدیث. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- نوبخت، یونس. (۱۳۹۸). «مطالعه علم‌سنجی تولیدات علمی پژوهشنامه مالیات». **مطالعات دانش‌شناسی**، شماره ۱۸، ۳۳-۵۴.
- Husain, S., Zafar, M. & Ullah, R. (2020). "Ramadan and public health: a bibliometric analysis of top cited articles from 2004 to 2019". **Journal of infection and public health**, Vol 2, No 13, 274-280. DOI: 10.1016/j.jiph.2019.11.006.
- Kurian, N., Gandhi, N., Daniel, A.Y., Varghese, K.G. & Dhawan, K., Mathew, J.E. & Kaur, P. (2021). "A 10-year (2010 to 2019) scientometric analysis of prosthodontic journals based on SCImago Journal and Country Rank indicators. [Epub ahead of print]". **The Journal of Prosthetic Dentistry**, Available online 15 September. <https://doi.org/10.1016/j.prosdent.2021.06.003>
- Macfarlane, B. (2017). "The ethics of multiple authorship: power, performativity and the gift economy". **Studies in Higher Education**, Vol. 42, No, 7. 1194-1210. DOI: 10.1080/03075079.2015.1085009.
- Ni, C., Sugimoto, C.R. & Robbin, A. (2017). "Examining the evolution of the field of public administration through a bibliometric analysis of public administration review". **Public Administration Review**, Vol. 77, No. 4, 496-509.
- Sugimoto, C.R. & Weingart, S. (2015). "The kaleidoscope of disciplinarity". **Journal of Documentation**, Vol. 71, No. 4, 775-794.
- Vaishya, R., Gupta, B.M., Kappi, M. & Vaish, A. (2022). "A scientometric analysis of India's publications in arthroplasty in the last two decades from the SCOPUS database". **Journal of Clinical Orthopaedics and Trauma**, Vol. 34, 27-35. <https://doi.org/10.1016/j.jcot.2022.102041>
- Vinkler, P. (2010). **The Evaluation of Research by Scientometric Indicators**. Oxford: Chandos.







(Research Article)

**Explaining the model of good speech from the point of view of Nahj al-Balaghah and the quality of attention to it in the curriculum of the second grade of elementary school**

Mitra Zarei<sup>1</sup>, Masume Kiyani<sup>2\*</sup>

**Submit Date:** 16 April 2022

**Revise Date:** 21 August 2022

**Accept Date:** 11 September 2022

**Publication Date:** 22 September 2022

(Page 113-138)

**Abstract**

This study was an attempt to explain the model of good speech from the perspective of Nahj al-Balaghah and examine the status of the curriculum of second grade of primary school in terms of the amount of attention to the mentioned model. For this purpose, the descriptive-analytical method was used to explain the model of good speech from the perspective of Nahj al-Balaghah and the content analysis method with a quantitative approach was used to assess the status of the curriculum of the second grade in primary school. In the first part of the study, indicators in the form of content characteristics of good speech such as truth of speech, God-centeredness in speech, non-futility of speech, and expressive features such as simplicity and fluency of speech as well as positive moral principles of good speech including knowledge of speech, reliance on reason, situationalism and chronology, conformity of speech with action, use of consultation in speech, and the necessity of honesty in speech, and negative moral principles such as refraining from rhetoric, refraining from lying were obtained. In the second part of the study, the results of content analysis of the curriculum of the second elementary grade showed that the components of the need to use consulting with 22.03 had the highest amount of content, and knowledge of speech and conformity of speech with action, with 1.69 had the least amount of content.

**Keywords:** Model of good speech, Indicators, Positive moral principles, Negative moral principles, Nahj al-Balaghah, Second elementary school curriculum.

1. Master's student in History and Philosophy of Education, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran

2. Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran

\*: Corresponding Author:

**Email:** m.kiyani@basu.ac.ir

**How to cite this article:** Zarei, M., Kiyani, M. (2022). Explaining the model of good speech from the point of view of Nahj al-Balaghah and the quality of attention to it in the curriculum of the second grade of elementary school. *Quarterly Journal of Nahj al-Balaghah Research*, 10(38), 113-138. DOI: 10.22084/NAHJ.2022.26112.2805

## 1. Theoretical framework

Language is an inherent means of social interaction<sup>1</sup>, and speech has the greatest scope and influence among human communication behaviors and is the most obvious distinction between humans and animals. In numerous Quranic verses, God has discussed how to speak in addition to emphasizing the blessing of speech, and has referred to the frameworks of a great speech pointing to such characteristics as judicious speaking and good speech, accompanying sayings with deeds and actions and expressiveness and clarity of speech.

Nahj al-Balagha is one of the important religious sources from which an ideal framework and model of good speech can be extracted and taught to students. From the perspective of Imam (a.s.), speaking well is an important ability and skill that must be learned, because the correct and timely use of this skill can lead to the worldly and hereafter good of a person and his/her happiness, and vice versa. Learning the speaking etiquette is one of the necessary skills to enter the human society.

The lack of these skills causes a person to engage in ineffective and inconsistent behavior in the face of pressure. Teaching such skills enables the child to plan purposeful and appropriate behavior. On the other hand, schools play an important role in the social and balanced development of children due to the importance of developing social skills from early childhood and the impact of relationships and social environment including informal interactions and systematic programs on children's development.

## 2. Method

The present study is based on a qualitative approach and relies on a descriptive-analytical method due to the nature of the first part, which seeks to describe and explain the great speech model, including extracting indicators of great speech and positive and negative moral principles governing it; And also given the method of data collection, which is mainly based on the study of documents and the review of existing literature in this field - mainly including Nahj al-Balagha and the statements of Imam Ali (AS) and the related research, text analysis method was used to analyze the data.

The results of the studies obtained from this part were recorded in slips, tables and forms, and at the end, the necessary measures were taken to

---

1. Language is an inherent tool for social interaction – a system that human beings rely on to socialise and to strengthen social bonds with others. Language is an integral factor for a nation's culture and provides for a nation's 'cultural capital'.

describe, code, classify, interpret and exploit them. The method of content analysis with a quantitative approach was used in the second part of the study, that is, examining the status of the curriculum of the second grade of elementary school in terms of the level of attention to this model. This method is a way to objectively, systematically and quantitatively describe the content of the material and measure the variables and analyze them. According to this method, the content of the textbooks of the second grade of elementary school was analyzed - including: Persian, Heaven gifts, and Social Studies in the fourth, fifth, and sixth grades of elementary school-according to the indicators and ethical principles obtained about good speech from the point of view of Nahj al-Balaghah.

#### **4. Conclusion**

According to the words of Imam Ali (a.s.), the indicators of good speech were extracted in two categories: content characteristics (truthfulness and clarity of speech, God-centeredness in speech, cancellation and non-usefulness of speech) and expressive characteristics of speech (simplicity and fluency of speech, good speech), the ability to speak and the eloquence of speech), and affirmative moral principles (having knowledge of speech, relying on reason, situation and chronology, compliance of one's words with one's actions, paying attention to the words and not to the speaker, secrecy in words, the need to use consultation in speech, honesty in speech) and negative moral principles (avoiding gossip, lying, suspicion, excessive praise and praise, and reproaching).

The second part of this study examined the curriculum of the second grade of elementary school with an emphasis on textbooks of Persian, Heaven gifts and Social Studies in terms of the amount of attention paid to good speech and its manners in education, and it was found that the amount of attention was 5.08 for God-centeredness in speech, 1.69 for knowledge of speech, 15.25 for cancellation and non-usefulness of speech, 1.69 for compliance of speech with action, 22.03 for the necessity of using consultation in speech, 11.86 for honesty in speech, 3.38 for avoiding gossip, 8.47 for avoiding backsliding, 13.55 for avoiding lying, 5.08 for avoiding suspicion, 3.38 for avoiding excessive praise, and 8.47 for avoiding reproaching.

According to the results, the components of knowledge of words and compliance of words with deeds (which received the least amount of attention) lead to the non-observance of components such as God-centeredness and truthfulness of words. The lack of sufficient attention to

these basic components naturally prepares the ground for the presence of various speech defects and causes the growth and development of vices such as lying, prejudice against one's opinion, acts of violence and harming oneself and society. According to the results of this section, not enough attention has been paid by the texts and curriculum of the second grade of elementary school to education about good speech and its manners and they are seriously far from the desired situation.

### **References**

#### **[In Persian]**

- Dashti, M. (2004). **Translation of Nahj al-Balagha**, 24th edition. Qom: Amir al-Momenin (AS) Cultural Research Institute.
- Ebrahimi-Moghadam, N. and Durrani, K. (2017). “Teleological analysis of social skills in the document of ‘Fundamental Transformation of Education’”. **Managing Organizational Culture**, 16(2), 283-304.
- Mir Shah Jafari, E.; Liaghatdar, M. J.; Maghami, H. and Karimi Alavijeh, M. (2009). “Examining the affecting verbal communication based on Islamic sources and texts”. **Biannual Scientific-Research Journal of Islamic Education**, 5(10), 29-44.
- Shojaei, A. (2011). “Good speech from the perspective of the Qur'an”. **Marefat**, 19(152), 115-123.
- Valizadeh, S. (2019). “Teaching life skills with emphasis on creative performance in elementary school”. **Art Education Development**, 17(3), 32-37.
- Zulfagharifar, K.; Marvotti, S. and Shirkhani, M. R. (2013). “Indicators of speaking in Islam”. **Marefat**, 23(197), 125-139.

#### **[In Arabic]**

- Holy Quran**, translated by Ayatollah Makarem Shirazi.



(مقاله پژوهشی)

## تبیین الگوی سخن نیک از منظر نهج البلاغه و کیفیت توجه به آن در برنامه درسی دوره دوم ابتدایی

میترا زارعی<sup>۱</sup>، معصومه کیانی<sup>۲\*</sup>

بازنگری مقاله: ۱۴۰۱/۰۵/۳۰

دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۱/۲۷

انتشار مقاله: ۱۴۰۱/۰۶/۳۱

پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۶/۲۰

(از ص ۱۱۷ تا ۱۳۸)

### چکیده

این پژوهش با هدف تبیین الگوی سخن نیک از منظر نهج البلاغه و بررسی وضعیت برنامه درسی دوره دوم ابتدایی از حیث میزان توجه به الگوی مذکور انجام شده است. برای این منظور از روش توصیفی-تحلیلی برای استخراج الگوی سخن نیک از منظر نهج البلاغه، و از روش تحلیل محتوا با رویکرد کمی، برای بررسی وضعیت برنامه درسی دوره دوم ابتدایی استفاده شد. در قسمت نخست تحقیق، شاخص‌هایی در قالب ویژگی‌های محتوایی سخن نیک مانند: حق و سدید بودن سخن، خدامحوری در سخن، لغو و بیهوده نبودن سخن؛ و ویژگی‌های بیانی از قبیل: ساده و روان بودن سخن، میسور و لین بودن سخن؛ و نیز اصول اخلاقی ایجابی سخن نیک مانند: علم به سخن، اتکا بر عقل، موقعیت و زمان شناسی، مطابقت قول با عمل، استفاده از مشورت در سخن، و لزوم صداقت در سخن؛ و اصول اخلاقی سلبی مانند: پرهیز از سخن چینی، پرهیز از دروغ‌گویی، پرهیز از سوءظن بدست آمد. در قسمت دوم تحقیق، نتایج تحلیل محتوای برنامه درسی دوره دوم ابتدایی نشان داد که مؤلفه لزوم استفاده مشورت با ۲۲/۰۳ از بیشترین میزان محتوا، و علم به سخن و مطابقت سخن با عمل، با ۱/۶۹ از کمترین میزان محتوا برخوردار بوده‌اند.

**کلید واژه‌ها:** الگوی سخن نیک، شاخص‌ها، اصول اخلاقی ایجابی، اصول اخلاقی سلبی، نهج البلاغه، برنامه درسی دوره دوم ابتدایی.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش، دانشگاه بوعلی‌سینا، همدان، ایران

۲. استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه بوعلی‌سینا، همدان، ایران

\* نویسنده مسئول

## ۱. مقدمه

زبان مهمترین ابزار تعامل اجتماعی، و سخن گفتن دارای بیشترین وسعت و تأثیر در میان رفتارهای ارتباطی انسان (میرشاه جعفری و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۰) و بارزترین وجه تمایز آدمی از حیوانات است (ذوالفقاری فر، مروتی و شیرخانی، ۱۳۹۳: ۱۲۶). خداوند در قرآن، نعمت بیان و سخن گفتن را به عنوان یکی از بزرگترین نعم الهی مطرح نموده و در این باره می‌فرماید: ﴿الرَّحْمَنُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ خَلَقَ الْإِنْسَانَ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ﴾ (الرحمن/۴-۱)؛ خداوند رحمان قرآن را یاد داد، انسان را آفریده به او بیان و گفتن را آموخت، چراکه که با نعمت ارزشمند بیان است که آدمی می‌تواند از دریای خروشان معارف الهی بهره‌مند گشته و با به کار بستن آنها، به سعادت ابدی دست‌یابد (عموری و هاشمی امجد، ۱۳۹۶: ۲). خداوند متعال در آیات متعدد علاوه بر تأکید بر نعمت سخن، به چگونگی سخن گفتن نیز پرداخته و چارچوب‌های سخن نیکو را بیان کرده است (شجاعی، ۱۳۹۱: ۱۱۶) و به خصوصیات آن می‌گوید: «سنجیده و نیکو سخن گفتن، ﴿طَاعَةٌ وَقَوْلٌ مَّعْرُوفٌ فَإِذَا عَزَمَ الْأَمْرَ فَلَوْ صَدَقُوا اللَّهَ لَكَانَ خَيْرًا لَّهُ﴾ (محمد/۲۱)؛ همراه بودن قول و گفته با کردار و عمل ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾ (صف/۲)؛ رسا و شفاف بودن سخن ﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ يَعْلَمُ اللَّهُ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَعِظْهُمْ وَقُلْ لَهُمْ فِي أَنفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا﴾ (نساء/۶۳) اشاره کرده است. یکی از منابع مهم دینی که می‌توان چارچوب و الگوی مطلوب سخن نیک را از آن استخراج نمود و به متریبان آموزش داد، کتاب شریف نهج البلاغه است؛ امام علی(ع) خود را امیر سخن معرفی می‌کند «وَإِنَّا لَأَمْرَاءُ الْكَلَامِ وَفِينَا تَنْشِئُتْ عُزُوفُهُ وَ عَلَيْنَا مَهْدَلَتْ عُصُونُهُ» (خطبه/۲۳۳) همانا ما امیران سخن می‌باشیم، درخت سخن در ما ریشه دوانده، و شاخه‌های آن بر ما سایه افکنده است. مرحوم سیدرضی در مقدمه‌ی نهج البلاغه می‌نویسد: امیرمؤمنان علی(ع) سرچشمه فصاحت و منشأ بلاغت و زادگاه آن است، اسرار بلاغت از وی آشکار شد و قواعد و دستورانش از او سرچشمه گرفت. با استفاده از شیوه او هر خطیب توانایی به قدرت خطابه دست یافت و از گفتار او سخنرانان ماهر یاری جستند، او در این میدان همچنان پیش می‌رود و دیگران از او عقب مانده‌اند، زیرا در کلامش نشانه‌هایی از علم خداست و عطر و بویی از سخنان پیامبر(ص) (مکارم شیرازی، ۱۳۹۷: ۵۲۹). امام علی(ع) شرط پرهیزکاری انسان‌ها را صیانت آنها از زبان قلمداد کرده است و معتقد است با مراقبت از زبان می‌توان از تقوی خویش سود برد (خطبه/۱۷۴). بنا به فرموده امام علی(ع) «اللسان سبغ إن خُلِّي عنه عقر» (حکمت/۶۰) زبان تربیت نشده، درنده‌ای است که اگر رهایش کنی می‌گزد. او همچنین راه شناخت انسانها را، سخن معرفی کرده است «المرء محبوه تحت لسانه» (حکمت/۱۴۸). بر این اساس روشن می‌شود که از منظر امام(ع) سخن نیک گفتن، قابلیت و مهارتی مهم است که باید آموخته شود چراکه، استفاده صحیح و به‌هنگام این مهارت می‌تواند موجب خیر دنیوی و اخروی انسان و سعادت‌مندی او شود و بالعکس.

آموزش و پرورش از مهمترین نهادهای اجتماعی است و آموزش دوران ابتدایی به عنوان نخستین مرحله آموزش همگانی از اهمیت بسزایی برخوردار است زیرا آموزش در این دوران مسیر زندگی افراد را مشخص می‌کند (نوروزی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۲۱-۱۲۰). آموزش مهارت‌های اجتماعی هم یکی از اهداف اساسی دوران ابتدایی می‌باشد. این مهارت‌ها به منظور برقراری ارتباط و تعامل شایسته به صورت

کلامی و غیر کلامی در رفتار انسان نمایان می‌شود (جواهری، ۱۳۹۸: ۳۲). یادگیری مهارت آداب سخن گفتن یکی از مهارت‌های ضروری برای ورود به اجتماع بشری است. فقدان این مهارت‌ها باعث می‌شود که فرد در برابر فشارها دست به رفتار غیرمؤثر و ناسازگارانه بزند. آموزش چنین مهارت‌هایی توانایی برای برنامه‌ریزی رفتار هدفمند و متناسب با شرایط را برای کودک به ارمغان می‌آورد (ولی‌زاده، ۱۳۹۹: ۳۳). بنابراین چون یکی از عوامل مهم حضور مؤثر و فعال آدمی در جامعه و برقراری ارتباط صحیح مستلزم آموختن درباره چپستی و آداب سخن نیک است لذا آموزش آن به کودکان دوره دوم ابتدایی که در آستانه ورود به اجتماعات بزرگتر و ارتباطات جدیدتر هستند از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. بنابراین، با توجه به اهمیت سخن نیک پژوهش حاضر به ارائه الگوی مطلوب سخن نیکو از منظر نهج البلاغه و بررسی وضعیت برنامه درسی دوره دوم ابتدایی از حیث میزان توجه به الگوی مذکور می‌پردازد.

### ۱-۱. بیان مسأله

از آنجایی که انسان موجودی مدنی است و در جهت رفع نیازهایش، با دیگران در ارتباط است و در سایه‌ی این ارتباط است که می‌تواند به انتقال افکار و توانمندی‌های خود بپردازد و دیگران را تحت تأثیر قرار بدهد لذا برقراری ارتباط مؤثر و موفق با دیگران مهارتی اساسی در حفظ و ارتقای زیست فردی و اجتماعی است. فقدان این مهارت، موجب بی‌اثر شدن یا حتی قطع روابط و بروز جنجال‌ها و درگیری‌ها می‌شود (حیدری‌کنگ علیا، ۱۳۸۹: ۱). زبان از نمادهایی است که امکان برخورد با کنشگران اجتماعی و سروسامان دادن به جهان اجتماعی را در اختیار انسان قرار می‌دهد. نمادهای شفاهی در مقایسه با نمادهای غیرشفاهی از اهمیت بیشتری برخوردارند؛ چراکه معانی نهفته در آنها سریع‌تر و آسان‌تر انتقال پیدا می‌کند. هر آنچه که از طریق این نماد به دیگری انتقال می‌یابد، بر وی تأثیر قابل توجهی دارد. لذا به دلیل قابلیت‌های اجتماعی خاصی که زبان بویژه گفتار به زندگی انسان می‌بخشد، هنجارهای خاصی برای آن وضع شده است (امین‌پور و امین‌پور، ۱۳۹۲: ۴۶). امیرمؤمنان (ع) می‌فرماید: «تَكَلَّمُوا تُعْرَفُوا، فَإِنَّ الْمَرْءَ مَحْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ» (تمیمی‌آمدی، ۱۳۶۶: ۲۶۱/۳) بلا و مصیبت انسان در زبان اوست. نیز می‌فرماید: «رُبَّ قَوْلٍ أَنْفَدَ مِنْ صَوْلٍ» (حکمت/۳۹۴) چه بسیار سخنانی که از حمله نافذتر است. این کلام حکمت‌آمیز ممکن است هم ناظر به تأثیرات مثبت سخن باشد هم تأثیرات منفی آن. گاه ممکن است تأثیر سخن در آزردن اشخاص و ناراحت کردن آنها از حمله با سلاح بیشتر باشد. به همین دلیل است که بعضی نام «لسان» را «سنان» گذاشته‌اند. امام علی (ع) به اصحابش می‌فرماید: «إِحْسَبُوا كَلَامَكُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ يَقُلُّ كَلَامُكُمْ إِلَّا فِي الْحَبْرِ كُفُّوا أَلْسِنَتَكُمْ، وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا تَغْتَنَّبُوا فَرْبَ قَوْلٍ أَنْفَدَ مِنْ صَوْلٍ، وَ رُبَّ فِتْنَةٍ أَثَارَهَا قَوْلٌ»؛ گفتار خود را از اعمال خویش حساب کنید تا سخن شما جز در راه خیر و نیکی کم نشود، زبان‌های خود را نگاه دارید و تسلیم فرمان خدا باشید تا غنیمت ببرید. چه بسیار سخنانی که از حمله نافذتر است و چه بسیار فتنه‌ها که از گفتارها برخاسته است» (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰: ۲۲۴). با توجه به مطالب گفته شده می‌توان دریافت که آموزش آداب سخن نیک می‌تواند آثار منفی زبان را کاهش و کیفیت زیست فردی و اجتماعی فرد را افزایش دهد.

از سویی، نظر به اهمیت توسعه مهارت‌های اجتماعی از دوران اوان کودکی و تأثیر روابط و محیط اجتماعی-شامل تعاملات غیررسمی و برنامه‌های نظام‌مند- بر رشد کودکان، مدارس نقش مهمی در رشد اجتماعی و متوازن کودکان ایفا می‌کنند (ابراهیمی‌مقدم و درانی، ۱۳۹۷: ۲۸۵-۲۸۴). عدم بهره‌مندی از مهارت‌های اجتماعی سبب تضعیف روابط اجتماعی کودکان و ناسازگاری اجتماعی ایشان در آینده می‌شود و کاهش انگیزه آنان برای حضور فعال در اجتماعات می‌گردد (حسین‌خانزاده، ۱۳۹۲، به نقل از فاتحی، ۱۳۹۷: ۲).

در این میان دوره ابتدایی بویژه دوره دوم ابتدایی که کودکان در آستانه رشد تفکر انتزاعی و بالطبع، توسعه زبان و بیان قرار می‌گیرند، از اهمیتی اساسی برخوردار است. از سوی دیگر نیز در نظام‌های آموزشی متمرکز کتاب درسی، محور مکتوب و مدون تعلیم و تربیت به حساب می‌آید و فعالیت‌های تربیتی دانش‌آموزان در آنها سازماندهی می‌شود (نوریان، ۱۳۹۲: ۷). این جایگاه کتاب درسی در نظام آموزشی، ضرورت تحلیل و بررسی آن را دو چندان می‌کند زیرا به دست‌اندرکاران نظام تربیتی و مؤلفان کتاب‌های درسی کمک می‌کند هنگام تدوین و یا گزینش متون آموزشی کتاب‌های درسی به مهارت‌های موردنیاز کودکان در هر دوره سنی و بالطبع، پوشش مناسب این نیازها در برنامه درسی توجه کنند و از این طریق زمینه توانمندسازی هرچه بیشتر کودکان را فراهم نمایند. مطابق با این نکته، کتاب‌های فارسی، هدیه‌های آسمانی و مطالعات اجتماعی در دوره دوم ابتدایی - شامل: پایه‌های چهارم، پنجم و ششم - که از جمله کتب و متونی هستند که می‌توانند نقش مهمی در توسعه مهارت سخن نیک گفتن و رشد ارتباطات اجتماعی گفتاری داشته باشند از حیث توجه به شاخص‌ها و آداب سخن نیک مورد تحلیل قرار می‌گیرد. در این تحقیق، نظر به ماهیت قسمت نخست که، بدنبال توصیف و تبیین الگوی سخن نیک - شامل: استخراج شاخص‌های سخن نیک و اصول اخلاقی ایجابی و سلبی حاکم بر آن - است؛ و نیز با عنایت به روش گردآوری داده‌ها، که عمدتاً مبتنی بر مطالعه اسنادی و بررسی ادبیات موجود در این حوزه - به‌طور عمده شامل: نهج البلاغه و سخنان امام علی (ع) و تحقیقات مرتبط - است و استفاده از روش تحلیل متن جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات، تحقیق حاضر مبتنی بر رویکرد کیفی و متکی بر روش توصیفی-تحلیلی است. نتایج مطالعات حاصل از این بخش، در ابزارهای مناسب اعم از فیش‌ها، جداول و فرم‌ها ثبت و در پایان، نسبت به توصیف، کدگذاری، طبقه‌بندی، تفسیر و بهره‌برداری از آنها اقدام شد. در بخش دوم مقاله، یعنی بررسی وضعیت برنامه درسی دوره دوم ابتدایی از حیث میزان توجه به این الگو، از روش تحلیل محتوا با رویکرد کمی استفاده شد. این روش، شیوه‌ای برای توصیف عینی، نظام‌مند و کمی محتوای مطلب و اندازه‌گیری متغیرها و تجزیه و تحلیل آنها است. طبق این روش، محتوای کتاب‌های درسی دوره دوم ابتدایی - شامل: کتاب‌های فارسی، هدیه‌های آسمانی، و مطالعات اجتماعی در پایه‌های چهارم، پنجم و ششم ابتدایی - طبق شاخص‌ها و اصول اخلاقی بدست آمده درباره سخن نیک از دیدگاه نهج البلاغه مورد تحلیل قرار گرفت.

بر همین اساس، سؤالات تحقیق عبارتند از:



- ۱) شاخص‌های سخن نیک از منظر نهج البلاغه چیست؟
- ۲) اصول اخلاقی ایجابی و سلبی حاکم بر سخن گفتن از منظر نهج البلاغه چیست؟
- ۳) وضعیت برنامه درسی کودکان دوره دوم ابتدایی از حیث توجه به الگوی سخن نیک (شاخص‌ها و اصول اخلاقی ایجابی و سلبی) از منظر نهج البلاغه چگونه است؟

## ۲-۱. پیشینه پژوهش

کریمی (۱۳۹۹) در پژوهش «سخن و آداب آن در خانواده از منظر قرآن و روایات» بیان می‌کند نارسایی بیان و عدم فصاحت و بلاغت کلام مهم‌ترین مانع از فهم و درک صحیح سخن از سوی مخاطبان شناخته شده است؛ جانمحمدلو (۱۳۹۷) در پژوهش «نعمت بیان و حکمت سکوت از دیدگاه قرآن و روایات» پس از مفهوم بیان و سکوت و ارتباط بین این دو به معرفی آفات فردی و اجتماعی زبان و بیان در جامعه و راه‌های رهایی از آنها پرداخته است. عموری و هاشمی امجد (۱۳۹۶) در تحقیق مربوط به «بررسی و تحلیل آفت‌های زبان در نهج البلاغه» به آفت‌هایی همچون دروغ‌گویی، غیبت‌کردن، فاش‌کردن اسرار و ... پرداخته‌اند. اسماعیلی‌ماهانی (۱۳۹۶) در پژوهش «بایسته‌ها و نبایسته‌های اخلاقی معاشرت کلامی از دیدگاه اسلام» به اصولی از قبیل: توجه‌کردن به پاداش‌ها و مجازات‌های خداوند متعال، تهذیب نفس، دعا کردن و ... پرداخته است. جعفری (۱۳۹۵) در پژوهش «آداب سخن گفتن در قرآن کریم با تکیه بر مباحث اخلاقی» ضمن تبیین دیدگاه قرآن درباره سخن گفتن به معیارهای ارزشی گفتار، جنبه‌های روان‌شناختی و تربیتی سخن پرداخته‌اند. غلامرضاروی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «تبیین حکمت‌های آداب و اسلوب گفتار و تأثیر آن بر روابط فردی و اجتماعی از دیدگاه قرآن» آداب سخن، و برخی زمینه‌های تأثیر سخن بر روابط فردی و اجتماعی از دیدگاه قرآن را بررسی کرده‌اند. امین‌پور و امین‌پور (۱۳۹۲) در پژوهش «آداب گفتاری حاکم بر سبک زندگی اسلامی از دیدگاه قرآن» با مراجعه به مصادیق مختلف آداب گفتاری در آیات قرآن، به ارائه الگوی مطلوب آداب اجتماعی در جامعه مسلمانان اقدام کرده‌اند. دانای‌طوسی (۱۳۹۰) در پژوهش «سخن گفتن مهارتی مغفول در برنامه درسی زبان فارسی» نشان می‌دهد که در چهارچوب برنامه درسی زبان فارسی، مهارت سخن گفتن امری دانسته شده فرض می‌شود. همچنانکه، تعریف مشخصی برای آن مطرح نمی‌شود و خرده مهارت‌های آن نیز معرفی نمی‌شوند. آل‌رسول و شیرزاداد جلالی (۱۳۹۰) در پژوهش «کردار نیک و گفتار نیک از نظرگاه اسلام و زرتشت» نیز بیان می‌کنند که از مقایسه متون این دو آئین آسمانی، چنین برمی‌آید که همانطور که زرتشت، گفتار و کردار نیک را مبتنی بر پندار نیک می‌داند در اسلام نیز، عمل صالح و قول احسن بر مبنای ایمان و عقیده بنا شده است. احمد، محمد قاسم و خوشی<sup>۱</sup> (۲۰۱۹) در پژوهش «تعیین معیارهای ارزیابی مهارت گفتاری: بررسی مبتنی بر کتابخانه» پس از پاسخگویی به سؤالاتی در مورد مهارت گفتاری و ارزیابی آن نتیجه‌گیری می‌کند که کلید ارزیابی مهارت گفتاری در درک پیوستگی، انواع وظایف و موضوع امتیازدهی نهفته است.

با توجه به بررسی‌های انجام شده می‌توان اظهار نمود که پژوهش‌های موجود در حوزه سخن و آداب آن صرفاً به استخراج ویژگی‌های سخن از منظر قرآن، نهج البلاغه و روایات پرداخته‌اند اما پژوهش حاضر علاوه بر استخراج و شرح ویژگی‌های مربوط به محتوا، بیان و اصول اخلاقی ایجابی و سلبی سخن نیک از منظر نهج البلاغه به بررسی میزان توجه به مهارت سخن نیک و آموزش آداب آن در کتب درسی دوره ی دوم ابتدایی نیز اقدام کرده است. از طریق این بررسی زمینه‌ای فراهم می‌شود تا دست‌اندرکاران تربیتی و طراحان کتاب‌های درسی مربوطه نسبت به برخی مهارت‌های موردنیاز کودکان مانند چستی سخن نیک و آداب آن با تکیه بر مبانی دینی و اسلامی پیش لازم را کسب نموده و به‌منظور توانمندسازی کودکان در برنامه‌درسی مورد توجه کافی قرار گیرد.

### ۳-۱. ضرورت و اهمیت پژوهش

رفتارهای اجتماعی مناسب و دیگر مهارت‌های سازشی، پایه‌های سازش یافتگی شخصی و اجتماعی را در زندگی تشکیل می‌دهند. مهارت‌های اجتماعی یک فرد بر توانایی او در برقراری ارتباط با دیگران تأثیر می‌گذارد و برای به دست آوردن تقویت و پذیرش اجتماعی و اجتناب از موقعیت‌های اجتماعی آزارنده استفاده می‌شوند این مهارت‌ها دسته‌ای از قابلیت‌ها را نشان می‌دهند که تمامی افراد را برای مقابله و سازش با نیازهای روزمره محیط اجتماعی قادر می‌سازند افرادی که در تحول و توسعه قابلیت‌های اجتماعی شکست می‌خورند، در معرض مواجه شدن با پیامدهای منفی مانند طرد شدن از سوی همسالان و جامعه و گوشه‌گیری و انزوا هستند (شالانی و صادقی، ۱۳۹۵: ۶). یکی از مهارت‌های ارتباطی مهم در طول زندگی افراد، مهارت گفتگو است که در عصر حاضر بویژه در جامعه امروز ما یکی از مهارت‌های اساسی موردنیاز جهت همبستگی و وفاق اجتماعی و زندگی مسالمت‌آمیز در کنار یکدیگر و فائق آمدن بر چالش‌های ناشی از باورها و نگرش‌های متفاوت است. برای پرورش این مهارت، گام نخست ایجاد شناخت در دانش‌آموزان درباره شاخص‌های سخن نیک و آداب آن با تکیه بر منابع اصلی و مهم دینی و به‌طورخاص نهج‌البلاغه است. با توجه به این که کودکان در دوره دوم ابتدایی در آستانه ورود به مراحل کاملتری از تفکر انتزاعی و نیز ورود به عرصه ارتباطات اجتماعی گسترده‌تر هستند لذا آموزش درباره چستی سخن نیک و آداب آن به کودکان این دوره سنی از اهمیت به‌سزایی برخوردار است.

## ۲. بحث

### ۱-۲. معنای سخن

سخن به معنای کلام، قول، نطق، بیان، گفتار، آنچه گفته شود به کار می‌رود، است (عمید، ۱۳۶۰؛ معین، ۱۳۵۳؛ صدری‌افشار و همکاران، ۱۳۸۱: ۷۴۳؛ انوری، ۱۳۸۲). زبان فکری است که در قالب واژگان و ساختار، در موقعیتی خاص، لباس خط یا صوت به تن کرده‌است و قصد صاحب فکر را افشا می‌کند (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۲: ۵۷).

## ۲-۲. شاخص‌های سخن

در این پژوهش با توجه به اهمیت سخن در زندگی شخصی و اجتماعی انسان، شاخص‌های سخن در دو جنبه محتوایی و بیانی بر اساس سخنان امام علی(ع) بررسی و استخراج شد.

### ۱-۲-۲. ویژگی‌های محتوایی سخن

#### • حق و سدید بودن سخن

در قرآن خداوند مؤمنان را به گفتار حق و همراه بودن سخن با برهان و استحکام دعوت فرموده است و به آنان تأکید می‌کند این‌گونه با یکدیگر سخن بگویند: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا﴾ (احزاب/۷۰) ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خدا پروا دارید و سخنی استوار گویند (هاشمی و آل‌رسول، ۱۳۹۵: ۲۴). سدید به معنای استوار و محکم است (صدری‌افشار و همکاران، ۱۳۸۱: ۷۴۵). قول سدید، کلامی است که هم مطابق با واقع باشد و هم لغو نباشد؛ یا اگر فایده دارد فایده‌اش، چون سخن چینی و امثال آن، غیرمشروع نباشد. پس بر مؤمن لازم است که به راستی آنچه می‌گوید مطمئن باشد و نیز گفتار خود را بیازماید که لغو و یا مایه افساد نباشد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵۲۲/۱۶). حضرت علی(ع) می‌فرماید: «أَحْسِنُ الْقَوْلَ السَّادَةَ» (تمیمی‌آمدی، ۱۳۶۶: ۱۸۶/۱) نیکوترین کلام، کلام استوار و محکم است. هر چه کلام، با منطوق و استدلال بیشتری همراه باشد، میزان استحکام آن بیشتر خواهد بود و هر چه استحکام کلام بیشتر باشد، ثبات آن بیشتر خواهد شد. دلیل آنکه قرآن از استحکام برخوردار می‌باشد، این است که سخنش یا با عقل و یا با فطرت هماهنگ و از اینرو از سداد برخوردار است (سیفعلی، ۱۳۹۷: ۷۵). امام علی(ع) در نامه به حارث همدانی در بیان مکارم اخلاق می‌فرماید: «وَعَظِيمُ إِسْمِ اللَّهِ أَنْ تَذْكُرَهُ إِلَّا عَلَى حَقِّهِ وَ أَكْبَرُ ذِكْرِ الْمَوْتِ وَ مَا بَعْدَ الْمَوْتِ» (نامه/۶۹) نام خدا را بزرگ‌دار، جز به حق سخنی بر زبان نیاور، مرگ و جهان پس از مرگ را فراوان به یاد آور. همان‌طور که گفته شد از ویژگی‌های قول سدید، حق و بیهوده نبودن سخن است که امام علی(ع) به آن اشاره کرده است.

#### • خدامحوری در سخن

انسان به هنگام سخن گفتن باید در پی کسب رضایت خداوند باشد، نه اعمال، نیات و اغراض پلید خود. سخن انسان باید مطلوب خداوند باشد و انگیزه‌های صحیح از گفتن آن داشته باشد. پیامبر و اولیای خدا، به انگیزه تربیت انسان‌ها، به آنها گوشزد می‌کردند که کارهایشان حساب دارد و باید در برابر گفتار و کردار خویش جوابگو باشند. هر کلمه‌ای که از ذهن انسان خارج می‌شود ثبت و درباره آن سؤال می‌شود. توجه به این مطلب باعث می‌شود که انسان تا حدی زبان خود را کنترل کند (مصباح یزدی، ۱۳۷۹ به نقل از هاشمی و آل‌رسول، ۱۳۹۵: ۲۹-۳۰). همچنین امام علی(ع) در حکمت «أَنْ تَتَّقِيَ اللَّهَ فِي حَدِيثِ غَيْرِكَ» (حکمت/۴۵۸) به این موضوع اشاره می‌کند که زمانی که از دیگران سخن می‌گویی خدا را به یاد آور و از خدا بترس. این ویژگی از نشانه‌های ایمان است. سخنانی دیگر در نهج البلاغه می‌خوانیم «قَوْلًا بِالْحَقِّ» (نامه/۴۷). «مَنْ لَيْكُنْ آثَرُهُمْ عِنْدَكَ أَقْوَلَهُمْ بِمِرِّ الْحَقِّ لَكَ وَ أَقْلَهُمْ مُسَاعَدَةً فِيمَا يَكُونُ مِنْكَ مِمَّا كَرِهَ اللَّهُ لِأَوْلِيَائِهِ وَاقِعًا ذَلِكَ مِنْ هَوَاكَ حَيْثُ وَقَعَ» (نامه/۵۳). سپس از میان آنان افرادی را که در حق گویی از همه صریح‌ترند، و

در آنچه را که خدا برای دوستانش نمی‌پسندد تو را مددکار نباشند، انتخاب کن، چه خوشایند تو باشد یا ناخوشایند. «و عَظِمَ اسْمُ اللَّهِ أَنْ تُدْكِرَهُ إِلَّا عَلَىٰ حَقٍّ» (نامه/۶۹) نام خدا را بزرگ‌دار، و جز به حق سخنی بر زبان نیاور، تمامی این سخنان امام اشاره به حق محوری و خدامحوری در هنگام سخن‌گفتن اشاره می‌کنند.

### • لغو و بیهوده نبودن سخن

یکی از نشانه‌های انسان عاقل و دوراندیش پرهیز از سخنان زبان‌بار و بیهوده است. فرد خردمند وقتی در خطرهای بسیار زبان می‌اندیشد سکوت را ترجیح می‌دهد (منافی، ۱۳۸۶: ۶۷). از ویژگی‌های بهشتیان این است که هیچ‌گاه سخن لغو و بیهوده نمی‌گویند. امام ویژگی معاویه را این چنین بیان می‌کند: «قَدْ دَعَاهُ أَهْوَىٰ فَأَجَابَهُ وَ قَادَهُ الضَّلَالُ فَاتَّبَعَهُ فَهَجَرَ لِأَعْيُنِ النَّاسِ وَ ضَلَّ خَابِطًا» (نامه/۷) تنها دعوت هوس‌های خویش را پاسخ گفته، و گمراهی عنان او را گرفته و او اطاعت می‌کند، که سخن بی‌ربط می‌گوید و در گمراهی سرگردان است؛ همچنین در نیایش با خدا می‌فرماید: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي زَمْرَاتِ الْأَخْطَاةِ وَ سَقَطَاتِ الْأَلْفَاظِ وَ شَهَوَاتِ الْجَنَانِ وَ هَفْوَاتِ اللِّسَانِ» (خطبه/۷۸) خدایا، ببخشای نگاه‌های اشارت‌آمیز و سخنان بی‌فایده و خواسته‌های بی‌مورد دل و لغزش‌های زبان را. در نامه به امام حسن (ع) به ایشان توصیه می‌کند که: «وَ الْأَخْطَابَ فِيمَا لَمْ تُكَلِّفْ» (نامه/۳۱) آنچه بر تو لازم نیست بر زبان میاور. بنابراین سخن بیهوده گفتن یعنی تکلم درباره چیزی که نه فایده دنیایی دارد و نه سود اخروی. پرگویی و هرزه‌گویی اعم از آن است. یعنی پرگویی هم شامل سخن بی‌فایده دنیوی و اخروی می‌شود و هم سخن بیش از مقدار نیاز را در برمی‌گیرد (پایگاه حوزه، ۱۳۹۱) حضرت علی (ع) می‌فرماید: «لِإِكْتَارِ يُزُلُّ الْحَكِيمَ وَ يَمَلُّ الْحَلِيمَ فَلَا تُكْثِرْ فَتَضَجِرْ وَ لَا تُفْرِطْ فَتُهِنَ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱/۱۱۲) پرگویی، مرد حکیم را می‌لغزاند و انسان بردبار را خسته می‌کند. پس در سخن پرگویی نکن که دلگیر سازی و کم‌مگوی تا خوار شوی. و در حدیث دیگری چنین آمده است: «الْكَلَامُ كَالدَّوَاءِ قَلِيلُهُ نَافِعٌ وَ كَثِيرُهُ قَاتِلٌ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱/۱۲۶) سخن مانند داروست، اندکش مفید و زیادش کشنده است.

### ۲-۲-۲. ویژگی‌های مربوط به نحوه بیان

#### • ساده و روان بودن سخن

ویژگی دیگر در تفهیم سخن، رعایت روانی کلام است. بدین‌منظور، شایسته است از استعمال لغات و کلمات پیچیده اجتناب کرد تا فهم آن برای مخاطب آسان باشد. با توجه به متفاوت بودن درجات اندیشه بشری، سخن نیز دارای مراتب متفاوتی است. لذا ضرورت دارد که درجه سخن، متناسب با مرتبه مخاطب باشد. امام علی (ع) می‌فرماید: «قَالَ فَأَمَّا زَوْا فِرْقَتَيْنِ» (خطبه/۱۲۲) فرمود: به دو گروه تقسیم شوید، تا متناسب با هر کدام سخن گویم. این سخن نشان‌دهنده مخاطب‌شناسی امام و متناسب با هر مخاطب سخن‌گفتن ایشان است. همچنین امام علی (ع) می‌فرماید: «الْبَلَاغَةُ مَا سَهَّلَ عَلَى الْمُنْطِقِ وَ خَفَّ عَلَى الْفِطْنَةِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱/۱۰۲) سخن رسا آن است که به آسانی بر زبان آید و بسادگی فهمیده شود. و در

حدیثی دیگر می‌فرماید: «أَحْسَنُ الْكَلَامِ مَا زَانَهُ حُسْنُ النَّظَامِ ، وَفَهْمُهُ الْخَاصُّ وَالْعَامُّ» (همان: ۲۱۲/۱) بهترین گفتار آن است که به حسن ترتیب و نظم آراسته باشد و عالم و عامی آن را بفهمد.

### • حسن گفتار

حُسن در لغت به معنای زیبایی و نیکویی و نقیض قبح است (قرشی، ۱۴۱۲: ۱۳۵/۲). قرآن کریم، با پیامبران، ملائکه، مؤمنان، عموم مردم و حتی با کفار و مشرکان، ادب در کلام را کاملاً رعایت می‌کند و به مؤمنان دستور می‌دهد با دیگران زیبا سخن گفته، و از به زبان آوردن گفتار زشت (حتی در مقابل کافران و ابلهان) دوری گزینند. خداوند به انسان فرمان می‌دهد ﴿وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا﴾ (بقره/۸۳)؛ به هنگام صحبت کردن نه تنها نیکو سخن بگویند، بلکه از بهترین کلمات استفاده نماید حتی به هنگام عصبانیت (مروتی، حسینی‌نیا و سیفعلی، ۱۳۹۷: ۱۲۰). امام علی(ع) می‌فرماید: «عَوْدُ لِسَانِكَ حُسْنَ الْكَلَامِ تَأْمِنِ الْمَالَمِ» (تمیمی‌آمدی، ۱۳۶۶: ۳۴۲/۲) عادت بده خود را به سخن نیکو تا از سرزنش در امان باشی.

### • میسور بودن سخن

میسور در لغت به معنای سهل آمده است (دهخدا، ۱۳۶۱: ۲۸۸۷/۲). خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿وَأَمَّا تُعْرِضَنَّ عَنْهُمْ ابْتِغَاءَ رَحْمَةٍ مِنْ رَبِّكَ تَرْجُوهَا فَقُلْ لَهُمْ قَوْلًا مَيْسُورًا﴾ (اسراء/۲۸)؛ و با ایشان با ملایمت سخن بگو. یسر، نقطه مقابل عُسْر و تَكْلَف است و تَكْلَف نوعی زحمت است. تکلیف هم به همین معناست. همان‌گونه که انسان می‌تواند در زندگی خود با محدودیت‌ها و با تکلفات فراوان رفتار کند و در نتیجه عرصه را بر خود تنگ نماید، در مقام سخن هم می‌تواند دچار انواع تکلفات گردد. خداوند در قرآن، پیامبر خویش را از تکلف مبرا دانسته است ﴿قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ﴾ (ص/۸۶)؛ بگو: «من برای دعوت نبوت هیچ پاداشی از شما نمی‌طلبم، و من از متکلفین نیستم! (سخنانم روشن و همراه با دلیل است)» (سیفعلی، ۱۳۹۷: ۷۶-۷۵). امام علی(ع) در رابطه با میسور و بی‌تکلف بودن سخن می‌فرماید: «أَحْسَنُ الْكَلَامِ مَا لَا تَمُجُّهُ الْأَذَانُ وَلَا تَبْعُ فَهْمُهُ الْأَفْهَامَ» (تمیمی‌آمدی، ۱۳۶۶: ۲۱۸/۱) بهترین سخن آن است که برای گوش‌ها ناخوشایند [و ناآشنا] نباشد و فهم آن برای فهم‌ها رنج‌آور نباشد، این سخن به خوبی بیان می‌کند که در هر اموری از جمله سخن گفتن باید ساده و روان سخن گفت.

### • لین بودن سخن

واژه لین از «لین» (ضد خشونت) مشتق شده است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۳۹۴/۱۳، راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ۷۵۲/۱) بنابراین «قول لین» سخنی خواهد بود که نرم و خالی از خشونت باشد. مهمترین تکنیکی که خداوند در قرآن برای سخن گفتن و معاشرت به ما می‌آموزد، نرم و آرام سخن گفتن است؛ زیرا این‌گونه سخن گفتن مخاطب را بیشتر متأثر می‌کند. جالب این‌که حتی با سرکش‌ترین افراد نیز ابتدا باید نرم و لطیف سخن گفت. خداوند هنگامی که حضرت موسی و برادرش را به سوی فرعون روانه می‌کرد، فرمود: ﴿فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَبِيبًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى﴾ (طه/۴۴)؛ و با او سخن نرم گویند، شاید که پند پذیرد یا بترسد از سوی دیگر، اگر سخن، تند یا بلند و گوش‌خراش باشد، نه تنها نشانه بی‌ادبی است، بلکه گوش شنونده را آزار می‌دهد و او را از گوینده، متوجه سوی دیگر می‌کند. نرم و ملایم بودن گفتار سبب جلب محبت و از

بین رفتن دشمنی می‌شود(همان: ۷۴). امام علی(ع) ضمن توصیه به لینت کلام بیان فرمودند: «عَوَدَ لِسَانِكَ لِيْنَ الْكَلَامِ وَبَدَلَ السَّلَامِ يَكْثُرُ مُحَبُّوكَ وَ يَنْقَلُ مُبْغِضُوكَ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۴۵۷/۱) زبانت را به گفتار نرم بگردان و سلام را هدیه کن تا دوست‌دارانت زیاد و دشمنانت کم شوند. همچنین امام علی(ع) «لَيْتَا قَوْلُهُ» (خطبه/۱۹۳) نرمی در گفتار را از ویژگی‌های متقین می‌داند و بیان می‌کند «سِنَّةُ الْأَخْيَارِ لِيْنَ الْكَلَامِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۳۹۹/۱) روش انسان‌های نیک، گفتار نرم است.

### ۳-۲. اصول اخلاقی سخن نیک گفتن

معنای «اصل» در علوم کاربردی، «قاعده‌ی عامه»‌ای خواهد بود که می‌توان آن را به منزله‌ی دستورالعملی کلی در نظر گرفت و به عنوان راهنمای عمل قرار داد. اصل در علوم کاربردی به صورت قضیه‌ای بیان می‌شود که حاوی «باید» است. بر این اساس، هنگامی که از اصول تعلیم و تربیت سخن می‌گوییم، باید خود را محدود به بیان قواعدی کنیم که به منزله‌ی راهنمای عمل، تدابیر تعلیمی و تربیتی ما را هدایت می‌کنند (باقری، ۱۳۹۹: ۸۷). در این بخش به اصول تربیتی ایجابی و سلبی در سخن با توجه به سخنان امام علی(ع) پرداخته می‌شود.

#### ۱-۳-۲. اصول اخلاقی ایجابی

اصول اخلاقی ایجابی در سخن به آن دسته از اصول اشاره دارد که باید در حین سخن گفتن به آنها توجه و رعایت شود، و انسان آنها را در خود ایجاد کند. رعایت این اصول باعث می‌شود سخن اثربخش باشد و از بروز پیامدهای ناگوار جلوگیری شود. این اصول عبارتند از:

#### • علم به سخن

در دین اسلام سخن گفتن از روی علم و لب فرو بستن از بیان نادانسته‌ها یکی از حقوق خداوند بر بندگان شمرده شده است (سبحانی یامچی، ۱۳۸۶: ۲۹). قرآن یکی از معیارهای ارزشی را در تمامی برنامه‌های بشر و از جمله در گفتار علم و عمل می‌داند. برای مثال، خداوند انسان را از برپایی نماز در حالت مستی باز می‌دارد و علت آن را ضرورت آگاهانه سخن گفتن او ذکر می‌کند. امام علی(ع) بیان می‌کند: «لَا خَيْرَ فِي الْقَوْلِ بِالْجَهْلِ» (حکمت/۱۸۲) که باید در هنگام سخن گفتن، به آنچه بر زبان جاری می‌شود آگاهی داشت چنانچه در سخن ناآگاهانه خیری نیست. امام(ع) همچنین به امام حسن(ع) توصیه می‌کند که «وَدَعْ الْقَوْلَ فِيمَا لَا تَعْرِفُ» (نامه/۳۱) آنچه نمی‌داند بر زبان نیاورد و امام علی(ع) راهکار احتیاط در سخن گفتن را منوط به علم بر سخن می‌داند و می‌فرماید: «لَا تَقُلْ مَا لَا تَعْلَمُ» (حکمت/۳۸۲) آنچه نمی‌دانی نگو.

#### • اتکا بر عقل

«عقل» به گفته «لسان العرب» و «مفردات راغب» در اصل از «عقال» به معنای طنابی است که بر پای شتر می‌بندند تا حرکت نکند؛ و از آنجا که نیروی خرد، انسان را از کارهای ناهنجار باز می‌دارد این واژه بر آن اطلاق شده است و ریشه اصلی آن همان منع و بازداري است (مکارم‌شیرازی، ۱۳۸۶: ۱۴۵-۱۴۴). از

۱. «يَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ وَلَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّى تَغْتَسِلُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْمَضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُم مِّنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوْهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُوًّا غَفُورًا» (نساء/۴۳).

آنجا که اندیشه و خردورزی مهمترین تکیه‌گاه اسلام در عقاید، اخلاق، کردار و گفتار است. از نظر اسلام، انسان حق ندارد آنچه را که عقل نادرست می‌داند باور کند؛ صفاتی را که خرد ناپسند می‌داند بدان متّصف شود؛ و رفتاری را که عقل ناشایست می‌داند انجام دهد؛ و گفتاری را که خرد بی‌ارزش و ناهنجار می‌داند به زبان جاری کند. کلامی دارای اعتبار است که خردمندان و همراه با اندیشیدن باشد؛ یعنی افزون بر عاقلانه بودن گفتار، گوینده قبل از سخن گفتن در گفتار خود اندیشه نموده و بعد لب به سخن باز کند زیرا هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد (درایتی، ۱۳۸۲: ۳۳). امام علی (ع) در بیانات خود به حفظ آرامش در سخن گفتن «دَلِيلُهَا مَكِيثُ الْكَلَامِ» (خطبه/۱۰۰) با درنگ و آرامش سخن می‌گفت؛ بامنطق سخن-گفتن «فَاَسْمِعُوا قَوْلِي وَ عُوا مَنْطِقِي» (خطبه/۱۳۹) به سخن من گوش دهید و منطق مرا دریابید؛ و با فکر سخن گفتن «لِأَنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَتَكَلَّمَ بِكَلَامٍ تَدَبَّرَهُ فِي نَفْسِهِ فَإِنْ كَانَ خَيْرًا أَبْدَاهُ وَ إِنْ كَانَ شَرًّا وَازَاهُ» (خطبه/۱۷۶) مؤمن هرگاه بخواهد سخنی گوید، نخست می‌اندیشد، اگر نیک بود اظهار می‌دارد، و چنانچه ناپسند، پنهانش می‌کند، اشاره می‌کند.

#### • موقعیت و زمان شناسی

سخن گفتن چون یک کنش انسانی است پس باید با موقعیت‌های زمانی و مکانی؛ تناسب داشته باشد (صفدری، ۱۳۸۹). انتخاب این که چه زمان باید سکوت اختیار کرد «لَا خَيْرَ فِي الصَّمْتِ عَنِ الْحُكْمِ كَمَا أَنَّهُ لَا خَيْرَ فِي الْقَوْلِ بِالْجَهْلِ» (حکمت/۴۷۱) در آنجا که باید سخن گفت، خاموشی سودی ندارد، و آنجا که باید خاموش ماند سخن گفتن خیری نخواهد داشت؛ و چه زمان باید سخن گفت و زمانی که سخن گفته میشود ما در بند سخن هستیم «الْكَلَامُ فِي وَثَاقِكَ مَا لَمْ تَتَكَلَّمْ بِهِ فَإِذَا تَكَلَّمْتَ بِهِ صِرْتَ فِي وَثَاقِهِ» (حکمت/۳۸۱) سخن در بند توست، تا آن را نگفته باشی، و چون گفتی تو در بند آنی، اشاره به موقعیت شناسی شخص دارد.

#### • مطابقت قول با عمل

اصالت با رفتار است نه گفتار. گفتاری که مؤید عملی و رفتاری نداشته باشد، نه تنها ارزش ندارد که خشم شدید خداوند را نیز به دنبال دارد زیرا اثر معکوس بر جای می‌گذارد شاید کمترین پیامد رفتار موعظه‌گران بی‌عمل، آموزش نفاق گفتاری و رفتاری در جامعه باشد (شریفی، ۱۳۹۶). امام علی (ع) در ضرورت مطابقت قول با عمل می‌فرماید: «إِعْقِلُوا الْحَبْرَ إِذَا سَمِعْتُمُوهُ عَقْلَ رِعَايَةٍ لَا عَقْلَ رَوَايَةٍ فَإِنَّ رَوَاةَ الْعِلْمِ كَثِيرٌ وَ رِعَايَتَهُ قَلِيلٌ» (حکمت/۹۸) چون روایتی را شنیدید، آن را بفهمید عمل کنید، نه بشنوید و نقل کنید، زیرا راویان علم فراوان، و عمل‌کنندگان آن اندکند. در سخنانی دیگر می‌فرماید: «قَالَ اللَّهُ تَعَالَى كَبْرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ» (نامه/۵۳) خدای بزرگ فرمود: دشمنی بزرگ نزد خدا آن که بگویند و عمل نکنید. «وَ كُنْتُ أَحْفَظُهُمْ صَوْتًا وَ أَعْلَاهُمْ قَوْلًا» (خطبه/۳۷) در مقام حرف و شعار صدایم از همه آهسته‌تر بود اما در عمل برتر و پیشتر بودم. «أَيُّهَا النَّاسُ اسْتَصْبِحُوا مِنْ شُعْلَةٍ مِصْبَاحٍ وَاعْظُوا مُنْعِظٍ» (خطبه/۱۰۵) ای مردم! چراغ دل را از نور گفتار گوینده با عمل روشن سازید. «وَ الْقَوْلُ بِالْعَمَلِ» (خطبه/۱۹۳) سخن را با عمل، در می‌آمیزد.

• توجه به گفته، نه به گوینده

در احادیث متعددی بر این اصل تأکید می‌شود که شخص مسلمان، باید هر سخنی را فارغ از گوینده اش - ارزیابی کند و در صورت درست بودن، آن را بپذیرد و در این میان، هیچ توجهی به گوینده آن نکند. این احادیث توصیه می‌کنند که سخن حکیمانه را باید از منافقان، مشرکان و کافران گرفت و به شرک و ایمان گوینده آن توجهی نداشت (اسلامی، ۱۳۸۸: ۱۶۸). یکی از آداب اخلاقی گفتگو که رعایت آن موجب خارج نشدن گفتگو از مسیر درست می‌شود، این است که طرفین در طول بحث و گفتگوی خود همواره به بررسی مستندات یکدیگر بپردازند و اجازه ندهند که مسائل حاشیه‌ای چون انگیزه‌خوانی و نیت سوء در روند گفتگو اخلاص ایجاد نماید (پیشگر، ۱۳۹۰: ۷-۶). در یکی از سخنان معروف امام‌علی(ع) ایشان می‌فرماید «انظُرْ اِلَى مَا قَالَ، وَ لَا تَنْظُرْ اِلَى مَنْ قَالَ» (تمیمی‌آمدی، ۱۳۶۶: ۳۶۱/۱) به گفته بنگر نه به گوینده، همچنین در بیانی دیگر می‌فرماید: «الْحِكْمَةُ صَالَةٌ الْمُؤْمِنِ فَخُذِ الْحِكْمَةَ وَ لَوْ مِنْ اَهْلِ الْبَغْيِ» (حکمت/۸۰) حکمت گمشده مؤمن است، حکمت را فراگیر هر چند از منافقان باشد.

• رازداری در سخن

«سَر» از ماده «سرر» در لغت به معنای پنهان کردن مطلبی در دل می‌باشد (راغب‌اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۰۴/۱). واژه «کتمان» به معنای پنهان ساختن آنچه در باطن است، یکی از پرکاربردترین الفاظ در بیان مفهوم رازداری به حساب می‌آید؛ چنانچه در حدیثی از امام‌علی(ع) آمده است که: «جَمَعَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ فِي كِتْمَانِ السِّرِّ وَ مُصَادَقَةِ الْاِخْيَارِ» (بحارالانوار: ۱۷۸/۷۴) همه خیر دنیا و آخرت در رازداری و هم‌نشینی با نیکان است. هر انسانی در زندگی فردی و اجتماعی خویش، خواه ناخواه اسرار مگو دارد که بایستی در نگاه‌داری آن کوشا باشد. برخی از این اسرار مربوط به خودش و برخی مربوط به خانواده یا جامعه اوست (اسحاقی، ۱۳۸۶: ۳۱). امام می‌فرماید: «الْمَرْءُ مَحْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ» (حکمت/۱۴۸) انسان زیر زبان خود پنهان است؛ با سخن‌گفتن شخصیت و اسرار انسان فاش می‌شود و با توجه به این موضوع انسان باید سعی در کنترل سخنان خود داشته باشد. در حدیث دیگر می‌فرماید: «مَنْ كَتَمَ سِرَّهُ كَانَتْ الْحَيْرَةُ بِيَدِهِ» (حکمت/۱۶۲) کسی که راز خود را بپوشاند همواره اختیار آن به دست اوست (و کسی که نپوشاند از اختیارش بیرون می‌رود).

• لزوم استفاده مشورت در سخن

مشورت از ماده «شور» است که در لغت به معنای برداشتن و استخراج عسل از کندو زنبور عسل است (قرشی، ۱۴۱۲: ۸۸/۴). مشورت به معنای همفکری در کارها و استفاده از رأی، عقل، علم و سلیقه دیگران و کسب اطلاع از رأی اهل خبره و اصحاب رأی برای دستیابی به نتیجه اصلاح است (سامانی، ۱۳۸۷: ۱۷). در بیان اهمیت مشورت و لزوم پرداختن به آن جز این نشاید گفت که کمتر کار مهمی بی نظرخواهی به سامان خواهد رسید. مشورت از اصول ضروری دین اسلام است که نقشی سازنده و نگاه‌دارنده از خطاها و زیان‌ها و انحراف‌ها دارد و بی‌توجهی به آن یا از بی‌اطلاعی است و یا معلول خودرأیی و کژاندیشی (میرزاحمد، ۱۳۸۹: ۱۲۷). امام‌علی(ع) در سخنان خود حتی خرمندان را نیز بی‌نیاز



از مشورت نمی‌داند «لا یستغنی العاقل عن المشاوره» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۷۷۸/۱) و می‌فرماید: «حق علی العاقل أن یضیف إلى رأیه رأى العلاء و یضم إلى علمه علوم الحکماء» (همان: ۳۵۱/۱) خردمندان با مشورت علم خود را افزایش می‌دهند، و مشورت را پشتیبان «و لا ظهیر کالمشاوره» (حکمت/۵۴) و چراغ هدایت «و الایستشارة عین الهدایة و قد خاطر من استغنی برأیه» (حکمت/۲۱۱) انسان توصیف می‌کند.

### • صداقت در سخن

یکی از فضیلت‌های اخلاقی که نقش بسزایی در سازندگی انسان دارد، صداقت در گفتار، رفتار و پندار است. تعالی بشر، در گرو پایبندی آنان، به راستی در کردار و گفتارشان است. از آن جا که انسان‌ها بر اثر نیازمندی‌های فراوان روحی و جسمی ناگزیرند، به صورت اجتماعی زندگی کنند، آنچه بقای چنین حیاتی را تضمین می‌کند، درستکاری و راستی میان افراد جامعه است. بنابراین، اگر همه کارهای انسان بر صدق بنا نهاده شود و از هرگونه ناراستی پیراسته باشد، زمینه‌ی نیک‌بختی او فراهم می‌آید، چنان‌که گشوده شدن دریاچه‌های کمال به روی جامعه بشری، تنها با استوارکردن پایه صداقت فراهم می‌شود. به همین جهت، خداوند مؤمنان را در کنار فراخوانی به تقوا، به همراهی با صادقان فرمان می‌دهد و می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾ (توبه/۱۱۹)؛ ای مؤمنان، از خدا بترسید و همگام با راستان باشید (پورفلاحی، ۱۳۸۷: ۸۵). امام علی(ع) از نشانه‌های ایمان را راستگویی و صداقت حتی هنگامی که سخن راست برای فرد ضرر و زیان داشته باشد می‌داند «الایمان أن تُؤثِرَ الصِّدْقَ حَيْثُ يَضُرُّكَ» (حکمت/۴۵۸).

### ۲-۳-۲. اصول اخلاقی سلبی در سخن

اصول تربیتی سلبی در سخن به آن دسته اصول اشاره می‌کند که باید حین سخن گفتن از آنها پرهیز و جلوگیری شود و انسان این موارد را از خود دور یا رفع کند. رعایت نکردن این اصول می‌تواند در زندگی شخصی و اجتماعی فرد مشکلات فراوان به وجود آورد. این اصول عبارتند از:

#### • پرهیز از سخن چینی

سخن چینی عبارت است: از شخصی سخن یا راز کسی را برای دیگری بازگو کند و بدین وسیله میان افراد، ناراحتی و اختلاف ایجاد کند. در زبان قرآن و احادیث از سخن چینی با واژه نمّام، قنّات و سمایت کننده یاد شده است. امام علی(ع) سخن چینی را اخلاق افراد منافق و شیوه کسانی شمرده که از دایره دین‌داری خارج شده‌اند «التمیمة شیمة المارق» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۵۱/۱) (صادقی اردستانی، ۱۳۸۲: ۳۲) و خیانتکار هستند «عَنِ النَّاسِ عُقْدَةٌ كُلُّ حَفْدٍ وَ إِفْطَعُ عَنْكَ سَبَبُ كُلِّ وَثْرٍ وَ تَغَابَ عَنْ كُلِّ مَا لَا يَصِيحُ لَكَ وَ لَا تُعْجَلَنَّ إِلَى تَصْدِيقِ سَاعٍ فَإِنَّ السَّاعِيَ غَاشٌّ وَ إِنْ تَشَبَّهَ بِالنَّاصِحِينَ» (نامه/۵۳) و پیروزی از سخن چینیان باعث نابودی دوستی‌ها می‌شود «مَنْ أَطَاعَ التَّوَابِيَّ صَبَّحَ الْحُقُوقَ وَ مَنْ أَطَاعَ الْوَأَشِيَّ صَبَّحَ الصِّدِّيقَ» (حکمت/۲۳۹).

#### • پرهیز از غیبت

غیبت به معنای بدگویی پشت سر دیگران، از گناهان کبیره‌ای که دین اسلام به شدت آن را نهی کرده است. قرآن این گناه را همچون خوردن گوشت انسان مرده توصیف کرده و در روایات گناه آن شدیدتر از زنا معرفی شده‌است. امام علی غیبت‌کنندگان را افرادی ناتوان می‌داند «الغیبة جهد العاجز» (حکمت/۴۶۱)

زیرا معتقد است غیبت تنها سلاح غیبت‌کنندگان است. امام علی(ع) در نهج البلاغه خطبه ۱۴۰ آشکار مردم را از غیبت نهی می‌کند(عموری و هاشمی‌امجد، ۱۳۹۶: ۶). بزرگترین اثر غیبت از مومن موجب تحقیر و خدشه‌دار نمودن شخصیت وی می‌گردد. این امر شایسته جامعه اسلامی نیست(ذوالفقاری‌فر، مروتی و شیرخانی، ۱۳۹۲: ۱۳۰).

#### • پرهیز از دروغگویی

دروغ از گناهان بزرگ و کلید و سرچشمه تمام بدی‌ها و زشتی‌هاست. خداوند در قرآن انسان‌ها را از دروغ برحذر داشته است و گاهی نیز آنها را تهدید می‌کند و می‌فرماید: ﴿وَيْلٌ لِّكُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ﴾ (جاثیه/۷)؛ وای بر هر دروغ‌زن گناه پیشه؛ باید دانست همان‌طور که دروغ بر دروغگو حرام است نقل دروغ دیگری هم حرام و همچنین ثبت کردن و نوشتن یا خواندن و گوش دادنش هم حرام می‌شود (هاشمی و آل‌رسول، ۱۳۹۵: ۳۷). امام علی(ع) در بیان صفات عمروعاص دروغ را بدترین گفتار می‌داند «أَمَا وَ شَرُّ الْقَوْلِ الْكُذِبُ» (خطبه/۸۴) و انسان را از دوستی با دروغگو منع می‌کند چراکه دروغگو مانند سراب عمل می‌کند و دور را نزدیک، و نزدیک را دور می‌نمایاند «وَ إِيَّاكَ وَ مُصَادَقَةَ الْكُذَّابِ فَإِنَّهُ كَالسَّرَابِ يُقَرِّبُ عَلَيْكَ الْبُعِيدَ وَ يُبَعِّدُ عَلَيْكَ الْقَرِيبَ» (حکمت/۳۸).

#### • پرهیز از سوءظن

یکی از بیماری‌های روانی که تأثیر زیانباری بر شخصیت و رفتارهای فردی و اجتماعی به جا می‌گذارد، بدگمانی یا سوءظن است. انسان بدگمان و بدبین نسبت به هستی و زندگی نگرش منفی دارد و به کسی اعتماد نمی‌کند و هیچ‌گاه احساس امنیت نمی‌کند (فیروزیان، ۱۳۹۵). امام علی(ع) می‌فرماید: «لَا تَطَنَّ بِكَلِمَةٍ خَرَجَتْ مِنْ أَحَدٍ سُوءاً وَ أَنْتَ تَجِدُهَا فِي أَحْسَنِ مُحْتَمَلٍ» (حکمت/۳۶۰) شایسته نیست به سخنی که از دهان کسی خارج شد، گمان بد ببری، چرا که برای آن برداشت نیکویی می‌توان داشت. و در حکمتی دیگر بیان می‌کند: «اتَّقُوا ظُنُونَ الْمُؤْمِنِينَ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَعَلَ الْحَقَّ عَلَى أَلْسِنَتِهِمْ» (حکمت/۳۰۹) از گمان مؤمنان پرهیزید که خدا حق را بر زبان آنان قرار داده است.

#### • دوری از افراط در مدح و ثنا

چاپلوسی از ردای اخلاقی است. کسی که چاپلوس است و هم آن کسی که تملق را دوست می‌دارد و انتظار مدح و ثنای بی‌مورد و بیجا دارد، از فضیلت اخلاقی به دور هستند. چاپلوسی باعث می‌شود انسان از ارزش‌ها به‌ویژه ارزش‌های الهی دور شوند و ارزش‌های مادی ملاک بهروزی و برتری او قرار گیرد، بدین طریق اسارت وی آغاز می‌شود. چاپلوسی، حالتی است برخاسته از ضعف نفس و نوعی اسارت روحی انسان که در برابر دیگر آدمیان برای جلب منافع و کسب امتیازهای مادی صورت می‌گیرد. یکی از مهمترین اهداف حضرت علی(ع) که در اندیشه‌ها و سیره امام علی(ع) به وضوح قابل مشاهده است، ساختن جامعه‌ای متشکل از انسان‌هایی است که دارای عزت‌نفس و مناعت طبع می‌باشد تا در مقابل هیچ انسانی و هیچ مقامی احساس حقارت نکرده و سر فرود نیاورند (علیخانی، ۱۳۸۴؛ به نقل از محمدی و ابراهیمی: ۷). امام علی(ع) وقتی شخصی ایشان را مورد ستایش قرار دادند فرمود: «وَ مَدَحُهُ قَوْمٌ فِي وَجْهِهِ

فَقَالَ اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَعْلَمُ بِي مِنْ نَفْسِي وَ أَنَا أَعْلَمُ بِنَفْسِي مِنْهُمْ أَللَّهُمَّ اجْعَلْنَا خَيْرًا مِمَّا يَطْنُونَ وَ اغْفِرْ لَنَا مَا لَا يَعْلَمُونَ» (حکمت/۱۰۰) بار خدایا تو مرا از خودم بهتر می‌شناسی، و من خود را بیشتر از آنان می‌شناسم خدایا مرا از آنچه اینان می‌پندارند، نیکوتر قرار ده، و آنچه را که نمی‌دانند بیامرزد. امام علی(ع) می‌فرماید: «الْتَّائِبُ بِالْكَثْرِ مِنَ الْإِسْتِحْقَاقِ مَلَقٌ وَ التَّقْصِيرُ عَنِ الْإِسْتِحْقَاقِ عَيٌّْ أَوْ حَسَدٌ» (حکمت/۳۴۷) ستودن بیش از آنچه که سزاوار است نوعی چاپلوسی، و کمتر از آن، درماندگی یا حسادت است.

#### • پرهیز از عیب‌جویی در سخن گفتن

عیب‌جویی از دیگران موجب انتقال نوعی احساس رنج به طرف مقابل است و وی را از دایره روابط اجتماعی با دیگران خارج می‌سازد. در نتیجه عیب‌جویی، کرامت‌های انسانی زیرسؤال رفته و روابط اجتماعی آسیب پذیر می‌گردد. چه بسا عیب‌جویی به واسطه احساسی که به فرد انتقال می‌دهد، او را از ادامه روابط اجتماعی با دیگران منزجر کرده و زندگی اجتماعی را بر وی تنگ و محدود می‌سازد (امین‌پور و امین‌پور، ۱۳۹۲: ۵۲). امام علی(ع) می‌فرماید: «يَا عَبْدَ اللَّهِ لَا تَعْجَلْ فِي عَيْبِ أَحَدٍ بِدَنْبِهِ فَلَعَلَّهُ مَغْفُورٌ لَكَ» (خطبه/۱۴۰) ای بنده خدا، در گفتن عیب کسی شتاب مکن، شاید خدایش بخشیده باشد. همچنین می‌فرماید قبل از گفتن عیب دیگران به خود بنگریم، چرا که هیچ‌کس بی‌عیب نیست «لزوم الطاعة يا أيُّهَا النَّاسُ طُوبَى لِمَنْ شَغَلَهُ عَيْبُهُ عَنْ عُيُوبِ النَّاسِ» (خطبه/۱۷۶) ای مردم! خوشا به حال کسی که عیب‌شناسی نفس، او را از عیب‌جویی دیگران باز دارد.

#### ۴-۲. تحلیل کتب

در این بخش از مقاله، برنامه درسی کودکان دوره دوم ابتدایی، بویژه کتاب‌های فارسی، هدیه‌های آسمان و مطالعات اجتماعی دوره دوم ابتدایی [که بنا به ماهیت این دروس، ارتباط بیشتری با آموختن آداب مختلف فردی و اجتماعی و از جمله آداب سخن گفتن دارند] بر اساس میزان توجه به آداب سخن نیک از منظر نهج البلاغه تحلیل می‌شود. از اینرو، کتب مورد نظر یک به یک مورد مطالعه قرار گرفت، و مطالبی که متناسب با شاخص‌ها و آداب سخن نیک از منظر نهج البلاغه بوده، استخراج شد.

جدول ۱. تحلیل کتب بر اساس شاخص‌های آداب سخن گفتن از منظر نهج البلاغه

ششم	پنجم	چهارم	فارسی	خدا محور در سخن
صفحه ۶۴		صفحه ۱۴۰	هدیه	
	سوره مائده آیه ۶۷، صفحه ۶۷		مطالعات	
	صفحه ۱۰۸		فارسی	علم به سخن
			هدیه	
			مطالعات	
صفحه ۱۰۲			فارسی	لغو و بیهوده نبودن سخن
			هدیه	
صفحه ۱۳			مطالعات	
صفحه ۹۸			فارسی	مطابقت قول با عمل

			هدیه	
			مطالعات	
صفحه ۱۴، صفحه ۸۵ صفحه ۸۵			فارسی	لزوم استفاده مشورت در سخن
صفحه ۳۷			هدیه	
صفحه ۲۰، صفحه ۲۰	صفحه ۱۷، صفحه ۹ و ۱۱	صفحه ۶، صفحه ۱۹، صفحه ۱۹	مطالعات	
صفحه ۱۰۴، صفحه ۱۰۴ صفحه ۱۰۴، صفحه ۱۰۴ صفحه ۱۰۷	صفحه ۱۳۹		فارسی	صداقت در سخن
			هدیه	
		صفحه ۳	مطالعات	
صفحه ۳۰ صفحه ۳۰، صفحه ۳۰ صفحه ۷۵، صفحه ۱۰۲، صفحه ۱۱۲	صفحه ۷۹		فارسی	پرهیز از اطاله‌گویی و زیاده‌گویی
			هدیه	
			مطالعات	
			فارسی	پرهیز از سخن‌چینی
			هدیه	
صفحه ۱۱، صفحه ۱۱			مطالعات	
صفحه ۱۱۲			فارسی	پرهیز از غیبت
صفحه ۶۴، صفحه ۳۸		صفحه ۴۳	هدیه	
صفحه ۱۸			مطالعات	
صفحه ۱۰۴، صفحه ۱۰۴ صفحه ۱۰۴، صفحه ۱۰۴ صفحه ۱۰۴، صفحه ۱۰۷		صفحه ۱۴۰	فارسی	پرهیز از دروغ‌گویی
			هدیه	
صفحه ۱۱			مطالعات	
			فارسی	پرهیز از ظن و گمان
صفحه ۶۴	صفحه ۱۰، صفحه ۲۵		هدیه	
			مطالعات	
صفحه ۱۱۰، صفحه ۱۱۰			فارسی	پرهیز از افراط در مدح و ثنا
			هدیه	
			مطالعات	
صفحه ۱۰۷			فارسی	پرهیز از عیب‌جویی
صفحه ۶۳		صفحه ۴۴، صفحه ۷۹	هدیه	
صفحه ۱۳			مطالعات	

جدول ۲. میزان درصد هر شاخص

درصد	تعداد هر شاخص	شاخص های اداب سخن گفتن
۵/۰۸	۳	خدا محوری در سخن
۱/۶۹	۱	علم به سخن
۱۵/۲۵	۹	لغو و بیهوده نبودن سخن
۱/۶۹	۱	مطالقت قول با عمل
۲۲/۰۳	۱۳	لزوم استفاده مشورت در سخن
۱۱/۸۶	۷	صداقت در سخن
۳/۳۸	۲	پرهیز از سخن چینی
۸/۴۷	۵	پرهیز از غیبت
۱۳/۵۵	۸	پرهیز از دروغگویی
۵/۰۸	۳	پرهیز از سوءظن
۳/۳۸	۲	پرهیز از افراط در مدح و ثنا
۸/۴۷	۵	پرهیز از عیب جویی
۱۰۰	۵۹	کل

### ۳. نتیجه گیری

در این پژوهش ابتدا به تبیین الگوی مطلوب سخن نیک از منظر نهج البلاغه پرداخته شد. برای این منظور با توجه به سخنان امام علی (ع) شاخص های سخن نیک در دو مقوله ویژگی های محتوایی (حق و سدید بودن سخن، خدامحوری در سخن، لغو و بیهوده نبودن سخن) و ویژگی های بیانی سخن ( ساده و روان بودن سخن، حسن گفتار، میسور بودن سخن و لین بودن سخن)، و اصول اخلاقی ایجابی (علم به سخن، اتکا بر عقل، موقعیت و زمان شناسی، مطابقت قول با عمل، توجه به گفته و نه به گوینده، رازداری در سخن، لزوم استفاده مشورت در سخن، صداقت در سخن) و سلبی (پرهیز از سخن چینی، پرهیز از دروغگویی، پرهیز از سوءظن، دوری از افراط در مدح و ثنا، و پرهیز از عیب جویی) سخن نیک استخراج شد. یافته های پژوهش حاضر با پژوهش ذوالفقاری فر و همکاران (۱۳۹۳) که به شاخص های سخن در اسلام پرداخته است همسویی دارد. در این تحقیق شاخص هایی نظیر؛ هدف محوری، پر محتوایی، تبیین حقیقت، پرهیز از دروغگویی، پرهیز از غیبت و پرهیز از تمسخر دیگران، پرهیز از ظن و گمان بد، پرهیز از دشنام گویی، حتی به کافران، و سخن رسا گفتن استخراج شده است. نتایج بدست آمده با پژوهش حاضر شباهت دارد اما این پژوهش علاوه بر این که مبتنی بر متون دینی اسلامی متعددی است، همچنین، دسته بندی خاصی برای شاخص های سخن ارائه نکرده و هدف آن بررسی میزان توجه کتاب های درسی به این مهارت نبوده است. پژوهش جعفری (۱۳۹۵) نیز که به بررسی آداب سخن در قرآن با تکیه بر مباحث اخلاقی اختصاص یافته است، ضمن اینکه صرفاً بر متن قرآن کریم تکیه دارد به یافته هایی مانند شیرینی و شیوایی گفتار، سخن مبتنی بر حق، ساده گویی، سخن عالمانه، اجتناب لغوگویی، و اهمیت

سکوت دست یافته است که این نتایج حاصل با پژوهش حاضر همسویی دارد. پژوهش عموری و هاشمی‌امجد (۱۳۹۶) نیز به بررسی آفات زبان از منظر نهج‌البلاغه اقدام نموده و به یافته‌هایی مانند: دروغ‌گویی، غیبت و بدگویی، پرحرفی، بیهوده‌گویی، فاش‌کردن اسرار و سخن‌چینی دست یافته است. اگرچه منبع پژوهش مذکور نیز متن نهج‌البلاغه است و یافته‌های او با اصول اخلاقی سلبی در تحقیق حاضر همسویی دارد در عین حال، به شاخص‌های محتوایی و بیانی و اصول اخلاقی ایجابی و بررسی آنها در متون درسی دانش‌آموزان توجه نداشته است. پژوهش غلامرضاروی (۱۳۹۴) به تبیین حکمت‌های آداب و اسلوب گفتار و تأثیر آن بر روابط فردی و اجتماعی از دیدگاه قرآن می‌پردازد یافته‌های این پژوهش شامل: اسلوب گفتار (سخن آسان، سخن احسن، سخن لغو، سخن حق و...)، آداب سخن (سلام‌کردن، عفت کلام، اعتمادآفرینی، مسئولانه سخن گفتن و...)، آفات سخن (دروغ، فحش، خودستایی و...)، شیوه‌های سخن گفتن در قرآن (شیوه سخن گفتن با والدین، با مستمندان، با نامحرم و...)، معیارهای ارزشی گفتار (عقلانیت و اندیشیدن، عمل به گفتار، میانه‌روی در گفتار و...)، کنترل زبان و درست سخن گفتن و زمینه‌های تأثیر سخن و تأثیر آداب و اسلوب سخن بر روابط فردی و اجتماعی است. یافته‌های این پژوهش با پژوهش حاضر همسویی دارد، اما منبع مورد استفاده در این پژوهش قرآن می‌باشد که از این نظر با پژوهش حاضر متفاوت است.

نظر به اهمیت آموزش سخن نیک و آداب آن به کودکان و تأثیر این مهارت در بهبود زندگی فردی و اجتماعی دانش‌آموزان، در قسمت دوم مقاله، برنامه درسی دوره دوم مقطع ابتدایی با تأکید بر کتاب‌های فارسی، هدیه‌های آسمان و مطالعات اجتماعی از حیث میزان توجه به آموزش درباره سخن نیک و آداب آن مورد تحلیل قرار گرفت و روشن شد که میزان توجه به هر یک از مؤلفه‌های خدامحوری در سخن ۵/۰۸، علم به سخن ۱/۶۹، لغو و بیهوده نبودن سخن ۱۵/۲۵، مطابقت قول با عمل ۱/۶۹، لزوم استفاده مشورت در سخن ۲۲/۰۳، صداقت در سخن ۱۱/۸۶، پرهیز از سخن‌چینی ۳/۳۸، پرهیز از غیبت ۸/۴۷، پرهیز از دروغ‌گویی ۱۳/۵۵، پرهیز از سوءظن ۵/۰۸، پرهیز از افراط در مدح و ثنا ۳/۳۸ و پرهیز از عیب‌جویی ۸/۴۷ بوده است. نتایج بدست آمده بویژه در رابطه با مؤلفه‌های علم به سخن و مطابقت قول و عمل که کمترین میزان توجه را به خود اختصاص داده‌اند زمینه‌ساز عدم رعایت مؤلفه‌هایی مانند خدامحوری، و حق و سدید بودن کلام را در پی دارد. فقدان توجه کافی به این مؤلفه‌های اساسی، خودبخود فضا را برای حضور آفات مختلف سخن موجب می‌شود و رشد و نمو رذایلی مانند دروغ‌گویی، تعصب‌ورزی بر رأی و نظر خود، اعمال خشونت و آسیب زدن به خود و اجتماع را سبب می‌شود. شایان ذکر است که چون قبلاً پژوهشی در رابطه با تحلیل محتوای برنامه‌درسی کودکان در رابطه با توجه به شاخص‌های سخن نیک و اصول اخلاقی حاکم بر آن بویژه از منظر نهج‌البلاغه انجام نشده است، اظهارنظر درباره همسویی یا عدم همسویی یافته‌های این بررسی نیازمند انجام تحقیقات مرتبط در آینده است. در عین حال، یافته‌های این بخش از پژوهش حکایت از آن دارد که میزان توجه متون و برنامه‌درسی دوره دوم ابتدایی به آموزش درباره سخن نیک و آداب آن در حد کافی نبوده و با وضعیت مطلوب فاصله جدی دارد. لذا نظر به اهمیت

موضوع و نیز توجه به اهمیت محوری گفتگو در میان نسل جوان و نوجوان در جامعه امروز ما و نقش آن در وفاق و همبستگی اجتماعی و در عین حال محوریت مهارت نیک سخن گفتن و مجهز بودن گفتگو به شاخص‌های سخن نیک و اصول اخلاقی ایجابی و سلبی حاکم بر آن، توصیه می‌شود در تحقیقات دیگری به تبیین مهارت گفتگو و چگونگی آموزش آن به دانش‌آموزان، و شکل‌های مختلف ترویج و ترغیب گفتگوی صحیح بین دانش‌آموزان درباره اعتقادات، باورها، آئین‌ها و سنت‌ها و جهان‌بینی‌هایشان توسط معلمان انجام شود. اهمیت این موضوع تا آنجاست که حتی پیشنهاد می‌شود در برنامه درسی دانش‌آموزان در مقاطع مختلف، درسی درباره چگونگی گفتگو و تمرین آن در نظر گرفته شود تا در طی فرایند تحصیل این مهارت بخوبی آموخته شود.

## منابع

- قرآن کریم، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی.
- ابراهیمی مقدم، ندا و درانی، کمال. (۱۳۹۷). «تحلیل تئولوژیک مهارت‌های اجتماعی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش». **مدیریت فرهنگ سازمانی**، ۱۶(۲)، ۲۸۳-۳۰۴.
- ابن‌منظور، محمدبن مکرّم. (۱۴۱۴). **لسان العرب**، جلد ۱۳. بیروت: دارصار.
- اسحاقی، حسین. (۱۳۸۶). «رازداری»، **طوبی**، ۱۶، ۳۱-۳۷.
- اسلامی، حسن. (۱۳۸۸). «جایگاه گوینده در اعتبار گفتار از دیدگاه احادیث». **دوفصلنامه حدیث پژوهی**، ۱(۱)، ۱۷۹-۱۶۷.
- اسماعیلی ماهانی، صدیقه. (۱۳۹۶). **بایسته‌ها و نبایسته‌های اخلاقی معاشرت کلامی از دیدگاه اسلام**. اکبر میرسپاه. دانشگاه معارف اسلامی.
- امین‌پور، فاطمه و امین‌پور، معصومه. (۱۳۹۲). «آداب گفتاری حاکم بر سبک زندگی اسلامی از دیدگاه قرآن». **معرفت**، ۲۲(۱۸۵)، ۴۳-۵۶.
- آقاقل زاده، فردوس. (۱۳۸۲). «نگاهی به تفکر و زبان». **تازه‌های علوم شناختی**، ۵(۱)، ۶۴-۵۷.
- آل‌رسول، سوسن؛ شیرزاد راد جلالی، فاطمه. (۱۳۹۰). «کردار نیک و گفتار نیک از نظرگاه اسلام و زرتشت». **فدک سبزواران**، ۲(۸)، ۳۱-۱۱.
- انوری، حسن. (۱۳۸۱). **فرهنگ بزرگ سخن**، جلد پنجم. تهران: انتشارات سخن.
- باقری، خسرو؛ سجادیه، نرگس و توسلی، طیبه. (۱۳۹۹). **رویکردها و روش‌های پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت**. چاپ سوم. تهران: موسسه مطالب فرهنگی و اجتماعی.
- پورفلاحی، محمدرضا. (۱۳۸۷). «راستی و راستگویی». **طوبی**، ۲۷، ۸۷-۸۵.
- پیشگر، زری. (۱۳۹۰). «آداب سخن در قرآن و روایات». **فصلنامه آفاق دین**، ۱(۴)، ۲۶-۱.
- تمیمی آمدی، عبدالواحدبن محمد. (۱۳۶۶). **غررالحکم و دررالکلم**. جلد ۱. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- (۱۳۶۶). **غررالحکم و دررالکلم**. جلد ۲. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- (۱۳۶۶). **غررالحکم و دررالکلم**. جلد ۳. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- جانمحمدلو، محبوبه. (۱۳۹۷). **نعمت بیان و حکمت سکوت از دیدگاه قرآن و روایات**. علی‌اکبر ایمانی، حسن عاشوری. دانشگاه خوارزمی.
- جعفری، علی. (۱۳۹۵). **آداب سخن گفتن در قرآن کریم با تکیه بر مباحث اخلاقی**. علی طهماسبی. دانشگاه پیام نور مرکز فسا.
- جواهری، فرزین. (۱۳۹۸). «بررسی تحلیل محتوای کتاب مطالعات اجتماعی پایه ششم از نظر ۷ مهارت اجتماعی در سال تحصیلی ۱۳۹۷-۱۳۹۸». **مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی**، ۲(۶)، ۳۷-۳۱.
- حسین‌خانزاده، عباسعلی. (۱۳۹۲). **آموزش مهارت‌های اجتماعی به کودکان و نوجوانان**. چاپ دوم. تهران: رشد فرهنگ.



- حیدری کنگ علیا، طیبه. (۱۳۸۹). تأثیر گفتار بر روابط فردی و اجتماعی از دیدگاه قرآن. عظیم عظیم پور. دانشکده علوم و فنون قرآن کریم.
- دانای طوسی، مریم. (۱۳۹۰). «سخن گفتن مهارتی مغفول در برنامه درسی زبان فارسی». فصلنامه نوآوری های آموزشی، ۹(۳۷)، ۱۵۰-۱۲۱.
- درایتی، محمدحسین. (۱۳۸۲). «فرهنگ گفتار در قرآن». نشریه پاسدار اسلام، ۲۶۶، ۳۵-۳۲.
- دشتی، محمد. (۱۳۸۳). ترجمه نهج البلاغه، چاپ بیست و چهارم. قم: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین(ع).
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۶۱). لغت نامه دهخدا. تنظیم کننده محمد دبیر سیاقی و محمد استعلامی، جلد ۲، تهران: دانشگاه تهران.
- ذوالفقاری فر، قدرت؛ مروتی، سهراب و شیرخانی، محمدرضا. (۱۳۹۳). «شاخص های سخن گفتن در اسلام». معرفت، ۲۳(۱۹۷)، ۱۳۹-۱۲۵.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۰۴). المفردات فی غریب القرآن، جلد ۱. نشرالکتاب.
- سامانی، محمود. (۱۳۸۷). مشورت و مشاوران در سنت و سیره پیشوایان، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- سبحانی یامچی، محمد. (۱۳۸۶). «آفات خطابه». مجله مبلغان، ۱۰۰، ۴۴-۲۹.
- سیفعلی، فاطمه. (۱۳۹۷). «شاخصه های انضباط گفتاری در قرآن». مشکوة، ۱۳۸، ۸۸-۶۷.
- شجاعی، احمد. (۱۳۹۱). «سخن نیکو از منظر قرآن». معرفت، ۱۹(۱۵۲)، ۱۲۳-۱۱۵.
- شلانی، بیتا و صادقی، سعید. (۱۳۹۵). مهارت های اجتماعی در کودکان و نوجوانان: نقائص، پیامدها و مدل های آموزشی. هفتمین کنفرانس بین المللی روانشناسی و علوم اجتماعی. تهران.
- صادقی اردستانی، نرگس. (۱۳۸۲). «دستورالعمل های قرآنی: سخن چین». بشارت، ۳۹، ۳۶-۳۲.
- صدیقی افشار، غلامحسین و حکمی، نسترن و حکمی، نسرتین. (۱۳۸۳). فرهنگ معاصر فارسی، چاپ چهارم تهران: فرهنگ معاصر.
- طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۷۴). ترجمه تفسیرالمیزان، جلد ۱۶. ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- علیخانی، علی اکبر. (۱۳۸۴). توسعه سیاسی از دیدگاه امام علی(ع)، تهران: نشر بین الملل.
- عموری، جعفر و هاشمی امجد، صادق. (۱۳۹۶). بررسی و تحلیل آفت های زبان در نهج البلاغه، دومین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در علوم انسانی.
- عمید، حسن. (۱۳۶۰). فرهنگ فارسی عمید، جلد اول، چاپ سوم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- غلامرضاروی، مینا. (۱۳۹۴). تبیین حکمت های آداب و اسلوب گفتار و تأثیر آن بر روابط فردی و اجتماعی از دیدگاه قرآن. قاسم بستانی. دانشکده اصول دین شعبه دزفول، گروه علوم قرآن و حدیث.
- قرشی، سید علی اکبر. (۱۴۱۲). قاموس قرآن، جلد ۲، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- (۱۴۱۲). قاموس قرآن، جلد ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

- کریمی، عباس. (۱۳۹۹). **سخن و آداب آن در خانواده از منظر قرآن و روایات**. حمید شمعی ریزی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد، دانشکده علوم انسانی.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳). **بحار الانوار**، جلد ۷۴. بیروت: مؤسسه الوفاء.
- مروتی، سهراب، حسینی‌نیا، محمدرضا و سیفعلی، فاطمه. (۱۳۹۷). «تبیین مفهوم انضباط گفتاری در قرآن و استخراج دلالت‌های ضمنی آن در تربیت گفتاری یادگیرندگان». **فصلنامه مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی**، ۳(۴)، ۹-۹۵.
- مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۷۹). **ره توشه**، قم: موسسه امام خمینی.
- معین، محمد. (۱۳۵۳). **فرهنگ فارسی معین**، جلد دوم، چاپ دوم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- مکارم‌شیرازی، ناصر. (۱۳۸۶). **پیام قرآن**، جلد ۱، چاپ نهم، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- ----- (۱۳۹۰). **پیام امام امیر**، جلد ۱۵، قم: انتشارات امام علی بن ابیطالب.
- ----- (۱۳۹۷). **پیام امام امیر**، جلد ۸، قم: انتشارات امام علی بن ابیطالب.
- منافی، علی. (۱۳۸۶). «سکوت و کم‌گویی». **طوبی**، ۲۰، ۶۹-۶۶.
- میرزاحمد، علیرضا. (۱۳۸۹). «اصول و مبانی شورا از منظر امام علی(ع)، پژوهش‌نامه علوی». **پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی**، ۱(۲)، ۱۵۰-۱۲۱.
- میرشاه جعفری، ابراهیم؛ لیاقت‌دار، محمدرضا؛ مقامی، حمید و کریمی‌علویچه، مهدی. (۱۳۸۹). «بررسی عوامل موثر بر ارتباط کلامی با رجوع به منبع و متنون اسلامی»، **دوفصلنامه علمی - پژوهشی تربیت اسلامی**، ۵(۱۰)، ۴۴-۲۹.
- نوروزی، مهدی؛ هاشمی، سید احمد؛ قلتاش، عباس؛ کارگر، محمد و دهقان‌باغ‌یزدانی، شهناز. (۱۳۹۴). «مبانی، اصول و مباحث برنامه‌ریزی درسی تعلیم و تربیت در دوره دبستان». **پژوهش‌های برنامه‌ریزی آموزشی و درسی**، ۵(۱)، ۱۳۴-۱۱۹.
- نوریان، محمد. (۱۳۹۲). **برنامه‌ریزی درسی**، تهران: دانشگاه آزاد واحد تهران جنوب.
- ولی‌زاده، سمیه. (۱۳۹۹). «آموزش مهارت‌های زندگی با تأکید بر نمایش خلاق در مقطع ابتدایی». **رشد آموزش هنر**، ۱۷(۳)، ۳۷-۳۲.
- هاشمی، لیلا و آل‌رسول، سوسن. (۱۳۹۵). «بررسی راهکارهای واپایش و مدیریت زبان از منظر قرآن و حدیث». **بصیرت و تربیت اسلامی**، ۱۳(۳۷)، ۴۴-۲۱.
- پایگاه حوزه. (۱۳۹۱). «پرگویی و زیاده‌گویی نشانه جهل است». <https://hawzah.net/fa/Question/View/64003>
- شریفی، احمدحسین. (۱۳۹۶). «بهترین شیوه اثرگذاری بر دیگران/ به عمل نگاه کنیم یا گفتار؟!». <https://www.google.com/amp/s/www.mehrnews.com/amp/3768990>
- صفدری، محمدحسن. (۱۳۸۹). «کنش انسانی». <http://safdari1346.blogfa.com/post/39>
- فیروزیان، محسن. (۱۳۹۵). «بیماری بدگمانی و راه درمان آن». **روزنامه کیهان**. <https://www.google.com/amp/s/www.mehrnews.com/amp/3768990>
- Ahmad, M., Qasim, H. and Khushi, Q. (2019). "Specifying Criteria for the Assessment of Speaking Skill:A Library Based Review", **International Journal of Educational Sciences**, 24(1-3), 23-33.



(Research Article)  
**Studying the Guiding Strategy in Imam Ali's discourse**  
**(A Case study of the Letter Sent by Imam Ali to Othman Ibne Hunayf)**

Khosro Janghorban<sup>1</sup>, Amir Hossein Rasoulnia<sup>2</sup>, Rouhollah Sayyadi Nezhad<sup>3\*</sup>

**Submit Date:** 19 May 2022

**Revise Date:** 16 July 2022

**Accept Date:** 14 September 2022

**Publication Date:** 22 September 2022

(Page 139-162)

**Abstract**

In a discourse process, many various elements should play their roles well for the connection between people to be formed in order to affect convince the audience.

One of these elements is determining various language strategies and tools through which an eloquent speaker can increase the effectiveness of his/her speech by knowing it and awareness of where and when to use them. The pragmatic competence of the speaker in determining the special mechanisms and tools of any strategy guarantees the executive action of the receiver. One of these strategies is the guiding strategy. Based on this strategy, a speaker wants to affect audience and make him/her do special things by using instructions, advices and dictations. This article aims to investigate the guidance strategy in the letter of Imam Ali (peace be upon him) to 'Uthman bin Hunayf, his agent in Basra, using the descriptive-analytical method. The results of the study show that Amir al-Mu'minin Ali, peace be upon him, as a unique orator in the social political history of Islam, using various discourse strategies, including the guiding strategy, made the thoughts of the audience dynamic in their real world or in the world of the mind. The diversity of guidance mechanisms such as using indirect dynamic verbs, reprimanding and warning sentences and interrogative consecutive sentences, moreover the harmony caused by words and rhythm play a big role in the process of persuading the audience. The use of speech act with a higher frequency shows the dominance of the respective strategy, followed by the questioning

1. PhD student of Arabic language and literature, Faculty of Literature and Humanities, Kashan University, Iran
2. Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Kashan University, Iran
3. Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Kashan University, Iran

\*: Corresponding Author:

**Email:** [saiady@kashanu.ac.ir](mailto:saiady@kashanu.ac.ir)

**How to cite this article:** Janghorban, Kh., Rasoulnia, A. H., Sayyadi Nezhad, R. (2022). Studying guiding strategy in Imam Ali discourse (Case study: letter of Imam Ali to Othman Ibne Hunayf), *Quarterly Journal of Nahj al-Balagha Research*, 10(38), 139-162. DOI: 10.22084/NAHJ.2022.26602.2832

mechanism as a means of challenging the audience's mind to find a logical answer and persuading him/her through inference. The first part of the letter is reprimanding, but after that, guidance becomes more dominant until the end of the letter.

**Keywords:** Justification strategy, Discourse of Amir al-Momenin, Othman-Ben-Hunayf, Pragmatics, Context, Authority.

### 1. Theoretical framework

Using different strategies and its different linguistic instruments is a great point for having an effective discourse that a spokesman should be aware of to achieve the main goal, i.e., connection and, subsequently, effectiveness. Guiding strategy is the way the sender wants to present those advices and dictation and guidelines which are beneficial for the audience and justification is not simply a linguistic action here but one of the uses of language that is based on Halliday's classification and pays attention to the relationship between people because language acts as a demonstration of the sender's behavior and its effect on the attitude and behavior of the audience (Maghboul, 2014: 549). Anvar Abdul-Hamid Mousa also believes that the guiding function of language, as one of the linguistic functions, is concerned with using language for affecting others' behavior and their position and thoughts (2016: 18). From this perspective, discourse with guiding strategy is pressure on audience and even intervention in different levels and leading him/her to an action in future (Al-Shahri, 2004: 322).

Power in discourse is either legal or illegal and texts are often a space for social quarrel seeking sovereignty and control (Foodak and Mayer: 2014: 184). In guiding strategy, the determinative element in speech diffusion is sovereignty. In fact, speech from the perspective of the message sender's power of inducement and persuasion and attention is to get his/her point across and achieve his/her goal. Therefore, "sovereignty" has a basic rule in creating and interpreting besides giving it functional and executive power (Al-Shahri, 2004: 220). Instruments and elements like proclamation methods, interrogation, imperative structure, words guidance, and mentioning the results of the actions are some of the effective elements in guiding the audience. Each of these fulfils its guiding function depending on the guiding context, style and role.

### 2. Method

The present study tries to study the discourse in 45<sup>th</sup> letter of Nahj al-Balaghah from Imam Ali to Othman Ebne Hunayf based on pragmatics

and by descriptive- analytic method to discover the deep layers of meaning in Imam Ali's speeches. The number of sentences with complete and independent meanings is examined and according to the type of the sentence and the vacillation they have in justifying the audience and also some of the words of this letter and their level of guiding power are examined and critically analyzed taking into account their external and internal context. The book *Strategiate Al- Khetab* by Abdolhadi- Ibne- Zafer Al-Shahri was also used to explain some of the expressions and definitions in pragmatics.

### **3. Conclusion**

Imam Ali, as a great speaker, has shown his art in his use of different speech strategies. The diversity in addressing the receiver in this letter and using different linguistic elements attract the audience better leading them toward the goal, increasing the effect of the language on audience and also leading them to the goal, increasing the effect of language and other attractions, indicating the skills of Imam Ali in eloquence and, from the audience's point of view, is indicative of using and involving their mind by the speaker ensuring that they are guided whenever they make a mistakes (in their interpretation). The letter starts with a proclamation and continues with imperative sentences, indicative sentences in creating meanings, interrogative sentences, verbal nouns, and oath; each of these elements have their own share in affecting the audience. Interrogative sentences after indirect speech like indicative sentences that Imam Ali uses for expressing his characteristics are more prevalent and the reason is the eagerness of Imam Ali and his determination to exactly implement the teachings of Islam by creating questions in the mind of the audience and making them think.

At the beginning of the letter, using words according to clarity of meaning and imaging power of these words for convincing the audience shows the prevalent use of sovereignty by Imam Ali because of Othman's mistakes and punishing him. In other words, using these words together and the coherence resulting from them, on the one hand, Imam Ali explains the details of what happened in the respective ceremony and, on the other hand, using second person pronouns and repeating them, he threatens the audience. Religious sovereignty besides political sovereignty guarantees the guidance action of Imam Ali toward the agents because all of them are aware of sensitivity of Imam Ali toward religious matters. However, since most of these messages have indicative and indirect sentences, the strategy of Imam Ali can be considered as delicate

and reverential. In speech texture, imperative sentences and inductive sentences with (Ala and Enna), types, verbal nouns, proclamation method, and other elements all create a coherent intertwined whole in line with the inducement of the ideology dominating the speech.

## References

### [In Persian]

- Azar Parand, S. (2019). "Changes of lingual strategies of speech based on Beravn and Lovinson between Iranian teachers and students: A case study of the University of Tehran". **Social Linguistic Magazine**, 2(3), 83-98.
- Pashazanoos, A. and Jafari, R. (2015). "Critical discourse analyses of Ziad Ibne Abih serbon known as Albatra sermon by using Ferkelaf Model". **Criticism of Arabic Literature**, 11(69/6), 39-65.
- Irfan, H. (1398). **Borders: Persian Explanation of Mokhtaser Ol-Ma'ali. Vol 2. 9<sup>th</sup> edition**. Qum: Hejrat Publications.
- Faler, Rajer; Yakoupsen, Roman; Beri, Pitter; Laj, David. (1381). **Linguistic and Literal Criticism. Translated by Khozanand, M and Payande. H.**, Tehran: Ney Publications.
- Feiz Ol- Eslam, A. (No date). **Nahj al Balagha**. Vol 1-6.
- Ghahremani, M. (2013). **Critical Analysis and Translation: Semiotic Approach**. Tehran: Moallem Publications.
- Mahmoudi, S. (2019). "Strategical analysis of literal discourse of Shagh Shaghie Sermon". Scientific Journal of Ghoran and Hadith Sciences. Eds., Keshavarz, A. **University of Ferdovsi Mashhad, Elahiat Faculty page**. 51(1), 201-224.
- Alhashemi, A. (1381). **Javaher Ol- Balaghe, translated and interpreted by Hassan Irfan**. Vol 1. Qum: Balaghe Publications.

### [In Arabic]

- Ebne Abelhadid. (1387). **Nahj al-Balagha Interpretation, researcher: Mohammad Abulfazl Ebrahim**. Ehya Al-Toras Al-Arabi Publications.
- Ebne Manzoor. (1990). **Lesan Ol-Arab**. Beirut: Sader Publications.
- Ebne Yaeish. (1422). **Sharh Ol-Mofassal Lel-Zamkhashri**. Beirut: Al-Kotob Ol-Elmiyya Publications.
- Anis, Ebrahim (1950). **Al-Asvat Ol-Loghaviyyah**. 2<sup>nd</sup> pub. Al-Ghehere: Nehza tol mesr Bel- Fajala Publications.
- Al-Jorjani, Abd-ol- Ghaher. (1404). **Dalael ol-Ejaz**. Qum: Maktabat ol- Armiyya Publications.
- Alkhoori Al Shartooni, Saeed (1403). **Aghrab Ol-Mavared**. Qum: Ayatollah Alozma Almarashi Alnajafi Publications.

- Al-Samerani, Fazel Saleh. (2000). **Alma'ani Ol- Nahv**. Oman: Alfekr Publications.
- Al-Shahri, Abdul Hadi Ibne-Zafer. (2004). **Strategiat Alkhetab Moghareba Loghaviyyah and Tadavoliyyah**. First edition. Beirut: Al-Ketab Ol-Jadid Ol-Motahedah Publications.
- Sheikh Mohammadi. Chia; Yar Ahmad Zahi, Nahid and Mohammadian, Amir. (1398). "Choosing speech action strategies in Kurdish language based on social elements like power and sex". **Lingual Research**, 10(1), 183-202.
- Al-Saleh Sobhi. (no date). **Nahj al-balagha**. 5<sup>th</sup> edition. Qum: Al-Hejrat Publications.
- Akkashe, Mahmoud. (2014). **Tahlil ol-Khetab fi Zav'e Nazariyya Ehdas Al-Logha**. 1<sup>st</sup> edition. Al-Ghaheer: Leljameat Publications.
- Al-Ghalabini, Mostafa. (1968). **Jame Ol-Doroos Ol-Arabiyyah**. Tehran: Naser Khosro Publications.
- Alfaraj, Ali (1379). **Takvin Ol-Balaghe Gharaeta Jadida, Montahej Moghtareh**. First Pub. Qum: Amin Publications.
- Foodak, Rous; Mayer Michel (2014). **Montahej Ol-Tahlil-Mahdi ell-Khetab**. Translated by Hesam Ahmad Faraj and Ezzah Shebel Mohammad.
- Maghboul, Edris (2014). "Al-Estrategiyyat Al-Takhatebiyyah fi Senatol Nabaviyyah". **Kolliyatul Oloumel Eslamiyyah Journal**. 10(15), 532-563.
- Al-Mousa Anvar Abdul-Hamid (2016). **Abjadiyyat Alloghah va Elmol Asvat Val Lesaniyyat**. 1<sup>st</sup> edition. Beirut: Darol Nehzat Al-Arabiyyah Publications.
- Al-Hashem, Ahmad. (1386). **Javaher Ol-Balaghe Felma'ani val bayan valbadi**. 4<sup>th</sup> edition. Tehran: Elham Publications.
- Yourgness, Marian and Fillips, Lois (2019). **Tahlil Ol-Khatib: al-Nazariyya val Monhaj**. Translated by Shoghi Bouanani. 1<sup>st</sup> edition. Al-Manama: Heyatol Bahrein Lessaghafah Val Asar Publications.

**[In English]**

- Brown and Levinson, S (1987). **Politeness: Some Universals in Language Usage**; Cambridge University Press.



(مقاله پژوهشی)

واکاوی استراتژی توجیهی در گفتمان امام علی (ع)  
(مورد پژوهانه: نامه امام به عثمان بن حنیف)

خسرو جانقربان<sup>۱</sup>، امیرحسین رسول‌نیا<sup>۲</sup>، روح‌الله صیادی‌نژاد<sup>۳\*</sup>

بازنگری مقاله: ۱۴۰۱/۰۴/۲۵

دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۲/۲۹

انتشار مقاله: ۱۴۰۱/۰۶/۳۱

پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۶/۲۳

(از ص ۱۴۴ تا ۱۶۲)

**چکیده**

در یک فرایند گفتمانی، عوامل متعددی باید نقش خود را به‌خوبی ایفا نماید تا ارتباط میان طرفین گفتمان شکل بگیرد و پس از آن اثرگذاری و اقناع مخاطب تحقق یابد. یکی از این عوامل، تعیین استراتژی و ابزارهای مختلف زبانی است که یک سخنور ماهر با شناخت آنها و آگاهی بر زمان و مکان و نحوه استفاده از آنها، بر نفوذ کلام خویش می‌افزاید. صلاحیت عمل‌گرایانه سخن‌پرداز در تعیین شگردها و ابزارهای ویژه هر راهبردی تضمین‌کننده کنش اجرائی پیام‌گیر است. از جمله این استراتژی‌ها، استراتژی توجیهی است. بر اساس این استراتژی، سخنگو در پی آن است تا با دستورالعمل‌ها، توصیه‌ها و امر و نهی‌ها، در رفتار مخاطب خویش تأثیر گذارد و او را وادار به انجام کاری نماید. این نوشتار بر آن است تا با در پیش گرفتن روش توصیفی-تحلیلی به بررسی استراتژی توجیهی در نامه امام علی (ع) به عثمان بن حنیف، کارگزار خود در بصره بپردازد. دستاورد پژوهش بیانگر آن است که امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام به‌عنوان یک سخنور بی‌نظیر در تاریخ سیاسی-اجتماعی اسلام، از طریق کاربرست استراتژی‌های متنوع گفتمان از جمله استراتژی توجیهی، افکار مخاطب/مخاطبین را در عالم واقعی یا در دنیای ذهن به تحرک و پویایی واداشته‌است. تنوع در شگردهای توجیهی مثل افعال کنشی غیرمستقیم، جملات توییحی، تنبیهی و استفهامی پی‌درپی و هارمونی ناشی از واژگان و سجع، نقش بزرگی در فرایند اقناع مخاطب دارد. کاربرست گفت‌کنش‌های غیرمستقیم با بسامد بیشتر نشان از غلبه راهبرد احترام و پس از آن مکانیزم استفهام بیانگر به چالش کشیدن ذهن مخاطب جهت یافتن پاسخی منطقی و اقناع‌وی از طریق استدلال است. فراز ابتدائی نامه توییح‌آمیز بوده ولی به دنبال آن تا پایان نامه صیغه ارشاد‌آمیز به خود می‌گیرد.

**کلید واژه‌ها:** استراتژی توجیهی، گفتمان امیرالمؤمنین، عثمان بن حنیف، کاربردشناسی، بافت، سلطه.

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه کاشان، ایران

۲. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه کاشان، ایران

۳. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه کاشان، ایران

\*: نویسنده مسئول

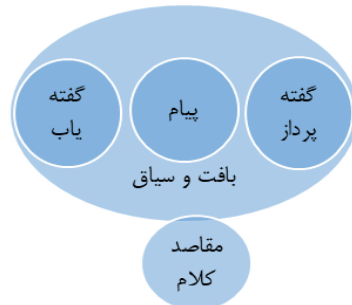


## ۱. مقدمه

سخندانی و سخنرانی اصول و قواعدی دارد که به سبب جنبه‌های مختلف از جمله تأثیرگذاری آن بر روی مخاطب، مورد توجه بسیاری از زبان‌شناسان قرار گرفته است. یکی از مهم‌ترین اسناد قدیمی در این باب، کتاب نفیس نهج البلاغه علی(ع) است که توسط شریف رضی گردآوری شده و از آن می‌توان به عنوان یک منبع عظیم و پرمایه گفتمانی نام برد. ویژگی‌های منحصر به فردی که این گفتمان در شیوه‌ها و ابزارهای حکمرانی بر سخن دارد، پژوهشگران را بر آن داشته تا جهت کشف لایه‌های زیرین آن رویکردهای مختلفی را در پیش گیرند. ورود به حوزه منظورشناسی جهت تبیین راهبردهای زبانی و ابزارها و مکانیزم‌های مختص به هر کدام، یکی از این رویکردها می‌باشد.

### ۱-۱. بیان مسئله

استفاده از استراتژی<sup>۱</sup> و ابزارهای گوناگون زبانی آن، برای ارائه یک گفتمان تأثیرگذار امتیاز بزرگی است که یک سخنور باید بر آن واقف بوده تا شاهد رسیدن به هدف اصلی که همان تواصل (ارتباط) و به تبع آن تفاعل (اثرگذاری) است، باشد. استراتژی، مفهومی است که از حوزه نظامی وارد حوزه‌های دیگر شده و عبارت است از «یک طرح و برنامه عملیاتی که برای دستیابی به یک هدف اجتماعی، سیاسی، روانشناختی یا زبانی خاص اتخاذ می‌شود» (فوداک و مایر، ۲۰۱۴: ۱۹۲). چنین طرح عملیاتی در باب گفتمان نیز قابل اجراست. لذا «هر گفتمان نتیجه یک استراتژی معین است» (محمودی، ۱۳۹۸: ۲۱۱). استراتژی گفتمان که قدما بر آن اصطلاح چاره‌اندیشی را اطلاق کرده‌اند؛ عبارت است از «روشی مناسب که فرستنده برای بیان گفتمان خود متناسب با سیاق کلام و عناصر گوناگون آن، در جهت اجرای خواسته‌ها و بیان مقاصد خویش از طریق به‌کارگیری علامت‌های زبانی و غیرزبانی اتخاذ می‌کند؛ به‌طوری‌که منجر به تحقق اهداف او شود» (الشهری، ۲۰۰۴: ۶۲). ما به‌طور معمول با توجه به سه عنصر مخاطب- هم سن است یا نیست، آشناست یا غریبه، یک نفر است یا بیشتر، از لحاظ موقعیت اجتماعی با ما برابر است یا نیست و غیره- مکان گفتمان - فضای دوستانه است یا رسمی و غیره- و محتوای بیان - تقاضا، تبریک، تسلیت، توضیح و غیره- تصمیم می‌گیریم که راهبرد زبانی مناسب چیست و آن را به کار می‌بریم (آذرپرند، ۱۳۹۸: ۸۶)؛ بنابراین تولید پیام از جانب متکلم و القای آن به‌سوی مخاطب با توجه به شرایط حاکم بر گفتمان، مقاصد مختلفی را در پی دارد.



### نمودار ۱. عناصر موجود در یک فرایند گفتمانی

در یک گفتمان و به ویژه گفتمان‌های سیاسی-اجتماعی، سخنور برای رسیدن به اهداف خود انواع استراتژی‌ها را مثل-همبستگی<sup>۱</sup>، تلمیحی<sup>۲</sup>، اقناع<sup>۳</sup>، تبلیغاتی<sup>۴</sup> و توجیهی<sup>۵</sup> استفاده می‌نماید. با توجه به این که استراتژی توجیهی یکی از مهم‌ترین استراتژی‌های زبانی یک گفتمان سیاسی-اجتماعی به شمار می‌آید؛ نگارندگان در این مقاله برآنند که با ورود به حوزه کاربردشناسی<sup>۶</sup> زبان و با در پیش گرفتن روش توصیفی-تحلیلی به بررسی استراتژی توجیهی در نامه امام علی(ع) به عثمان بن حنیف بپردازند و به پرسش‌های زیر پاسخ دهند:

- ۱- حضرت علی(ع) چگونه توانسته با استفاده از استراتژی توجیهی در مخاطب خویش تأثیر بگذارد؟
- ۲- مؤثرترین ابزار و سازوکارهایی که امیرالمؤمنین علی(ع) در جهت پیشبرد اهداف توجیهی خویش به کار برده، کدام است؟
- ۳- امام(ع) با استفاده از واژگان، از طریق بار معنایی و نحوه جایگزینی آنها چگونه توانسته نقش توجیهی خود را ایفا کند؟
- ۴- ابزارها و ساختارهای نحوی در فرایند توجیهی مخاطب چه نقشی دارند؟
- ۵- بسامد جملات خبری و انشائی در فرایند راهبرد توجیهی چه میزان است و تنوع جملات چگونه توانسته بر مخاطب تأثیر بگذارد؟
- ۶- میزان به کارگیری سلطه در ابزار و مکانیزم‌های گفتمان توجیهی حضرت در نامه خود به عثمان بن حنیف دارای چه نوساناتی است؟

### ۲-۱. پیشینه پژوهش

با نگاهی به سایت‌های علمی داخل و خارج کشور درخواهیم یافت که اکثر تحقیقاتی که در ارتباط با نهج البلاغه انجام شده است با نگاه فرمالیستی بوده و کمتر با نگاه گفتمانی به کلام مولا امام علی(ع) پرداخته

1. solidarity
2. allusion
3. persuading
4. advertising
5. guiding
6. pragmatics

شده است. در ذیل به مهم‌ترین پژوهش‌هایی که با نگاه کاربردشناسی انجام شده است اشاره می‌شود: عبدالقادر شرشار (۲۰۰۶)، تحلیل الخطاب الادبی و قضایا النص، کتابی است که نویسنده به بررسی مطالعات انتقادی ادبی معاصر که تحلیل گفتمان ادبی است، می‌پردازد و طیفی از متون میراث عربی و غربی را هم‌زمان مورد کنکاش قرار می‌دهد. نویسنده در تحلیل، ارزیابی، اسناد، ارجاع و روشنگری به‌خوبی عمل می‌کند و تعاریف مهمی از گفتمان، متن، روایت و واحدهای متن همراه با شواهدی ارائه می‌دهد. دلیله قسمیه (۲۰۱۲)، استراتیجیات الخطاب فی الحدیث النبوی، رساله کارشناسی ارشد که ابتدا به تعریف مفاهیم گفتمان، متن، سیاق و استراتژی می‌پردازد سپس دو استراتژی توجیهی و اقناع و مهمترین سازوکارها و ابزار توجیهی و اقناعی را در احادیث پیامبر (ص) با ذکر نمونه‌ها مورد بررسی قرار می‌دهد و از نتایجی که ذکر می‌کند این است که کاربست استراتژی توجیهی مناسب‌ترین راهبرد در راستای توجیه مخاطب و در جهت تحقق دستاوردهای اسلام بوده، چرا که خیر و منفعت مخاطب در آن است و دیگر اینکه کاربست استراتژی اقناع مهم‌ترین راهبرد جهت اقناع مخاطب برای دخول در اسلام می‌باشد. ادریس مقبول (۲۰۱۴)، الاستراتیجیات التخاطبیه فی السنة النبویه، مقاله‌ای در باب راهبردهای ارتباطی در دیالوگ‌های پیامبر اکرم (ص) است. در این مقاله راهبردهای همبستگی، توجیهی، اشاره غیرمستقیم و راهبرد اظهار حجت و دلیل در دیالوگ‌های پیامبر با ذکر نمونه تشریح و تحلیل می‌گردد. مشعل عبید الشمری (۲۰۱۴)، استراتیجیه توجیه الخطاب فی القرآن الکریم "سورة طه نمودجا"، رساله کارشناسی ارشد است که نگارنده آن، در آغاز به بررسی مفهوم گفتمان و سیاق می‌پردازد و سپس از میان انواع استراتژی تنها استراتژی توجیهی در قرآن را همراه با ذکر نمونه‌هایی از آیات مورد کنکاش قرار می‌دهد. سعیده محمودی و دیگران (۱۳۹۸)، تحلیل استراتژی گفتمان ادبی خطبه شقشقیه، مقاله‌ای که به تحلیل ساختارهای مختلف خطبه بر اساس بافت موقعیتی آن پرداخته است. ساختار بیرونی خطبه شقشقیه در سه سطح آوایی، نحوی و دلالی (تشبیه، استعاره، کنایه) و پس از آن ساختار درونی آن در بعد عاطفی و همچنین بینامتنیت‌ها (آیات، شعر، ضرب‌المثل) بررسی شده است. عمر محمد عبدالله العبیدی (۲۰۲۰)، فاعلیة الخطاب التواصلي فی شعر بشاربن برد، رساله کارشناسی ارشد که به تعریف بعضی از اصطلاحات مرتبط با گفتمان شامل: اثربخشی، گفتمان، ارتباط و پراگماتیک می‌پردازد و بعد از آن استراتژی‌های همبستگی، توجیهی، اقناعی و تبلیغاتی را در شعر بشاربن برد تشریح می‌نماید و در پایان به بررسی مکانیزم‌های گفتمان ارتباطی مشتمل بر مباحث تکرار، انزیاح، پارادوکس و رمزگذاری، اهتمام می‌ورزد. با توجه به تحقیقات انجام شده در خواهیم یافت که بررسی استراتژی توجیهی در نامه امام علی (ع) به عثمان بن حنیف برای اولین بار انجام می‌شود و در نوع خود بدیع و جدید است و می‌تواند که تحقیقی مستقل در این خصوص ارائه گردد.

### ۳-۱. ضرورت و اهمیت پژوهش

ضرورت پژوهش از این جهت است که با ورود به حوزه کاربردشناسی زبان، لایه‌های زیرین نامه امیر بیان علی (ع) کشف گردد تا گوشه‌ای از سخن مشهور صاحب‌نظران در مورد کلام ایشان با عنوان «فوق کلام المخلوق و دون کلام الخالق» بدین طریق تجلی یابد و در پی آن اهداف ذیل حاصل گردد:

- ۱- تبیین میزان به کارگیری استراتژی‌های توجیهی در نامه حضرت به عثمان بن حنیف.
- ۲- معرفی مهم‌ترین ابزارها و ادوات و روش‌های زبانی در گفتمان حضرت.
- ۴- بررسی گفتمان حضرت از منظر پراگماتیسم در نامه به عثمان.

## ۲. ادبیات نظری تحقیق

### ۲-۱. استراتژی توجیهی

توجیه از ماده وجه از باب تفعیل است. وَجَّهَ الشَّيْءَ: أَدَارَهُ إِلَى جِهَةٍ مَا (الخوری الشرتونی، ۱۴۰۳: ذیل ماده و ج ه)؛ یعنی او را به سمتی و جهتی گرداند؛ و استراتژی توجیهی، راهبردی است که فرستنده می‌خواهد از طریق آن، دستورالعمل‌ها، نصیحت‌ها و امر و نهی‌هایی را ارائه دهد که گمان می‌رود به سود مخاطب است و توجیه در اینجا تنها یک عمل زبانی نیست؛ بلکه کاربردی از کاربردهای زبان است که طبق طبقه‌بندی «هالیدی» به روابط میان اشخاص می‌پردازد؛ زیرا زبان به‌عنوان بیانگر رفتار فرستنده و تأثیر آن بر نگرش و رفتار مخاطب عمل می‌کند (مقبول، ۲۰۱۴: ۵۴۹). انور عبدالحمید الموسی نیز وظیفه توجیهی زبان را به‌عنوان یکی از وظایف زبانی، استخدام زبان برای تأثیر در رفتار دیگران و جایگاه و افکارشان می‌داند (۲۰۱۶: ۱۸). از این منظر، گفتمان با راهبرد توجیهی، فشار و مداخله حتی به درجات مختلف بر مخاطب و سوق دادن او به اقدامی در آینده به شمار می‌رود (الشهری، ۲۰۰۴: ۳۲۲).

### ۲-۲. سلطه

قدرت در گفتمان‌ها، مشروع یا نامشروع است و متن‌ها معمولاً عرصه‌ای برای درگیری و نزاع اجتماعی هستند که به دنبال سلطه و کنترل‌اند (فوداک و مایر، ۲۰۱۴: ۱۸۴). در استراتژی توجیهی عامل تعیین‌کننده در القای کلام، سلطه است و در واقع کلام از موضع قدرت القا و توجه فرستنده، تنها به رساندن مقصود و دستیابی به هدفش است؛ بنابراین «سلطه نقشی اساسی در تولید گفتمان و تأویل آن دارد همچنان که به آن قدرت کنشی و اجرائی می‌بخشد» (الشهری، ۲۰۰۴: ۲۲۰). در زبان‌شناسی سیاسی امروزی، هژمونی واژه‌ای فراگیر در زمینه تبیین سلطه است. این مفهوم در کنار دیگر عناصر قدرت به کاربرده می‌شود تا مقاصد سیاسی حکومت، در کنترل و اداره امور به دست آید (پاشازانوس و جعفری، ۱۳۹۴: ۵۹). «هژمونی تنها به معنای سلطه نیست بلکه فرآیندی از مذاکره است که با استفاده از آن یک اجماع معنایی به دست می‌آید» (یورگنس و فیلیپس، ۲۰۱۹: ۱۵۳). این مفهوم اساسی در زمینه گفتمان سیاسی، فرآیندی است که در آن تلاش می‌شود اذهان شنوندگان بدون استفاده از فشار و زور، سازماندهی، هدایت و کنترل گردد (وندایک، ۲۰۰۱: ۳۵۴؛ همان)؛ بنابراین نباید سلطه را مطلقاً سرکوبگر دانست بلکه مولد است و گفتمان و شناخت و نهادها و شخصیت‌ها را تشکیل می‌دهد (یورگنس و فیلیپس، ۲۰۱۹: ۳۸). سلطه می‌تواند سیاسی (حاکم نسبت به رعیت)، دینی (مرجع تقلید نسبت به مقلد)، اقتصادی (متخصص علوم اقتصادی نسبت به غیر) و یا حتی عرفی (استاد به دانشجو یا پدر به فرزند) و ... باشد.

### ۳-۲. بافت موقعیتی نامه امام به عثمان بن حنیف

بر اساس نسخه صبحی صالح و ابن ابی الحدید و فیض الاسلام، نامه امام علی (ع) به عثمان بن حنیف، کارگزارش در شهر بصره، چهل و پنجمین نامه نهج البلاغه است. این نامه پس از خبردار شدن امام علی (ع) از رفتن عثمان به مهمانی‌ای در بصره که او را دعوت کرده بودند، نوشته شده است. مهمانی‌ای که تهی دستان به آن دعوت نمی‌شوند و مختص ثروتمندان است؛ نامه با خطاب عثمان شروع شده و با خطاب به او نیز پایان می‌یابد. حضرت ابتدا طرح مسأله کرده سپس وظایفی را برای یک پیشوا عنوان نموده و پس از آن از دنیا و ظواهر آن بیزاری جسته است.

در این نامه بر ساده زیستی رهبران و کارگزاران حکومت اسلامی تأکید شده است؛ چرا که امام جامعه باید در سختی‌ها و تلخی‌های مردم شریک و الگوی آنان باشد و همچنین امام علی (ع) از کارگزارانش خواسته است هرچند که به روش او که قناعت به دو جامه کهنه و دو قرص نان است، نمی‌توانند زندگی کنند، اما با رعایت تقوا، کوشش در عبادت، پاکدامنی و درستی او را یاری کنند. فرمان صریح و غیرصریح به زهد و پارسایی، دوری از تجمل‌گرایی، عدم فریفتگی به ظواهر دنیا و... از ایدئولوژی امام در شیوه حکومت‌داری است.

کتابت این نامه از نظر عنصر زمان در دوران بسیار حساس سیاسی، اجتماعی است. دشمنان امام علی (ع) مخصوصاً معاویه مترصد ضربه زدن به حکومت حضرت از طریق باورهای ایدئولوژیکی و شیوه حکومت‌داری بودند. از نظر عنصر مکان، در فضایی رسمی، از مرکز خلافت و از جانب بالاترین مقام سیاسی و حاکمی که نسبت به عملکرد فرمانداران خود حساسیت داشته، نوشته شده است. از نظر روابط فردی و اجتماعی، امام و عثمان رابطه دیرینه‌ای با هم داشته‌اند و شناخت آنها نسبت به هم نیز شناختی عمیقی بوده است.

### ۳. پردازش تحلیلی موضوع

شاخص قدرت و سلطه یکی از تعیین‌کننده‌ترین معیارهای رسیدن به هدف گفتمان است. «فوکو» اعتقاد دارد که قدرت در محدودکننده‌ترین شکل ممکنش، هم به تولید گفتمان و دانش می‌انجامد و هم به ظهور شکل‌های جدیدی از رفتار و رخداد؛ نه اینکه تنها متمرکز بر منسوخ کردن اشکالی از رفتارها و رخدادها باشد (قهرمانی، ۱۳۹۲: ۳۴). عوامل سلطه از جانب حضرت بر عمال خویش را می‌توان در موارد پیش رو خلاصه کرد که شرط اساسی در راهبرد توجیهی است:

نخست: سلطه سیاسی؛ چرا که امام حاکم مسلمانان و برگزیده آنها است.

دوم: سلطه دینی. امام علی (ع) پیشوای مسلمانان و ولی آنان است.

سوم: سلطه عملی. وی به‌عنوان کسی است که زهد را سرلوحه خویش قرار داده و فعل و قولش یکی است. چهارم: سلطه علمی و معرفتی. وی نسبت به تمام مسائل علم و آگاهی و اشراف و بر همه کس برتری دارد؛ بنابراین جای هیچ بهانه‌تراشی از سوی مخاطب وجود نخواهد داشت و تحقق اهداف را تضمین می‌کند.

ابزار گفتار، زبان است چه به شکل نوشتاری چه گفتاری و حتی می‌تواند یک‌زبان تصویری مانند نقاشی یا کاریکاتور باشد. در استراتژی توجیهی ابزارها و سازوکارهای زبانی متعددی جهت انتقال پیام وجود دارد که در ذیل به تشریح آنها با تمرکز بر نامه امام به عثمان بن حنیف پرداخته می‌شود:

### ۱-۳. سازوکارهای دستوری و نحوی در استراتژی توجیهی نامه

#### ۱-۱-۳. منادا

ندا آن است که متکلم بوسیله حرفی که جانشین فعل «نادی» است از مخاطب درخواست کند به او روی نماید (الهاشمی، ۱۳۸۶: ۹۴) و یکی از ابزارهای اصلی و اساسی در گفتار به شمار می‌رود که مخاطب را وادار به واکنش می‌کند؛ چرا که مخاطب را هشیار گردانده و ذهن او را متوجه متکلم می‌سازد تا به پیام او با دقت گوش فرا دهد.

بنا به رأی فالر «لایه صرفاً عاطفی زبان در حروف «ندا» تجلی می‌یابد. حروف ندا، از اجزاء جمله نیستند؛ بلکه خود جمله‌اند و این خود باعث می‌شود که کارکردی متفاوت با زبان ارجاعی داشته باشند» (فالر، ۱۳۸۱: ۷۴).

به‌کارگیری اسلوب «ندا» به‌عنوان یکی از استراتژی‌های توجیهی در کلام امیرالمؤمنین بسیار است و در نهج‌البلاغه بیش از ۱۵۰ بار جهت آگاه ساختن مخاطب/ مخاطبین از آن استفاده شده است. حضرت در این نامه، سه بار از مکانیزم ندا بهره برده است؛ در آغاز نامه، وسط نامه و در پایان آن. در آغاز می‌فرماید: «يَا بَنِي حُنَيْفٍ! فَقَدْ بَلَغَنِي أَنَّ رَجُلًا مِنْ فِتْيَةِ أَهْلِ الْبَصْرَةِ دَعَاكَ إِلَى مَأْذُبَةٍ فَأَسْرَعْتَ إِلَيْهَا تُسْتَطَابُ لَكَ الْأَلْوَانُ وَ تُثَقَّلُ إِلَيْكَ الْجِفَانُ» ای پسر حنیف! به من گزارش شده که مردی از جوانان بصره، تو را به مهمانی‌ای فراخوانده است و تو به سوی آن شتافته‌ای به طوری که خوراکی‌های رنگارنگ خوشایند تو گشته و کاسه‌های غذا پیوسته به سویت جابه‌جا می‌شده است.

حضرت معمولاً در رابطه با یاران و دوستان خود آنها را با اسم خطاب می‌نماید؛ اما در خطاب به عثمان، به جهت عتاب‌آلود و سرزنش‌آمیز بودن ابتدای نامه به آن رسمیت بخشیده، او را با کنیه مورد خطاب قرار می‌دهد تا فاصله عاطفی خود را به وی نمایان کند. این تنزل در گزینش منادی و همچنین حرف ندای «یا» در گفتار حضرت بیانگر دوری و فاصله عثمان از قلب و خیال حضرت است که به سبب عملکرد و رفتار عثمان ایجاد شده است. لازم به ذکر است که در پایان سه حرف منادای «یا»، «ایا» و «هیا»، الف آمده است و الف ملازم مد است بنابراین به خاطر امکان امتداد صوت، برای ندای بعید به کار می‌روند (ابن‌عیث، ۱۴۲۲: ۴۸/۵).

امیرالمؤمنین در میانه نامه خود دنیا را مورد خطاب قرار می‌دهد و می‌فرماید: «إِلَيْكَ عَيِّي يَا دُنْيَا!» ای دنیا از من دور شو. در این گفته نیز امام با استفاده از حرف ندای «یا» دنیا و تعلقات آن را از خود دور می‌داند و کنایه‌وار عثمان را از تعلق به آن بر حذر می‌دارد.

و در پایان نامه آمده: «فَاتَّقِ اللَّهَ يَا بَنِي حُنَيْفٍ» ای پسر حنیف از خدا بترس. دستور به تقوی به همراه ساختار ندا، دارای قوت و قدرت توجیهی بالایی است چرا که «جهت‌گیری پیام به‌سوی مخاطب و نیز کارکرد کنشی

زبان، بارزترین تجلی خود را در دستور زبان به صورت ندایی و وجه امری می‌یابد که به لحاظ نحوی، سازه‌ای و غالباً حتی به لحاظ واجی از هنجارهای سایر مقولات اسمی و فعلی دور می‌شوند» (فالر، ۱۳۸۱: ۷۴). به‌کارگیری منادا (ابن حنیف) در ابتدا و انتهای نامه به دلیل قدرت توجیهی بالا و نیز امتیاز سلطه امام بر کارگزار خویش، بیانگر مکلف شدن وی به عمل به متن و محتوای نامه است؛ بنابراین در یک فرایند ارتباطی/توجیهی، اسلوب ندا، آغاز و پایانی تأثیرگذار جهت فراخواندن عثمان و توجه دادن او به پیام است.

### ۲-۱-۳. فعل امر

امر، درخواست انجام کاری از مخاطب همراه با الزام و از موضع برتر است. امر، خود را در شأن و منزلت بالاتر می‌داند خواه در واقعیت این‌گونه باشد خواه نباشد (الهامی، ۱۳۸۶: ۷۰). در زبان عربی، ساختار امر به اشکال مختلفی می‌آید؛ به شکل امر مخاطب، امر غایب، اسم فعل، مصدر نائب فعل و الفاظی که دلالت بر وجوب دارند؛ مثل یجب، ینبغی، لابد من و ... که هر کدام درجات گوناگونی از رسانایی و دلالت‌های خاص خود را دارند و تنوع در اسالیب آن هم نشان از ظرفیت بالای زبان عربی و قوت و ضعف یکی بر دیگری دارد.

امام (ع) در بخش دیگری از این نامه خطاب به عثمان می‌فرماید: «وما ظننتُ أنّک تُجیبُ الی طعامِ قومِ عاتلهمُ حُمُوقاً و غنیهمُ مدعُوقاً فانظرُ الی ما تقصمُهُ من هذا المقصمِ، فما اشدّ علیک علمُهُ فالقِطْهُ و ما ایقنتُ بِطیبِ وُجُوهِه فَنَلَّ مِنْهُ» گمان نمی‌کردم که تو مهمانی مردمی را بپذیری که فقیر و عیالوارشان رانده و ثروتمندشان خوانده شده باشد. پس نظر کن به آنچه دندان بر آن می‌نهدی از این خوردنی و بیرون افکن چیزی را که بر تو آشکار نیست (لقمه‌ای را که حلال یا حرامش بر تو روشن نیست) و آنچه را بخور که به پاکی راه‌های به دست آوردنش دانایی.

حضرت به‌عنوان رئیس حکومت خطاب به فرماندار خویش در بصره، نامه خود را به دلیل رعایت نکردن یک اصل مهم دینی با استراتژی توجیهی/دستوری مستقیم و با کنش‌گفتاری ترغیبی به شکل فعل امر که صریح‌ترین ابزار توجیهی است، آغاز می‌نماید. این سبک بیانی امام علی (ع) حکایت‌از حساسیت وی در اخلاق حکومت‌داری و حرص ایشان در تحقق هدف و اقتناع مخاطب دارد؛ چرا که آغاز نامه با چند فعل امر مخاطب، بیانگر بی‌پرده سخن گفتن و صراحت لفظ ایشان در باب حکومت است و بر این اساس هیچ‌گونه ابهامی در ذهن مخاطب ایجاد نمی‌شود.

به‌کارگیری افعال امر «انظر»، «الفظ» و «نل» نه‌تنها حکایت از سلطه امام بر مخاطب دارد؛ بلکه نشان‌دهنده این است که زبان، در تسخیر اوست و هوشمندانه الفاظ خویش را برمی‌گزیند. فعل «نظر» به معنای نگاه کردن با دقت و همراه تأمل است. «النظر: تأمل الشيء بالعين» (ابن منظور، ۱۹۹۰: ذیل ماده ن ظ ر)؛ یعنی یا این حنیف! با دقت و تأمل به غذایت بنگر.

و «لفظ» به معنای خروج دفعی چیزی از دهان است. «لَقَطَ الشیء من فیه و یه: زَمَاهُ و طَرَحَهُ» (همان: ذیل ماده ل ف ظ)؛ یعنی آن را پرت کرد و انداخت. در این‌جا امام به مخاطب نامه می‌گوید اگر نسبت به چیزی علم نداری و در شک و شبهه هستی آن را به‌سرعت بیرون انداز و از خود دور کن. آمدن حرف «فاء»

بر سر فعل «الفظ» مفید معنای ترتیب و اقدام سریع است. کنش گفتار در فعل امر «نل» که در تقابل با «الفظ» آمده و با توجه به قرینه «ما أيقنت بطيب وُجوهه» بیانگر این است که اگر نسبت به مشروع بودن مالی یقین داری آن را به دست بیاور «نال - الشئ: أدركه و بلغه» (همان: ذیل ماده ن ی ل).

در نامه امام به عثمان بن حنیف، افعال امر به شکل‌های مختلف امر مخاطب، امر غایب و اسم فعل به خدمت گرفته شده‌اند که این تنوع در ابزارها و اسلوب‌ها بر این سخن که ایشان امیر کلام است، صحنه می‌گذارد. وی در بخش پایانی نامه خود چنین می‌گوید: «فَاتَّقِ اللَّهَ يَا بَنَ حُنَيْفٍ وَلْتَكُفْ أَقْرَابُكَ لِيَكُونَ مِنَ النَّارِ خَلَاصُكَ» ای پسر حنیف! از خدا بترس و چند قرص نانت باید تو را بس باشد تا سبب خلاصی تو از آتش دوزخ شود. در این پاره گفت دو فعل امر به کار رفته‌است. یکی فعل امر مخاطب «اتَّقِ اللَّهَ» و دیگری فعل امر غایب که همراه با لام است «وَلْتَكُفْ أَقْرَابُكَ». لازم به ذکر است که فعل امر غایب نسبت به امر مخاطب از درجه صراحت پایین‌تری برخوردار است. «گویا امام به قرص‌های نان دستور می‌دهد تا از ابن حنیف منقطع شوند و مقصود فرمان به ابن حنیف است تا امتناع ورزد» (صبحی الصالح: ۶۹۴). در حقیقت امام با هنجارگریزی و عدول از امر مخاطب به امر غایب و با روشی طعنه‌آمیز قصد تحریک احساسات و تحت تأثیر قرار دادن ذهن مخاطب را داشته‌است.

امام علی (ع) برای آن که زهد و بی‌رغبتی خود نسبت به دنیا را به مخاطب/ مخاطبین با تأکید و مبالغه بیان نماید از اسم فعل امر «إلیک» کمک می‌گیرد آن‌جا که می‌گوید: «إلیک عَنِّي يَا دُنْيَا فَحَبْلُكَ عَلَيَّ غَارِبِكِ قَدْ انْسَلَّتْ مِنْ مَخَالِبِكِ وَأَفْلَتْ مِنْ حَيَاتِكَ وَاجْتَنَّبْتُ الدَّهَابَ فِي مَدَاحِصِكَ» از من دور شو ای دنیا! مهارت را بر پشتت نهاده و از چنگال‌های تو رهایی یافتم و از دام‌های تو نجات یافته و از رفتن به لغزشگاه‌هایت دوری کردم.

امام علی (ع) در توجیه مخاطبان خود از اسم فعل «إلیک» بهره برده‌است. فایده اسم فعل، مبالغه و تأکید است چون مقصود از آن، تنها حدث است و به همین دلیل به ضم‌ایر صاحب حدث وصل نمی‌شود (السامرائی، ۲۰۰۰: ۴/۴۴). حضرت بر اساس محور جانشینی به جای فعل امر (أبغدي) از اسم فعل (إلیک) استفاده کرده‌است؛ یعنی ای دنیا! به‌طور مطلق و برای همیشه از من دور شو؛ و با این شگرد زبانی اولاً شدت تنفر خود را از دنیا که چون موجودی اغواگر عمل می‌کند، بیان می‌دارد و ثانیاً آوردن این‌گونه از اسماء افعال به هدف سرعت در عمل، قبل از دیرشدن وقت آن نیز می‌باشد؛ چرا که اسم فعل‌هایی که در اصل ظرف یا جار و مجرور بوده‌اند مختصر شده‌ی یک کلام طولانی هستند به هدف دستیابی فرصتی تا مأمور قبل از دیر شدن، اقدام به فرمانبرداری کند؛ (إلیک عَنِّي) یعنی: «ضُمَّ رَحْلَكَ وَ تَقَلَّكَ إِلَيْكَ وَ اذْهَبْ عَنِّي» بار خویش را بر خود ببند و از من دور شو (همان: ۴۵).

### ۳-۱-۳. استفهام

استفهام برجسته‌ترین روش در گفتار است و با توجه به کاری که در رساندن گیرنده به عمل استنباط انجام می‌دهد؛ نقش عمده‌ای در اقناع و در فرایند استدلال ایفا می‌کند؛ زیرا به دلیل قدرت و ویژگی‌هایی که دارد و در خدمت اهداف گفتار است، مخاطب را درگیر خود می‌سازد (عکاشه، ۲۰۱۴: ۲۴۸). استفهام



مصدر باب استفعال از ماده فهم است و *إِسْتَفْهَمَهُ*: سَأَلَهُ أَنْ يُفْهَمَهُ (ابن منظور، ۱۹۹۰: ذیل ماده ف ه م) از او درخواست کرد که به او بفهماند و این معنای حقیقی آن است؛ اما گاهی اوقات انحراف از معنی صورت می‌گیرد که در واقع معنایی عکس معنای اصلی پیدا می‌کند به این صورت که سؤال‌کننده است که می‌خواهد ذهن مخاطب را متوجه خود سازد و چیزی را به او بفهماند. در کتاب *تکوین البلاغه* از آن، به عنوان «الانحراف الاستعمالی» نام برده است (الفرج، ۱۳۷۹: ۱۵۸). این انحراف از معیار به صورت انکار ابطالی، انکار توییخی، نفی، امر، تعجب، تقریر، تمنی، تشویق و ... نمود پیدا می‌کند. سامرایی بر این نظر است که این معانی، معانی مجرد از استفهام نیستند بلکه همه آنها آمیخته با استفهام‌اند؛ مثلاً تمنی، نفی و امر فقط برای تمنی یا نفی یا امر نیستند و آمیخته به استفهام‌اند (السامرائی، ۲۰۰۰: ۲۴۱/۴)؛ و چون آمیخته به استفهام هستند هم دارای جهت‌گیری به سوی مخاطب‌اند و ذهن او را تمام و کمال با خود همراه می‌کنند و هم هدف و غایت مورد نظر را به وی گوشزد می‌نمایند.

تعداد جملات استفهامی در نامه ایشان دوازده جمله است که همگی دارای معنای مجازی‌اند. حضرت با استفهام، اندیشه‌ها را تحریک می‌کند تا تأثیر سخن خود را قطعیت بخشد. خطاب به عثمان می‌فرماید: «أَفْتَحُ مِنْ نَفْسِي بِأَنْ يُقَالَ: هَذَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ؟! وَ لَا أُشَارِكُهُمْ فِي مَكَارِهِ الدَّهْرِ أَوْ أَكُونُ أَسْوَأَ هُمْ فِي جُشُوبَةِ الْعَيْشِ!» آیا به این قانع باشم که گفته شود: این امیرالمؤمنین است ولی با آنان در تلخی‌های روزگار مشارکت نکنم؟ و یا برایشان در سختی‌های زندگی الگو نباشم. ایشان خود را با این تکنیک مورد هدف قرار داده تا در مواجهه با عثمان از میزان سلطه در گفتمان بکاهد. ابراز تعجب از رفتار عثمان و همچنین عتاب وی با استفهام و استفاده از اسم اشاره «هذا» که دلالت بر تعظیم دارد و مشارالیه بودن آنها را از سوی مردم نشان می‌دهد، واحدهای قدرتمندی در فرایند توجیهی این گفتار هستند و از منظر کاربردشناسی این پاره گفت در حقیقت متشکل از یک باید و یک نباید است به این معنی است که من نباید تنها به امیربودن و مورد احترام بودن خود دل خوش بدارم؛ بلکه باید در سختی‌ها نیز کنار مردم و اسوه آنها باشم.

حضرت در فرازی دیگر از نامه خود می‌فرماید: «أَيُّ الْقُرُونِ الَّذِينَ غَرَّرْتَهُمْ بِمَدَاعِيكِ؟! أَيْنَ الْأُمَمُ الَّذِينَ فَتَنْتَهُمْ بِزُخَارِفِكَ؟! فَهَا هُمْ زُهَائِنُ الْقُبُورِ وَ مَضَامِينُ اللَّحُودِ» کجایند اقوامی که با بازیچه‌های خود فریبشان دادی؟ کجایند امت‌هایی که با زیورهای خود فریفتی؟ اینک آنها گروگان گورها و در درون قبرها پنهانند. حضرت با به‌کارگیری ابزار «این»، ذهن مخاطب را به روزگاران دور برده و با یک استدلال قوی عدم دلبستگی به دنیا را به وی القا می‌کند؛ بنابراین هدف، تنها دادن گزارش نیست بلکه آگاهی بخشی به مخاطب است تا در اعماق ذهن خود پاسخی شایسته پدید آورد.

در استفهامی دیگر حضرت با یک قیاسی تأثیرگذار در مقام انکار برمی‌آید و سعی می‌نماید خود و کارگزارانش را از زندگی غیرعقلانی و حیوانی برحذر دارد. می‌فرماید: «أَقْتَلِي السَّائِمَةَ مِنْ رِعِيهَا فَتَبْرِكْ؟ وَ تَشْبَعِ الرِّبِيضَةَ مِنْ عُشْبِهَا فَتَرِيضْ؟ وَ يَأْكُلُ عَلِيٌّ مِنْ زَادِهِ فَيَهْجَعُ؟!» آیا (همان گونه که) حیوان چرنده شکمش با چریدن پر می‌شود و می‌خوابد و یا گله گوسفند از علفش سیر می‌شود و به آغل رو می‌کند و می‌خوابد، علی هم باید از توشه خود بخورد و آرام بخوابد. از منظر پراگماتیک حضرت نام «علی» را با دو واژه «السائمة» و «الربیضة»

همنشین ساخته تا از این طریق به فرماندار خویش اثبات نماید که اگر علی نیز همچون حیوانات، تنها به خور و خواب اهتمام ورزد تفاوتی با آنها ندارد. ایشان با پی‌درپی آوردن استفهام‌ها بر قوت اجرائی کنش‌ها افزوده‌است. فعل‌های مقرون به استفهام در اینجا کنش گفتارهایی دارای معنای نفی، انکار و توبیخ‌اند. امام، کنایه‌وار می‌فرماید: علی، همچون چرندگان و گوسفندان نیست که شکم پر کند و آسوده بیاساید. اگر حضرت به‌جای آن از اسلوب نفی محض استفاده می‌کرد و جمله انشائی را به‌صورت خبری به کار می‌برد؛ آن‌گونه که باید حق مطلب ادا نمی‌شد؛ زیرا «نفی به استفهام، نفی محض نیست؛ بلکه استفهامی است که معنای نفی به آن نوشانده شده و به معنای دیگری آمیخته‌شده که نفی محض حق آن را ادا نمی‌کند و از جهت دیگر نفی صریح اقرار از جانب مخبر (متکلم) است اما اگر به شیوه استفهام گفته شود، بی‌گمان مقصود شرکت دادن مخاطب در آن موضوع است و متکلم از او پاسخ می‌طلبد و در واقع مخاطب به پاسخگویی فراخوانده می‌شود» (همان: ۲۴۴)؛ بنابراین در نفی محض شنونده منفعل و ذهنش ایستاست و چه‌بسا به محتوای پیام واکنشی از خود نشان ندهد؛ اما در نفی به‌صورت استفهام چون به‌ظاهر در معرض پاسخگویی قرار می‌گیرد، فعال و ذهنش پویاست.

### ۲-۳. دلالت‌های واژگانی در استراتژی توجیهی نامه

معانی، روحی هستند در کالبد واژگان؛ لذا از منظر منظورشناسانه، واژگان و انسجام واژگانی برای رساندن معانی عمیق و تأثیرگذار از اهمیت بالایی برخوردارند. واژگانی که دلالت بر درخواست، تهدید، تشویق، پیشنهاد و نصیحت و ... دارند در چارچوب استراتژی توجیهی جای دارند که کاربرد هر کدام به میزان اراده پیام‌رسان، در به‌کارگیری سلطه بستگی دارد. امام علی (ع)، حاکم مسلمانان است، نوع کلمات و واژگانی که استفاده می‌نماید؛ حکایت از میزان سلطه و اقتدار وی دارد. آن هنگام که پی به عناد مخاطب می‌برد؛ برای تحقق مقصود خویش از موضع قدرت و بدون هیچ انعطافی سخن بر زبان می‌آورد؛ همچون زمانی که یکی از خوارج عبارت (لَا حُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ) را بر سر زبان آورد فرمود: «أَسْكَتَ قَبْحَكَ اللَّهُ يَا أَثْرَمُ فَوَاللَّهِ لَقَدْ ظَهَرَ الْحَقُّ فَكُنْتَ فِيهِ ضَيْلًا شَخْصًا، خَفِيًّا صَوْتُكَ، حَتَّى إِذَا نَعَرَ الْبَاطِلُ جَمْتَ جُومَ قَرْنِ الْمَاعِزِ» خاموش باش خدا چهره‌ات را زشت گرداند، ای دندان پیشین افتاده. به خدا سوگند حق آشکار شد و تو در آن زمان شخصی ناچیز بودی و صدایت به‌جایی نمی‌رسید و همین که باطل فریاد برآورد مانند شاخ بز سر برآوردی (خطبه/۱۸۴). در این خطبه که یکی از کوتاه‌ترین خطبه‌هاست حضرت با کاربست واژگانی چون (أثرم، ضئیل، خفی، قرن الماعز) و شیوه‌هایی چون امر صریح، نفرین و تشبیه ساخر، یک انباشتگی توجیهی قوی برای تحقق هدف خویش که همان اثبات بطلان افکار اوست، پدید آورد؛ بنابراین امام با توجه به بافت موقعیتی دست به‌گزینش واژگان مناسب می‌زند.

واژگان کوبنده فراز اول نامه، ناشی از خشم و ناراحتی حضرت از عثمان بن حنیف است. حضرت به‌طور شفاف و به‌صراحت گله و شکایت خویش را از مخاطب بیان می‌دارد که این خود «باعث سردرگمی مخاطب نمی‌شود» (الشهری، ۲۰۰۴: ۳۲۷). حضرت می‌فرماید: «أما بعد یابن حنیف! فقد بلغنی أن رجلاً من فئته أهل البصرة ذعاک إلى مأذبة فأسرعت إليها تستطاب لك الألوان و تُنقل إليك الجفان و ما ظننت أنك تُجيب إلى طعام

قَوْمٍ عَائِلُهُمْ جَفَوُا وَ غَنِيَهُمْ مَدَعُوْا. فَانظُرْ اِلَى مَا تَقَضَّمُ مِنْ هَذَا الْمَقْضَمِ، فَمَا اشْتَبَهَ عَلَيْكَ عِلْمُهُ فَالْفِطْهَ وَ مَا اَيَقَنْتَ بِطَيْبِ وُجُوهِهِ فَنَلَّ مِنْهُ؛ اما بعد، ای پسر حنیف! به من رسیده است که مردی از جوانان بصره، تو را به مهمانی‌ای فراخوانده است پس تو به‌سوی آن شتافته‌ای به‌طوری که خوراکی‌های رنگارنگ خوشآیند تو گشته و کاسه‌های غذا پیوسته به سویت جابه‌جا می‌شده است. گمان نمی‌کردم که تو مهمانی مردمی را بپذیری که فقیر و عیالوارشان رانده و ثروتمندشان خوانده‌شده باشد. پس نظر کن به آنچه دندان بر آن می‌نهدی از این خوردنی و بیرون افکن چیزی را که بر تو آشکار نیست (لقمه‌ای را که حلال یا حرامش بر تو روشن نیست) و آنچه را بخور که به پاکی راه‌های به دست آوردنش دانایی.

کاربست «اما بعد» در آغاز نامه، خط و نشانی است برای توجیه «عثمان بن حنیف» تا آنچه امام می‌گوید با گوش جان بشنود و بعد از آن بر رفتارش مراقبت افزون تری داشته باشد؛ بنابراین «اما بعد» تعبیری است که «فصل الخطاب است» (عرفان، ۱۳۹۸: ۳۶/۱).

در فعل‌های (قد، بلغ و أسرع) با توجه به بافت و سیاق ارتباطی گفتمان، چند دلالت نهفته است: فعل «بلغنی» بیانگر زیر نظر بودن عثمان از جانب مردم و مأمورین مخفی است. این فعل ۱۳ مرتبه در نهج البلاغه تکرار شده که ۱۱ مورد آن با توجه به بافتار متن دارای موضوعات تهدیدآمیز است. فعل ماضی «أسرعت» دلالت بر تحقق وقوع دارد و دارای سایه معنای تحقیر است. چنین حرکت شتابانی به‌سوی یک مهمانی پر زرق و برق از سوی یک مقام عالی‌رتبه، عیب بزرگی بر اوست لذا حضرت با بهره‌مندی از این واژه نوعی تصویر حرکتی در ذهن مخاطب خویش ایجاد نموده و بر شدت قبح عمل افزوده است؛ و این طعن را در دو عبارت بعد از آن (تَسْتَطَابُ لَكَ الْأَلْوَانُ وَ تُثَقِّلُ إِلَيْكَ الْجِفَانُ) - که دلالت بر استمرار دارد - نیز در یک تصویر دیداری حرکتی، در ذهن عثمان ترسیم نموده‌است. از جانب دیگر مجهول آوردن این دو فعل که حول محور نائب فاعل می‌چرخد القاگر قبح فعلی است که اتفاق افتاده است. آمدن حرف عطف «فاء» بر سر فعل «أسرعت» که برای بیان ترتیب و تعقیب است؛ اجابت سریع آن دعوت را از سوی عثمان به‌وضوح نشان می‌دهد و قوت آبرونی را بیشتر کرده است.

نکره آمدن واژگان «رجلاً» و «مأذبه» نیز مشکوک بودن این دعوت را به مخاطب القا می‌کند. مردی ناشناس از لحاظ دین و ایمان، تو را بر سر سفره‌ای دعوت کرده که حلال و حرام بودنش معلوم نیست. سپس حضرت با لفظ صریح (فالفِطْهَ) و ضمیری که راجع به طعام آن مهمانی است، شدت نفرت خود را اظهار نموده است.

حضرت دو بار واژه «قضم» را به کار گرفته است. یک‌بار به‌صورت فعل و باری دیگر به شکل مصدر میمی. واژه «قضم» به معنی: خوردن با اطراف دندان و دندانهای آسیاب است (ابن منظور، ۱۹۹۰: ذیل ماده ق ض م)؛ که در این بافتار دارای معنای استهزاء و توبیخ است؛ و این معنی جز با به تصویر کشیدن نحوه خوردن و لذت حاصل از آن، به مخاطب القا نمی‌شود.

بار معنایی این فراز بیشتر در واژگان «أسرعت»، «تَسْتَطَابُ»، «الألوان»، «تثقل» و «الجفان» تجلی پیدا می‌کند. لذا از نظر آوایی حروف (أ، ت، ط، ب، ق، ج) دارای صفت شدت و حروف (ر، ع، ط، ب، ن، ل، ج)

دارای صفت جهر (صدای آشکار) هستند (أنیس، ۱۹۵۰: ۵۲-۸۵). سایشی- صوتی بودن سین و صفت ارتعاشی و لرزشی راء نیز نشان از فریاد بلند امام و تجسم یک تصویر شنیداری از گفتار عتاب آلود حضرت است

این شروع کوبنده امام خط و نشانی است در برابر خطای عثمان و نشان از به‌کارگیری سلطه بالا در توجیه اولیه او دارد. معانی لطیف موجود در ذهن با خود الفاظ لطیف می‌آورند اما معانی سخت و خشن، واژگان شدید در پی خواهند داشت. چنانچه عبدالقاهر جرجانی می‌گوید: نظم کلام از نظم آثار معانی پیروی می‌کند و ترتب آنها بر اساس ترتیب معانی در نفس است (الجرجانی، ۱۴۰۴: ۴۰). لذا چنین الفاظ و معانی سخت و هشداردهنده موجود در متن و ایدئولوژی نهفته در آن، عثمان را وادار به پذیرش فرامین می‌کند. بر اساس راهبرد مستقیم و بی‌پرده همچون ندا با "یا بن حنیف"، و فعل مخاطب "أسرعت" و "الفظ" و کثرت تکرار ضمائر "ک" و "ت" «گوینده به واضح‌ترین و بی‌ابهام‌ترین شکل، خواسته خود را مطرح می‌سازد» (براون و لوینسون، ۱۹۸۷: ۶۹) و بدین‌سان وجهه مخاطب را در معرض تهدید قرار می‌دهد.

وی در فرازی دیگر چنین می‌گوید:

«ألا و إنَّ لِكُلِّ مَأْمُومٍ إِمَامًا يُقْتَدِي بِهِ وَ يَسْتَضِيءُ بِنُورِ عِلْمِهِ، أَلَا وَ إِنَّ إِمَامَكُمْ قَدْ أَكْتَفَى مِنْ دُنْيَاهُ بِطَمَرِيهِ وَ مِنْ طُعْمِهِ بِقُرْصِيهِ؛ أَلَا وَ إِنَّكُمْ لَا تَقْدِرُونَ عَلَى ذَلِكَ وَ لَكِنْ أَعْيُونِي بِوَرَعٍ وَ اجْتِهَادٍ وَ عَفَّةٍ وَ سَدَادٍ» آگاه باش که بی‌گمان هر پیرو، پیشوایی دارد که به او اقتدا می‌کند و از نور دانشش روشنی می‌گیرد؛ بدان که پیشوای شما از دنیای خویش به دو جامه فرسوده و از غذای خود به دو قرص نان بسنده کرده است؛ آگاه باشید که قطعاً شما توانائی چنین کاری را ندارید ولی با پارسایی و تلاش و پاکدامنی و راستی مرا یاری کنید.

کلام با حرف تنبیه «ألا» شروع می‌شود و مفید آگاهی بخشی شونده است نسبت به سخنی که رو به اوست و علاوه بر آگاهی‌بخشی مفید تحقق مابعدش نیز است (الغلابی، ۱۳۸۸: ۲۶۲/۳). امام در این نامه، با کاربست چهار مرتبه حرف «ألا» به عثمان هشدار داده است تا به آنچه نوشته گوش فرا دهد و به آن جامه عمل بپوشاند. در کنار هم آمدن دو واژه "امام" و "مأموم" که از یک بن هستند، تداعی‌کننده این معناست که میان مردم و حاکم ارتباط تنگاتنگی وجود دارد و مردم، حاکم را الگوی خود قرار می‌دهند و در پی او هستند. امام با استخدام دو واژه "طمر": الثوب الخلق، الكساء البالي من غير الصوف (لباس مندرس، لباس پوسیده غیرپشمی) (ابن منظور، ۱۹۹۰: ذیل ماده ط م ر) و "قرص" که دارای دلالت ضمنی نهایت قناعت و زندگی در سطح فقیرترین مردمان است، دو نمونه بارز از ساده‌زیستی حاکم را بیان می‌کند. ایشان معترف است که عثمان نمی‌تواند همچون او زهد پیشه کند؛ اما باید با تقوی و عمل صالح با او همراهی کند. در این‌جا حضرت خطای عثمان را بهانه‌ای قرار داده تا خطاب به همه کارگزاران و خواص اعلام کند که همانند او بودن، بس دشوار است؛ اما در چهار صفت پرهیزکاری، تلاش، پاکدامنی و پاکدستی و درست عمل کردن، باید همراه او باشند. الوَرَعُ فِي الاصل: الكفَّ عَنِ المَحَارِمِ وَالتَّحَرُّجُ مِنْهُ (ابن منظور، ۱۹۹۰: ذیل ماده و ر ع). نیروی باطنی تقوا شامل تقوای روحی، تقوای اعضاء و جوارح و تقوای قلبی، برای یک حاکم دینی ضروری است و او را از ورود به منجلاب محرمات حفظ می‌نماید؛ و الاجتهاد: بذل الوسع والجهود (همان: ذیل ماده ج

ه د). اجتهاد به معنای صرف توان و تلاش از مشخصه‌های دیگر حاکم است. و العفة: الكف عما لا يحل ويحمل (همان: ذیل ماده ع ف ف). عفت، دست کشیدن از حرام و آنچه زیبا می‌نماید، سومین اصل در گفتمان علی (ع) است و السداد: الاصابة في المنطق أن يكون الرجل مُسَدِّداً (همان: ذیل ماده س د د) به معنای درستی در گفتار، از ویژگی‌های یک حاکم دینی از منظر گفتمان امام می‌باشد. سلطه دینی حضرت که از طریق زهد و تقوا، اجتهاد، پاکی و پاکدامنی پدید آمده -به طوری که دوست و دشمن به آن معترفند- در کنار سلطه سیاسی تضمین‌کننده قطعی عمل توجیهی حضرت بر روی کارگزاران است؛ چرا که همگی بر حساسیت امام در مسائل دینی واقفند. در این فراز از نامه، همجواری واژگان که برخی بر بعد مادی و برخی بر جنبه روحانیت زندگی دلالت دارند و تناسب میان‌شان و بار معنایی حاصل از آن‌ها، بر قدرت اثرگذاری و نقش توجیهی واژگان بر روی مخاطب می‌افزاید و همچنین منجر به تولید سلطه دینی در صاحب سخن می‌گردد.

در بخش دیگری می‌فرماید: «ألا و إنَّ الشَّجَرَةَ الْبَرِيَّةَ أَصْلَبُ عُوداً و الرِّوَاتِعَ الْحَضِرَةَ أَرْقُ جُلُوداً و النَّبَاتَاتِ الْعِدْنِيَّةَ أَقْوَى و فُؤُوداً و أَبْطَأُ حُمُوداً». بدانید درخت بیابانی چوبش سخت‌تر و گیاهان نرم و نازک، پوستشان نازک‌تر است؛ و روینده‌های بیابانی در سوختن قوی‌ترند و دیرتر خاموش می‌شوند. ایشان تلویحاً می‌فرماید آنکه در پس سختی‌ها رشد کند قوی‌تر خواهد بود. ترسیم چنین تصویر ذهنی از درخت بیابانی و درخت کنار جویبار با صدارت حرف تشبیه باعث نقش بستن پیام و ماندگاری آن در ذهن مخاطب می‌شود.

وی در فرازی دیگر از نامه چنین می‌گوید: «ولكن هيهات أن يغلبني هواي و يُفَوِّدني جشعي إلى تحنُّر الأطمعة» اما هیهات که هوای نفس بر من چیره شود و حرص و طمع مرا به اختیار کردن غذاهای (رنگارنگ) بکشاند؛ و «هيهات من وطئ دحضك زلق و من ركب لجحك غرق» هیهات! کسی که در لغزشگاه تو قدم گذارد، بلغزد و هر کس سوار بر امواج تو گردد، غرق شود. امیرالمؤمنین در این نامه دو مرتبه از اسم فعل ماضی «هیهات» استفاده کرده‌است. در محور جانشینی کاربرد هیهات به جای «بُعْد» نشان از تأکید امام در دستورات خود دارد؛ بنابراین در این بافتار، هیهات اسم فعل ماضی است که حضرت بدین‌وسیله با توجه به ویژگی‌های آوایی آن، یعنی تکرار صامت هاء و آمدن مصوت الف که به‌وسیله آن مقدار زیادی هوا از شش‌ها دفع می‌شود اولاً فاصله عمیق خود را با دنیا ابراز می‌دارد ثانیاً با یک استراتژی نرم و استفاده از پایین‌ترین درجه از سلطه و با استفاده از این روساخت به لایه درونی و ژرف ساختی دستوری در مقابل عثمان، او را وادار به پذیرش فرمان می‌کند. در پایان، ذکر این نکته ضروری می‌نماید که هیهات «علاوه بر مبالغه و تأکید مفید تعجب است و برای چیزی هیهات گفته می‌شود که بسیار بعید است» (السامرائی، ۲۰۰۰: ۴/۴۴).

### ۳-۳. جملات خبری / انشایی در استراتژی توجیهی نامه

جواز توجیه با اسلوب خبری بیانگر وجود «سلطه» است و فرستنده‌ای که سلطه ندارد در به‌کارگیری این اسلوب توانمند نیست (الشهری، ۲۰۰۴: ۳۴۷). در واکاوی جملات این نامه که مرکز ثقل معنی و مقصود آن هواپرستی و توجه به دنیاست این سؤال مطرح می‌شود که در لایه زیرین این تعداد جملات خبری که حضرت، خطاب به عثمان بیان فرمودند چه هدفی نهفته است؟ در پاسخ باید گفت جهت‌گیری پیام به‌سوی

پیام‌گیر و امری بودن آن از باب ارشاد کاملاً روشن است. لذا شیوه‌های خبری را می‌توان تعریضی جهت توجه دادن مخاطب به عمل کنشی دانست.



در بخش دیگری می‌فرماید: «فَوَاللَّهِ مَا كُنْتُ مِنْ دُنْيَاكُمْ تَبَرّاً وَ لَا ادَّخَرْتُ مِنْ عَنَائِمِهَا وَفَرّاً وَ لَا اَعْدَدْتُ لِبَالِي ثَوْبِي طَمْرّاً وَ لَا حُرْتُ مِنْ اَرْضِهَا شَبْرّاً وَ لَا اَخَذْتُ مِنْهُ اِلَّا كَقَوْتِ اَتَانٍ ذَبْرَةً وَ هَلِي فِي عَيْنِي اَوْهِي وَ اَهْوُنُ مِنْ عَفْصَةِ مَقْرَةٍ» به خدا از دنیای شما زری نیندوخته‌ام و از غنایم آن مالی ذخیره نکرده‌ام و به‌جای این لباس کهنه‌ام لباسی آماده نکرده‌ام و از زمین دنیا یک وجب هم در اختیار نگرفته‌ام و از مال دنیا جز به اندازه قوت ماده الاغی که پشتش زخمی است، نگرفته‌ام و قطعاً دنیا در چشم من از دانه تلخ درخت بلوط ناچیزتر است. با توجه به بافت موقعیتی معنای موضوع له مدنظر نیست؛ بلکه قصد حضرت، امر به‌سادگی و دوری از حرص و طمع است و با کاربرد ضمیر (کُم) در «دنیاکم»، خود را از وابستگی و دلبستگی به دنیا تبرئه کرده و در واقع به ابن حنیف و دیگر کارگزاران و خواص اشاره کرده تا خود را از دنیا برهانند؛ بنابراین «متکلم، سخن را به مخاطبان می‌رساند به شیوه‌ای که کمک می‌کند به پذیرش حق و این شیوه نقش بیشتری در خالص کردن پند و نصیحت دارد؛ زیرا متکلم نمی‌خواهد برای آنان مگر چیزی را که برای خویش خواسته است» (عرفان، ۱۳۹۸: ۷۶/۲).

امام در فرازی چنین آورده است: «طَوْبِي لِنَفْسِي اَدَّتْ اِلَى رَجْمَا فَرَضَهَا وَ عَزَّكَتْ بِجَنَبِهَا بُوْسَهَا ...». خوشا به حال آنکه واجبات خود را در پیشگاه خدا به انجام رسانده و سختی‌ها را به جان خریده‌است. با توجه به بافت موجود، این جمله خبری دارای سایه معنای طلبی است که امام از فرماندار خویش می‌خواهد مسئولیت‌های واجب را در پیشگاه خدا به انجام رساند و در راه خدا هرگونه سختی و تلخی را به جان بخرد. کاربست واژه (طوبی) به معنای: خیر و خوبی، بهشت یا درختی در بهشت و حیات طیبه (ابن منظور، ۱۹۹۰: ذیل ماده ط ی ب) نیز در این عمل توجیهی/ارتباطی، دارای اثر انفعالی زیادی بر مخاطب است.

### ۱-۳-۳. ذکر فرجام کنش‌ها

یکی از شیوه‌های سخن‌پردازی، عاقبت‌اندیشی و دوراندیشی بر اساس خردورزی یا تعمق در تجربیات گذشتگان است و در واقع نوعی استدلال و برهان است که سخن‌پرداز با ذکر پیامد رفتاری، خواه مثبت خواه منفی، سعی در مجاب نمودن مخاطب خود دارد. «ذکر عاقبت از ادوات مستقیم و صریح استراتژی توجیهی است که فرستنده از آن استفاده می‌کند تا دریافت‌کننده را مطابق با اراده‌اش بدون توجه به منفعت خود، هدایت کند» (الشهری، ۲۰۰۴: ۳۶۱).

در سرتاسر کلام امیرالمؤمنین ذکر عواقب اعمال معمولاً در قالب جملات شرطی، استفهامی و خبری آمده است. امیرالمؤمنین در خطبه ۳۵ مستقیماً به این موضوع اشاره می‌کند و می‌فرماید: «فَإِنَّ مَعْصِيَةَ النَّاصِحِ الشَّقِيقِ الْعَالِمِ الْمُجْرِبِ تُورِثُ الْحَسْرَةَ وَ تُعَقِّبُ النَّدَامَةَ...» بی‌گمان نافرمانی از نصیحت‌گر مهربان دانا و باتجربه، موجب حسرت است و پشیمانی در پی دارد. لذا ایشان در رابطه با ذکر پیامد امور، بر اساس خردورزی و شواهد تاریخ بشری، جهت تأثیرگذاری روی مردم اهمیت ویژه‌ای قائل بوده‌است.

در این نامه امام چنین می‌فرماید: «و إِنَّمَا هِيَ نَفْسِي أَرَوْضُهَا بِالتَّقْوَى لِيَأْتِيَ آمَنَةً يَوْمَ الْخَوْفِ الْأَكْبَرِ». همانا من نفس خود را با پرهیزکاری می‌پرورانم تا در روز بزرگترین بیم، با آسودگی حاضر شود. حضرت با استفاده از استراتژی خطاب به خود با فعل متکلم "أروض" که انعطاف در توجیه را در پی دارد تلاش می‌کند بر نفس مخاطب تأثیر بگذارد؛ و همچنین بر اساس محور جانشینی، از منظر روانشناختی تعبیر «يوم الخوف الأكبر» به جای «يوم القيامة» راهبرد هوشمندانه‌ای از جانب امام، جهت اثرگذاری در روح و روان مخاطب است. در این پاره گفت از تکنیک استعاره نیز نباید غافل شد؛ حضرت نفس را چون چارپایی می‌داند که باید آن را با نیروی تقوی رام خویش کرد. این بیان اخباری، گفت‌کنشی است با زیرساختی دستوری که به شکل غیرمستقیم بیان گردیده است؛ و باید بر این امر واقف بود که «نقش برخی جملات صرفاً بیان چیزی نیست بلکه گوینده با بیان آن قصد انجام کاری دارد» (شیخ محمدی و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۸۶)؛ بنابراین ذکر سرانجام امور، یک استراتژی قوی است که مغزها را به تحرک وامی‌دارد و ذهن مخاطبان را به تجزیه و تحلیل آن امور مشغول می‌سازد.

### ۳. نتیجه‌گیری

نتایجی که از انجام این تحقیق به دست می‌آید به‌قرار زیر است:

۱- حضرت علی علیه‌السلام به‌عنوان یک خطیب بزرگ هنرنمایی خود را در کاربست استراتژی‌های گوناگون گفتمان به نمایش گذاشته است. تنوع خطاب در این نامه و استفاده از ابزارها و سازوکارهای زبانی مختلف باعث جلب توجه بیشتر مخاطب، بهتر سوق دادن او به‌سوی هدف موردنظر، افزایش نفوذ کلام و جاذبه‌های دیگری شده است که مهارت حضرت را در سخنوری به اثبات می‌رساند و از جانب مخاطب نیز بیانگر بکارگرفته شدن ذهن او توسط متکلم و تضمین توجیه او نسبت به خطای خویش است. نامه با ندا شروع شده و در ادامه، جملات امری، جملات خبری در معنای انشائی، جملات استفهامی، اسم فعل، سوگند و... هر کدام سهم خود را در تأثیرگذاری بر مخاطب ایفا می‌کنند.

۲- کاربست ابزار استفهام پس از گفتمان غیرمستقیم مانند جملات خبری که حضرت در رابطه با ویژگی‌های خود می‌فرماید، غلبه بیشتری دارد و دلیل آن هم حرص و ولع و عزم راسخ حضرت در اجرای دقیق تعلیمات اسلام از طریق طرح سؤال در ذهن مخاطب و به اندیشه واداشتن او می‌باشد.

۳- در فراز ابتدایی نامه کاربست واژگان *فَقَدْ بَلَغَنِي، مَأْذِبَةٌ، أَسْرَعَتْ، تُسْتَطَابُ، تُنْقَلُ، أَنْظِرْ، تَقْضَمُ و فَالْفِطْلُ* با توجه به وضوح در بیان معنی و قوت تصویرپردازی این واژگان در تفهیم و اقناع مخاطب، بیانگر اوج

بکارگیری سلطه توسط حضرت به دلیل خطای عثمان و توییح اوست. به تعبیری دیگر، ایشان با ذکر این واژگان در کنار هم و انسجام حاصل از آن‌ها که در راستای هدفی واحد قرار دارند، از یک سو به بیان جزئیات آنچه در مهمانی اتفاق افتاده، پرداخته است و از سوی دیگر با آوردن فعل‌های مخاطب (اُسْرَعَتْ، اُنْظُرْ، تَقْضَمْ، اِلْفِط) و کثرت تکرار ضمایر مخاطب، وجهه او را در معرض تهدید قرار داده است. سلطه دینی در کنار سلطه سیاسی تضمین‌کننده قطعی عمل توجیهی حضرت بر روی کارگزاران است؛ چرا که همگی بر حساسیت امام در مسائل دینی نیز واقف هستند ولی در مجموع و با توجه به اینکه اکثر پیام‌ها به صورت جملات اخباری و غیرمستقیم بیان شده، می‌توان راهبرد حضرت را راهبردی متواضعانه و نرم تلقی کرد.

۴- در بافت کلامی توالی استفهام‌ها، جملات خبری مؤکده با (ألا و إنَّ)، قسم، اسم فعل، اسلوب ندا و دیگر عبارات، همگی منسجم و درهم‌تنیده و در راستای القای ایدئولوژی حاکم بر گفتمان اند که به اغراض هر کدام در جدول ذیل اشاره می‌شود:

درصد	غرض	تعداد	نوع جمله
۱۰۰	-	۹۵	مجموع عبارات مفید یک معنای کامل
۱۱،۵۷	انکار - استبعاد (هدف اصلی امام به چالش کشیدن ذهن مخاطب با این ابزار است).	۱۱	استفهام
۱۰،۵۳	تنبیه - ارشاد (امام با ابهام زائی توسط جملات شرطی، ذهن مخاطب را در معرض یافتن پاسخ‌های مناسب قرار می‌دهد).	۱۰	شرط
۷،۳	وجوب و تهدید (امر واضح‌ترین و الزام‌آورترین ابزار توجیهی است که در فرایند توجیهی سهم مهمی را به خود اختصاص داده است).	۷	امر
۵،۳	تأکید بر سخن و کمک به باورپذیر کردن آن.	۵	قسم
۵،۳	تنبیه و تأکید (استخدام این ابزار توسط امام، ذهن مخاطب را همیشه هشیار و در نهایت آمادگی قرار می‌دهد و او را نسبت به پذیرش پیام باورمندتر می‌سازد).	۵	خبری مؤکد با (ألا و إنَّ)
۳،۱۵	تحدیر و تخویف (آنجا که امام لازم می‌داند جهت مبالغه در فعل از این ابزار بهره می‌برد).	۳	اسم فعل
۳،۱۵	توییح - ارشاد (فراخواندن مخاطب به سوی خود و چه‌بسا با چنین ابزاری به وسیله زبان بدن بر قوت عملیات توجیهی افزوده می‌شود).	۳	ندا
۵۳،۵	تنبیه - ارشاد (هرچند که این گونه جملات در گفتمان علی (ع) درصد بالایی را به خود اختصاص داده‌اند ولی سایر جملات هستند که گفتمان حضرت را برجسته ساخته‌اند).	۵۱	سایر جملات



## منابع

- آذرپرند، سهراب. (۱۳۹۸). «تغییرات راهبرد زبانی خطاب براساس نظریه براون و لوینسون بین استادان و دانشجویان ایرانی: مطالعه موردی دانشگاه تهران». **فصلنامه زبان‌شناسی اجتماعی**، دوره ۲، شماره ۳، ۸۳-۹۸.
- ابن‌ابی‌الحدید. (۱۳۸۷). **شرح نهج البلاغه**. محقق: محمد أبو‌الفضل ابراهیم. دار إحياء التراث العربي.
- ابن منظور. (۱۹۹۰). **لسان العرب**. بیروت: دار صادر.
- ابن یعیس. (۱۴۲۲). **شرح المفصل للمخشي**. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- أنیس، ابراهیم. (۱۹۵۰). **الأصوات اللغوية**. الطبعة الثانية. القاهرة: مكتبة تحفة مصر بالفجالة.
- پاشازانوس، احمد و جعفری، روح‌الله. (۱۳۹۴). «تحلیل گفتمان انتقادی خطبه زیاد بن ابیه معروف به الخطبة البتراء با استفاده از الگوی فرکلاف». **پژوهشنامه نقد ادب عربی**، شماره ۱۱ (۶۹/۶)، ۳۹-۶۵.
- الجرجانی، عبدالقاهر. (۱۴۰۴). **دلائل الاعجاز**. قم: منشورات مكتبة الازمية.
- الخوری الشرتونی، سعید. (۱۴۰۳). **اقرب الموارد**. قم: منشورات مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفي.
- السامرائی، فاضل صالح. (۲۰۰۰م). **معاني النحو**. عمان: دارالفکر.
- الشهری، عبدالهادی بن ظافر. (۲۰۰۴). **استراتیجیات الخطاب مقاربة لغوية و تداولية**. الطبعة الاولى. بیروت: دارالكتاب الجديد المتحد.
- شیخ محمدی، چیا؛ یاراحمدزهی، ناهید و محمدیان، امیر. (۱۳۹۸). «انتخاب راهبردهای کنش گفتاری تقاضا در زبان کردی بر اساس دو عامل اجتماعی جنسیت و قدرت». **پژوهش‌های زبانی**. سال ۱۰، شماره ۱، ۱۸۳-۲۰۲.
- الصالح، صبحی. (بی‌تا). **نهج البلاغه**. الطبعة الخامسة. قم: منشورات دارالهجرة.
- عرفان، حسن. (۱۳۹۸). **کرانه‌ها شرح فارسی مختصرالمعانی**. ج ۲. چاپ نهم. قم: انتشارات هجرت.
- عکاشه، محمود. (۲۰۱۴). **تحلیل الخطاب في ضوء نظرية أحداث اللغة**. ط ۱. القاهرة: دارالنشر للجامعات.
- الغلابینی، مصطفی. (۱۹۶۸). **جامع الدروس العربية**. تهران: انتشارات ناصرخسرو.
- فالر، راجر؛ یاکوبسن، رومن؛ بری، پیتر؛ لاج، دیوید. (۱۳۸۱). **زبان‌شناسی و نقد ادبی**. ترجمه مریم خوزان و حسین پاینده. تهران: نشر نی.
- الفرج، علی. (۱۳۷۹). **تكوين البلاغة قراءة جديدة... و منهج مقترح**. الطبعة الاولى. قم: مطبعة أمين.
- فوداک، روث؛ مایر، میشل. (۲۰۱۴). **مناهج التحليل النقدي للخطاب**. ترجمة حسام أحمد فرج و عزة شبل محمد. القاهرة: المركز القومي للترجمة.
- فیض الاسلام، علینقی. (بی‌تا). **نهج البلاغه**. مجلد ۱ تا ۶.
- قهرمانی، مریم. (۱۳۹۲). **ترجمه و تحلیل انتقادی: رویکرد نشانه‌شناختی**. تهران: انتشارات مؤلف.
- محمودی، سعیده. (۱۳۹۸). «تحلیل استراتژی گفتمان ادبی خطبه شقشقیه». **فصلنامه علمی علوم قرآن و حدیث**. ویراسته علی کشاورز. صفحه دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد. سال ۵۱، شماره ۱، شماره پیاپی ۱۰۲، ۲۰۱-۲۲۴.

- مقبول، ادريس. (٢٠١٤). «الإستراتيجيات التخاطبية في السنة النبوية». مجلة كلية العلوم الإسلامية. المجلد الثامن. العدد ١٥، ٥٣٢-٥٤٣.
- الموسى، انور عبدالحميد. (٢٠١٦). ايجديات اللغة و علم الاصوات و اللسانيات. الطبعة الاولى. بيروت: دار النهضة العربية.
- الهاشمى، احمد. (١٣٨١). جواهرالبلاغة. ترجمه و شرح حسن عرفان. ج ١. قم: نشر بلاغت.
- ----- (١٣٨٦). جواهرالبلاغة في المعاني و البيان و البديع. الطبعة الرابعة. تهران: انتشارات الهام.
- يورگنس، ماريان و فيليبس، لوئيز. (٢٠١٩). تحليل الخطاب: النظرية والمنهج. ترجمه شوقى بوعتانى. الطبعة الأولى. المنامة: هيئة البحرين للثقافة والآثار.
- Brown, P. and Levinson, S. (1987). **Politeness: Some universals in language usage**; Cambridge University Press.



(Research Article)

**Typology of encountering identity threats from the viewpoint of  
Amir al-Mu'minin (as) with emphasis on Nahj al-Balagha**

Mohsen Fekrifallah<sup>1</sup>, Amirmohsen Erfan<sup>2\*</sup>

**Submit Date:** 9 June 2022

**Revise Date:** 27 July 2022

**Accept Date:** 24 August 2022

**Publication Date:** 22 September 2022

(Page 163-188)

**Abstract**

Intelligent handling of identity threats based on religion, given the increasing role of identity-based perceptions in society, is one of the most important requirements of Islamic society to protect religious identity. In this way, conscious knowledge and understanding of Amir al-Mu'minin's tradition as a glorious and unique character in the history of Islamic civilization in the face of these threats provides a firm structural, methodological and content framework. On this basis, the present study, with a descriptive and analytical approach, seeks to answer the question of what approaches Amir al-Mu'minin took in the face of identity threats. For typological analysis of the actions of Imam, three strategies including preventive confrontation, control and remedial strategies, which constitute all the actions of Imam, are considered.

**Key words:** Amir al-Muminin, Identity, Religious identity, Identity threats.

1. Master of Science in the History of Islamic Culture and Civilization, University of Islamic Science

2. Assistant Professor of History and Civilization, University of Islamic Science

\*: Corresponding Author:

**Email:** mohsenfekrifallah@gmail.com

**How to cite this article:** Fekrifallah, M., Erfan, A. M. (2022). Typology of Encountering with Identity threats from the Viewpoint of Amir al-Mu'minin (as) with emphasis on Nahj al-Balaghah. *Quarterly Journal of Nahj al-Balagha Research*, 10(38), 163-188. DOI: 10.22084/NAHJ.2022.26927.2868

## **1. Introduction**

One of the most important requirements for the process-oriented nature of identity is that due to the continuous induction of identity threats by enemies of identity, identity demarcations should be maintained and protected by continuous monitoring of these risks.

In fact, identity threats can be divided into two types: those related to the distortion of religious identity and threats related to the destruction of religious identity. The threats that do not attack the shape and form of identity, but put religious identity at risk with a one-dimensional view or creating heresies in religion, are classified as distortion threats. On the other hand, the threats created with the aim of completely destroying religion and rejecting and removing it from the society are known as destructive threats. However, in general, realization of each of these threats leads to the removal of the original religious identity from the society.

The biography of Amir al-Mu'minin, peace be upon him, as a glorious and irreplaceable background in the history of Islamic civilization, provides the possibility to achieve a reliable model of encountering with identity threats by reinterpreting, analyzing and examining its various aspects and fields.

## **2. Theoretical Framework**

Identity combines two contradictory meanings: absolute sameness and uniformity, on the one hand, and differentiation, on the other, with stability over time (Golmohammadi, 2009: 222).

Anthony Giddens believes about Identity is related to people's perception of who they are and what is meaningful to them. These understandings are formed in connection with certain characteristics that have priority over other sources of meaning. Some of the main sources of identity are nationality or ethnicity and social class (Giddens, 2016: 45).

Overall, identity can be defined as follows: a conscious knowledge, which is the result of the various commonalities and differences of the individual and the society, and entails a sense of belonging and commitment.

Any potential and possible political, military, economic and cultural action that endangers the existence and vital goals of an individual, institution or country is considered a threat, and the purpose of any type of threat is to influence the thought and impose the will of the opposing force (Zarvandi, 2016: 120-119).

What is meant by identity threats is a set of potential and actual dangers and harms that are created with the aim of confusion and disturbance in the defining and distinguishing borders of a single identity.

### **3. Purposes**

The loss of "religious identity" is similar to suffering from a kind of amnesia that deprives a Muslim of almost all his social capabilities. Religious identity has a decisive role in the consistency and durability of the life of a religious community, and it even assumes a special role in determining the path of collective life in the future and national goals.

The purpose of this study is to take a step towards developing a model of religious identity formation by delving into the speech and behavior of Amir al-Mu'minin (peace be upon him) in line with encountering identity threats.

### **4. Findings**

The continuous monitoring of threats makes the way of confronting those dangers different in different situations. A part of these actions is to prevent the occurrence of identity crises, which leads to the safety of the society before the threats materialize. In the system of identity formation of the government of Amir al-Muminin, peace be upon him, security given to the identity is a factor which protects the religious identity against a major part of the threats.

One of the preventive measures of His Holiness is raising awareness in the society by educating the people in order to secure their religious identity. The importance of educating the people was such that whenever he did not have to go for Jihad, he would teach the people and judge among them (Ibn Fahad Hali, 1407: 111).

Another category of countermeasures is specific to the time when threats are potentially present in the society, and therefore control and transformation management turns threats into opportunities. Conflict management can be defined as using the most intelligent method to encounter conflict or change its direction towards effectiveness and goals of the organization or society (Najafian, Alavi, 2011: 50).

The 'tribe', which was once a source of many quarrels and conflicts, turned into a unified and impenetrable stronghold against the enemy with the measures adopted by Amir al-Mu'menin, peace be upon him, and created legends. During the battle of Safin, when the Akkians from Muawiya's army attacked the Hamdan tribe from the Imam's army, the

men of Hamdan stood against them with their bravery forcing them to retreat (Manqari, 2022: 437).

Another factor that covered identity conflicts and dualities was the dominance of "religious identity" over "racial and tribal identity". In other words, in the cases where these two were against each other, there was the will and power to set aside the tribal identity. Moreover, the Arab tribes from both sides turned against each other in the line of battle, in such a way that every tribe fought with their relatives in the tribe (Ibn Atham, 1411: 3/86).

And the third type of encountering threats is related to dangers that have permeated the society since the past and requires providing a logical and fixed criterion for how to encounter them. Among the things that can determine the difference between authentic identity and false identity as a measure of identity desirability in the process of measurement, acceptance and selection is the "centrality of truth".

Arrogance, according to Imam Ali, is the origin of rebellion (Tamimi Amadi, 1410: 162) and is the basis for the formation of tyrant in its various dimensions. The word "*taghut*" means someone who fights against the people, the religion of truth, the law, virtue, and justice, and exploits people and usurps their rights. Such a person is a tyrant; And this meaning is not exclusive to the political realm (Hakimi, 1380: 327/3).

In the distinguishing logic of the Alavi discourse, supremacy and self-righteousness, which leads to the exclusion and weakness of another group in the society, is considered as 'others'.

The cancellation of non-religious readings of identity and precise and divine demarcation with the rejected political, economic, and intellectual 'others' provides the ideal system of identity based on the criteria of religion.

## **References**

### **[In Persian]**

- Golmohammadi, A. (1389). **Globalization, culture, identity**. Fourth edition. Tehran: Ney Publishing.
- Giddens, A. (1386). **Sociology. Contributor: Karen Birdsall**. Translation: Hasan Chavoshian. Tehran: Ney Publishing.
- Zarundi, Yari. (2016). "Anatomy of threats with an emphasis on the concept of national security". **Defense management and research**. Year 16, No. 85, 117-144.
- Hakimi, M. R.; Hakimi, M. and Hakimi, A. (1380). **Al Hayat Translation: Ahmad Aram, first edition**. Tehran: Farhang Islamic Publishing House.

- Najafian, M. and Alavi, S. H. R. (1389). "Conflict management in the practical life of Hazrat Ali (peace be upon him) from the point of view of Nahj al-Balagha", **Islamic Studies in Behavioral Sciences**, 1st year, No. 2, 45-70.

**[In Arabic]**

- Tamimi Amedi, Abdul Wahid bin Muhammad. (1410). **Ghorar al-Hekam and Dorar al-Kalam**. Ch II, Qom: Dar al-Kitab al-Islami
- Ibn Atham al-Kufi, Abu Muhammad Ahmad. (1411). **Al-Futuh Research: Ali Shiri, Ch 1**. Beirut: Dar al-Azwa
- Ibn Fahd Hali, Ahmad bin Muhammad. (1407). **Odat al-Da'i and Najah al-Sa'i. Researcher: Ahmad Movahedi Qomi**. First edition. Qom: Dar al-Kutub al-Islami
- Manqari, Nasr bin Mozam. (1404). **Vaghea Sefain. Researcher: Haroun Abdulsalam**. Second edition, Qom: Ayatollah Al-Marashi Al-Najafi School.



(مقاله پژوهشی)

## سنخ‌شناسی مواجهه با تهدیدات هویتی از منظر امیرمؤمنان علیه‌السلام با تأکید بر نهج‌البلاغه

محسن فکری فلاح<sup>۱\*</sup>، امیرمحسن عرفان<sup>۲</sup>

بازنگری مقاله: ۱۴۰۱/۰۵/۰۵

دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۳/۱۹

انتشار مقاله: ۱۴۰۱/۰۶/۳۱

پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۶/۰۲

(از ص ۱۶۸ تا ۱۸۸)

### چکیده

مواجهه هوشمندانه و برخاسته از دین با تهدیدات هویتی با توجه به نقش روزافزون ادراکات و برداشت‌های هویت بنیان در جامعه از جمله مهم‌ترین الزامات جامعه اسلامی برای صیانت از هویت دینی است. در این مسیر شناخت و فهم آگاهانه از سیره امیرمؤمنان به‌مثابه پیشینه شکوهمند و بی‌بدیل تاریخ تمدن اسلام در مواجهه با این تهدیدات دستیابی به مختصات ساختاری، روشی و محتوایی متقن را فراهم می‌سازد. بر این اساس پژوهش حاضر با رویکردی توصیفی و تحلیلی در پی پاسخ به این پرسش است که اساساً امیرمؤمنان در مواجهه با تهدیدات هویتی چه رویکردهایی را اتخاذ فرمودند. در جهت سنخ‌شناسی اقدامات حضرت، سه راهبرد پیشینی، کنترلی و رفعی تشکیل‌دهنده مجموعه اقدامات حضرت برشمرده می‌شود. امنیت بخشی به هویت جامعه در دو حوزه امنیت اعتقادی و امنیت اجتماعی، رویکردی پیشگیرانه بود که از به فعلیت رسیدن تهدیدات و بروز کاستی‌ها و ناراستی‌های هویتی جلوگیری نمود. در حوزه اقدامات کنترلی مدیریت ابعاد مختلف هویت و انتظام و انسجام‌بخشی به ساحات و سطوح گوناگون هویتی از پدید آمدن بحران‌های هویتی جلوگیری نمود و درزمینه اقدامات رفعی و تمایز بخش نیز ترسیم الگوی منطقی تمایز بخشی مبتنی بر تقابل با طغیان‌گران اقتصادی، مبارزه با استضعاف پروری سیاسی و طرد خود ایده‌آلی اندیشه‌ای چگونگی مبارزه با تهدیدات هویتی را پدیدار ساخت.

**کلید واژه‌ها:** امیرمؤمنان، هویت، هویت دینی، تهدیدات هویتی.

۱. کارشناسی ارشد مدرسی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران

۲. استادیار گروه تاریخ و تمدن اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران

Email: Mohsenfekrifallah@gmail.com

\*: نویسنده مسئول

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه معارف اسلامی با عنوان «امیرمؤمنان و هویت‌سازی دینی در بازه زمانی حکومت» می‌باشد



## ۱. مقدمه

از میان ارکان مختلف هویت‌ساز برای یک جامعه، دین به مثابه رکن انفکاک‌ناپذیر از زندگی انسان ظرفیت بی‌بدیلی برای تعیین و تمایزبخشی به همراه دارد. پابندی نظری و عملی به دین نیازمند هویتی متقن است که جز از مسیر متون وحیانی و عصمانی و آموزه‌های اهل‌بیت علیهم‌السلام دست‌یافتنی نیست. بنابراین بازخوانی و بازتفسیر منابع و موارث عظیم دینی نظیر نهج البلاغه امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام به‌مثابه مرجعیتی خدشه‌ناپذیر در راستای مقابله با ضعف و تزلزل هویتی امت اسلام عامل مهمی در جهت اعتلای هویت جامعه است.

### ۱-۱. بیان مسأله

از مهم‌ترین اقتضائات فرآیندمحور بودن هویت آن است که با توجه به القاء مستمر تهدیدات هویتی از سوی ستیزه‌گران هویت، با رصد پیوسته و مداوم این خطرات، مرزبندی‌های هویتی حفظ و حراست گردد. پیراستن و پالودن هویت جامعه از این خطرات و دستیابی به یک روش متقن و مطمئن برای مقابله با تهدیدات نیازمند بررسی و تحلیل الگوهای موفق در این زمینه است.

سیره امیرمؤمنان علیه‌السلام به‌مثابه پیشینه شکوهمند و بی‌بدیل تاریخ تمدن اسلام این امکان را فراهم می‌آورد تا با بازتیین، تحلیل و بررسی از جوانب مختلف و ساخت‌های گوناگون، دستیابی به این الگوی مطمئن میسر گردد.

بر این اساس و با توجه به حجمه‌های سنگینی که علیه هویت دینی در جامعه صدر اسلام و پس از عصر رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله صورت پذیرفت نحوه مواجهه امیرمؤمنان علیه‌السلام با این تهدیدات هویتی را در بازه زمانی حکومت حضرت بررسی خواهیم نمود.

فرضیه این تحقیق بر این مبنا استوار است که رصد پیوسته تهدیدات، سنخ مواجهه با آن خطرات را نیز در شرایط مختلف، متفاوت می‌سازد. بخشی از این مواجهه به‌منظور پیشگیری از وقوع بحران‌های هویتی است و به ایمن‌سازی جامعه قبل از عملی شدن تهدیدات منجر می‌گردد. دسته دیگری از اقدامات مقابله‌ای مختص زمانی است که تهدیدات به‌صورت بالقوه در جامعه وجود داشته و از این‌روی مدیریت کنترلی و تبدیلی، تهدیدات را به فرصت تبدیل می‌نماید و گونه سوم از مواجهه با تهدیدات مربوط به خطراتی است که از گذشته در جامعه رسوخ کرده و نیازمند ارائه یک معیار منطقی و ثابت برای چگونگی مواجهه با آن است.

### ۱-۲. پیشینه پژوهش

مطالعات هویتی انجام‌شده با رویکرد تحلیل سیره اهل‌بیت علیهم‌السلام در نگاه کلان و بررسی سیره رفتاری و گفتاری امیرمؤمنان علیه‌السلام در این زمینه به‌صورت خاص و ویژه، علیرغم ضرورت و اهمیت جایگاه آن، کافی نبوده و ظرفیت عظیم سیره اهل‌بیت در هویت‌سازی در جهت اثبات کارآمدی دین در جامعه مقتضی پژوهش‌های مختلف و متعددی در ساخت‌های گوناگون است و لذا اثری مشابه با پژوهش پیش‌رو

به نگارش درنیامده است لکن با توجه به ابعاد مختلف موضوع موردبحث می‌توان آثار زیر را از مواردی دانست که با محورهای موردنظر هم‌راستا بوده‌اند:

کتاب *هویت اجتماعی در نگره امام‌علی علیه‌السلام* نوشته مرضیه محمص که نگارنده در فصل سوم به بررسی هویت اجتماعی در کلام حضرت امیر علیه‌السلام پرداخته است و سه مؤلفه همگرایی اعضای جامعه در باورها، همگرایی در عواطف و پایبندی اعضای جامعه به رفتارهای شایسته را مهم‌ترین آن‌ها قلمداد کرده است.

کتاب *سیر تطور هویت‌یابی شیعیان تا پایان مکتب شیعی بغداد* نوشته عبدالمجید مبلغی که در فصل دوم کتاب به گفتمان نخست شیعه پرداخته شده است. این گفتمان که گفتمان شیعه سیاسی قلمداد شده است در محدوده زمانی از امام‌علی علیه‌السلام تا واقعه عاشورا را پوشش می‌دهد.

مقاله *سبک‌شناسی مواجهه امام‌علی علیه‌السلام با گسست‌های فعال اجتماعی* به قلم امیرمحسن عرفان که از منظر این اثر گسست‌های فعال تضادهایی هستند که در فرآیند هویت‌یابی و جامعه‌پذیری نسل جدید تأثیر تقابلی مؤثری در برابر گفتمان هویتی مسلط دارند. از منظر حضرت آنچه باعث مدیریت گسست‌های اجتماعی می‌شود نظام معنایی مشترک و باورداشت‌های واحدی است که از خاستگاه دین و تاریخ مشترک مسلمانان را بسان عضوی مکمل از پیکر واحد درآورده است.

### ۳-۱. ضرورت و اهمیت پژوهش

از میان رفتن «هویت دینی» شبیه ابتلا به نوعی فراموشی است که مسلمان را تقریباً از تمام قابلیت‌های اجتماعی‌اش محروم می‌کند. هویت دینی نقش تعیین‌کننده‌ای در قوام و دوام حیات یک جامعه دینی ایفا می‌کند و حتی برای تعیین مسیر زندگی جمعی در آینده و اهداف ملی، نقش خاصی را بر عهده می‌گیرد. رسالت این پژوهش آن است تا باهدف برداشتن گامی در مسیر رسیدن به الگوی هویت‌سازی دینی، به بررسی گفتار و رفتار امیرمؤمنان علیه‌السلام در راستای مواجهه با تهدیدات هویتی بپردازد. باید اضافه نمود این پژوهش، فراتر و دشوارتر از بازخوانی گزاره‌های هویتی نهج‌البلاغه است؛ چراکه امتیازات و خصوصیات مبتکرانه اندیشه امیرمؤمنان علیه‌السلام در عرصه تهدید هویت دینی برآمده از نهج‌البلاغه در یک اثر واحد، موجود نبوده؛ از این رو؛ تلاش وافر در راستای گردآوری اجزا و پاره‌های این نظریه، سپس ابداع چارچوب و شیوه بیانی منطقی برای عرضه شاخصه‌های دیدگاه آن حضرت در عرصه تهدیدهای هویتی صورت گرفته است؛ نباید از نظر دور داشت که این جستار؛ در چارچوب رویکرد رجوع به میراث غنی فرهنگ علوی، به‌منظور بازخوانی و بازآرایی آن، معنا و موضوعیت یافته است.

## ۲. بنیادهای مفهومی پژوهش

### ۲-۱. هویت

هویت در ظاهر دو معنای متناقض را توأمان در بردارد: همسانی و یکنواختی مطلق از یک سو و تمایز و تفاوت از سوی دیگر با لحاظ ثبات یا تداوم در طول زمان (گل محمدی، ۱۳۸۹: ۲۲۲) که برآیند چنین تشابه و تمایزی موجب شکل‌گیری شخصیت فرد یا جامعه می‌شود.

در تعریف هویت، یکی از متغیرهایی که لازمهٔ اساسی آن است «غیر» می‌باشد. هویت را نمی‌توان تعریف کرد، مگر این که تعریف و حدود «غیر» مشخص شود (ر.ک. الطایی، ۱۳۷۸: ۲۶۵؛ اکبری، ۱۳۹۳: ۳۱۷). هویت، به‌مثابه تمام واقعیت انسان است و انسان صرف‌نظر از هویت، واقعیتی ندارد. هویت اولیه و نهادینه‌شده «فطرت‌الله» سرآغاز فرآیند هویتی انسان است و هویت نهایی در جریان مستمر زندگی و از طریق نوع رابطه‌ای که انسان با حق برقرار می‌سازد تعیین می‌شود و منوط به انتخاب آزاد هر انسان است (علم‌الهدی، ۱۳۸۶: ۲۲۶).

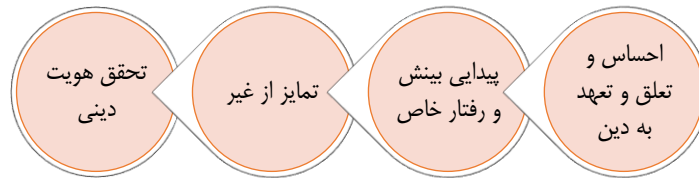
آنتونی گیدنز درباره هویت معتقد است: هویت به درک و تلقی مردم از اینکه چه کسی هستند و چه چیزی برایشان معنادار است مربوط می‌شود. این درک و تلقی‌ها در پیوند با خصوصیات معینی شکل می‌گیرد که بر سایر منابع معنایی اولویت‌دارند. برخی از منابع اصلی هویت عبارت‌اند از... ملیت یا قومیت و طبقه اجتماعی (گیدنز، ۱۳۸۶: ۴۵).

در مجموع هویت را می‌توان این‌گونه تعریف نمود: معرفتی آگاهانه که برآیند اشتراکات و افتراقات گوناگون فرد و جامعه بوده و حس تعلق و تعهد را در پی دارد.

### ۲-۲. هویت دینی

ارتباط دیرین و انفکاک‌ناپذیر انسان با دین باعث می‌شود دین سهم تقویمی اساسی در هویت انسان داشته باشد. رکن اصلی هویت دینی تعهد و پایبندی به دین بوده و هویت دینی نشان‌دهنده احساس تعلق و تعهد به دین و جامعه دینی است. احساس تعلق و اتکای افراد به نظامی الهی و دینی، سوگیری‌های رفتاری و گفتاری را تعیین می‌نماید و موجب تمایز فرد یا جامعه دینی از «غیر» می‌گردد و هویت دینی را رقم می‌زند.

اسلام می‌کوشد تا همبستگی‌ها و علقه‌ها را به سطوح عالی‌تر ارتقا دهد. در واقع در چنین نگرشی هویت‌هایی مانند هویت قومی نفی نمی‌شود، بلکه از آن به‌عنوان مرحله‌ای آغازین و گذرگاه یاد می‌شود، نه فقط توقفگاه.



### نمودار ۱. فرایند تحقق هویت دینی

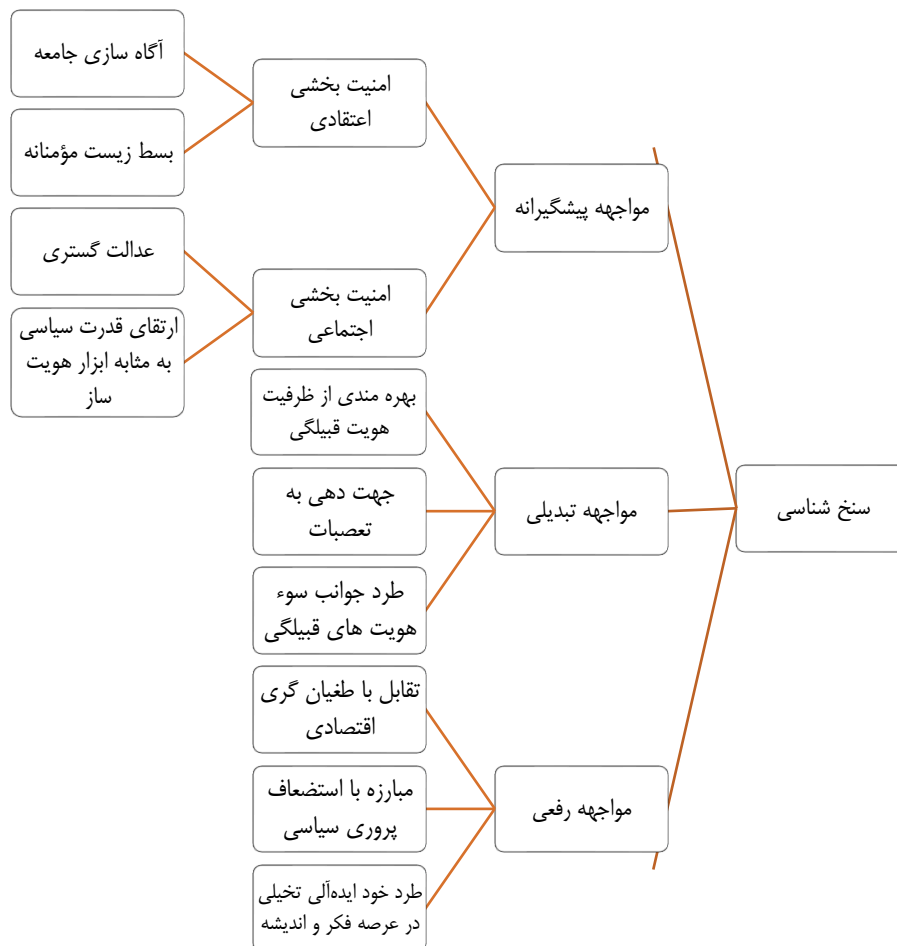
### ۲-۳. تهدیدات هویتی

هر اقدام بالقوه و احتمالی سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی که موجودیت و اهداف حیاتی فرد، نهاد یا کشور را به خطر بیندازد تهدید به شمار می‌رود و هدف هر نوع تهدید تأثیرگذاری بر اندیشه و تحمیل اراده به نیروی مقابل است (زرزندی، یاری، ۱۳۹۶: ۱۲۰-۱۱۹).

مقصود از تهدیدات هویتی مجموعه خطرات و آسیب‌های بالقوه و بالفعلی است که با هدف ابهام و اغتشاش در مرزهای تعیین و تمایزبخش یک هویت واحد ایجاد شده است. در مقام ماهیت سنجی می‌توان تهدیدات هویتی را در دو گونه تهدیدات ناظر به تحریف هویت دینی و تهدیدات ناظر به تخریب هویت دینی تقسیم‌بندی نمود. آن دسته از تهدیداتی که شکل و قالب هویت را مورد حمله قرار نداده بلکه با نگاهی تک ساحتی یا ایجاد بدعت‌هایی در دین، هویت دینی را با خطر مواجهه می‌سازند در زمره تهدیدات تحریفی قرار می‌گیرند. از سوی دیگر تهدیداتی که باهدف از بین بردن کامل دین و طرد و حذف آن از جامعه ایجاد می‌شود در قالب تهدیدات تخریبی شناخته می‌شوند؛ اما در مجموع محقق شدن هر کدام از این تهدیدات، به حذف هویت اصیل دینی از جامعه منتهی می‌گردد.

### ۳. سنخ‌شناسی مواجهه امیرمؤمنان علیه‌السلام با تهدیدات هویت دینی

برای آن که جایگاه هویت دینی را در نهج‌البلاغه روشن سازیم و زوایای گوناگون این اندیشه را با رویکرد کیفی، آشکار سازیم، بایسته است سنخ‌شناسی مواجهه امیرمؤمنان علیه‌السلام با تهدیدهای هویتی را به‌درستی بشناسیم؛ چراکه آگاهی از این مبانی، وقوف بر آن، به فهم دقیق این مسئله، کمک فراوانی می‌کند. از این رو ما، در این قسمت از نوشتار می‌کوشیم مسائلی را بیان کنیم که جنس مواجهه امیرمؤمنان علیه‌السلام با تهدیدهای هویتی را نشان می‌دهد.



نمودار ۲. سنخ‌شناسی مواجهه امیرمؤمنان علیه‌السلام با تهدیدهای هویت دینی

### ۱-۳. مواجهه پیشینی و دفاعی (رویکرد پیشگیرانه)

شناخت دقیق مسائلی که در به فعلیت رسیدن تهدیدات نقش و تأثیر مستقیمی دارند و در ادامه ارائه راهکار و اقدام مناسب در مواجهه با آنها رویکردی است که می‌تواند از بروز بحران‌های هویتی جلوگیری نماید. در منظومه هویت‌سازی حکومت امیرمؤمنان علیه‌السلام امنیت‌بخشی به هویت حصار متینی است که هویت دینی را از بخش عمده‌ای از تهدیدات در امان نگاه می‌دارد.

امنیت از نظر لغوی دو گروه از واژگان را در برمی‌گیرد. از جنبه سلبی معنای نفی ترس و ناآرامی و از جنبه ایجابی معنای اطمینان‌بخشی را شامل است (حاجی‌زاده، ۱۳۹۷: ۲۱۰). وجه اول بر نبود خطر برای

منافع دلالت دارد لذا در امان بودن، محافظت و حمایت به‌عنوان معادل امنیت پیشنهاد می‌شود. وجه دوم نیز مشتمل بر واژگانی چون اعتماد، اطمینان خاطر، آرامش و رضایت است (افتخاری، ۱۳۹۴: ۹). امنیت هویت به معنای فقدان دغدغه و نگرانی دولت، جامعه و کنشگران نسبت به حفظ ویژگی‌های اساسی و حس تعلق آن‌ها نسبت به‌نظام فرهنگی اجتماعی است (حاجیان، ۱۳۹۴: ۸-۱۲) و نظام ارزشی می‌تواند حتی در شرایط دشوار به حیات خویش ادامه دهد. اقدامات صورت پذیرفته در این راستا را می‌توان در دو محور «امنیت‌بخشی اعتقادی» و «امنیت‌بخشی اجتماعی» تقسیم‌بندی نمود.

### ۱-۱-۳. امنیت‌بخشی اعتقادی

#### ۱-۱-۱-۳. آگاه‌سازی جامعه

یکی از اصلی‌ترین راه‌های نفوذ گفتمان‌های غیردینی در میان مسلمین سوءاستفاده از جهل و ناآگاهی آنان است. مادامی که آحاد جامعه به «بلوغ معرفتی» راه نیابند پایه‌های باورداشتهای دینی و الهی در جامعه استوار نمی‌گردد، هویتی استوار تکوین نمی‌یابد و هرلحظه امکان هجوم شبهات و فتنه‌انگیزی دشمنان وجود دارد. از این‌رو در اندیشه دینی تقدم مبارزه با جهل بر مبارزه با جاهل مورد تأکید قرار می‌گیرد و بر همین اساس دعوت مردم به تفکر به‌طور پیوسته و مداوم در دستور کار قرار دارد.

وجود ساختاری عقلانیت محور در دین اسلام، دعوت آیات متعدد از قرآن کریم به تفکر و تعقل و همچنین تأکید ویژه‌ای که رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در این زمینه داشتند اهمیت آگاهی آحاد جامعه در مقابل شبهات را نشان می‌دهد. امیرالمؤمنین علیه‌السلام پیرامون دعوت به تفکر در کلامی ملاک و میزان سودمندی عبادات را این‌گونه می‌فرماید: «همانا در علمی که فهم نباشد و در خواندنی که تدبر نباشد و در عبادتی که تفکر نباشد خیری نیست» (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۶/۱).

گام دیگر در راستای آگاهی بخشی به جامعه آموزش مردم و تعلیم آنان است که در راستای مبارزه با جهل مردم به‌منظور امنیت بخشی به هویت دینی آنان صورت می‌پذیرد. اهمیت تعلیم مردم در نزد حضرت به‌اندازه‌ای بود که هرگاه از جهاد آسوده می‌شد، به آموزش مردمان و داوری در میان آنان می‌پرداخت. (ابن فهد حلی، ۱۴۰۷: ۱۱۱) همچنین به فرماندار مکه نامه نوشت: «با مردم حج را برپا دار و ایشان را به‌روزهای خدا (به کیفرهایی که پیشینیان از کردار زشتشان بردند) یادآوری نما و در بامداد و سر شب با آن‌ها بنشین و فتوی بده کسی را که حکمی (از احکام دین) بی‌رسد و نادان را بیاموز و با دانا گفتگو کن» (نامه/۶۷).

### ۲-۱-۱-۳. تعمیق زیست مؤمنانه و پرهیز از نگاه تک‌ساحتی به دنیا

مجموعه نگرانی و پرهیز از نگاه تک‌ساحتی وجه تمایز برجسته‌ای بود که گفتمان اصیل دینی را از گفتمان‌های غیردینی متمایز می‌ساخت. آمیختگی سه مفهوم «رهبری سیاسی»، «آموزش دینی» و «تهذیب روحی» که امامت و حکومت اسلام را دارای سه جنبه و سه بُعد قرار داده است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۸: ۷۰)؛ نگاه جامع گفتمان دین و توجه به تمام ابعاد و جوانب هویت‌ساز را جلوه‌گر است. تفکیک‌ناپذیری این امور از یکدیگر سبب می‌شود در «زیست مؤمنانه» دنیا و آخرت از یکدیگر منقطع

تلقی نشود، نوع نگاه انسان به زندگی هدفدار و متعالی گردد و اهمیت هر کدام از مؤلفه‌ها را در جای خویش دریابد.

در اصلاح امور نیز این نگاه جامع حکم فرماست. هم در جامعه هدف که تمام مردم را در برمی‌گیرد و تفاوتی بین آنان قائل نیست «إِنَّمَا أَخْلَقَ لَكَ فِي الدِّينِ وَ إِنَّمَا نَطَّيْرُ لَكَ» (نامه/۵۳) و هم در حوزه موارد مورد اهتمام برای آگاهی بخشی تمام حدود اسلام و ایمان در نظر گرفته می‌شود. «بر زمامدار است که به مردمان تحت حکومتش، حدود اسلام و ایمان را بیاموزد» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۳۲۸).

این نگاه مجموعه نگر در هیچ‌یک از گفتمان‌های رقیب مشابهی ندارد و اساساً یکی از مشکلات و معضلاتی که انحرافات گفتمان‌های رقیب را عمیق‌تر و بحرانی‌تر می‌نمود نگاه تک ساحتی بود که اهتمام یک‌جانبه به فتوحات و توسعه سرزمینی یکی از مصادیق آن به شمار می‌رود که در پی آن بدون معرفت افزایی و افزایش آگاهی و شناخت مردم نسبت به دنیا و مواهب آن، اقبال دنیا، لغزش بسیاری از مسلمین را در پی داشت.

### ۲-۱-۳. امنیت بخشی اجتماعی

تهدید در حوزه امنیت اجتماعی وضعیتی است که یک نظام اجتماعی در پاسخ به تغییرات تند محیطی دچار ازهم‌گسیختگی شود و حداقل سازگاری متقابل میان اعضایش در معرض زوال قرار گیرد (افتخاری، ۱۳۸۵: ۸۰). منظور از امنیت اجتماعی توانایی جامعه برای حفظ هویت، منافع و ویژگی‌های اساسی خود در برابر شرایط متغیر و تهدیدها و نیز توانایی ارتقاء و وضعیت اجتماعی به سمت ارزش‌ها و آرمان‌های جامعه است (احمدی مقدم، ۱۳۸۹: ۱۳۶).

### ۱-۲-۳. عدالت گستری

مهم‌ترین عنصر موجد این امنیت در جامعه عدالت و استیفای حقوق مظلومین است و در صورت حصول آن افراد ناگزیر به معامله هویت و شخصیت خود برای رسیدن به مقاصد خویش نیستند. همچنین نگرانی و دغدغه‌ای در خصوص تبعیض‌ها و نابرابری‌ها در اجتماع وجود نخواهد داشت و هیچ‌کس به ظلم و تعدی به دیگران فکر نخواهد کرد؛ بنابراین عدالت ورزی شاخصه‌ای است که امنیت را برای جامعه به ارمغان می‌آورد. در کلام امیرمؤمنان عدالت بسان سپری است که صاحبان حکومت را از تعرض مصون می‌دارد (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۱۰۲) و هیچ عامل اطمینان بخشی را نمی‌توان یافت که همچون عدالت ورزی بتواند در ایجاد امنیت برای همگان کارساز باشد (افتخاری، ۱۳۸۴: ب: ۴۷۸).

امام در مقام تبیین دستاوردهای حکومت خویش، عافیت بخشی به جامعه را ارمغان عدل گستری خویش معرفی می‌نماید و می‌فرماید:

پرچم و نشانه ایمان را در میان شما نصب نمودم (تا گمراه نگردید) و شما را بر حدود و مراتب حلال و حرام واقف ساختم و از عدل و دادگری خود لباس عافیت را به شما پوشانیدم و با گفتار و کردار خویش معروف را (که رضاء و خوشنودی خدا و رسول در آن است) گسترانیدم (خطبه/۸۶).

عدالت از نظر امیرمؤمنان علیه‌السلام در نهج‌البلاغه دارای ابعاد گوناگونی است (پورعزت، ۱۳۹۶: ۱۶۸). تأکید امیرمؤمنان علیه‌السلام بر توزیع عادلانه منافع و عواید در راستای «عدالت توزیعی» است (خطبه/۲۰۵). «عدالت رویه‌ای» از دیدگاه آن حضرت به معنای روش عادلانه برای تقسیم منافع است (نامه/۵۹). امیرمؤمنان علیه‌السلام عدالت در توزیع و رویه را به همراه رعایت احترام و حرمت برابر انسان‌ها می‌داند. آن حضرت «عدالت مراوده‌ای» را به این معنا می‌داند که نمی‌توان یکی را با احترام اضافی موردتوجه قرارداد و از سایرین با بی‌اعتنایی غفلت کرد (نامه/۵). امام بر «عدالت اطلاعاتی» و دسترسی همه آحاد به اطلاعات پرارزش و مهم تأکید دارد (نامه/۵۰). آن حضرت بر عدالت در ابراز احساسات از سوی مدیران و کارکنان نیز اهتمام دارد و «عدالت احساسی» را یکی از شاخصه‌های مدیر و حاکم می‌داند (نامه/۲۷). بی‌تفاوت نبودن نسبت به مشاهده تبعیض و ظلم علیه دیگران و ابراز واکنش مناسب به مشاهدات را می‌توان یکی از ابعاد عدالت ورزی در منظومه فکری امیرمؤمنان علیه‌السلام بانام «عدالت مشاهده‌ای» دانست (خطبه/۱۹۶). استفاده مناسب و به‌جا از زبان را می‌توان یکی دیگر از ابعاد عدالت تلقی کرد. عدالت زبانی بر ضرورت رعایت عدالت در کاربرد زبان، از حیث راستی و پرهیز از تملق و تکبر و تحقیر دلالت دارد (خطبه/۲۰۷).



نمودار ۳. ساخت‌های عدالت از منظر امیرمؤمنان علیه‌السلام در نهج‌البلاغه

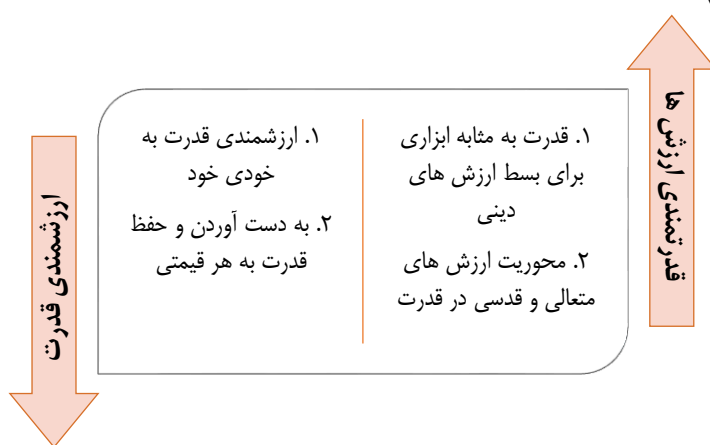
### ۲-۱-۳. ارتقاء کارکرد قدرت سیاسی به‌مثابه ابزار هویت‌ساز دینی

هجوم عده‌ای از اصحاب پس از رحلت رسول‌الله به سمت قدرت سیاسی و به‌طور مشخص کسب مقام خلافت با استفاده از ابزارهای گوناگون نظیر تکذیب، انتصاب، تهدید مردم، تطمیع خواص سبب شد قدرت و حکومت به‌خودی‌خود به یک آرمان و هدف در جامعه تبدیل شود. در این حالت دغدغه اصلی این افراد تنها حفظ و بقاء این قدرت و حکومت بود نه توجه به وظایف و کارکردهای آن. معاویه بعد از تحمیل صلح و کسب حکومت صراحتاً هدف خود را رسیدن به قدرت می‌داند نه دغدغه دین‌داری مردم (شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۱۴/۲). اما در گفتمان امام به قدرت به‌عنوان مقصد نگاه نمی‌شود بلکه قدرت به‌مثابه یک ابزار



هویت ساز در جهت رشد و تعالی جامعه است که امام ارزش آن را بدون آرمان احیای حق و ابطال باطل از لنگه کفش کهنه بی ارزش تر می داند (خطبه/۳۳).

ایشان به منظور تبیین جایگاه قدرت، در مقام عمل نشان می دهند که هیچ رغبتی در تصدی قدرتی که تبدیل به هدفی مستقل شده است ندارند و آن را نمی پذیرند و لذا با بیان شروطی که اعلام می دارند که قدرت باید ابزاری برای اعمال امامت باشد (افتخاری، ۱۳۸۴: ۴۷۰). حضرت به منظور اصلاح ساختار جامعه، از «تورم قدرت» ممانعت کرد و اصل «ارزشمندی قدرت» را به نفع اصل «قدرتمندی ارزشها» تغییر داد (همان).



#### نمودار ۴. تمایزشناسی «قدرتمندی ارزشها» و «ارزشمندی قدرت»

قدرتی که در حکومت دینی استفاده می شود نه تنها ایجادکننده فاصله میان امام و مأموم نیست بلکه همواره در جهت دستگیری از مردم به کار می رود. از جمله مصادیق ارتقاء کارکرد قدرت در جامعه اصلاح فرهنگ عمومی و آموزش و پرورش است و امام علی علیه السلام این امر را از وظایف اصلی حکومت می دانست (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۲: ۴۱۴).

امیرمؤمنان علیه السلام در پی آن بود که همگان آموزش ببینند و زمینه تربیت برای عموم مردمان فراهم شود. علاوه بر علم آموزی و ترویج فرهنگ علم محور، دسترس برابر به فرصت های آموزشی و امکانات و خدمات فرهنگی برای پیشرفت و توسعه جامعه نیز در فرهنگ علوی مورد توجه است (افروغ، اولیایی، ۱۳۹۸: ۶۱).

#### ۲-۳. مواجهه کنترلی و تبدیلی

لایه ها و ابعاد مختلف هویتی هر شخص یا اجتماع نظیر هویت های خانوادگی، قبیله ای، ملی و... در صورت فقدان شناخت و درک صحیح، می تواند بستر ساز و زمینه پرداز برآمدن تعارضاتی گردد که فرد یا جامعه را دچار بحران هویتی نماید. در این صورت کاربست روش ها و رویکردهایی که بتواند به این تعارضات خاتمه داده یا آن را مدیریت کند ضروری می نماید. مدیریت تعارض را می توان بهره گیری از هوشمندانه ترین روش برای مقابله با تعارض و یا تغییر مسیر آن در جهت اثربخشی و اهداف سازمان یا جامعه تعریف کرد

(نجفیان، علوی، ۱۳۸۹: ۵۰).

ساختار پدید آمده در جامعه صدر اسلام که آمیخته با روحیات و مناسبات قبیله‌ای بود ناگزیر عصبیت و حمیت قبیله‌ای را به همراه داشت. این موضع‌گیری‌ها هرآینه می‌توانست افراد را از حق‌گزینی به خویشاوند‌گزینی متمایل ساخته و هویت دینی را کم‌اثر یا بی‌تأثیر نماید. منظومه هویت‌سازی مبتنی بر دین‌الگویی به جامعه ارائه نمود که بر اساس آن افراد بدون اینکه به انکار مطلق ابعاد و زوایای مختلف هویتی خویش مجبور گردند، تهدیدات و اثرات سوء آن‌ها را به فرصت‌ها و پیامدهای نیک مبدل سازند. آن بخش از هویت و شخصیت شکل‌گرفته افراد که کاملاً با هویت دینی متعارض بوده و قابل جمع نبود طرد و نفی شده و بخشی که می‌توانست در خدمت دین قرار گیرد مورد استفاده قرار گیرد در نتیجه هویت دینی هم‌عرض و بدیل هویت‌های دیگر نبوده بلکه به آن‌ها جهت و رنگ الهی بخشیده و از اثرات و پیامدهای سوء آن‌ها جلوگیری می‌نماید.

### ۱-۲-۳. بهره‌مندی از ظرفیت هویت قبیله‌ای برای تفوق هویت دینی

قبیله که روزگاری بستر نزاع‌ها و درگیری‌های متعددی بود با تدابیر اتخاذشده توسط امیرالمؤمنین علیه‌السلام توانست به سنگری یکپارچه و نفوذناپذیر در مقابل دشمن مبدل گشته و به حماسه‌آفرینی بپردازد. در هنگامه نبرد صفین که عکبان از لشکر معاویه به سمت قبیله همدان از سپاه امام حمله‌ور شدند مردان همدان با رشادت‌های خود در مقابل آنان ایستادند و عقب‌نشینی و شکست را بر آنان تحمیل نمودند. اقدامی که آه و حسرت معاویه را در پی داشت (منقری، ۱۴۰۴: ۴۳۷).

استفاده از ظرفیت قبیله برای ترغیب افراد به جنگ با دشمن، به تعبیر دیگر به کارگیری هویت قبیله‌ای در خدمت تفوق هویت دینی امری بود که از سوی شیخ همدانیان مورد استفاده قرار گرفت به نحوی که خطاب به قبیله خویش شعری بدین مضمون سرود: «این تو صیه جدتان و پدر شما هست و همانا من از حمیت خویشاوندی دفاع می‌کنم و اینک من پیر و پیشوای شمایم.» (همان/۴۳۴).

مقایسه رفتار همدانیان و عکبان، دو قبیله مقابل یکدیگر عمق تأثیر هویت دینی در سپاهیان حق را نشان می‌دهد چراکه عکبان بعد از نبرد خویش به اندازه‌ای از معاویه مال و ثروت دریافت کردند که در قلوب سست عنصران عراق نیز طمع انداخت اما در مقابل نماینده همدانیان خطاب به امام عرض می‌کند: آن‌ها دینشان را به دنیا فروختند، ولی ما آخرت را بر دنیا برگزیدیم و عراق را بر شام ترجیح می‌دهیم و تو را بر معاویه برتر می‌دانیم، به خدا قسم که آخرت ما نسبت به دنیای آنان بسیار نیکو و عراق ما از شام آنان بهتر و امام ما بسیار ره‌یافته است (همان/۴۳۶).

این رشادت‌ها دعای خیر امام را در پی داشت و حضرت درباره قبیله همدان فرمود:

اگر من باب و آستانه بهشت باشم همانا به همدانیان گویم (به فردوس) خوش درآید. (همان: ۴۳۷)

فداکاری قبیله‌ای همدان در دفاع از امام علیه‌السلام در صفین نه تنها در دلاوری و رشادت بزرگان تجلی یافت بلکه خواصی از زنان همدان نیز با بهره گرفتن از شعر و کلام فصیح و پرمحتوا سپاهیان را در دفاع از عقیده‌ی خود در برابر معاویه و شامیان تهییج می‌کردند. «زرقاء بنت عدی» و «سوده همدانیه» دو تن از

این زنان شیعی هستند که در صفین به این مهم اقدام نمودند تا جایی که حتی پس از شهادت امام علی علیه السلام نیز در نزد معاویه با بیانی رسا و بلیغ به دفاع از هویت خویش پرداختند (ابن اعثم، ۱۴۱۱: ۸۸/۳؛ معصومی جشنی، ۱۳۸۹: ۱۲۲).

### ۲-۲-۳. جهت‌دهی دینی به تعصبات نهادینه شده در جامعه

تعصبات نادرست و جاهلی از جمله راه‌هایی است که طمع شیطان را برای نفوذ در پی دارد. امام در هشدار پیرامون این گونه تعصبات می‌فرماید: «شما اهل کوفه بر چه مبنا و دلیلی تعصب و گردنکشی پیش گرفته‌اید، آیا مانند شیطان آفرینش خود را بهتر می‌دانید؟ یا مانند توانگران خوش‌گذران به دارائی و فرزندان بسیار می‌بالید؟» (خطبه/۲۳۴)؛ اما تعصب اگر بتواند در خدمت نیل به هدایت و سعادت و کسب روزافزون فضائل به کار گرفته شود امری پسندیده محسوب می‌شود. امام علیه السلام در این زمینه می‌فرماید:

پس اگر گریزی از تعصب نیست باید تعصب شما برای خصلت‌های شایسته و کارهای پسندیده و امور نیکو باشد... پس برای خصلت‌های ستوده تعصب نمایند: از رعایت حق همسایه و وفا به عهد و پیمان و التزام به خوبی‌ها و نافرمانی گردنکشان و فراگرفتن احسان (کار نیکو) و دست کشیدن از ستم و انصاف و دادگری برای مردم و فرونشاندن خشم و دوری جستن از تباه‌کاری در زمین (خطبه/۲۳۴).

بر این اساس سبقت گرفتن در امور خیر و کسب فضائل از جمله مصادیق تعصبات پسندیده است. ایجاد حس رقابت و سبقت در کسب افتخار همراهی و یاری کردن دین از سوی گروه‌های مختلف در جنگ صفین تجلی یافت. قبیله مضر احساس کردند ربیعه در نزد امیرمؤمنان علیه السلام به سبب دل‌آوری‌ها و رشادت‌هایشان محبوب‌تر از سایر قبایل می‌باشند و فضیلتی برای آنان حاصل شده است از این‌روی تنی چند از سران آنان نزد حضرت آمده و عرضه داشتند:

ای امیر مؤمنان، به خدا قسم ما نسب به قبیله‌ای که خداوند آنان را به نظر محبت شما اختصاص داده است حسادت نمی‌کنیم اگر خدا را بر این نعمت شکر کنند، ولی این دسته ربیعیان گمان می‌کنند که بیش از ما دوستدار و سزاوار جوار تو هستند و دوستی تو با ایشان برتر از دوستی با ماست. پس چند روزی آن‌ها را از نبرد معاف دار و برای هر یک از مردان ما روزی را اختصاص ده که به جنگ بیرون رود. حضرت در پاسخ به آنان فرمود: «آنچه درخواست کردید به شما داده شد.» (منقری، ۱۴۰۴: ۳۰۹).

### ۳-۲-۳. طرد جوانب سوء هویت‌های قبیلگی و نژادی

محور سومی که تعارضات و دوگانگی‌های هویتی را پوشش می‌داد غلبه «هویت دینی» بر «هویت نژادی و قبیلگی» بود. به عبارت دیگر در مواردی که این دو در مقابل یکدیگر قرار می‌گرفتند این اراده و توان وجود داشت که هویت قبیلگی کنار زده شود. کما اینکه در صفین قبایل عرب از هر دو جانب روی به یکدیگر آوردند چنانکه بنی‌کنده در مقابل بنی‌کنده افتاد، طیبی مقابل طیبی، مذحج در برابر مذحج و تمیم در مقابل تمیم و ... به نحوی که هر قومی به نبرد با خویشان از قبیله خویش پرداختند (ابن اعثم، ۱۴۱۱: ۸۶/۳). روابط خویشاوندی بسیار نزدیک نیز از این قاعده مستثنی نشده و در مواردی که مخالف با هویت

و شخصیت دینی بود به صراحت کنار گذاشته می‌شد. در یکی از این موارد گزارش شده است در هنگامه شعله‌ور شدن پیکار، اثال بن حجل از سپاه امام بدون درنگ جلو آمد. از آن سو معاویه حجل را بخواند و بدو گفت: به نبرد این مرد برو. پس از ردوبدل شدن ضربات و اعلام نام و نسب هریک، معلوم شد که حجل هم‌اورد فرزند خویش است، پس هر دو یکدیگر را در آغوش کشیدند و گریستند و فرزند به پدر خویش گفت: به خدا، ای پدر اگر به فرض، در ذهن من خلجانی پیدا می‌شد که به شامیان متمایل شوم تو باید مرا از گرایش به باطل بازمی‌داشتی، اما اینک خلاف آن می‌کنی، من به علی علیه‌السلام و مؤمنان صالح چه بگویم؟! اثال در قالب ایباتی کار خود را بر این مبنا تبیین می‌کند که مرزبندی‌های هویتی نباید از تعلقات خویشاوندی تأثیر پذیرد و می‌گوید: نبرد من با حجل، نزد آن کس که فکر و ذکر متوجه او ست، آزار پدر محسوب نمی‌شود. من از خداوند امید پاداش داشتم و می‌خواستم در آخرت، جزء یاران و مجاوران رسول‌الله باشم (منقری، ۱۴۰۴: ۴۴۳؛ اتابکی، ۱۳۷۰: ۶۰۶).

### ۳-۳. مواجهه رفعی و تمایز بخش

خطر بروز ابهام و اغتشاش در مرزهای هویتی اقتضا می‌کند الگویی منطقی و تمایزبخش وجود داشته باشد تا از رهگذر آن بتوان پس از به فعلیت رسیدن تهدیدات هویتی، هویت ناب دینی را از هویت‌های کاذب تشخیص داد. از جمله مواردی که می‌تواند به‌مثابه سنجه مطلوبیت هویتی، در فرآیند سنجش، پذیرش و گزینش، تمایز میان هویت اصیل و هویت کاذب را مشخص نماید «حق محوری» است. از دیدگاه امیرمؤمنان علیه‌السلام حضور در جبهه حق و مبارزه با جبهه باطل در گرو «حق محوری» و «حقیقت‌طلبی» است (خطبه/۱۷۵). نه «شخص محوری» و «شخصیت پروری» زیرا چه‌بسا شخصیت‌های موجه و اثرگذاری که در بزنگاه‌های تاریخی دچار لغزش شده و جمعی را با خود به گمراهی بکشانند. اشخاص برجسته، کبراء و کثرت افراد ملاک حق و حقیقت نیست و نباید در نبود این عناصر ترس و واهمه یا شک و تردیدی در دل‌ها ایجاد شود بلکه «کاوش عالمانه» مسیر در ست هویت‌یابی برای رسیدن به حقیقت است. این راهبرد گذاری و راهکار گزینی در موارد متعددی از سوی حضرت تبیین شده است. کَلِيبَ جَرْمِيْ به نمایندگی از قومی از اهل بصره به خدمت حضرت آمد و پس از روشن شدن حقیقت و برطرف شدن شبهه، به این دلیل از بیعت خودداری کرد که نماینده گروهی است و بدون تصمیم جمعی با آن‌ها نباید به این امر اقدام نماید. حضرت در پاسخ به وی فرمود: «اگر کسانی که از طرف آن‌ها نزد من آمده‌ای تو را پیشرو بفرستند تا زمینی که در آنجا باران آمده و دارای آب و گیاه است برای ایشان بیابی و به سویشان بازگشته آنان را از گیاه و آب (جایی که یافته‌ای) خبر دهی و آن‌ها از تو پیروی نکرده در زمین‌های بی‌آب و گیاه فرود آیند، تو چه خواهی کرد؟ آن مرد گفت من آنان را رها می‌کنم و مخالفت کرده به جایی که دارای گیاه و آب است می‌روم، امام علیه‌السلام فرمود: اکنون (برای بیعت با من) دستت را بیاور.» آن مرد گفت: سوگند به خدا چون حجت تمام گردید نتوانستم از بیعت روگردانم، پس با امام علیه‌السلام بیعت نمودم (خطبه/۱۶۹).

امام در فرازی دیگر می‌فرماید: این است سرنوشت حق و باطل که هر یک را مریدانی است. اما فزونی باطل چیز تازه‌ای نیست ولی طرفداری از حق چه بسا که افزایش یابد و اهل حق بر باطل چیره گردند و چه کم است چیزی که از دست رود بازگردد (خطبه/۱۶).

در منطق تمایز بخش گفتمان علوی برتری طلبی و خود حق‌پنداری که منجر به محرومیت و استضعاف گروهی دیگر در جامعه می‌گردد، با هر سابقه و عقیده‌ای به‌عنوان «غیر» تلقی می‌شود. آنچه سلطه سلطه‌گران را تداوم می‌بخشد القاء بحران هویتی است که از سوی مستکبران در اذهان مستضعفان صورت می‌پذیرد و تکبر مستکبران را پذیرفته و آن را قبول می‌کنند. خودبزرگ‌بینی و نشناختن حد خود در مقابل خداوند و به استضعاف کشیدن مردم از اوصاف درونی هستند که شخص مستکبر به‌واسطه آن‌ها موضع‌گیری‌های خود را اعلام می‌کند (مقدسی، طالبی قره‌شلاقی، باب‌زاده اقدم، ۱۴۰۰: ۸۰).

تکبر به فرموده حضرت «رأس الطغیان» است (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۱۶۲) و زمینه‌ساز شکل‌گیری طاغوت در ابعاد مختلف آن است. واژه «طاغوت»، «صیغه مبالغه» از مصدر «طغیان» است، یعنی کسی که در برابر مردم و آیین حق و شریعت و قانون و فضیلت و عدالت، گردنکشی کند و مردمان را برده خود سازد و آنان را مورد بهره‌برداری قرار دهد و حقوق ایشان را غصب کند. این‌چنین کسی طاغوت است؛ و این معنی منحصر به قلمرو سیاسی نیست (حکیمی، ۱۳۸۰: ۳/۳۲۷).

### ۱-۳-۳. تقابل با طغیانگری اقتصادی و طبقه‌بندی‌های موهوم اقتصادی

مال و ثروت لغزشگاه خطرناکی است که مدیریت نکردن و عدم استفاده صحیح از آن تأثیر مستقیمی در هویت آدمی دارد؛ از این روی نباید رشد اقتصادی چنان اصالت یابد که در پی آن مکارم و فضایل اخلاقی از دست برود (جهان‌بین، نعمتی، ۱۳۹۴: ۱۱۴). بنابراین این‌گونه نیست که مستکبر اقتصادی ساخته شده در آن سوی مرزهای جغرافیایی و اعتقادی مسلمین باشد بلکه این خطری است که در درون مرزهای اسلامی هویت دینی جامعه را تهدید می‌نماید. نمونه این مستکبرین قارون است که در قرآن کریم به سرگذشت آن پرداخته شده است ﴿إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى فَبَغَى عَلَيْهِمْ﴾ (قصص/۷۶)؛ بنابراین ممکن است کسانی باشند، با ظاهری مذهبی و هیئتی چون هیئت مؤمنان متعبد و باوجود این، خودشان یا شرکا و کارگزارانشان ستمگر باشند (حکیمی، ۱۳۸۰: ۳/۳۲۹).

در جریان گفتمان‌های خلافت و سلطنت، توازن و توزیع عادلانه ثروت بر هم خورد و تمایل به دنیا با پوششی از دین به کام مسلمین شیرین آمد و به‌طور فزاینده‌ای در عصر خلیفه سوم و با بذل و بخشش‌های نامتعارف زمینه بروز طواغیت اقتصادی فراهم شد به‌نحوی که افرادی از صحابه و پرافتخاران سپاه اسلام همچون زبیر اسیر این گرداب اقتصادی شده و حتی به جنگ با امیرالمؤمنین علیه‌السلام پرداختند. محبوبیت نامحدود ثروت‌اندوزی به یک ارزش برایشان بدل شد به‌گونه‌ای که یکی از مهم‌ترین علل و عوامل پذیرش اجتماعی این گفتمان‌های باطل همین تغییر نگاه عمومی مردم به دنیا بود. امام در سیره خویش تمامی این ساختارها و پندارهای غلط را در هم می‌شکند.

سبک زندگی شخصی حضرت و پرهیز و بی‌رغبتی نسبت به دنیا در زندگی ایشان به‌عنوان جانشین رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌ضمن‌آنکه تداعی‌کننده و یادآور سبک زندگی آن حضرت بود (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۲۸/۶) عملاً نشان‌دهنده نفی و طرد اندیشه اقتصاد تکاثری بود. امام در راستای ترسیم جبهه‌بندی در این زمینه فرمود: «من پیشوای مؤمنانم، اما پیشوای فاجران مال و خواسته است.» (حکمت/۳۰۸).

این اقدامات موجب آرامش و اطمینان قلبی بود برای مسلمین و تمام افرادی که مسیر خویش را از مستکبرین جدا ساخته بودند. آنان وقتی دیدند در رأس حکومت، وصی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله ساده زیستی و مبارزه با ثروت‌اندوزی را سیره خود قرار داده است هویت خویش را در معرض تهدید نمی‌دیدند، مسیر خود را اشتباه نمی‌یافتند و به دنبال زران‌دو‌زی نمی‌رفتند. از سوی دیگر، این اقدامات می‌توانست هویت مغفول مانده توانگران طغیانگر را احیا کند تا از مسیر اشتباه خویش بازگردند. حضرت می‌فرماید:

همانا خداوند مرا پیشوای خلقش قرار داده و بر من واجب کرده است که درباره خودم (سلوک شخصی‌ام) و خوراک و پوشاکم مانند مردم ناتوان عمل کنم تا این‌که ناتوان به سیره فقیرانه من تأسی کند و توانگر به وسیله ثروتش سرکشی و طغیان نکند (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۱۰/۱).

امام در کلامی دیگر به نهی از تحقیر فقرا پرداخته و فرمودند: «برادران ناتوان خود را حقیر نشمارید که هر که مؤمنی را حقیر شمارد خدا عزوجل آن دو را در بهشت همراه نکند مگر او توبه کند» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۲/۶۹).

تقسیم عادلانه بیت‌المال فارغ از هر نوع فضیلت مادی و معنوی باوجود تمام خطرات و تهدیداتی که متوجه حکومت حضرت نمود اقدامی دیگر از سوی امام در جهت جلوگیری از به وجود آمدن طواغیت اقتصادی بود.

اقدام دیگر حضرت در راستای مبارزه با طاغوت اقتصادی دستور ایجاد نهادهای نظارتی و بازرسی بود (نامه/۵۳). حضرت علاوه بر تو صیف و ویژگی‌ها و شرایط مطلوب ناظران و بازرسان به تبیین فلسفه وجود چنین نهادی می‌پردازند که از یک‌سو سبب تشویق کارگزاران به امانت‌داری و از سوی دیگر باعث مدارای آنان با مردم می‌شود و این نتایج بیانگر ضرورت وجود چنین ساختاری در جامعه است (ابن میثم، ۱۴۰۴: ۱۶۵/۵). افزون بر این موارد وجود این مأموران دقت و مراقبت در انتصاب معاونان و یاران را افزایش می‌دهد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۲۳/۱۱).

### ۲-۳-۳. مبارزه با استضعاف پروری سیاسی

مستکبران سیاسی، افرادی هستند که باهدف تسلط بر جامعه، افراد جامعه را حقیر و پست بر شمرده و از آنان بهره‌کشی می‌نمایند و بدین گونه به‌ناحق بر مردم حکم می‌رانند. فرعون نمونه بارز این قبیل از افراد بود؛ اما در مقابل در گفتمان دینی مردم به‌عنوان امانت‌های الهی محسوب می‌شوند.

حضرت موسی در نخستین دیدار با فرعون از مردم به‌عنوان امانت‌های الهی تعبیر نمود و فرمود: «من امین آنان هستم بنابراین ایشان را به من برگردان» ﴿أَنْ أَدُّوا إِلَيَّ عِبَادَ اللَّهِ إِيَّيْكُمْ رَسُولٌ آمِينَ﴾ (دخان/۱۸) و ادای امت و آزادی آن‌ها را خواست که امانت الهی است تا آنان به سرچشمه کمال راه یابند. لذا از بالاترین

امانت‌ها خود جامعه اسلامی است و امین این امانت پیشوایان الهی هستند که هم اصل دین به آنان سپرده شده است و هم تأمین استقلال و آزادی امت (جوادی آملی، ۱۳۹۳: ۲۲۶/۱۹).

شیوه غلبه مستکبران، «مستضعف پروری» است و به هر طریقی می‌کوشند تا از رشد فکری، ترقی و تکامل انسان‌ها جلوگیری نمایند و مانع از حرکت رو به رشد آنان شوند. این تحقیر تنها به زبان نیست، بلکه آنان عملاً و به شیوه‌های مختلف اسباب حقارت و بدبختی و ذلت انسان‌های دیگر را فراهم می‌سازند (جوینی‌پور، پیروزفر، ۱۳۹۷: ۱۸۱-۱۸۲). اطاعت کردن بنی‌سرائیل از فرعون هنگامی صورت پذیرفت که آنان نسبت به فرعون خود را کوچک و حقیر برشمردند بنابراین لازمه تسلط بر آنان، تسلط بر اذهان آنان بود که با تحقیر آنان برای فرعون به دست آمد. قرآن کریم از این تحقیر و خودباختگی، تعبیر به «استخفاف» می‌کند و می‌فرماید ﴿فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَاَطَاعُوهُ﴾ (زخرف/۵۴).

امیرمؤمنان علیه‌السلام افرادی را که از مسیر حق منحرف گشتند به بنی‌سرائیل تشبیه می‌نماید که بر اثر لجاجت و عدم تسلیم در برابر فرمان موسی علیه‌السلام در خصوص جهاد در بیابان «تیه» سرگردان شدند:

ای مردم، اگر از یاری کردن حق (امام علیه‌السلام) یکدیگر را باز نمی‌داشتید (کمک می‌کردید) و از پست گردانیدن باطل (معاویه) سستی نمی‌نمودید کسی که (در توانائی و درستکاری) مانند شما نیست در (شهرهای) شما طمع نمی‌کرد و قوت نمی‌گرفت ولیکن شما (بر اثر نبردن فرمان امام و پیشوای خود) سرگردان شدید (به ضلالت افتادید)، مانند سرگردانی بنی‌سرائیل! (که بر اثر نافرمانی موسی علیه‌السلام چهل سال سرگردان ماندند و در آن بیابان که خداوند قصه آن را در قرآن کریم بیان می‌فرماید راه به‌جایی نبردند!) (خطبه/۱۶۵).

معاویه برای تقویت سلطه خویش بر مردمان، تسلط بر اذهان آنان را دنبال نمود و به‌وسیله در جهل نگاه‌داشتن آنان و ممانعت از آگاهی‌یابی مردم به حکومت بر آنان اقدام نمود. امام درباره این حربه معاویه می‌فرماید: «بهوش باشید که معاویه گروهکی فریب‌خورده و چشم و گوش بسته را به دنبال خود کشانده است تا آنان را به کشتن دهد و در بلا و دوزخ افکند» (خطبه/۵۱).

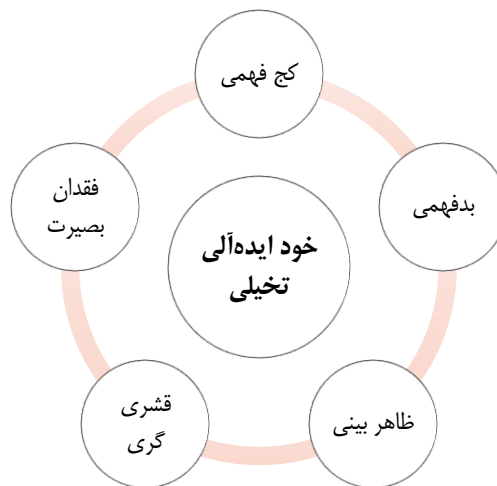
معاویه شامیان را مردمانی نادان و جاهل بار آورده بود (مبلغ، دلشاد تهرانی، ۱۳۹۶: ۸۱). امام علیه‌السلام نهایت تلاش خویش را برای رهایی آنان از جهل انجام داد و حتی از این‌روی جنگ را تا جای ممکن به تأخیر می‌انداخت به امید آنکه آنان به هدایت برسند. وقتی که یاران از تأخیر فرمان جنگ صفین ناراحت بودند حضرت فرمود:

سوگند به خدا یک روز جنگ کردن را به تأخیر نینداختم مگر برای آنکه می‌خواهم گروهی (از ایشان) به من ملحق گردیده هدایت شوند (از گمراهی دست کشیده به راه راست قدم نهند) و بچشم کم‌نور خود روشنی راه مرا ببینند و این تأمل و درنگ در کارزار نزد من محبوب‌تر است از اینکه آن گمراهان را بکشم (خطبه/۵۴).

### ۳-۳-۳. طرد خود ایده‌آلی تخیلی در عرصه فکر و اندیشه

خودبرتربینی و خودمداری تنها به دو حوزه اقتصاد و سیاست محدود نمی‌گردد بلکه در حوزه فکر و اندیشه نیز جامعه اسلامی را تهدید می‌نماید. هویت بر ساخته ناشی از این دیدگاه موجب موضع‌گیری و مقابله در برابر جبهه حق می‌گردد که نمونه آن را در خوارج می‌توان مشاهده نمود. خوارج با وجود پایبندی به ظواهر شریعت در اموری نظیر قرائت قرآن، روزه‌داری و نماز اما بر اثر باورداشتهای ناصواب، کج‌فهمی و بدفهمی، بی‌بصیرتی، ظاهر بینی و قشری‌گری (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۲: ۹۵۷) دچار این استکبار ذهنی شدند. کما اینکه در نقلی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گزارش شده است:

از میان شما گروهی پدیدار می‌شوند که شما نماز و روزه خود را در برابر نماز و روزه آنان و اعمالتان را در برابر اعمال آنان، ناچیز می‌شمارید؛ قرآن می‌خوانند درحالی‌که از گلویشان فراتر نمی‌رود و مانند تیری که از کمان خارج می‌شود از دین بیرون می‌روند (ابن بطریق، ۱۴۰۷: ۴۶۵).



### نمودار ۵. پیامدهای خودایده‌آلی تخیلی در عرصه فکر و اندیشه

امیرمؤمنان علیه‌السلام پیرامون علت انحراف این گروه می‌فرماید: شیطان گمراه‌کننده و نفس‌های وادارنده به بدی، نفس اماره آن‌ها را به آرزوها گول زده و راه نافرمانی‌ها را بروی آنان گشود و فیروزی یافتن (در کارزار) را به آن‌ها وعده داد پس به سختی ایشان را در آتش افکند (حکمت/۳۱۵). این گروه که زمام اختیار خود را به دست شیطان و هوای نفس سپرده بودند به‌ظاهر به عبادات و قرائت قرآن اهمیت بسیار می‌دادند؛ ولی از ریختن خون بی‌گناهان و فساد در میان مسلمین ابا نداشتند و با همین تفکرات واهی به اینجا رسیدند که آن حضرت را به شهادت رساندند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۶۱۷/۱۴).

خطر این گروه علاوه بر گمراهی خودشان از آن حیث است که چه بسا مستضعفین از مردم دچار خطا شده و فریب ظاهر آنان را بخورند. لذا لازم است هویت دینی را مرزبانانی باشد که با سد خالها و دفع خطرها از این مستضعفین حمایت نموده و از انحراف آنان جلوگیری نمایند. حضرت در مورد ارزش کار مرزبانان هویت دینی می‌فرماید:



هر کس از پیروان و شیعیان ما که عالم به دستورات ما باشد و پیروان ضعیف و ناتوان ما را از تاریکی جهل و نادانی به نور علم و دانشی که به او عطا نموده‌ایم خارج سازد، روز قیامت تاجی از نور بر سر دارد و تمامی اهل آن ساحت را روشن سازد و نیز جامه‌ای دارد که تمام دنیا با ذره‌ای از رشته و نخ آن برابری نمی‌کند. سپس ندا کننده‌ای فریاد برآورد: ای بندگان خدا این فرد دانشمند، یکی از شاگردان علمای آل محمد است (طبرسی، ۱۴۰۳: ۱۶/۱).

#### ۴. نتیجه‌گیری

تهدیدات هویتی مستمر و الگوهای وارداتی و کاذب هویتی، ضرورت دستیابی به نظام منسجم هویتی را که پاسخگوی نیازهای جامعه باشد روزافزون می‌نماید. بررسی و تحلیل سیره و سخن امیرمؤمنان علیه‌السلام با توجه به مرجعیت و جایگاه محوری شیوه حکومتی حضرت، دستیابی به ساختاری حصین و درعین حال پویا و مبتنی بر اصالت دینی را امکان‌پذیر می‌سازد. زدودن ایستارهای خرافی و طبقه‌بندی‌های هویتی موهوم از آذهان مردم و گسترش امنیت هویتی در جامعه از جمله رویکردهایی است که می‌تواند تهدیدات را قبل از به فعلیت رسیدن، از میان بردارد. تغییر نگرش نسبت به ساحت‌های مختلف هویتی نظیر هویت قومی و قبیله‌ای، تعدیل و گزینش و همچنین تبدیل زمینه‌های تهدید به فرصت‌های مطلوب برای تقویت هویت دینی و اساساً تعریف و تبیین جایگاه هویت دینی خارج از مرزبندی‌های هویتی سطحی و حداقلی بخش دیگری از راهبرد مبارزه با تهدیدات هویتی را تشکیل می‌دهد. ابطال قرائت‌های غیردینی از هویت و مرزبندی دقیق و الهی با غیریت‌های مطرود سیاسی، اقتصادی و اندیشه‌ای پدیداری هندسه هویتی مطلوب بر اساس معیارهای دین را فراهم می‌آورد.

در پایان می‌سزد مسائل قابل تأمل در پیوند میان منظومه فکری امیرمؤمنان علیه‌السلام و هویت دینی به علاقه‌مندان کاوش در این زمینه ارائه شود. امید داریم که در روزگاری نه‌چندان دور، سرانجام در بررسی‌های دیگر محققان ابعاد دیگر این مسئله را به شکلی محققانه و از چشم‌اندازهای گوناگون مورد مذاقه دهند.

#### جدول ۱. پیشنهادات موضوعی مرتبط با مسئله

ردیف	عنوان
۱	راهبردشناسی عمیق معرفتی و ارتقای قدسی هویت دینی از منظر امیرمؤمنان علیه‌السلام در نهج‌البلاغه
۲	شاخصه‌شناسی مواجهه امیرمؤمنان علیه‌السلام با تهدیدهای هویتی با تأکید بر نهج‌البلاغه
۳	بحران هویتی در منظومه فکری امیرمؤمنان علیه‌السلام (ماهیت، فرایند و پیامدها)
۴	بررسی نقش التقاط فرهنگی در تخریب هویت دینی از دیدگاه امیرمؤمنان علیه‌السلام در نهج‌البلاغه
۵	بررسی نقش استحاله فرهنگی در تحریف هویت دینی از منظر امیرمؤمنان علیه‌السلام در نهج‌البلاغه
۶	سبک‌شناسی امیرمؤمنان علیه‌السلام در مواجهه با بحران هویت دینی
۷	برون داد تاریخی هویت‌سازی دینی امیرمؤمنان علیه‌السلام در بازه زمانی حکومت
۸	راهکارهای تقابل با هویت‌سازی کاذب دینی از منظر امیرمؤمنان علیه‌السلام در نهج‌البلاغه
۹	نقش درهم‌آمیختگی فرهنگی در تهدید هویت دینی از دیدگاه امیرمؤمنان علیه‌السلام در نهج‌البلاغه
۱۰	الگوی مفهومی هویت دینی در نهج‌البلاغه

## منابع

- القرآن الکریم.
- ابن اعثم الکوفی، ابو محمد احمد. (۱۴۱۱). الفتوح. تحقیق: علی شیری، ج اول. بیروت: دارالأضواء.
- ابن بطریق، یحیی بن حسن. (۱۴۰۷). عمدة عیون صحاح الأخبار فی مناقب إمام الأبرار. ج اول. قم: جماعة المدرسین بقم، مؤسسة النشر الاسلامی.
- ابن فهد حلّی، احمد بن محمد. (۱۴۰۷). عدة الداعی و نجاح الساعی. محقق: احمد موحدی قمی. ج اول. قم: دارالکتب الإسلامی.
- ابن میثم، میثم بن علی. (۱۴۰۴). شرح فتح البلاغة. تهران: دفتر نشر کتاب.
- احمدی مقدم، اسماعیل. (۱۳۸۹). «امنیت اجتماعی و هویت». **مطالعات امنیتی اجتماعی**. ش ۲۳، ۱۳۳-۱۶۳.
- افتخاری، اصغر. (۱۳۸۴ الف). «تکوین نظریه امنیتی علوی، تحلیل دوران قبل از حکومت امام علی علیه السلام». **مطالعات راهبردی**. سال هشتم، ش ۲۸، ۲۳۱-۲۵۶.
- ----- (۱۳۸۴ ب). «استراتژی امنیتی دولت علوی». **مطالعات راهبردی**. سال هشتم، ش ۲۹، ۴۵۹-۴۸۶.
- ----- (۱۳۸۵). «تهدید اجتماعی شده رویکردی تازه در تهدید شناسی»، **مطالعات دفاعی استراتژیک**. ش ۲۷، ۷۹-۱۰۴.
- ----- (۱۳۹۴). «منظومه مفهومی خرد «امنیت اجتماعی شده» در سیره پیامبر اکرم». **دانش سیاسی**. سال یازدهم، پیاپی ۲۱، ۴۴-۵.
- افروغ، عماد و اولیایی، احمد. (۱۳۹۸). «عدالت فرهنگی، عنصر مقوم حکومت علوی». **علوم سیاسی**. سال ۲۲، ش ۸۵، ۴۷-۷۲.
- اکبری، محمدعلی. (۱۳۹۳). **تبارشناسی هویت جدید ایرانی**. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- الطائی، علی. (۱۳۷۸). **بحران هویت قومی در ایران**. تهران: نشر شادگان.
- آیت‌الله خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۹۸). **پیشوای صادق**. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
- پرهیزکار، غلامرضا. (۱۳۹۳). **هویت شیعی در عصر صادقین علیهما السلام با تأکید بر ارتباطات میان مذهبی و میان فرهنگی**. قم: دانشگاه باقرالعلوم.
- پورعزت، علی اصغر. (۱۳۹۶). **مدیریت اسلامی در پرتو نهج البلاغه امام علی علیه السلام**. تهران: بنیاد نهج البلاغه.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد. (۱۴۱۰). **غررالحکم و درر الکلم**. ج دوم، قم: دار کتاب الإسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۳). **تفسیر تسنیم**. زمستان ۱۳۹۳. چ سوم، قم: اسراء.
- جوینی پور، سیما و پیروزفر، سهیلا. (۱۳۹۷). «گونه‌شناسی استکبار و ماهیت آن در قرآن کریم». **مطالعات قرآن و حدیث**. سال ۱۲، ش ۱، ۱۶۹-۱۹۸.
- جهان‌بین، فرزاد، نعمتی، محمد. (۱۳۹۴). «معیار و راهبردهای عدالت اقتصادی در نهج البلاغه»، **فصلنامه**

- پژوهشنامه نهج البلاغه، سال سوم، شماره ۱۰، ۱۰۳-۱۲۲.
- حاجیانی، ابراهیم. (۱۳۹۴). «امنیت هویت، مبانی و چارچوب مفهومی»، **جامعه‌شناسی ایران**، دوره ۱۶، شماره ۴، ۳-۳۵.
  - حاجی‌زاده، یدالله. (۱۳۹۷). «کارکردهای حکومت جهانی امام مهدی در امنیت بخشی به جامعه». **مشرق موعود**. سال دوازدهم، شماره ۴۷، ۲۰۷-۲۲۶.
  - حکیمی، محمدرضا؛ حکیمی، محمد و حکیمی، علی. (۱۳۸۰). *الحیة*. ترجمه: احمد آرام، چاپ اول. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
  - دلشاد تهرانی، مصطفی. (۱۳۹۲). **لوح بنیایی**. تهران: دریا.
  - زروندی، یاری. (۱۳۹۶). «کالبدشکافی تهدیدات با تأکید بر مفهوم امنیت ملی». **مدیریت و پژوهش‌های دفاعی**. سال شانزدهم، ش ۸۵، ۱۱۷-۱۴۴.
  - طبرسی، احمد بن علی. (۱۴۰۳ ق). *الاحتجاج علی أهل اللجاج*. چ اول، مشهد: نشر مرتضی.
  - عرفان، امیرمحسن. (۱۳۹۸). «سبک‌شناسی مواجهه امام علی با گسست‌های فعال اجتماعی»، **علوم سیاسی**، سال ۲۲، شماره ۸۵، ۱۱۹-۱۴۲.
  - علم‌الهدی، جمیله. (۱۳۸۶). «هویت از منظر قرآن و فلاسفه»، **بینات**، سال چهاردهم، شماره ۵۵، ۲۰۸-۲۳۰.
  - فیض‌الاسلام اصفهانی، علی‌نقی. (۱۳۶۸). **ترجمه نهج البلاغه**. تهران: فقیه.
  - کلینی، محمدبن یعقوب. (۱۴۰۷). *الکافی*. محقق: علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی. چ چهارم تهران: دارالکتب الإسلامية.
  - گل محمدی، احمد. (۱۳۸۹). **جهانی‌شدن، فرهنگ، هویت**. چ چهارم. تهران: نشر نی.
  - گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۶). **جامعه‌شناسی**. همکاری: کارن بردسال. ترجمه: حسن چاوشیان. چ اول. تهران: نشر نی.
  - لیثی واسطی، علی بن محمد. (۱۳۷۶). *عیون الحکم و المواعظ*. چ اول. قم: دارالحدیث.
  - مبلغ، نرگس‌سادات و دلشاد تهرانی، مصطفی. (۱۳۹۶). «تحلیل شخصیت معاویه بر اساس گزارش‌های تاریخی حکومت او»، **پژوهشنامه علوی**، سال هشتم، شماره اول، ۷۱-۹۶.
  - مبلغی، عبدالمجید. (۱۳۹۸). **سیر تطور هویت‌یابی شیعیان تا پایان مدرسه شیعی بغداد**. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
  - مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. (۱۴۰۳). *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، چ ۲، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
  - محمص، مرضیه. (۱۳۹۸). **هویت اجتماعی در نگره امام علی علیه‌السلام**. تهران: بنیاد نهج‌البلاغه.
  - معصومی جشنی، عبدالله. (۱۳۸۹). **قبیله‌ی همدان و نقش آن در تاریخ اسلام و تشیع** (قرن اول هجری قمری). قم: دلیل ما.
  - مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳). *الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*. محقق: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام. چ اول. قم: کنگره شیخ مفید.
  - مقدسی، یوسف؛ طالبی قره‌قشلاقی، جمال و بابازاده اقدم، عسگر. (۱۴۰۰). «رویکرد قرآن کریم به امر سلطه

- گری و سلطه‌پذیری». **مطالعات قرآنی**. سال دوازدهم، ش ۴۵، ۷۹-۱۱۱.
- مکارم شیرازی ناصر. (۱۳۸۶). **پیام امام امیر المومنین علیه السلام**. چ اول. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
  - منقری، نصرین مزاحم. (۱۳۷۰). **پیکار صفین** (ترجمه وقعه الصفین). ترجمه: پرویز اتابکی. چ دوم، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
  - ----- (۱۴۰۴). **وقعه الصفین**. محقق: هارون عبدالسلام. چ دوم، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
  - نجفیان، مهدی و علوی، سید حمیدرضا. (۱۳۸۹). «مدیریت تعارض در سیره عملی حضرت علی علیه السلام از منظر نهج البلاغه»، **مطالعات اسلامی در علوم رفتاری**، سال اول، شماره دوم، ۴۵-۷۰.



— CONTENTS —

---

- Discourse Study of Written Letters of Imam Ali (as) to Mu'awiyah Based on Van Dijk's Approach..... 1**  
Z. Afzali, M. S. Ghiasian.
- Expressing the position of communication in the structure of public service motivation theory based on Nahj al-Balagha .....23**  
A. N. Amiri, M. J. Motamed, H. Zarei Matin
- Investigating the Factors Affecting the Independence of the Auditor from the Perspective of Imam Ali (pbuh) with Emphasis on Nahj al-Balagha ..53**  
A. a. Golestanifar, S. S. Hashemi, A. Bahadori, M. Lashkarbolooki
- Scientometrics of Quarterly Research Journal of Nahj al-Balagheh.....89**  
A. Akbari
- Explaining the model of good speech from the point of view of Nahj al-Balaghah and the quality of attention to it in the curriculum of the second grade of elementary school..... 113**  
M. Zarei, M. Kiyani
- Studying the Guiding Strategy in Imam Ali's discourse  
(A Case study of the Letter Sent by Imam Ali to Othman Ibne Hunayf) ..139**  
Kh. Janghorban, A. H. Rasoulnia, R. Sayyadi Nezhad
- Typology of encountering identity threats from the viewpoint of Amir al-Mu'minin (as) with emphasis on Nahj al-Balagha ..... 163**  
M. Fekrifallah, A. M. Erfan



Bu-Ali Sina University

## Quarterly Journal of Nahj al-Balagha Research

(Scientific)

Vol. 10, No. 38, Summer 2022

- ❖ **Licence holder:** Bu-Ali Sina University
- ❖ **Field of Publication:** Nahj al-balagha Research
- ❖ **Director:** Mosaieb Yarmohamadi vassel
- ❖ **Editor - in - chief:** Seyed Mehdi Masbogh
- ❖ **English Editor:** Sajad Sepehriniya
- ❖ **Internal Manager:** V. MirzaEbrahimi
  
- ❖ **Editorial Board (In Alphabetical Order):**
  - ❖ Salahaldin Abdi Associate Professor of Bu-Ali Sina University
  - ❖ Mohamad Taghi Dayari Bidgoli Professor, University of Qom
  - ❖ Hassan Dadkhah Tehrani Professor, Shahid Chamran University, Ahvaz
  - ❖ Seyed MohammadReza Ebnealrasoul Professor, University of Isfahan
  - ❖ Morteza Ghaemi Professor Bu-Ali Sina University
  - ❖ Seyed Mehdi Masbogh Professor Bu-Ali Sina University
  - ❖ Faramarz Mirzaee Professor, University of Tarbiyat Modares
  - ❖ Ezat Mollaebrahimi Professor, University of Tehran
  - ❖ Ali Nazari Professor, Lorestan University
  - ❖ Seyed Hossein Seyedi Professor, University of Ferdosi Mashhad
  - ❖ Karm Siyavashi Associate Professor Bu-Ali Sina University
  - ❖ Ali Bagher Taheriniya Professor, University of Tehran
  - ❖ Mosaieb Yarmohamadi vassel Professor, Bu-Ali Sina University
  - ❖ Mohammad Reza Yousefzade Professor, Bu-Ali Sina University
  
- ❖ **Scientific Consultants (In Alphabetical Order):**

Afzali, Z., Afzali, A., Asghari Sarem, A., Cheraghivash, H., Fereydooni, M. R., Eslambolchi, A. R., Ghanbari, S., Ghiathi, N., Ghofrani, A., Hakkak, M., Heydarynasab, A. R., Marashi, S. M., masbogh, S. M., Mulaee, A., Najafi Ivaki, A., Pourjamshidi, M., Rahmani, M., Rashidi, Sh., Salehi, A., Savagheb, J., Torkashvand, F., Yarmohammadi Vassel, M.
  
- ❖ **Designer:** M. Jamshidi
- ❖ **Publisher:** Roshan
- ❖ **Circulation:** 100 Copies
- ❖ **Price:** 100000 Rials
- ❖ **Journals office address:** Deputy of Chancellor in research, Bu-Ali Sina University, Hamedan
- ❖ **Tel:** 081-38380698
- ❖ **Website Publication System:** <http://nab.basu.ac.ir>
- ❖ **Email:** [journal.nahj@yahoo.com](mailto:journal.nahj@yahoo.com) and [journal.nahj@basu.ac.ir](mailto:journal.nahj@basu.ac.ir)

**In The Name Of God**